

سورة الاحزاب



دو فصلنامه علمی زبان و فرهنگ ملل

ویژه نامه ظرفیت های فرهنگی و علمی ایران و آمریکای لاتین
(مقالات فارسی و عربی)

دوره ۷، شماره ۱۴، دی ماه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: جامعة المصطفى العالمية
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر سید حسین ساجد
سر دبیر: دکتر محمد فولادی
دبیر علمی و مدیر داخلی: دکتر محمد قربانپور دلاور
ویراستار ادبی: دکتر سید مهدی قافله باشی
ویراستار انگلیسی: دکتر محمد ناصر واعظی
کارشناس نشریه: محمد مهدی پیروز مفرد

- ❖ دو فصلنامه «زبان و فرهنگ ملل»، بر اساس مجوز شماره ۸۲۳۲۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۱ معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود.
- ❖ این مجله بر اساس مجوز شماره ۵۰۷/۱۱۱۵۸/د مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۰، مورد تأیید جامعة المصطفی العالمية است.
- ❖ این مجله حاصل فعالیت علمی «مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی» جامعة المصطفی العالمية است.



اعضای هیئت تحریریه

محمد فولادی (دانشیار دانشگاه قم)
حمیدرضا یوسفی (استاد تمام دانشگاه‌های پوتسدام و زارلاند، آلمان)
هارالد زویبرت (استاد تمام دانشگاه غیردولتی الهیات بازل، سوئیس)
پیتر گردسن (استاد تمام دانشگاه هامبورگ، آلمان)
نعمت‌الله صفری فروشانی (استاد تمام جامعة المصطفیٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ العالمية)
حسین عبدالمحمدی بنچناری (دانشیار جامعة المصطفیٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ العالمية)
محمدعلی میرعلی بیداخویدی (دانشیار جامعة المصطفیٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ العالمية)
محمدرضا یوسفی (دانشیار دانشگاه قم)
حسن خیری (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم)

مشاوران علمی این شماره

سیدحسین ساجد، محمد قربانپور دلاور، سعید عبیری، سیدمحمد جواد میرجعفری،
حسن میرامام، مصطفی مطهری، محسن قنبری، مرتضی آقامحمدی، محمد روحانی

سامانه الکترونیکی مجله جهت ثبت نام و ارسال مقاله: lcn.journals.miu.ac.ir
پست الکترونیکی مجله: P.ilcs@miu.ac.ir
شاپای چاپی: ۷۲۱۰ - ۲۶۴۵
چاپ و صحافی: جامعة المصطفیٰ العالمية
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
بهاء: ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال
نشانی دفتر مجله: قم، گلزار شهدا، بلوار شهیدان شاهرودی، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۰۴۸۱۰۵

شرایط پذیرش و راهنمای تدوین مقالات

- دو فصلنامه «زبان و فرهنگ ملل»، از تمامی استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه دعوت می‌نماید با رعایت نکات ذیل، مقالات پژوهشی خود را از طریق سامانه الکترونیکی مجله به نشانی: lcn.journals.miu.ac.ir ارسال نمایند.
- هر گونه مقاله پژوهشی که در آن موازین علمی و پژوهشی رعایت شود و متناسب با موضوع مجله و در عرصه زبان و فرهنگ ملت‌ها نوشته شده باشد، مورد بررسی، داوری و چاپ در مجله قرار خواهد گرفت.
- مقالات ارسالی نویسنده/ نویسندگان، بایستی حاوی موضوعات بدیع باشد و پیشتر در مجله یا همایشی چاپ نشده باشد. نویسندگان محترم توجه داشته باشند که مقالات ترجمه شده، به همراه متن اصل مقاله ارسال شود.
- هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز حک و اصلاح مقالات آزاد است.
- تقدّم و تأخر در چاپ مقالات، با بررسی و نظر هیئت تحریریه تعیین می‌گردد.
- مسئولیت صحت مطالب مندرج در هر مقاله به عهده نویسنده/ نویسندگان است.
- حق چاپ پس از پذیرش برای دو فصلنامه «زبان و فرهنگ ملل» محفوظ است و نویسندگان نمی‌توانند مقالات خود را در جای دیگر چاپ کنند.
- پیکره مقلله باید شامل: چکیده، کلید واژه، مقدمه، پیشینه تحقیق، بحث، تحلیل و نتیجه‌گیری باشد.
- معیار نگارش و رسم‌الخط بر اساس آخرین شیوه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.
- مقالات بایستی در محیط *word* و با فونت ۱۳ و قلم **B zar** تایپ و از طریق سامانه مجله بارگذاری گردد.

نویسندگان محترم دقت فرمایند که به هنگام ارسال مقالات، فایل اصل مقاله، بدون نام نویسندگان باشد. مشخصات کامل نویسنده/ نویسندگان (به ترتیب اولویت به هنگام چاپ)، رتبه علمی، محل اشتغال، شماره تلفن، نشانی منزل و نشانی پست الکترونیکی در فایل دیگری تایپ و در سامانه مجله بارگذاری شود.

▪ چکیده مقاله حداکثر در ۲۵۰-۲۰۰ کلمه به دو زبان فارسی و انگلیسی همراه با ۷-۵ کلید واژه ضمیمه گردد. چکیده باید در یک بند حاوی اجزای اصلی مقاله یعنی: بیان مسئله، اهداف مورد نظر، روش تحقیق و مختصری از نتایج به دست آمده از پژوهش باشد.

▪ مجله از پذیرش مقاله‌های بیش از ۲۰ صفحه A4 (۸۰۰۰ کلمه) معذور است.

▪ معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت نوشته شود.

▪ پاورقی‌های توضیحی در پیوست مقاله و بعد از نتیجه‌گیری قرار گیرد.

▪ به جای ذکر منبع مورد استفاده در پاورقی یا پایان هر مقاله، بعد از هر نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم، منبع مورد نظر به صورت «درون متنی» و به شکل: (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۵) / (نام خانوادگی، سال انتشار، شماره جلد: شماره صفحه) ذکر شود.

▪ منابع پایانی مقاله به ترتیب حروف الفبایی نویسندگان، به صورت ذیل آورده شود: کتاب: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). عنوان کتاب. نام مترجم/ مصحح. نوبت چاپ. محل نشر: نام ناشر.

مانند: زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۳). ارزش میراث صوفیه. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر. مقاله: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله». نام مجله. دوره/سال مجله. شماره مجله. صفحات مقاله.

مانند: پاینده، حسین. (۱۳۸۶). «رمان پسامدرن چیست». فصلنامه ادب پژوهی. سال اول. شماره ۲. صص: ۴۷-۱۱.

سخن سردبیر

با توجه به ضرورت و اهمیت جایگاه فرهنگ در اسلام و سایر ادیان، می‌توان بیان نمود که مقوله دین و فرهنگ همواره دارای رابطه پیوسته و ناگسستنی‌ای دارند. به عبارت دیگر، همانگونه که دین در عرصه تمدنی و فرهنگی انسان، نقش اساسی را به عهده دارد، فرهنگ نیز در استفاده شایسته و بایسته از فعالیت در محیط‌های مادی و معنوی به آدمی کمک می‌کند و چه بسا عامل تأثیرگذار در تکامل و پیشرفت انسان می‌گردد. از سویی دیگر، زبان و ادبیات اقوام و ملیت‌ها یکی از مولفه‌های مهم و اساسی فرهنگ، به شمار می‌رود و هر شخص در هر سطح، در ارتباط و تعامل با سایر اقوام و ادیان، ناگزیر از شناخت دقیق زبان و فرهنگ مخاطب می‌باشد. این مهم در مبانی دینی اسلام نیز به خوبی تأکید گردیده که برای بیان حقایق اسلامی و اعتقادی با زبان هر قوم تبیین نماید. مانند آنچه که در آیه چهارم سوره ابراهیم بیان شده است: «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، جز با زبان قومش؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد».

بنا بر همین ضرورت، «مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی» جامعه‌المصطفی‌العالمیه با توجه به اهمیت تمرکز بر پژوهش‌های فرهنگی با رویکرد بین‌المللی و نیز مطالعه آداب و رسوم و زبان و ادبیات و فرهنگ ملت‌ها و نیز بازشناسی جریان‌های فرهنگی مؤثر در کشورها، با تأسیس نشریه علمی چندزبانه «زبان و فرهنگ ملل» و چاپ مقالات پژوهشی دانشمندان این عرصه، در تلاش است که تصویر روشنی از وضعیت فرهنگی، زبانی و تعاملات میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها را ارائه دهد.

در پایان، مسئولان اجرایی این نشریه از تمامی محققان برجسته بین‌المللی در مراکز گوناگون فرهنگی و علمی داخل و خارج کشور، دعوت می‌نماید که با ارسال مقالات علمی به سامانه نشریه «زبان و فرهنگ ملل» (به نشانی: Icn.journals.miu.ac.ir) نکته نظرات علمی و پژوهشی و تحقیقاتی خود را به اطلاع جامعه مخاطبان فرهیختگانی این نشریه برسانند. از پیشنهادات و انتقادات علمی اساتید گرانسنگ، بهره لازم را خواهیم برد.

فهرست مطالب

- مطالعه تطبیقی مبارزه با استعمار در ایران و کوبا..... ۱۱
علیرضا بابایی / سید حسین ساجد
- چشم انداز همکاری های علمی و پژوهشی ایران و آمریکای لاتین ۳۷
محمد حسین توکلیان
- الگوی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آرژانتین ۶۳
معصومه مرادجانی / جلال غفاری / پیمان جلی / اکبر نصرالهی
- جریان شناسی عرفان در آمریکای لاتین ۱۱۷
حسن اردشیر لاجیمی
- فلسفه آزادی بخش یا فلسفه آمریکای لاتین ۱۳۳
هادی ضرغامی
- ارزیابی مقایسه ای الگوی مبارزه با ظلم از دیدگاه کلیسای کاتولیک رومی و
الهیات رهایی بخش آمریکای لاتین ۱۶۱
سیدمحمدرضا میریوسفی
- افق ها، اهداف و رویکردهای مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای
لاتین ۱۸۹
خسرو آرام
- بولیوارسیم و تاثیر آن بر سمت و سو های سیاست خارجی کشورهای آمریکای
لاتین در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ ۲۰۹
صلاح الدین هرسنی
- بررسی ایدئولوژیک سیاسی چاویسم ۲۳۹
محمدحسین زارع / احمداسدزاده
- مطالعه تطبیقی مراسم تولد خورشید در ایران و بولیوی ۲۵۷
مهدی هنرجو
- ارزشهای فرهنگی مشترک ایران و آمریکای لاتین ۲۸۵
محمد حسن زارع / سوخی اینوخوسا کلین
- تحلیل ثقافة المقاومة من وجهة نظر الإسلام ۳۱۳
عبدالقادر امینی / سعید العبیری

مطالعه تطبیقی مبارزه با استعمار در ایران و کوبا

علیرضا بابایی^۱

استاد همکار گروه ادبیات عربی، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

سید حسین ساجد^۲

دکتری مدیریت - فقه و اصول؛ رئیس مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

چکیده

قرن بیستم بستر شکل گیری دگردیسی های سیاسی اجتماعی مختلف در کشورهای گوناگون است که پیدایش انقلاب های متعدد را می توان از نمونه های شاخص این دگردیسی دانست. برخی از این انقلاب ها نه تنها در سنجش داخلی و ملی کارساز بودند، بلکه سیاست جهانی و نظم جغرافیایی پهنه گیتی را نیز دستخوش دگرگونی های عمیقی کردند. انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۷ میلادی به رهبری فیدل کاسترو و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی به رهبری امام خمینی دو انقلاب مهم در این قرن است. این دو انقلاب از آنجا که برآمده از خیزش های مردمی بوده و سرنگونی رژیم حاکم و تغییر وضع موجود را در پی داشته است، دارای شباهت ها و البته تفاوت هایی با یکدیگر هستند؛ از این رو، بررسی علل وقوع و ماهیت این دو انقلاب سیاسی اجتماعی در قرن بیستم یکی از مباحث نگرینتی بوده که ذهن پژوهشگران و علاقه مندان را به خود جلب کرده است. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه ای و نرم افزارهای رایانه ای به

1. E-mail: a.babaei.pr@miu.ac.ir

2. E-mail: samir201333@yahoo.com

کاوش در شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو انقلاب پرداخته است. هدف از این پژوهش ایجاد درک و تحلیل صحیح از مسائل دو انقلاب برای دانشمندان، سیاستمداران و تصمیم‌گیران و جلوگیری از خطای راهبردی به هنگام مقایسه دو انقلاب است. جنبش ضد استعماری، آرمان ضد دیکتاتوری، مقابله ایالت متحده آمریکا از جمله شباهت‌های دو انقلاب و علل وقوع، ایدئولوژی، شخصیت رهبری، استقلال و اتکاء به نیروی مردمی یا عوامل خارجی، میزان حضور مردم، بی‌پروایی یا ترس از مقابله با سیاست‌های استعماری ایالت متحده آمریکا و سطح گستره تاثیرات انقلاب در جهان از جمله تفاوت‌های مهم آن است.

واژگان کلیدی

استعمار، انقلاب، ایران، کوبا، آمریکا، فیدل کاسترو، امام خمینی.

مقدمه

رشد و آگاهی افکار عمومی جهان در رویارویی با سیاست‌های استثماری، نظام سلطه به ویژه آمریکا را در کاربست پروژه‌های استعماری در پنج قاره جهان با چالش‌های جدی روبرو کرده است. نبرد با استعمار یکی از مهمترین و پر ارزش‌ترین کنشگری‌هایی است که در تاریخ بسیاری از کشورها صورت گرفته است. این مبارزه‌ها بیشتر به هدف حفظ استقلال، خودمختاری و جلوگیری از چیرگی ستیزجویانه امپریالیست‌ها بر کشورها انجام شده است.

بزرگترین و مهم‌ترین انقلاب سیاسی اجتماعی پیش از قرن بیستم، به سال ۱۷۸۹م (۱۱۶۸ش) در فرانسه تحت عنوان انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوست. این انقلاب، خروج مردمی بود که برای اولین بار به حاکمیت موروثی و اشرافی خاندان‌های فئودالی و حاکم بر جامعه فرانسه خاتمه دادند و نظم اجتماعی کهنی را که قرن‌ها مبتنی بر اراده پادشاه و سلطه مطلق او بر زندگی مردم فرانسه استوار شده بود درهم

شکستند. شکسته شدن این نظم کهن، از یک سو گرایش به سوی انقلاب‌های اجتماعی را در سایر اجتماعات انسانی تقویت کرد و از سوی دیگر، پیدایش عصر تازه‌ای را در زندگی بشر رقم زد و موجب تحولات بزرگ فکری و اجتماعی در قرون بعد شد (علیزاده سوده، فرشته، ۱۳۸۹: ص ۳۸). به ویژه در قرن بیستم که به حق می‌توان آن را «قرن انقلاب‌ها» نامید. در این سده، اقصی نقاط جهان شاهد تحولات سیاسی اجتماعی متعددی بود که تحولاتی بنیادین را در ساختار سیاسی و ژئوپلیتیکی کشورها به ارمغان آورد.

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که مبارزات با استعمار و امپریالیسم به عنوان یک بخش بسیار مهم و پراهمیت از تجربه‌ی این کشور به شمار می‌آید. این مبارزات، که جزء مبارزات مردم ایران برای حفظ استقلال، خودمختاری و حکومت مشروع محسوب می‌شوند، تاریخچه‌ای پرماجرا و برجسته را در تاریخ معاصر این سرزمین به جا گذاشته‌اند. از بین مبارزات متعدد این کشور، آنچه اهمیت داشته و موضوع مطالعه قرار گرفته است، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی به رهبری امام خمینی است. اکنون، نام و شهرت انقلاب اسلامی به علت برخورد با نظریات و سیاست‌های نظام حاکم، ناشی از ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های آزاداندیشانه و دین‌داری است، که به بررسی جدی و نقد عمیق نظریات و سیاست‌های نظام حاکم منجر شده است. این الگو، اگرچه در بسیاری از جنبش‌های منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و مبارزان را به سوی رویکردهای ضداستعماری هدایت کرده است، اما ارزیابی مبارزات ضداستعماری گذشته و مقایسه آن با انقلاب اسلامی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مراحل مبارزه با امپریالیسم در قرن بیستم، در کشور کوبا رخ داده است. این انقلاب در سال ۱۹۵۹ میلادی تحت رهبری فیدل کاسترو و اتفاق افتاد و به سرنگونی حکومت دیکتاتوری باتیستا و برقراری نظام جمهوری اشتراکی انجامید. این انقلاب به یکی از نمونه‌های برجسته‌ی مبارزه با

امپریالیسم در آمریکای لاتین تبدیل شد و نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا کرد. این مقاله در صدد است تا به روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه تطبیقی و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو انقلاب پرداخته تا در خلال آن به اهدافی نظیر فهم عمیق‌تر، شناخت الگوها و ارتباطات، پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل بهتر، تعیین راهبردها، دست یابد.

مفاهیم پژوهش

۱. استعمار

استعمار یک واژه عربی از ماده «عمران» و هیئت «استفعال» به معنای آباد کردن است (فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹: ۱۳۷/۲). در گذشته استعمار به معنای مهاجرت کشورهای متمدن به سرزمین‌های خالی از سکنه به منظور عمران آن سرزمین است. اما اکنون استعمار به معنای نفوذ و دخالت کشورهای زورمند در کشورهای ناتوان به بهانه آبادی و سازندگی و به هدف تاراج بردن دارایی آن‌ها است. استعمار به معنای تسلط و تصرف یک کشور یا منطقه توسط یک کشور یا امپراتوری دیگر است. این تسلط ممکن است در ابعاد مختلفی نظیر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی باشد و بیشتر همراه با بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی کشور مورد تسلط اتفاق می‌افتد. استعمار بیشتر به سوءاستفاده، ستم و ظلم، فقر، عدم توسعه و ناپایداری اقتصادی و اجتماعی در کشورهای تحت تصرف کشیده می‌شود. در این میان، مردم به رهبری سردمداران خود به هدف مقاومت در برابر استعمار، جنبش‌های ملی‌گراهی را تشکیل داده و به دنبال انقلاب و استقلال کشور از تحکم استعمارگران هستند (رهنما، مجید، ۱۳۵۰: ص ۱۵).

۲. کوبا و مبارزات ضد امپریالیسم در آن

کوبا یک کشور جزیره‌ای در دریای کارائیب با مساحت کلی ۱۱۰،۸۶۰ کیلومتر مربع است که شامل خشکی‌ها، آب‌های ساحلی و سرزمینی می‌شود. این کشور با



این مساحت، هشتمین کشور جزیره‌ای بزرگ در جهان است. جزیره اصلی کوبا دارای ۵۰۷۴۶ کیلومتر خط ساحلی و ۲۸۰۵ کیلومتر مرز زمینی است. تنها مرز زمینی کوبا در خلیج گوانتانامو قرار دارد، جایی که پایگاه دریایی گوانتانامو نیروی دریایی ایالات متحده واقع شده است. کوبا به لحاظ جغرافیا، در غرب اقیانوس اطلس شمالی، شرق خلیج مکزیک، جنوب تنگه فلوریدا، شمال غرب آبراهه بادگیر و شمال شرقی تنگه یوکاتان قرار دارد. هاوانا بزرگترین شهر کوبا و پایتخت آن است. شهرهای بزرگ دیگر آن شامل سانتیاگو د کوبا و کاماگوی است. از شهرهای کوچکتر معروف می‌توان باراکوآ را نام برد.

مبارزات ضداستعماری در کوبا نقش مهمی در تاریخ این کشور داشته‌اند. نخستین مبارزات در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی بوده که بر ضد استعمارگران اسپانیایی به ویژه در زمان زندگی جوزه مارتی مبارزه می‌کردند. پس از آن، در دهه‌های بعدی مبارزات برای استقلال از نفوذهای خارجی ادامه داشت. اما مبارزات برجسته‌تری در دهه ۱۹۵۰ به رهبری فیدل کاسترو و اعضای حزب ۲۶ یولیو آغاز شد که در نهایت منجر به انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ شد. این انقلاب سرانجام به سرنگونی حکومت دیکتاتوری باتیستا و برقراری نظام جمهوری اشتراکی در کوبا انجامید (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۵).

۳. ایران و مبارزات ضد استعماری در آن

ایران یک کشور در جنوب غرب آسیا واقع شده و مرکز آن در جلوه‌ای تاریخی و فرهنگی غنی است. با مرکزیت شهر تهران، این کشور با مساحتی حدود ۱'۶۴۵'۵۹۵ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود ۸۰ میلیون نفر، یکی از بزرگترین کشورهای جهان است. ایران یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان را به خود اختصاص داده است و به عنوان جایی با تاریخی چند هزار ساله مطرح است. این کشور دارای فرهنگی چند جانبه و متنوع است که شامل ادبیات، هنر، معماری، موسیقی، و تمدن‌های باستانی



مانند تخت جمشید و پاسارگاد می‌شود. همچنین ایران دارای منابع طبیعی غنی از جمله نفت، گاز، معادن مختلف و آب و هوای گوناگون است که به اقتصاد این کشور اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد. سیاست خارجی ایران نیز در حوزه‌های مختلف از جمله منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا می‌کند. همچنین ایران یکی از کشورهای پیشرو در زمینه پژوهش و فناوری در منطقه و جهان محسوب می‌شود. با وجود چالش‌های مختلفی که این کشور رو به رو است، مردم ایران با فرهنگ پویا و مقاوم، تلاش می‌کنند تا توسعه و پیشرفت را در همه زمینه‌ها به دست آورند. اسلام در ایران از سده هفتم میلادی وارد شد. ورود اسلام به این منطقه به صورت تدریجی اتفاق افتاد و تا دوره‌های مختلف تاریخی، گسترش یافت. این فرآیند توسط مسلمانان عرب در زمان حکومت اموی و عباسی آغاز شد و پس از آن به ویژه در دوران سلجوقیان و صفویان، بخصوص با ظهور دولت صفوی، اسلام به عنوان دین رسمی ایران پذیرفته شد و تاکنون جایگاه بسیار مهمی در فرهنگ و تاریخ این کشور داشته است.

انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین و پرتحرک‌ترین رویدادهای تاریخ ایران و جهان معاصر است که در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. این انقلاب با پرچمداری رهبری امام خمینی و با حمایت گسترده مردم ایران، منجر به پایان یافتن سلطه غرب به ویژه ایالت متحده آمریکا و سرنگونی حکومت شاهنشاهی محمدرضا پهلوی و برقراری یک نظام جمهوری اسلامی شد. این انقلاب تأثیرات گسترده‌ای در سیاست، اقتصاد، فرهنگ، و اجتماع ایران داشته و تاکنون نقش بسیار مهمی در تاریخ معاصر ایران و نیز در دینامیک‌های سیاسی منطقه و جهانی ایفا کرده است (حشمت زاده، ۱۳۸۳: ص ۷).



شباهت‌های انقلاب اسلامی و انقلاب کوبا

بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا شباهت‌هایی وجود دارد. این دو انقلاب از جهات مختلف در یک گروه قرار گرفته باشند و طی آن علاوه بر آن که نظام سیاسی پیشین سرنگون شده باشد، تحولاتی بنیادین در آن کشور ناشی از انقلاب به وجود آمده باشد و نقش گروه‌های مردمی در آن تعیین کننده باشد. اما هر کدام دارای شرایط و ویژگی‌های خاص خود هستند. در اینجا به برخی از شباهت‌ها پرداخته می‌شود:

۱. تحریکات ضد استعماری: هر دو انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا به عنوان نمونه‌هایی از تحریکات ملی مردمی در جهت مبارزه ضد استعماری در قرن بیستم شناخته می‌شوند.

۲. فشارهای بیگانگان به ویژه ایالات متحده آمریکا: هر دو انقلاب برابری با نفوذ خارجی و تأثیرات آن را تأکید کردند و به دنبال تحقق استقلال و خودمختاری بودند. پس از شروع مبارزات، ایران و کوبا همواره با تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی به رهبری ایالت متحده آمریکا مواجه شده‌اند و با این وجود، همچنان در مسیر مبارزه با امپریالیسم و حفظ استقلال و خودمختاری کشور قرار دارند.

ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی خود، پیوند نزدیکی با رژیم‌های پهلوی (در ایران) و باتیستا (در کوبا) برقرار کرده بود و از آن‌ها آشکارا حمایت می‌کرد و همین امر موجب نارضایتی و بدبینی توده‌های مردم این کشورها نسبت به سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا شده بود. حتی این مسئله تا آنجا برای مردم دارای اهمیت بود و خشم عمومی را برانگیخته بود که بیرون راندن آمریکا و رفع دخالت‌های سلطه‌طلبانه این کشور، به انگیزه‌ای برای توده‌ها جهت سرنگونی رژیم‌های وابسته به آمریکا مبدل شد.

این تنش‌ها منجر به بسته شدن سفارت آمریکا در تهران، پایتخت ایران، در سال



۱۳۵۸ شمسی و در هاوانا، پایتخت کوبا، در سال ۱۹۶۱ میلادی شد. امری که به «تسخیر لانه جاسوسی» از سوی رهبر هر دو کشور لقب گرفت. این تصمیم به دنبال تدابیر دولت مستقر در ایران و کوبا در مواجهه با تدابیر تحریمی ایالات متحده آمریکا برای لغو انقلاب و تسلط بر منافع آن بود. این رویداد از آن زمان تا به امروز با تحولات مختلف، به خصوص در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری آمریکا، تحت تأثیر قرار گرفته و روابط دوجانبه بین این دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

۳. آرمان‌های ضد دیکتاتوری: هر دو انقلاب بر ضرورت مبارزه با دیکتاتوری و تبعیض اجتماعی تأکید داشتند و به دنبال تحقق ایده‌آل‌های عدالت اجتماعی بودند.

۴. رهبری برای تغییر: هر دو انقلاب با رهبری شخصیت‌های معتبر و ایدئولوژیکی (امام خمینی در ایران و فیدل کاسترو در کوبا) صورت گرفتند که برای تغییرات سیاسی و اجتماعی کلان ایستادگی کردند.

۵. تاثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی: هر دو انقلاب به عنوان رویدادهایی با تأثیر گسترده در منطقه‌ای و بین‌المللی معروف هستند و تأثیرات آن‌ها هنوز هم در جهان مشهود است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۴۱).

تفاوت انقلاب اسلامی و انقلاب کوبا

هر دو انقلاب به عنوان رویدادهای تاریخی مهم و با تأثیرات بی‌نظیر در جهان شناخته می‌شوند، اما با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های مهمی نیز بین آن‌ها وجود دارد.

۱. علل وقوع دو انقلاب

وقوع انقلاب ایران دارای علل وجودی گوناگونی بود و برخلاف انقلاب‌های دیگر که بیشتر جنبه اقتصادی یا سیاسی داشتند، نمی‌توان تنها یک عامل را به عنوان علت قطعی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در نظر گرفت؛ چرا که عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به صورت توأمان در شکل‌گیری وضعیت انقلابی در

ایران نقش داشته‌اند. با این حال در ادامه به بیان برخی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در مورد علل وقوع انقلاب اسلامی پرداخته خواهد شد.

متفکرین غربی اغلب مسأله مدرنیته را مطرح می‌کنند. اساس این بحث نیز برپایه اصلاحاتی است که رژیم گذشته در ۱۵ سال آخر حکومتش انجام داد، اما آهنگ این اصلاحات بسیار سریع بود و در جامعه‌ای مثل ایران که بخش عمده آن را اقشار سنتی تشکیل می‌دهند، آمادگی لازم برای هضم این تحولات وجود نداشت، در نتیجه جامعه دچار ناهنجاری اجتماعی و سپس ناهنجاری سیاسی شد و لاجرم انقلاب اسلامی را با خود به همراه آورد. نگاهی به تاریخ ایران قبل از انقلاب اسلامی، مبین این واقعیت است که نوع زمامداری حکومت محمدرضاشاه را سیاست‌های مدرنیستی پهلوی سامان داده بود. سیاست‌هایی که مرحله جدیدی از نارضایتی اجتماعی اقتصادی و رفاهی اقشار مختلف جامعه و ادغام اجباری سیاسی آن‌ها را به دنبال داشت؛ عواملی که مردم ایران را از هر طبقه‌ای به ادراک و فهم این نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها سوق داده بود (جووانپور هروی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۲۸).

دیدگاه دیگری مطرح است که اساس و ریشه انقلاب را در مسائل اقتصادی جستجو می‌کند. برطبق این دیدگاه، انقلاب اسلامی ریشه در ناهنجاری‌های اقتصادی دارد که در سال‌های آخر عمر رژیم گذشته بروز کرد. هنگامی که در سال ۱۳۵۲ شمسی جنگ رمضان پیش آمد و به دنبال آن غرب از جانب اعراب مورد تحریم نفتی قرار گرفت، قیمت‌های نفت در بازارهای جهانی بالا رفت و در مدتی کمتر از شش ماه قیمت آن به چهار برابر قیمت اولیه رسید. این تحولات باعث شد که درآمد رژیم شاه از ۵ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار افزایش یابد. مدافعین نظریه «اقتصاد عامل انقلاب» بحث خود را از اینجا شروع می‌کنند که این درآمد هنگفت وارد اقتصاد ایران شد ولی اقتصاد ایران در مجموع ظرفیت و توان ساخت‌وساز لازم را برای جذب این درآمد نداشت و اصطلاحاً داغ کرد که نتیجه‌اش به صورت تورم،



فساد و رشوه‌خواری، گرانی، قطع برق و بیکاری مشاهده شد. افزایش مشکلات اقتصادی و معیشتی در اواخر دوره دولت امیرعباس هویدا و ناکارآمدی کابینه او و نیز سیاست‌های ضدتورمی که دولت جمشید آموزگار اعمال کرد، باعث شد که بحران اقتصادی عمیق‌تر شود، لذا به تدریج این معضل به بحران سیاسی تبدیل و در نهایت منجر به انقلاب شد. این دیدگاه بیشتر در نظر افراد دارای دیدگاه چپ و رادیکال مطرح است (زیباکلام، صادق ۱۳۸۸، صص ۳۱-۳۲). اما باید در نظر داشت که در ایران قبل از انقلاب برخلاف کشورهای که انقلاب‌های بزرگی چون فرانسه و روسیه در آن به وقوع پیوست، نه تنها از نظر اقتصادی بحران و وخامت جدی اقتصادی که غیرقابل کنترل توسط رژیم حاکم باشد وجود نداشت، بلکه در طول چند ساله قبل از انقلاب به علت افزایش ناگهانی و سریع قیمت نفت، توانایی‌ها و قدرت اقتصادی رژیم شاه به سرعت افزایش پیدا کرده بود (کاظمی، ۱۳۸۸: ص ۲۷)

سومین تفکری که در مورد ریشه انقلاب بیان می‌شود با عنوان «اسلام، عامل انقلاب» مطرح است. این دیدگاه به دنبال مسائل اقتصادی و یا مدرنیته نیست. بلکه مشخصاً در مورد اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی تأکید می‌کند. این دیدگاه می‌گوید یک تحول معنوی نمود یافت که بر اثر آن اقشار مختلف به سمت مذهب رفتند و چون این اقشار رژیم شاه را به عنوان رژیم غیرمذهبی می‌شناختند، خواهان ایجاد ساختار و نظم اسلامی شدند و چون این چارچوب به هیچ شکل نمی‌توانست در رژیم شاه بگنجد، برای همین دست رد به سینه رژیم زدند و آن را ساقط کردند و یک رژیم اسلامی به وجود آوردند.

تفکر چهارم معتقد است که اصولاً نمی‌توان انقلاب اسلامی را جدا از سیر کلی سیاسی و اجتماعی تحولات معاصر ایران دانست. به عبارت دیگر، از یک مقطعی بر علیه سیستم سیاسی حاکم بر ایران مبارزه شروع می‌شود. این مبارزه در مقطعی مذهبی هستند که در رأس مبارزه با رژیم شاه قرار می‌گیرند و انقلاب اسلامی در

حقیقت دنباله همین مبارزات بوده است. با این تفاوت که در گذشته رهبری این مبارزه در دست جریان‌های غیرمذهبی بوده اما از نیمه اول دهه پنجاه و به دنبال تحولاتی که چه در خود جامعه صورت می‌گیرد و چه تحولاتی که در زمینه نگرش و تفکر دینی صورت می‌گیرد، جریان‌های دینی هستند که رهبری مبارزه را به دست می‌گیرند و در نتیجه وقتی مبارزه پیروز می‌شود، جریان‌های مذهبی هستند که ساختار سیاسی بعد از انقلاب را پدید می‌آورند. به سخن دیگر، ریشه انقلاب اسلامی را باید در فقدان مشروعیت و مقبولیت سیاسی رژیم شاه جستجو کرد (زیبا کلام، صادق ۱۳۸۸، ص ۳۳).

در مقابل، علت وقوع انقلاب کوبا را می‌توان در اعتراض مردم به وضعیت اسفناک کوبا در امور اقتصادی و بهداشتی و ظلم بیش از حد حکومت باتیستا دنبال کرد. در قرن بیستم زمین‌هایی که طی مبارزات علیه اسپانیا بین خرده مالکین به صورت گسترده تقسیم شده بود، به دلیل توسعه صنعت نیشکر دوباره دست چند نفر متمرکز شد و کوبا تبدیل به جامعه‌ای بی‌ثبات و صدمه‌پذیر با اقتصادی تک‌محصولی متشکل از بازرگانان آمریکایی، فئودال‌های کوبایی و کارگران روزمزد شد. حتی اگر دهقان‌ها حقوق خود بر زمین‌هایشان را اثبات می‌کردند، بازرگانان آمریکایی به آسانی این حق را می‌خریدند و طبقات بالای جامعه کوبا نیز طرفدار بازرگانان آمریکایی بودند؛ به همین دلیل زمین‌های کوبا اغلب و به سرعت به مالکیت آمریکاییان درآمد. سنگینی بار فقر در این جزیره بر دوش کارگران روستایی بود، به طوری که حدود یک میلیون کارگر روستایی زندگی‌شان وابسته به شکر بود و فقط ۱۵ درصد از آن‌ها کار مداوم و سالیانه داشتند (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۶).

در واقع هر چند مردم کوبا توانستند از یوغ استعمار اسپانیا رهایی یابند، اما این پایان کار نبود بلکه شروعی بود بر عصری سراسر خفقان، دیکتاتوری و

تمامیت خواهی آمریکا و ایادی محلی آن که در همه حال منافع آمریکا و شرکت‌های سرمایه گذاری آمریکا را مقدم بر منافع مردم کوبا می‌دانستند. این زمان، دوران فرمانروایی دیکتاتور کوبا یعنی فولخنسیو باتیستا بود؛ در این دوره با تشدید ظلم‌های باتیستا به مردم و حمایت آمریکا از او، گروهی از همان ابتدا به مخالفت با ظلم‌های او به شکل سازمان نیافته پرداختند و عرصه را بر او تنگ کردند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۴۳).

تحولات تاریخی و وضعیت زندگی غم‌انگیز مردم کوبا، سابقه‌ای پررنگ و پیچیده دارد که از دوران حکومت باتیستا شروع شده و تا قبل از آن هم ادامه داشته است. در همین زمان، با انقلاب اکتبر در روسیه و انقلاب چین، نظریات کمونیستی گسترش یافته و تأثیر آن بر جوامع مختلف جهان رو به افزایش بود. این ایدئولوژی‌ها به طور کامل به جامعه کوبا نیز نفوذ پیدا کردند، زیرا برخی تئوریست‌ها و روشنفکران کوبایی آنها را ترویج کرده و به این کشور وارد کرده بودند. در آن دوران، وضعیت بهداشتی کوبا بسیار نگران‌کننده بود؛ فقر و بی‌سوادی مردم این کشور را فراگرفته بود و در عین حال، حکومت باتیستا با ظلم و ستم بسیاری از مردم روبرو بود. از سوی دیگر، دخالت‌های مکرر کشور آمریکا در امور داخلی کوبا، از جمله نگرانی‌های رشد کمونیسم در این کشور بوده است. این دخالت‌ها همچنین به خطر افتادن سرمایه گذاری‌های آمریکا در این منطقه اشاره دارد. در نتیجه، اندیشه‌های کمونیستی به تدریج در جامعه کوبا رشد کرده و با توجه به دلایل فوق، طرفداران زیادی پیدا کرده بودند (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۷).

۲. ایدئولوژی دو انقلاب

انقلاب اسلامی ایران بر پایه ایدئولوژی اسلامی و تأکید بر اصول دینی برگزار شد. اصول اصلی این انقلاب شامل ایمان به یگانگی خداوند متعال، حقانیت دین مبین اسلام و مذهب تشیع، باورمندی به عدل الهی و عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و

ظلم، استقلال ملی، خودکفایی اقتصادی، و تحقق آرمان‌های اسلامی در انواع مختلف زندگی بود. علت این پایه‌گذاری را در قدرت دین باید جستجو کرد. دین، به عنوان یک قدرت بسیج‌گر، نقش مهمی در حرکت‌های تاریخی، چه در دوران میانه و چه در دوران معاصر، ایفا کرده است. این توانایی و استعداد، قبل از ظهور دوران جدید و پدید آمدن انگیزه‌ها و شرایط جدید برای خیزش‌های عمومی، به‌طور مشخص در اختیار ادیان بود. اما در دوران جدید و در عصری که نقش و اهمیت اجتماعی دین نسبت به گذشته کاهش یافته و جریان‌های دیگری با اندیشه‌های گوناگون در جایگاه آن قرار گرفته‌اند، ادیان همچنان یکی از قدرتمندترین جریان‌های بسیج‌گر اجتماعی باقی مانده‌اند، به‌ویژه ادیانی که دارای جهت‌گیری‌های اجتماعی مؤثر هستند (شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۳: ص ۴۴)

با آمدن به قدرت محمدرضا شاه، یک دوره جدید از تحولات اجتماعی در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. در این دوره، الگوی نوسازی تحت حکومت محمدرضا شاه، بر پایه اصول ملی‌گرایی، سکولاریسم، و حکومتی بدون تأثیر مذهب، شکل گرفت. می‌توان ادعا کرد که ویژگی اصلی سیاست‌های اصلاحی و حکومتی که شاه ارائه می‌داد، تلاش برای ارتقاء مدرنیته بود که باعث ایجاد شکاف بین دولت و مردم گردید. یکی از مواردی که سبب تشدید سیاست‌مداری در جامعه شد، اقدامات غیردینی دولت پهلوی بودند (جوآنپور هروری و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۸).

فرهنگ سیاسی شیعه، که نمایانگر نگرش شیعه امامیه نسبت به قدرت و سیاست است، تحت تأثیر مبادی نظری، عقاید، باورها، و سنت‌های شیعه قرار دارد. این مبانی در طول تاریخ، تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی را تجربه کرده و الگوهایی را برای پذیرش یا رد حکومت‌ها ارائه کرده‌اند. از جمله این مفاهیم می‌توان به اصل امامت، انتظار و غیبت، شهادت، تقیه، و غیره اشاره کرد. به همراه این مفاهیم، نمادهایی نظیر عاشورا نیز در فرهنگ سیاسی شیعه وجود دارند که قدرت بالقوه‌ای



در تحریک و موبایل‌سازی مردم و تقویت اراده مبارزه و انقلابیگری دارند. علاوه بر این، استفاده از شعارها و عباراتی که مفاهیم عاشورا را به خود جلب کرده‌اند، و نیز برگزاری مراسم‌های عزاداری و سخنرانی‌هایی که در آنها این مفاهیم مطرح می‌شوند، محیطی را برای موبایل‌سازی مردم و ترویج اراده مبارزه‌ای ایجاد کرده‌اند (هراتی، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۲۰۰).

اما انقلاب کوبا بیشتر بر پایه ایدئولوژی کمونیسم بنا شد. مکتب کمونیست یک جریان ایدئولوژیک است که بر اساس اصول مارکسیسم و لنینیسم ساخته شده است. ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم به عنوان نظریه‌ای سیاسی و اجتماعی، بر اساس افکار کارل مارکس و فردریش انگلس استوار است که بدون ایمان به خداوند و غیب و بدون توجه به معاد، تنها تأکید بر عدالت اجتماعی، مساوات بین افراد و سرمایه‌داری و طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس تفاوت‌های اقتصادی دارد. این ایدئولوژی معتقد است که در جامعه کلاسی وجود طبقات اجتماعی باعث بروز نابرابری و ناتوانی افراد در دستیابی به منابع و امکانات می‌شود.

مکتب کمونیست به عنوان یکی از مهمترین جریان‌های ایدئولوژیک و سیاسی در قرن بیستم تأثیر به‌سزایی در روند تاریخی جهانی داشته است و در بسیاری از کشورها و حتی در حکومت‌هایی مانند شوروی، چین، کوبا، و دیگر کشورها به شکل حکومت‌های کمونیستی عمل کرده است.

اما باید دانست که مکتب کمونیست به عنوان یک ایدئولوژی و جنبش سیاسی اقتصادی در بسیاری از کشورها و به ویژه در دهه‌های اخیر قرن بیستم با شکست مواجه شد. این شکست به شکل‌گیری جوامع کپیتالیست در بسیاری از کشورها و عدم موفقیت حکومت‌های کمونیست در تأمین نیازها و آرمان‌های اجتماعی بهتر، توسعه اقتصادی، و حفظ حقوق بشر باز می‌گردد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۵۰).

دلایل اصلی شکست مکتب کمونیست عبارتند از:

ا. ناتوانی در مدیریت اقتصاد: برخی از حکومت‌های کمونیست به دلیل تمرکز بر اقتصاد دولتی و نداشتن سیستم‌های اقتصادی مؤثر و کارآمد، با مشکلاتی همچون تورم، کمبود کالاها، و رکود اقتصادی مواجه شدند.

ب. کنترل سیاسی و توجه به حقوق بشر: حکومت‌های کمونیست معمولاً به شدت کنترلی بودند و حقوق شهروندان در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شد. این باعث ایجاد ناامنی اجتماعی و اعتراضات علیه نظام می‌شد.

ج. رقابت با جهان غرب: مسائلی همچون جنگ سرد و رقابت با ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی، بارزترین چالش‌های حکومت‌های کمونیست را شکل داد. تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی به این حکومت‌ها نیز افزوده شد.

د. عدم پذیرش عمومیت ایدئولوژی: عدم پذیرش عمومیت ایدئولوژی کمونیست در بسیاری از جوامع و تضادهای فرهنگی و مذهبی میان مردم، باعث شکست آن شده است.

به عنوان نمونه‌هایی از شکست مکتب کمونیست، می‌توان به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی و انهدام جمهوری کمونیست چین اشاره کرد. این رویدادها نشان‌دهنده شکست ایده‌ها و سیاست‌های کمونیستی در مقابل چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بوده است (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۷).

بنابراین یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران با انقلاب کوبا، تأکید بر معنویت و ارزش‌های برآمده از دین اسلام بود. این انقلاب با توجه به قدرت فرهنگی متأثر از اسلام و با باززایی ارزش‌های اسلامی در شرایط داخلی و بین‌المللی خاص، با بسیج گسترده‌ای از مردم به پیروزی رسید (جوآنپور هروی و همکاران، همان، ص ۲۷).

بدون تردید در کنار عوامل دیگر سیاسی و اقتصادی که منجر به نارضایتی مردم از



حکومت پهلوی شده بود، تفکر در مورد ایجاد یک حکومت اسلامی تمام عیار که در آن قوانین دینی و شریعت اسلام پی ریزی شود، مردم ایران را به سوی یک انقلاب اسلامی سوق می داد. به عبارتی دیگر، هر چند که اختناق، فشار سیاسی، سرکوب، ظلم و استبداد؛ نارضایتی ها و اعتراضات مردم را به طور روزافزون بیشتر می کرد اما وجود یک آلترناتیو و رهبری واحدی که هیچ فرد یا گروه دیگری یارای رقابت با او را نداشت، سبب شد که اکثریت مردم یک صدا خواهان ایجاد حکومت جمهوری اسلامی در ایران شوند (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۱۰).

۳. شخصیت رهبری

در دوران قرن بیستم، هیچ انقلابی بدون حضور یک یا چند رهبر قابل تصور نبود. در مواجهه با شرایط انقلابی، رهبران نقش بسیار حیاتی و حساسی در الهام بخشی و رهبری حرکت به سوی تحقق و تثبیت تغییرات انقلابی داشتند. حضور یک رهبر محبوب و مورد اعتماد، که بتواند آرزوها و امیدهای جامعه ی ناراضی را به خود جلب کرده و آنان را به حمایت ویژه و وفاداری از جنبش انقلابی ترغیب کند، نقش بسیار مهمی در موفقیت و پیشرفت این جنبش ها داشت (محمدی و همکاران، ۱۳۷۹: ص ۷۰).

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی صورت گرفت. امام خمینی یکی از شخصیت های برجسته ی تاریخ ایران و اسلام است. او در ۲۲ بهمن ۱۳۲۰ شمسی در شهر خمین در استان مرکزی ایران به دنیا آمد. امام خمینی به عنوان رهبر و معارض حاکمیت شاهنشاهی در ایران، نقش بسیار مهمی در انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. با جرأت می توان اظهار کرد که در دوران سلطنت پهلوی دوم، به جز امام خمینی (ره)، هیچ رهبر دیگری وجود نداشت که بتواند با قدرت و تأثیر خود، توده های جامعه را به سوی اهداف و خواسته های سوق دهد.

وی در طول دوران فعالیت های انقلابی خود، با بیان ایده های اسلامی و حضور

موثر در میان مردم، توانست حمایت گسترده‌ای را برای انقلاب جلب کند. او در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، و اجتماعی تلاش کرد تا مبانی و اصول جمهوری اسلامی را بنیان نهاد. امام خمینی، عالمی برجسته و حکیمی بود که در زمینه‌های فقه، اصول، فلسفه و ادبیات عربی مسلط بود. او آثار متعددی در زمینه‌های مختلف دینی و علمی برجای گذاشته است که تاکنون مورد بررسی و بحث قرار گرفته‌اند. امام خمینی به عنوان مؤسس جمهوری اسلامی ایران نیز نقش مهمی در ارتقای سطح دانش و فهم اسلامی در جامعه داشته است.

رهبر دینی که هم نقش سیاسی و حکومتی را بر عهده می‌گیرد، به واقعیت کم‌نظیری تبدیل می‌شود و در دوران مدرن، که با کاهش نقش و اهمیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی جوامع همراه بوده، تقریباً بی‌نظیر است. به عبارت دیگر، اگر بتوان برای رهبران دینی در مواقع اعتراض علیه سیاست‌ها و قدرت‌های سیاسی حاکم، مثال‌هایی پیدا کرد؛ آن‌ها را در مناصب رسمی حکومت نمی‌توان یافت. این پدیده بی‌نظیر و نادر، توانسته است در ایران و در منطقه‌ای پرتلاطم به شکلی بی‌نظیر ظاهر شود و نزدیک به نیم قرن ادامه یابد، حتی در شرایطی که بخش قابل توجهی از عوامل خارجی علیه آن مخالفت و اقدام کرده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۹۸: ص ۱۰۰).

مشخصات رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر بوده است: ۱. ایدئولوگ انقلاب یا بنیانگذار مکتب فکری و طراح ایدئولوژی انقلاب. ۲. رهبر انقلاب یا قهرمان و فرمانده کل عملیات انقلاب. ۳. زمامدار حکومت انقلابی یا سیاستمدار و یا در واقع معمار جامعه بعد از پیروزی انقلاب (محمدی و همکاران، ۱۳۷۹: ص ۷۰).

نقش امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی شامل سه بُعد می‌شود: ۱. ایدئولوگ یا نظریه پرداز؛ ۲. بسیج‌گر یا عملیاتی؛ ۳. بنیان‌گذاری یا مدیریت.

همچنین جنبه‌ی معنوی امام خمینی می‌تواند از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد. امام خمینی به عنوان یک رهبر مذهبی و سیاسی، اهمیت بسیاری به

جنبه‌های معنوی و اخلاقی زندگی مردم می‌داد. او معتقد بود که اسلام نه تنها یک دین بلکه یک نظام کامل زندگی است که همه‌ی ابعاد زندگی را پوشش می‌دهد، از جمله اخلاق، عبادت، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. امام خمینی بر تأکید بر ارزش‌های معنوی مبتنی بر اسلام، اخلاق و عدالت تأکید می‌کرد. وی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در ایران، به ترویج اصول و ارزش‌های اسلامی و ایجاد جامعه‌ای بر پایه‌ی اخلاق و عدالت توجه داشت. امام خمینی به دنبال برقراری نظامی بر پایه‌ی ولایت فقیه بود که به نظر او می‌توانست زندگی معنوی مردم را تقویت کند و به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی پایبندی داشته باشد. از این رو، جنبه‌ی معنوی امام خمینی مرتبط با اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی و نظام اسلامی مطرح می‌شود.

نکته مهمی که باید در نظر گرفت، این است که رهبری امام خمینی (ره) نه تنها تا زمان پیروزی انقلاب، بلکه پس از آن تا زمان رحلت، اهمیت و اعتبار خود را حفظ کرده است. رهبری ایشان در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله و سایر چالش‌های پس از انقلاب، به همان اندازه که قبل از پیروزی انقلاب مهم بود، محسوب می‌شود و هرگز از جایگاه و اعتبار خود در میان مردم کاسته نشده است (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۷).

این در حالی است که انقلاب کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو بود. وی با این بینش که تاریخ تنها به اندک کسانی روی موافق نشان می‌دهد، خود را ناجی کوبا می‌دانست. در این دوره طبقه کارگر، دهقانان بدون زمین و سایر اقشار جامعه سنتی و مذهبی کوبا مورد استثمار و بهره‌کشی فئودال‌ها، بازرگانان آمریکایی، طبقه سرمایه‌دار و در رأس همه آن‌ها دیکتاتور و اطرافیان او قرار گرفته بودند. طبقه کارگر که اغلب آن‌ها را کارگران مزارع نیشکر و معادن کبالت و نیکل تشکیل می‌داد، هر روز ساعت‌ها به کار طاقت‌فرسا و جان‌فرسا با درآمدی اندک مشغول بودند و با توجه به شروع و شیوع جنبش‌های کارگری در سراسر جهان، بارها به اعتصاب و

اعتراض‌های گسترده دست زدند. اما نبود یک رهبر و یک سازمان قوی کارگری باعث شد که این اعتراض‌ها ره به جایی نبرد. در این شرایط کاسترو فوراً دست به کار شد تا برای ایفای این نقش آماده شود. طی هفت سال، جنبشی را پدید آورد و رهبری کرد. فیدل کاسترو، رائول کاسترو، ارنستو چه‌گوارا و تنی چند از روشنفکران و تحصیل کرده‌های کوبایی که با اندیشه‌های مارکسیسم آشنا شده و آن را پذیرفته بودند، مردم را علیه باتیستا تحریک و تهییج می‌کردند و با آگاهی بخشی سعی داشتند طبقه کارگر و سایر اقشار ملت کوبا را که تحت فشار اقلیت حاکم بودند، تشویق به انقلاب کنند. کاسترو سرانجام باتیستا را سرنگون ساخت و خود در مقام نخست‌وزیری کوبا جای گرفت. همین که وی به قدرت رسید، کوبا را از دموکراسی دور ساخت و در آغوش کمونیسم جا داد. روی هم رفته، اقتصاد کوبا در دوره فیدل کاسترو آسیب دیده بود. به نظر می‌رسد که پیشرفت در عرصه‌های مراقبت‌های بهداشت عمومی، آموزش و کشاورزی تنها دستاوردهای نسبی و عمده او بود. با این حال، او ارتش بزرگی را نگهداری می‌کرد و به تلاش برای صدور انقلابش به دیگر کشورهای جهان سوم ادامه داد. آنچه روشن است، تأثیر عمده‌ای است که کاسترو نه تنها بر کوبا بلکه بر تمام جهان داشته است (رایس، ارل، ۱۳۹۷: ص ۱۲).

۴. استقلال انقلاب اسلامی از عوامل خارجی و اتکا به نیروی مردمی

استقلال انقلاب اسلامی و اتکای آن بر نیروی مردمی، دو عنصر اساسی در موفقیت و پایداری انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند.

انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت ملی و مستقل، بدون وابستگی به قدرت‌ها و نهادهای خارجی، برپا شد. این انقلاب بر اساس ارزش‌ها، اهداف و نیازهای مردم ایران بنا شده بود و خود را از هر گونه تسلط و تبعیت از مداخله‌های خارجی مستقل دانست. این استقلال برای حفظ هویت فرهنگی، سیاسی و مذهبی کشور بسیار مهم بوده و نقش بسزایی در پایداری انقلاب داشته است. انقلاب اسلامی با حضور پرشور



مردم ایران و حمایت آن‌ها از رهبری امام خمینی، به موفقیت رسید. این حمایت گسترده مردم، باعث ایجاد فضایی برای تحولات سرنوشت‌ساز در کشور شد و این نیروی مردمی، به عنوان محرک اصلی برای تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در دوران انقلاب اسلامی شناخته می‌شود. اتکای انقلاب به نیروی مردمی، نه تنها باعث حفظ استقلال و خودمختاری کشور شد، بلکه اساسی‌ترین عامل در برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به میان آمد.

در مقابل انقلاب کوبا، اگرچه در ابتدا یک حرکت ملی و مستقل بود که بر اصولی از جمله عدالت اجتماعی، انتقاد از استعمار، و حمایت از کشاورزان و طبقه کارگر تأکید داشت. اما پس از پیروزی انقلاب، روابط بین کوبا و شوروی تقویت شد. در ابتدا به دلیل عدم تمایل آمریکا به ارتباطات موثر با کوبا، کاسترو به دنبال پشتیبانی از جمهوری شوروی برای توسعه اقتصادی و نیروهای مسلح خود بود. این همکاری‌ها به ویژه در زمینه اقتصادی و نظامی تقویت شد و کوبا به یکی از آخرین حلقه‌های کمونیستی در جهان تبدیل شد. تا پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، روابط دو کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. با این حال، پس از فروپاشی شوروی و سختی‌های اقتصادی در کوبا، روابط بین دو کشور تضعیف شد. اما در سال‌های اخیر، با دیپلماسی فعال کوبا و ارتباطات با کشورهای دیگر، همکاری‌هایی بین کوبا و روسیه مجدداً تقویت شده است، اگرچه این همکاری‌ها به مراتب کمتر از دوران شوروی است. ایدئولوژی کمونیسم در زادگاه خود فرو پاشید، اما کوبا همچنان بر این مکتب پایبند است. رنگ و بوی سابق را ندارد اما هنوز هست (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۴۱).

اسلام، دینی آسمانی و الهی با پشتوانه قوی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) با رویکرد ظلم ستیز را هیچگاه نمی‌توان با دیگر مکاتب مقایسه کرد. جایگاه، قوت، عظمت و اقتدار جهان اسلام سال‌هاست که تأثیر مثبت خود را در جوامع بشری

گذاشته به همین خاطر است که دشمنان با خلق فرقه های تکفیری و الحادی سعی دارند تا چهره زیبای اسلام را در ذهن مردم دنیا بد جلوه دهند.

۵. حضور آحاد مردم

انقلاب اسلامی ایران از این جهت، در مقایسه با قیام‌ها و انقلاب‌های پیشین و انقلاب‌های کوچک و بزرگ سایر مناطق دنیا، دو برجستگی و برتری داشته است؛ یکی این که ملی و جوشیده و دربرگیرنده تقریباً کلیه طبقات و صفوف جامعه ایران بوده، برخلاف آنچه بعداً اصرار ورزیده می‌شود، اختصاصی طبقاتی نبوده و از یک فرد یا یک حزب تحمیل و تلقین نشده است. درحالی که مثلاً در انقلاب کمونیستی روسیه نه چنین مشارکت وسیع داوطلبانه وجود داشته و نه در آن، چنان وحدت کلمه و یکرنگی به لحاظ اهداف و شعارهای اولیه دیده شده است. امتیاز نسبی دیگر انقلاب اسلامی، تحول و تداوم آن می‌باشد (بازرگان، ۱۳۶۳: ص ۱۱).

اما در انقلاب کوبا، تمامی توده‌های مردم به مبارزه و فعالیت علیه نظم موجود نپرداخته بودند. تنها طبقات مشخصی از جامعه مثلاً کارگران، ستمدیدگان، دهقانان، دانشجویان و غیره بیشترین نقش را در انقلاب‌شان ایفا کردند.

۶. عدم سازش و بی‌پروایی از مقابله با استکبار جهانی

آن طور که جفری گلدبرگ نوشته بود، پیش‌بینی کاسترو از آینده بحران اتمی ایران این بود که «این مشکل (بحران اتمی ایران) به سمت حل شدن نمی‌رود؛ چرا که حکومت ایران پروایی از رودررو شدن با تهدیدهای پیش‌رویش ندارد. حکومت ایران یک تفاوت عمده با حکومت انقلابی کوبا دارد و آن خاصیت مذهبی بودنش است و تجربه نشان داده که پسر رهبران مذهبی کمتر اهل سازش هستند».

در مقابل، به دلایل گوناگون از جمله فشار سیاسی و اقتصادی زیاد بر کوبا، شکست ایدئولوژی و مکتب کمونیست در کوبا، تغییر ظاهری سیاست‌های آمریکا در قبال کوبا، توان این کشور در برابر امپراتوری آمریکا کم شد. سیاست تغییر اوپاما رئیس‌جمهور پیشین آمریکا پس از گذشت بیش از ۱۰ سال تازه در یک مورد به



نتیجه رسید که آن هم هنوز روشن و قطعی نیست و بستگی به رفتار آمریکا با کوبا دارد. اوپاما بسیار تلاش کرد تا بتواند با پایان دوران ریاست جمهوری خود دستاوردهایی را در حوزه سیاست خارجی آمریکا برای دولت خود به ثبت برساند و از خود در تاریخ خاطرات خوشی برای مردم آمریکا به جای بگذارد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۳۸).

یکی از آن دستاوردها برای اوپاما پایان بیش از ۵۰ سال خصومت کاخ سفید علیه کوبا بود که به ظاهر به آن دست یافته است. او و کاسترو پس از گذشت ۶۰ سال از قطع روابط، نخستین سران دو کشور بودند که با هم دیدار و گفت و گو کردند. برادر فیدل، راثول در این دیدار به عنوان رهبر کوبا با اوپاما دیدار کرده بود.

بازگشایی سفارت آمریکا در هاوانا با جشن تولد ۸۹ سالگی فیدل کاسترو رهبر کوبا همزمان بود. هنگامی که پرچم آمریکا در هاوانا به اهتزاز در می آمد، او کیک تولد ۸۹ سالگی خود را خاموش می کرد و برای این که هنوز نشان دهد ضد امپریالیست و ضد آمریکاست مقاله ای ضد آمریکایی نوشت. کاستروی ۸۹ ساله در مقاله اش که در رسانه های جمعی کوبا انتشار یافت اشاره ای به مرحله تازه روابط هاوانا و واشنگتن و سفر جان کری به هاوانا نکرد. اما در مقاله خود نوشت، پس از جنگ جهانی دوم و بمباران اتمی ژاپن، آمریکا تبدیل به کشوری شد که اکثر ثروت جهان را در اختیار داشت در حالی که در پس زمینه آن جهانی نابود شده مملو از کشته ها زخمی ها و مردم گرسنه وجود داشت. فیدل نوشت؛ کوبا هرگز مبارزه برای صلح و موفقیت همه مردم صرف نظر از رنگ پوست و کشور آنها را متوقف نخواهد کرد. انقلابیان کوبا برای همه شهروندان جهان آرزوی حقوق برابر بهداشت و درمان، آموزش، کار، غذا، امنیت، فرهنگ، دانش و رفاه را دارد.

بنابراین با توجه به شکاف عمیقی که بین این دو انقلاب بر سر ایدئولوژی و استقلال یا وابستگی به بلوک شرق وجود دارد، نباید اتفاقاتی نظیر بهبودی روابط



کوبا با آمریکا در سال‌های اخیر را برای ایران نیز پیش‌بینی کرد. با حضور جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در مراسم بازگشایی سفارتخانه آمریکا در هاوانا، او این لحظه را به عنوان یک مرحله تاریخی مهم توصیف کرد. اما باید توجه داشت که این نوع تاریخ‌نگاری برای روابط ایران و آمریکا، ممکن است معتبر نباشد. آینده این دو کشور نمی‌تواند بر اساس مواقع مشابهی که بین کوبا و آمریکا رخ داده است، پیش‌بینی شود. این اظهارات به نوعی غیرقابل پیش‌بینی است. تضاد عمیق اعتقادی میان دو تفکر غربی و شرقی که یکی نشأت گرفته از ظلم، زور، استثمار و سرکوب و جنایت است و دیگری نشأت گرفته از دستورات الهی، پیامبر اعظم و امامان معصوم اجازه نمی‌دهد، میان این دو جمع حاصل شود.

۷. سطح تأثیرات

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات گسترده‌ای بر منطقه و جهان داشته است، در حالی که انقلاب کوبا تأثیرات کمتری را در مقیاس بین‌المللی داشته است. ایران اسلامی در منطقه ای حساس، سرنوشت ساز و استراتژیک قرار دارد که حوزه نفوذ آن و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی بسیار فراتر از مرزهایش قرار دارد. وسعت، امکانات وسیع، نیروی انسانی خلاق، مردمی پایبند به آرمان‌های انقلاب اسلامی، توانمندی‌های علمی، دفاعی و نظامی و بسیاری ویژگی‌های دیگر، جمهوری اسلامی ایران را از همه مکاتب و ایدئولوژی‌های دنیای متمایز کرده است (جوانپور هروی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۰).



نتیجه گیری

به طور خلاصه، می توان گفت که شباهت ها و تفاوت هایی بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا وجود دارد. این دو انقلاب هر دو به عنوان جنبش هایی که بر ضد استعمار و تأثیرات سیاسی و اقتصادی خارجی در کشورهای خود بودند، شناخته می شوند. هر دو انقلاب با فشارهای بیگانگان به ویژه ایالات متحده آمریکا روبرو شدند. هر دو انقلاب آرمان ضد دیکتاتوری داشته و در صادرات این آرمان به دیگر کشورها در تلاش هستند. تفاوت های موجود بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا باعث می شود که این دو رویداد را نتوان به طور کامل با یکدیگر مقایسه کرد یا آن ها را به طور کامل تطبیق داد. این تفاوت ها در موضوعاتی مانند علل وقوع، ایدئولوژی، شخصیت رهبری، استقلال و اتکاء به نیروی مردمی یا عوامل خارجی، میزان حضور مردم، بی پروایی یا ترس از مقابله با سیاست های استعماری ایالت متحده آمریکا و سطح گستره تأثیرات انقلاب در جهان وجود دارد.

فهرست منابع

۱. رایس، ارل، انقلاب کوبا، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ۱۳۹۷ش
۲. رهنما، مجید، مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۰ش
۳. زیباکلام، صادق، یادداشت های انقلاب، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۸ش
۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق
۵. کاظمی، یادداشت های انقلاب، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۸ش
۶. محمدی؛ قربانی گلشن آباد، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ش



۷. افضل‌لی، رسول؛ کامران، حسن؛ عابدی شجاع، فرزاد، مجله تحلیل گفتمان مدیریت سیاسی فضا در کشور کوبا پس از انقلاب ۱۹۵۹، فصلنامه جغرافیا، دوره نوزدهم، شماره ۶۹، ۱۴۰۰ش
۸. جوانپور هروی، عزیز؛ موسوی، سید محمدرضا؛ علیپور، امیرمهدی، نشریه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، شماره ۹، ۱۳۹۹ش
۹. حشمت زاده، محمداقبر، بازتاب انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان، نشریه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، بهمن و اسفند، شماره ۱۴، ۱۳۸۳ش
۱۰. شجاعی‌زند، علیرضا، نقش و عملکرد دین در «وضعیت انقلابی» بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران، نشریه جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، ۱۳۸۳ش
۱۱. شجاعی‌زند، علیرضا، رهبری دینی در نهضت و در نظام، پژوهشنامه متین، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۵، ۱۳۹۸ش
۱۲. شفیعی، زهرا؛ یزدانی، محمدرضا، مقایسه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و کوبا در دوران جنگ سرد، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ش، صص ۶۳۶-۶۵۶
۱۳. علیزاده سوده، فرشته، انقلاب کبیر فرانسه علل و نتایج، نشریه رشد آموزش تاریخ، شماره ۳۸، ۱۳۸۹ش
۱۴. موسوی، سیدصدرالدین؛ درودی، مسعود و اسلانی کتولی، انسیه، نگرشی گفتمانی به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی. نشریه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۲ش
۱۵. هراتی، محمدجواد؛ هنری لطیف‌پور، یدالله و حجازی، سیدمحمد کاظم، عاشورا و تحولات اجتماعی ایران عصر انقلاب اسلامی، نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱ش.



چشم‌انداز همکاری‌های علمی و پژوهشی ایران و آمریکای لاتین

محمد حسین توکلیان^۱

دکتری تمدن اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان البرز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

چکیده

سابقه روابط اقتصادی ایران و آمریکای لاتین به گذشته دور بازمی‌گردد، با این حال همکاری‌های علمی ایران و آمریکای لاتین، سابقه چندانی ندارد و این همکاری‌ها در قالب تفاهم‌نامه‌های مشترک به امضای طرفین رسیده است. سطح همکاری‌های علمی در برخی از رشته‌ها مانند پزشکی، مهندسی، شیمی و علم مواد بیشتر و در برخی دیگر از علوم مانند شاخه‌های مختلف علوم انسانی، زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی و... نیاز به تقویت دارد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی و با هدف بررسی چشم‌اندازها، راهبردها و اهداف این همکاری‌ها سامان یافته است. نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل شده است این است که ایران می‌تواند در دو سطح اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت با بینش راهبردی، چشم‌انداز خود را ترسیم نماید.

واژگان کلیدی

ایران؛ آمریکای لاتین؛ چشم‌انداز، راهبرد، هدف.

مقدمه

امروزه سازمان‌ها در محیطی فرّار، نامطمئن، پیچیده و مبهم قرار دارند که از آن به محیط VUCA یاد می‌شود. این کلمه مخفف چهار کلمه فرّار^۱، نامطمئن^۲، پیچیده^۳ و مبهم^۴ است. واژه فرّار بازتاب‌دهنده سرعت و نوسان تغییرات محیط است.^۵ به سبب پیچیدگی روزافزون فعالیت‌ها و محیط به‌شدت متغیر و متلاطم جهان امروز، مدیران دریافته‌اند که برنامه‌ریزی سنتی دیگر مشکلات آن‌ها را حل نخواهد کرد. از سویی کوچک‌ترین غفلت آنها پیامدهای جبران‌ناشدنی را به همراه خواهد داشت. از این‌رو برخورداری از مدیریت استراتژیک ضرورتی در سازمان‌ها شمرده می‌شود و مدیران با به‌کارگیری آن به دنبال یافتن جهت‌گیری مناسب به‌منظور هدایت سازمان‌های خود در فضای متلاطم امروزی هستند.^۶ برنامه‌ریزی استراتژیک در راستای چشم‌انداز صورت می‌گیرد. چشم‌انداز به‌صورت توصیفی چارچوبی ایده‌آل از آینده سازمان را ترسیم می‌کند.^۷

یکی از مناطقی که در سال‌های اخیر در زمینه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و علمی مورد توجه کشور ایران قرار گرفته و چشم‌انداز مثبتی برای آن پیش‌بینی می‌شود، منطقه آمریکای لاتین می‌باشد.

آمریکای لاتین، به مجموعه کشورهای بخش جنوبی از قاره آمریکا گفته می‌شود

1. Volatile
2. Uncertain
3. Complex
4. Ambiguous

۵. خاشعی و اسدی، «طراحی مدل کنترل راهبردی در استارت‌آپ‌های اینترنتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، ص ۱۲۶؛ حسن‌زاده، عابدینی، یزدانی، «ارائه چارچوبی برای تدوین چشم‌انداز مطلوب: مطالعه اسناد چشم‌انداز شرکت‌های برتر»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۸۱، ص ۹۶

۶. صفری و خان‌محمدی، «تدوین و اولویت‌بندی اهداف استراتژی با استفاده از روش حداقل مربعات لگاریتمی فازی و مدل همسانی فازی و ترسیم نقشه استراتژی»، مدیریت بازرگانی، شماره ۶، ص ۵۷۶

7. Poister, Streib, Elements of strategic planning and management in municipal government: Status after two decades. Public administration review, 65, p 46

که در آن‌ها به زبان‌های اسپانیایی، پرتغالی و فرانسوی صحبت می‌شود و شامل کشورهای آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینکن، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، مکزیک، گوادلوپ، نیکاراگوئه، پاناما، پاراگوئه، پرو، اروگوئه، ونزوئلا و پورتوریکو می‌شود. منطقه آمریکای لاتین در قیاس با سایر مناطق جهان سرشار از ثروت‌های طبیعی و منابع مادی است این منطقه از ۲۵ درصد از زمین‌های جنگلی و قابل کشت و ۳۰ درصد از آب شیرین موجود در جهان برخوردار است. علاوه بر این، ۶ کشور از ۱۷ کشوری که در جهان از نظر بیولوژیکی بسیار متنوع هستند و ۱۳ کشور از ۱۵ کشوری که بیشترین تولیدات معدنی را دارا هستند، در این منطقه قرار دارند. همچنین، ۶۵ درصد از ذخایر جهانی لیتیوم، ۴۲ درصد از ذخایر نقره، ۳۸ درصد از ذخایر مس و ۲۱ درصد از ذخایر جهانی آهن در منطقه آمریکای لاتین قرار دارد.

روابط ایران و آمریکای لاتین به ۱۹۰۲ میلادی، یعنی زمان سفر اسحاق خان مفخم‌الدوله، وزیر مختار ایران در واشنگتن، به آمریکای جنوبی و امضای عهدنامه مودت و تجارت با کشورهای مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی باز می‌گردد. با این حال برقراری روابط سیاسی و سفارت در کشورهای مزبور در حدود سی سال بعد یعنی در دوره رضاخان پهلوی عملی شد.^۱ بعد از انقلاب نیز جهت بهبود روابط اقداماتی انجام شده است به عنوان مثال در برنامه دوم و سوم توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران اهدافی چون توسعه روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با آمریکای لاتین به منظور اتخاذ مواضع مشترک در خصوص مسائل مهم بین‌المللی، توسعه روابط اقتصادی به منظور تنوع‌سازی در روابط تجاری و ایجاد شرکت‌های مختلط برای سرمایه‌گذاری مشترک که اهداف مشترکی بین طرفین می‌باشد، مشاهده می‌گردد. در دوره کنونی نیز با توجه به هم‌خوانی و مطابقت بسیار بین مؤلفه‌های سیاست خارجی منطقه آمریکای لاتین با مؤلفه‌های سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران و هم چنین تنوع و مشابهت‌های اقتصادی زمینه مناسبی برای همگرایی ایران و آمریکای لاتین فراهم آمده است. این روابط در دولت‌های مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده که اوج آن را در دولت نهم و دهم (۲۰۱۳-۲۰۰۵ میلادی) شاهد بودیم. به عنوان نمونه میزان مبادلات تجاری ایران و آمریکای لاتین از ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی) به نزدیک ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳ میلادی) رسیده بود. همچنین در آن سال‌ها، ایران در روابط اقتصادی خود با کشورهای آمریکای لاتین به متنوع سازی شرکای اقتصادی و بازرگانی پرداخت و طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ (۲۰۰۹-۲۰۱۳ میلادی) توانست بیش از ۲۵۰ توافقنامه تجاری با کشورهای آمریکای لاتین امضا کند. از جمله این طرح می‌توان به توسعه صنعتی محور آبپوره اورینوکو، ساخت ۷۰ هزار واحد مسکونی، همکاری‌های آب و برق، فرآورده‌های خون و انتقال فناوری، ساخت کارخانه مهمات، کارخانه مونتاژ خودرو و کارخانه سیمان اشاره کرد. این روابط در دولت یازدهم و دوازدهم (۲۰۱۳-۲۰۲۱ میلادی) با عمق کمتری ادامه یافت اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم (۲۰۲۱ میلادی) توجهی ویژه به این پهنه جغرافیایی شد و هم‌زمان با تلاش برای تقویت روابط با همسایگان و کشورهای منطقه غرب آسیا، در صدد توسعه مناسبات با کشورهای آمریکای لاتین به عنوان حیاط خلوت آمریکا نیز برآمده تا فرصت‌های از دست رفته سال‌های گذشته در زمینه همکاری‌های راهبردی با آمریکای لاتین را دوباره زنده کند.

همکاری‌های علمی و پژوهشی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین سابقه چندانی ندارد و این همکاری‌ها در آغاز راه است و تا نقطه مطلوب مسیر زیادی را باید طی نماید. اهمیت پژوهش حاضر آن است که تا حدی می‌تواند افق همکاری‌های علمی میان ایران و آمریکای لاتین را در برابر مجامع علمی و دانشگاهی روشن نماید. در این راستا سؤال اصلی مقاله این است که چشم‌انداز همکاری‌های

علمی و پژوهشی ایران و آمریکای لاتین چگونه خواهد بود؟ پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که آمریکای لاتین در زمینه بهبود روابط اقتصادی و سیاسی با سایر کشورها خوب عمل کرده و به دنبال بالا بردن سطح علمی خود به وسیله گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی می‌باشد. سیاست جدید ایران نیز گسترش این همکاری‌ها با آمریکای لاتین است.

برای بررسی فرضیه پژوهش، نگارنده تلاش می‌کند با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز تارنمای مراکز علمی و دانشگاهی به بررسی موضوعات علمی و نیز زمینه‌های همکاری میان مراکز علمی ایران و آمریکای لاتین پرداخته و چشم‌انداز این همکاری‌ها را ترسیم نماید.

ادبیات پژوهش

۱. چشم‌انداز

یک هدف ایده آل در آینده چشم‌انداز نام دارد که شامل مجموعه‌ای از ارزش‌های محوری و وظایف ضروری می‌باشد. چشم‌انداز بر تغییر و ایجاد یک وضعیت و ایده در آینده تأکید دارد و فاصله زمانی بیشتری نسبت به مأموریت‌ها دارد. چشم‌اندازها معمولاً هنجارهای موجود را به چالش می‌کشند، انتظارات عملکرد برتر را مشخص می‌کنند و به افراد این اعتماد را می‌دهند که می‌توانند به چشم‌انداز دست یابند بنابراین ایجاد یک چشم‌انداز جذاب از وضعیت آینده، منجر به اعتماد به نفس کارکنان و ایجاد این حس می‌گردد که می‌توانند این حالت آرمانی در آینده را به دست آورند.^۱

بیشترین مناقشه در مورد ویژگی‌های یک چشم‌انداز، میزان واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی آن است.^۲ چشم‌انداز به عنوان نشانه هویت و شخصیت سازمانی

1. Haque, TitiAmayah, Liu, The role of vision in organizational readiness for change and growth. Leadership & Organization Development Journal, 37, p 983

۲. رسولیان، «چشم‌انداز، عامل حیاتی برنامه‌ریزی منابع سازمان»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۲۱،

شرکت‌ها شناخته می‌شود و می‌تواند به ایجاد اعتبار شرکت کمک کند. معمولاً چشم‌انداز به عنوان یک تصویر از آینده دیده می‌شود. این تصویری از پیشرفت و تعالی، چیزی است که شخص، تیم یا سازمان می‌خواهد در آینده ممکن برای خود ایجاد کند. این امر از تخیل خلاق، عمل یا قدرت درک ذهنی و تخیلی تصاویر، از نوعی پیش‌بینی، نشأت می‌گیرد.^۱

هر سازمانی که بخواهد پیشرفت کند و به تعالی ارتقاء یابد، باید چشم‌اندازی برای خود تعریف کرده باشد، بدون چشم‌انداز می‌توان شرایط حاضر را حفظ نمود یا ادامه حیات داد ولی نمی‌توان توقع تعالی و پیشرفت داشت^۲ و در نتیجه، سازمان دچار لغزش می‌شود و رفتار سازمان با محیط و رقبا، انفعالی خواهد بود و هرگز به یک سازمان در تراز جهانی تبدیل نمی‌شود. آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز، مهم‌ترین عامل برای تحقق مأموریتها و هدفهاست و برنامه‌های عملیاتی از طریق طراحی افق‌های روشن و انجام فعالیت‌ها بر مبنای این طراحی محقق می‌شوند.^۳

۲. راهبرد

راهبردها ابزارهایی هستند که شرکت می‌تواند به وسیله آنها به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد.^۴ راهبرد عبارت است از برنامه‌ای که مسیر رسیدن به اهداف اساسی^۵ و جهت‌گیری‌های عمده سازمان را مشخص می‌کند و رهنمودهایی برای تخصیص منابع در مسیر کسب هدف‌های بلندمدت سازمانی ارائه می‌دهد.^۶

1. Joachim, A.. Interface between corporate vision, mission and production and operations management. Global journal of management and business research, 10,P 18

۲. کریمی قهرودی، فشارکی، نظامی پور، «تدوین چشم‌انداز و بلوغ توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان»، فصلنامه بهبود مدیریت، شماره ۷، ص ۱۳۸

۳. مروتی، فتاحی، وحیدنیا، «دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ص ۸۸؛ حسن‌زاده، عابدینی، یزدانی، همان، ص ۱۰۴

۴. دیوید، مدیریت استراتژیک، ص ۳۸

۵. چگینی، «طرح‌ریزی راهبردی نظامی و برنامه‌ریزی دفاعی»، مجله سیاست خارجی، شماره ۵۱، ص ۷۱

۶. رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۲۶۷

۳. هدف

هدف یک دستاورد خاص و قابل سنجش است که باید در یک زمان مشخص و با هزینه معین به آن دست یافت.^۱

۳-۱. هدف‌های کوتاه‌مدت

اهداف کوتاه‌مدت، نتایج مطلوب و موردنظر یک شرکت در یک دوره یک‌ساله یا کمتر هستند که با اهداف بلندمدت شرکت سازگاری دارند. این اهداف خطوط راهنمای فعالیت‌های و وظیفه‌ای و عملیاتی شرکت می‌باشند.^۲

۳-۲. هدف‌های بلندمدت

می‌توان هدف‌های بلندمدت را به صورت نتیجه‌های خاصی که سازمان می‌کوشد در تأمین مأموریت خود به دست آورد تعریف کرد. مقصود از دوره بلندمدت، دوره‌ای است که بیش از یک سال باشد.^۳

پس از آنکه برنامه ریزان راهبردی فرصت‌های خود را بررسی کردند، تلاش می‌کنند تعیین کنند که کدامیک با احتمال بیشتری منجر به تحقق اهداف بلندمدت متعدد خواهند شد. تقریباً به طور همزمان، آنها تلاش می‌کنند تا پیش‌بینی کنند که آیا یک راهبرد بزرگ و در دسترس می‌تواند با بهره‌گیری از فرصت‌های ترجیح داده شده به اهداف پیشنهادی دست یابد. در آن صورت، لزوماً سه انتخاب متمایز (انتخاب راهبرد، انتخاب هدف، انتخاب فرصت) ولی به شدت وابسته به هم صورت می‌گیرند. انتخاب این سه عنصر با هم، انتخاب راهبردی را تشکیل می‌دهد.^۴

جایگاه علمی ایران

بررسی جایگاه علمی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۳ بر اساس برآوردهای

۱. رضائیان، همان، ص ۶۷؛ آقا محمدی و شریفی، «ارائه الگوی مدیریت تحول‌آفرین تکاملی و روش‌شناسی

طرح‌ریزی راهبردی»، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ص ۱۵۹

۲. پیرس و رایبسون، «مدیریت استراتژیک تدوین، پیاده‌سازی و کنترل»، ص ۴۹

۳. رضائیان، همان، ص ۳۷

۴. پیرس و رایبسون، همان، ص ۴۹؛ آقا محمدی و شریفی، همان، ص ۱۶۰



نظام‌های بین‌المللی WOS یا Web of Science، اسکوپوس (SCOPUS)، نظام نامه NATURE INDEX و استخراج از اطلاعات پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نشان می‌دهد که رشد علمی ایران بر پایه شاخص‌های بین‌المللی تولید علم، مثبت بوده است. در این بخش، گزارشی از جایگاه ایران در نظام‌های بین‌المللی ارائه خواهد شد.

۱- جایگاه علمی ایران در Web of Science (WOS)

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران بر پایه آخرین اطلاعات تولید علم، در نظام بین‌المللی Web of Science در سال ۲۰۲۳ در رتبه هفدهم دنیا قرار دارد و آخرین به‌روزرسانی تولید علم ایران در حوزه Web of Science تا تاریخ ۲ آوریل ۲۰۲۴، ۴۷۲ بوده که این میزان نشان‌دهنده میزان کیفیت مقالات ایرانی ثبت شده است.^۱ (پیوست شماره ۱)

جایگاه علمی ایران در Web of Science در پنج سال اخیر نشان می‌دهد که درصد مقالات کنفرانسی به دلیل شیوع کرونا در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ نسبت به دوره‌های قبل به‌طور محسوسی کاهش داشته است. (پیوست شماره ۲)

داده‌های مربوط به بخش درصد مشارکت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از پایگاه InCite و با در نظر گرفتن ESCI استخراج شده است و نشان می‌دهد که درصد مشارکت بین‌المللی در پنج سال اخیر رشد خوبی داشته است. این درصد از میزان ۲۸.۰۳ در سال ۲۰۱۹ به میزان ۳۳.۳۷ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است.

بخش قلمروهای پژوهشی برتر جایگاه علمی ایران در Web of Science در پنج سال اخیر نشان می‌دهد که سه گروه مهندسی، شیمی و علم مواد مهم‌ترین قلمروهای پژوهشی کشور در این مدت بوده‌اند.

کشورهای همکار با گروه‌های علمی ایران در حوزه Web of Science در

1. <https://isc.ac/fa/grid//۲۱۱>

سال‌های اخیر تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند. در سال ۲۰۱۹ کشورهای آمریکا، کانادا و استرالیا و در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ کشورهای آمریکا، چین و کانادا همکار علمی ایران بوده‌اند.

۲- جایگاه علمی ایران در SCOPUS

در نظام‌نامه بین‌المللی اسکوپوس (SCOPUS) مهم‌ترین قلمروهای پژوهشی ایران در تولید علم در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ پزشکی، مهندسی و علم مواد بوده است. کشورهای همکار علمی ایران نیز در سال‌های ۲۰۱۹ آمریکا، کانادا و انگلستان و در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ آمریکا، چین و کانادا، بوده‌اند.^۱ (پیوست شماره ۳)

۳- جایگاه علمی ایران در Leidenranking

نظام رتبه‌بندی لایدن سال ۲۰۲۳ فهرست ۱۱۱۴ دانشگاه برتر از ۷۲ کشور جهان را در بر می‌گیرد و ۴۶ دانشگاه ایران در نظام رتبه‌بندی لایدن سال ۲۰۲۳ حضور دارند. در مقایسه با ۴۴ دانشگاه ایران در رتبه‌بندی سال ۲۰۲۲، ۲ دانشگاه جدید (مرکز جهاد دانشگاهی و دانشگاه علوم پزشکی همدان) به رتبه‌بندی سال ۲۰۲۳ اضافه شده‌اند.^۲ حضور دانشگاه‌های ایران از سال ۲۰۱۳ به بعد در نظام رتبه‌بندی لایدن که یکی از معتبرترین و علمی‌ترین نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح جهان محسوب می‌شود نشان‌دهنده رشد کمی و کیفی تولیدات علمی و افزایش مشارکت علمی دانشگاه‌های ایران و مؤید رؤیت‌پذیری این دانشگاه‌ها در سطح جهان است.

۴- جایگاه علمی ایران در NATURE INDEX

جایگاه علمی ایران در NATURE INDEX نیز در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد رتبه کل ایران ۳۲ است. این رتبه در سال ۲۰۲۱ عدد ۳۶ بوده است. نظام بین‌المللی (Nature INDEX) برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ ساخته شد.^۳ این پایگاه داده‌ای از اطلاعات



1. <https://www.scopus.com/>
<https://www.scimagojr.com/journalrank.php?country=IR>

2. <https://www.leidenranking.com/ranking/۲۰۲۳/list>

3. <https://isc.ac/fa/grid/109>

محققان و مقالات پژوهشی اساسی است که در یک گروه منتخب از ۸۲ مجله علمی با کیفیت بالا در زمینه علوم طبیعی منتشر شده است. نیچرایندکس اطلاعاتی را درباره نتایج تحقیق با کیفیت بالا در سطح نهادی ارائه می‌دهد. (پیوست شماره ۴)

جداول سالانه نیچر ایندکس ۲۰۲۳ بر اساس خروجی‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که ایران بر اساس جدول درصد سهم همکاری، بیشترین همکاری را به ترتیب با آمریکا، آلمان و چین داشته است.^۲

جایگاه علمی منطقه آمریکای لاتین

در جدیدترین رتبه‌بندی دانشگاه‌های منطقه آمریکای لاتین در سال ۲۰۲۳ که توسط نظام رتبه‌بندی تایمز (Times Higher Education) منتشر شده است برزیل با ۲۸ دانشگاه در میان ۵۰ دانشگاه برتر و ۷ دانشگاه در میان ۱۰ دانشگاه برتر، در صدر رتبه‌بندی دانشگاه‌های آمریکای لاتین قرار دارد و بالاترین میانگین امتیاز کلی را در بین همه کشورها (۵۱.۳ از ۱۰۰) دارد. در میان کشورهایی با ۱۰ دانشگاه یا بیشتر که در رتبه‌بندی حضور دارند با این حال، برای چهارمین سال متوالی رتبه اول به دانشگاه شیلی به نام Pontificia Universidad Católica de Chile رسیده است. رتبه‌های دوم و سوم به دانشگاه‌های برزیلی شامل دانشگاه سائوپائولو و دانشگاه کامپیناس اختصاص یافته است. این دو دانشگاه بالاترین نمرات ممکن را در شاخص پژوهش (تحقیق) به دست آوردند و همچنین در شاخص آموزش نیز نمره خوبی کسب کردند. کشورهایی که بیشترین رتبه را دارند به ترتیب برزیل با ۷۲ دانشگاه و پس از آن شیلی با ۳۰ دانشگاه، کلمبیا با ۲۹ دانشگاه، مکزیک با ۲۶ دانشگاه، اکوادور با ۱۳ دانشگاه و پرو با ۱۰ دانشگاه هستند. برزیل همچنین با ۵۵.۶ بالاترین میانگین امتیاز را در شاخص آموزش دارد. مکزیک با ۴۳.۵ دوم و شیلی با ۳۵.۹ سوم هستند. برزیل

1. <https://www.imna.ir/news/709828>؛ <https://www.javanonline.ir/fa/news/1150298>؛ <https://farsnews.ir/news/14020809000389>

2. <https://www.nature.com/nature-index/>

نیز بالاترین میانگین امتیاز را در شاخص پژوهش (تحقیق) دارد.^۱ همچنین مطابق آخرین نظام بندی دانشگاه‌های منطقه آمریکای لاتین که مورد تأیید وزارت علوم جمهوری اسلامی ایران است، در سال ۲۰۲۴ برزیل، شیلی و کلمبیا هر کدام با ۲ دانشگاه درجه A در رتبه‌های اول هستند و در میان دانشگاه‌های با درجه B برزیل با ۱۲ دانشگاه، در رتبه نخست و سپس مکزیک و شیلی، هر کدام با ۸ دانشگاه در رتبه دوم و کلمبیا با ۵ دانشگاه در رتبه سوم قرار دارد.^۲

روابط ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین

کارشناسان معتقدند حوزه‌های همکاری با کشورهای آمریکای لاتین را با توجه به نیاز منطقه می‌توان انرژی به ویژه نفت و گاز، صنایع تولید مواد غذایی، صنایع تولید مواد شیمیایی و شوینده، عمران، ساخت سد، تولید برق و انرژی‌های برق‌آبی، ساخت مسکن، معادن و فلزات، خدمات مستشاری، آموزش و مهارت‌افزایی، کشاورزی صنعتی و سنتی، دامداری سنتی و صنعتی، تأمین و توزیع سبب غذایی، بهداشت و درمان خصوصاً دارو و خدمات درمانگاهی، تکنولوژی‌های تک و نانو تکنولوژی و ... تعریف کرد.

در این بخش به برخی از تفاهم‌نامه‌های علمی و پژوهشی مشترکی که میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آمریکای لاتین منعقد شده است اشاره می‌شود.

برزیل

برزیل، بزرگ‌ترین کشور در آمریکای لاتین است که از نظر مساحت پنجمین کشور بزرگ جهان و هفتمین کشور پرجمعیت جهان محسوب می‌شود. همکاری‌های علمی میان ایران و برزیل در زمینه‌های مختلف می‌باشد که در تفاهم‌نامه‌های مختلف ایجاد شده است. از جمله تفاهم‌نامه‌های همکاری، مربوط به صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران معاونت علمی و فناوری ایران و بنیاد تحقیقاتی سائوپائولوی

1. <https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2023/latin-america-university-rankings>

2. <https://grad.saorg.ir>

برزیل (FAPESP) است. بر اساس این تفاهم‌نامه از پژوهش‌های مشترک محققان ایران و برزیل در حوزه علوم شناختی حمایت می‌شود. همچنین حمایت از برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارها نیز از دیگر برنامه‌های آن است.^۱

شیلی

در خصوص تفاهم‌نامه‌های همکاری علمی میان ایران و شیلی به موارد زیر می‌توان اشاره نمود: تفاهم‌نامه همکاری میان دانشگاه علم و صنعت ایران و دانشگاه Andrés Bello کشور شیلی^۲ و تفاهم‌نامه همکاری میان دانشگاه «Diego Portales» شیلی و دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه ایران، در خصوص تبادل متخصص جهت آموزش و هدایت تحقیقات، تدارک شرایط مناسب برای مبادله دانشجویان ممتاز و اجرای طرح‌های مشترک، میان پژوهشگران دو مرکز علمی.^۳

کلمبیا

روابط علمی و حتی اقتصادی میان ایران و کلمبیا، نسبت به بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین در سطح پایین‌تری قرار دارد؛ با این حال ۱۵ تفاهم‌نامه علمی و تجاری میان ایران و کلمبیا وجود دارد که ضرورت دارد تا این تفاهم‌نامه‌ها اجرایی شود.^۴ از جمله تفاهم‌نامه‌هایی که در گذشته به امضای طرفین رسیده است، تفاهم‌نامه همکاری زمین‌شناسی و معدنی میان سازمان زمین‌شناسی ایران و موسسه زمین‌شناسی و معدن کلمبیا است که در زمینه تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی، ژئوشیمیایی و ژئوفیزیکی، انجام مطالعات ژئوفیزیک هوایی با استفاده از روش مغناطیس‌سنجی و رادیومتریک، اجرای بررسی‌های مشترک زمین‌شناسی پزشکی و زمین‌شناسی زیست‌محیطی و... می‌باشد.^۵

مکزیک

1. <https://dolat.ir/detail/337088>
2. <https://www.iust.ac.ir/content/44124/>
3. <https://www.irna.ir/news/5496894/>; <https://www.udp.cl/>
4. <https://farsi.iranpress.com> ؛ <https://khabarfarsi.com/u/151646476>
5. <https://www.irna.ir/news/6570997>

مکزیک دومین اقتصاد بزرگ آمریکای لاتین است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ تولید ناخالص داخلی اکثر کشورهای اروپایی را تحت‌الشعاع قرار دهد. این کشور در سطح جهانی، از نظر سهولت کسب‌وکار در رتبه ۶۰ و در آمریکای لاتین (پس از شیلی) در رتبه دوم قرار دارد. مکزیک با دسترسی به اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس و ارتباطات تجاری با آمریکای شمالی و جنوبی و همچنین آسیا و اروپا، دارای موقعیت استراتژیک مهمی می‌باشد. خدمات خرده‌فروشی، عمده‌فروشی و املاک و مستغلات هر کدام حدود ۱۰ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند و پس از آن حمل‌ونقل (۶.۵ درصد) و خدمات مالی (۴ درصد) قرار دارند. مکزیک از نظر ارائه فرصت‌های اعتباری به کسب‌وکارهای بین‌المللی جدید در رتبه یازدهم جهانی قرار دارد.

همکاری‌های علمی میان ایران و مکزیک نیز به جهت برخی از مسائل سیاسی در جایگاه مطلوبی قرار ندارد؛ با این حال اقداماتی توسط برخی از دانشگاه‌های ایران جهت برقرار ارتباط و همکاری مشترک صورت گرفته است. از جمله می‌توان به بررسی راه‌های همکاری‌های علمی میان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال و دانشگاه‌های مکزیک در دیدار با سفیر آن کشور^۱، تفاهم‌نامه میان دانشگاه Universidad Santiago de Querétaro شهر Santiago de Querétaro^۲ و دانشگاه مراغه در زمینه‌های فنی مهندسی و کشاورزی^۳، بررسی‌های نهایی جهت عقد تفاهم میان دانشگاه هنر تهران و دانشگاه Universidad Veracruzana^۴ اشاره نمود.

اکوادور

روابط علمی میان ایران و اکوادور منجر به امضای چند یادداشت تفاهم همکاری شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. تفاهم همکاری میان پارک فناوری پردیس و دبیرخانه ملی علوم و فناوری اکوادور مبنی بر مشاوره و کمک به اکوادور

1. <https://ntb.iau.ir/fa/news/12113/>

2. <https://usaq.com.mx/>

3. <https://www.iribnews.ir/fa/news/3303887/>

4. <https://www.uv.mx/>; <https://art.ac.ir/file/download/page/65b9e07ca37f0-1402.pdf>;

برای ایجاد پارک فناوری، انتقال دانش فنی، بازاریابی محصولات دانش‌بنیان در دو کشور و برگزاری نشست‌های تبادل فناوری؛^۱ یادداشت تفاهم وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران و وزارت معدن و نفت اکوادور به منظور توسعه و تحکیم روابط دو جانبه برای همکاری در زمینه زمین‌شناسی و معدن از طریق توسعه مشترک پروژه‌ها در نواحی زمین‌شناسی و معادن؛ همچنین پشتیبانی و آموزش در زمینه تحقیق و شناسایی و استخراج منابع معدنی با استفاده از فناوری edge-cutting، پشتیبانی و آموزش در پردازش تصاویر ماهواره‌ای به منظور تحقیقات زمین‌شناسی، شناسایی منابع معدنی، تجزیه و تحلیل مخاطرات زمین‌شناسی و ارزیابی آثار زیست محیطی آن به منظور حمایت از برنامه‌ریزی و اداره کشور به ویژه در بخش معدنی و حمایت و پشتیبانی در امر تهیه تصاویر ماهواره‌ای مطابق با نیازها و واقعیت‌های کشور از دیگر پروژه‌های طرفین محسوب می‌شود.^۲



1. <https://www.mehrnews.com/news/1302710/>
 2. <https://www.irna.ir/news/6573234>

کشور ونزوئلا با مالکیت بیش از ۳۰۰ میلیارد بشکه نفت دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت دنیا است و در زمینه فولاد و محصولات کشاورزی ظرفیت اقتصادی گسترده‌ای دارد. در همین خصوص کارشناسان اقتصادی می‌گویند ایجاد روابط اقتصادی و علمی در زمینه‌های مختلف، از جمله کشاورزی، احیای صنعت نفت و تعمیر و بازسازی پالایشگاه‌های این کشور نه تنها برای ونزوئلا، بلکه برای ایران نیز سودمند است.

سابقه همکاری ایران و ونزوئلا به سال‌ها قبل بر می‌گردد و قانون موافقت‌نامه همکاری‌های فرهنگی، علمی و آموزشی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بولیواری ونزوئلا در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسیده است.^۱ با این حال روابط ایران و ونزوئلا در دولت یازدهم و دوازدهم (۲۰۱۳-۲۰۲۱ میلادی) کاهش یافت. پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم در سال ۲۰۲۱ و سفر رئیس‌جمهور ونزوئلا به ایران و بالعکس، زمینه همکاری‌های اقتصادی و علمی میان ایران و ونزوئلا رشد چشمگیری به خود گرفت و در این خصوص تفاهم‌نامه‌های مختلفی ایجاد شد. از جمله، تفاهم‌نامه همکاری میان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران و معاون علمی و فناوری، آموزشی و بهداشتی رئیس‌جمهور ونزوئلا در زمینه‌های علمی، آموزش دانشگاهی، تحقیقاتی و فناوری به امضای طرفین رسید. بر اساس این تفاهم‌نامه، طرف‌ها در گستره صلاحیت‌ها و متناسب با توانایی‌های خویش از طریق برنامه‌ریزی و توسعه برنامه‌ها و طرح‌های آموزش فنی و حرفه‌ای شامل آموزش فنی، حرفه‌ای و آموزش دانشگاهی، تربیت و ارتقای استعدادها در محورهای خودکفایی غذایی؛ علوم دارویی و تجهیزات پزشکی؛ آموزش؛ ورزش؛ علوم اجتماعی و مدیریت سیاست‌های عمومی در جهت تأمین رفاه؛ همکاری و همبستگی خود را در زمینه‌های علمی، آموزش دانشگاهی، تحقیقاتی و فناوری گسترش داده و تقویت خواهند کرد.

به منظور تضمین تبادل و همکاری متقابل در حوزه‌های ذکر شده، طرف‌ها تفاهم می‌نمایند که از تبادل آموزشی و آموزش آکادمیک برای تکثیر و تخصیص اجتماعی دانش در هر یک از پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه‌یافته در هر حوزه حمایت کنند.^۱

همچنین تفاهم‌نامه دیگری میان معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری و نزنوئلا و رئیس مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری امضا شد که هدف این تفاهم‌نامه ایجاد «مرکز نوآوری و فناوری مشترک ایران- و نزنوئلا» و طراحی یک چهارچوب همکاری در زمینه‌های علمی، فناوری و نوآوری بر مبنای برابری، احترام متقابل و منفعت مشترک است. تسهیل تبادلات دانش و فناوری، تحقیق و توسعه مشترک، توسعه بازار و تولید مشترک در و نزنوئلا، همکاری متقابل در پارک‌های فناوری، برنامه‌های ویژه برای آموزش و تقویت استعدادها ملی، رشد پروژه‌های علمی، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌پذیر مبتنی بر فناوری از اهداف مشترک بین دو کشور در مرکز نوآوری و فناوری ایران و و نزنوئلا به شمار می‌رود. فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ هوش مصنوعی و مکاترونیک، پزشکی، تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی، فناوری زیستی، فناوری نانو، محیط‌زیست، فناوری حمل و نقل، صنعت نفت و گاز، سرمایه‌گذاری روی شرکت‌های دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان، داروهای هسته‌ای، رادیولوژی، نهادهای زیستی زمینه‌های همکاری دو کشور هستند.^۲ از دیگر موارد همکاری، قانون موافقتنامه همکاری‌های فرهنگی، علمی و آموزشی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بولیواری و نزنوئلا^۳ و نیز امضای ۱۹ سند همکاری فرهنگی میان ایران و و نزنوئلا توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در کاراکاس است.^۴

1. <https://dolat.ir/detail/399788>
 2. <https://www.irna.ir/news/85141216/>
 3. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93794>
 4. <https://www.irna.ir/news/85139386/>



از دیگر اقداماتی که می‌توان نام برد، برگزاری نمایشگاه ایران ساخت است که به محصولات دانش‌بنیان و خلاق ایرانی اختصاص دارد و با حضور ۸۲ شرکت ایرانی و ۵۰ مجموعه فناور و نزنوئالایی در ژوئن ۲۰۲۳ برگزار شد و بزرگ‌ترین و راهبردی‌ترین شرکت‌های ایرانی در حوزه صنعت «خودرو»، «کشاورزی»، «دارو»، «تجهیزات پزشکی»، «آی سی تی» و «صنایع خلاق» در آن حضور داشتند و دستاوردهای خود را به نمایش گذاشتند.^۱

نیکاراگوئه

یکی از زمینه‌های همکاری ایران با نیکاراگوئه در حوزه سلامت می‌باشد. میزان تولید دارو در کشور نیکاراگوئه دو تا سه درصد است در حالی که در جمهوری اسلامی ایران ۹۸ درصد از نیازهای دارویی در داخل کشور تولید می‌شود. مسئولان بهداشت و درمان کشور نیکاراگوئه از واردات داروها و تجهیزات پزشکی ایران استقبال کردند و در این خصوص توافق‌نامه‌ای برای صادرات محصولات سلامت محور به نیکاراگوئه تدوین شد. در زمان گسترش کووید ۱۹ جمهوری اسلامی ایران واکسن کرونای تولید مجموعه برکت را به کشور نیکاراگوئه ارسال کرد و آنها از این واکسن ابراز رضایت کرده، اظهار تمایل کردند که دیگر واکسن‌های ساخت ایران را نیز از جمهوری اسلامی خریداری کنند.^۲ تلاش‌هایی نیز توسط سفرای ایران و نیکاراگوئه در خصوص ایجاد تفاهم‌نامه جهت تبادل دانشجویان، اساتید و انجام پژوهش‌های مشترک^۳ نیز شده است که امید است که به نتیجه برسد.

بولیوی

همکاری‌های علمی میان مراکز علمی و دانشگاهی ایران و کشور بولیوی در سال‌های گذشته انجام شده است و تفاهم‌نامه‌هایی نیز امضا شده است. سفر رئیس دانشگاه Universidad Mayor de San Simón^۱ به ایران و امضای تفاهم با دانشگاه تهران جهت تبادل استاد و دانشجو و ارائه بورس به دانشجویان معرفی شده از طرف دو دانشگاه، ارائه دوره‌های آموزش‌های الکترونیکی و راه‌اندازی دوره‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های بولیوی توسط دانشگاه تهران، از جمله این تفاهم‌نامه‌ها است. در این تفاهم‌نامه، دانشگاه San Simón نقش یک حلقه واسط میان دانشگاه تهران و دانشگاه‌های آمریکای لاتین را ایفا می‌کند.^۲

همچنین رئیس دانشگاه san Simón به همراه سفیر بولیوی با بازدید از دانشگاه یزد^۳ و دانشگاه صنعتی شریف^۴ تفاهم‌نامه‌هایی را نسبت به تبادل استاد و دانشجو و گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی به امضا رساندند.

پیگیری جهت به نتیجه رسیدن این تفاهم‌نامه‌ها می‌تواند آغازی بر گسترش همکاری‌های علمی میان ایران و بولیوی شود.

کوبا

جمهوری اسلامی ایران از سال‌ها قبل با کشور کوبا روابط سیاسی، اقتصادی و علمی داشته است. از مهم‌ترین مسائلی که باعث قرابت جمهوری اسلامی ایران و کوبا می‌شود، درگیری کوبا و ایالات متحده آمریکا است. نزدیکی جغرافیایی کوبا با ایالات متحده آمریکا مهم‌ترین نقطه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران در مناسبات خود با کوبا مورد توجه قرار داده است. درگیری کوبا بر سر پاناما و سوسیالیستی بودن کوبا، دو نقطه جدی از لحاظ سیاسی فی مابین کوبا و ایالات متحده آمریکا

1. <https://www.umss.edu.bo/>
 2. <https://www.irna.ir/news/84710030/>
 3. <https://yazd.mfa.ir/portal/newsview/676218>
 4. <https://mazandaran.iribnews.ir/fa/news/3410508/>



است. افزایش مناسبات جمهوری اسلامی ایران و کوبا می‌تواند به نحوه‌ی تعامل آن دو با یکدیگر بر گردد. کشور کوبا با وجود سرمایه و ثروت اقتصادی زیادی که دارد در لایه ذخایر نفتی، تأمین مواد غذایی، تأمین برق، حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات، خدمات فنی و مهندسی و تجهیز زیرساخت‌های زندگی مشکلات زیادی دارد. در همین چارچوب جمهوری اسلامی ایران قادر خواهد بود تا با فراهم کردن این زیرساخت‌ها در این کشور سرمایه‌گذاری کرده و در ازای آن مواد اولیه مورد نیاز خود را از کوبا تأمین کند.

سابقه روابط علمی ایران و کوبا بیشتر در بخش دارویی، حوزه انرژی و خدمات فنی مهندسی بوده است و ارتباط زیادی میان دانشگاه‌های آن کشور و دانشگاه‌های ایران نبوده است. در بازدیدی که سفیر کوبا در سال ۲۰۲۲ از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) داشته است زمینه‌های ایجاد تفاهم‌نامه در خصوص تبادل دانشجو، آموزش زبان فارسی، تقویت فعالیت‌های علمی در حوزه‌های کشاورزی و صنعتی با کشور کوبا مورد گفتگو قرار داده شد^۱ که این گفتگوها می‌تواند زمینه ورود سایر مراکز علمی و همکاری بیشتر را فراهم سازد.

همچنین در سفری که رئیس‌جمهور کوبا در سال ۲۰۲۳ به ایران داشت، گفتگوهای مختلفی در زمینه بخش‌های مختلف علم و فناوری^۲، بهداشتی، کشاورزی، انرژی و معدن، تجهیزات زیرساختی، مخابراتی و فیبر نوری^۳ و پزشکی^۴ انجام شد که در برخی موارد توافق‌نامه‌هایی نیز به امضای طرفین رسید^۵.

ارتقا و توسعه همکاری‌های علمی و فناوری بر اساس اصول برابری و انتفاع متقابل، مطابق با قوانین و مقررات مربوطه از طریق توسعه پروژه‌های همکاری مشترک در زمینه‌های علوم و فناوری نانو، فناوری زیستی، تغییرات آب و هوا و سایر

1. <https://www.irna.ir/news/85034264/>
2. <https://www.isna.ir/news/1402100402669>
3. <https://www.isna.ir/news/1402110201188/>
4. <https://www.isna.ir/news/1402032616702>
5. <https://www.isna.ir/news/1402091308982>

حوزه‌های مورد توافق طرفین، تبادل یا تعیین دانشمندان و محققان برای انجام پروژه‌های مشترک یا به اشتراک گذاری تجارب، انتقال یا تبادل فناوری در زمینه‌های علمی، فناوری و نوآوری، سازماندهی یا پشتیبانی از برگزاری سمپوزیوم‌ها، کنفرانس‌ها، انجمن‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در حوزه‌های مورد علاقه متقابل، تشکیل کمیته کاری مشترک و ایجاد مرکز مشترک علم و فناوری از جمله بندهای توافق‌نامه میان بین معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری ایران و وزارت علم، فناوری و محیط‌زیست جمهوری کوبا بود.^۱

چشم‌انداز

چشم‌انداز همکاری‌های ایران و آمریکای لاتین را می‌توان در ۱۰ عنوان مطرح

کرد:

۱. بورسیه دانشجوی میان دانشگاه‌های ایران و آمریکای لاتین و تبادل اساتید
۲. برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و فرصت‌های مطالعاتی
۳. تولید کتاب، مقالات و پروژه‌های علمی مشترک
۴. تأسیس مراکز علمی و دانشگاهی فرا سرزمینی
۵. تأسیس رشته‌ها و ایجاد کرسی‌های علمی در زمینه اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی، مطالعات اسلامی، زبان و ادبیات فارسی در آمریکای لاتین
۶. تأسیس و گسترش رشته‌های زبان اسپانیایی و پرتغالی، فرهنگ و ادبیات آمریکای لاتین، تاریخ کشورهای آمریکای لاتین و ... در دانشگاه‌های ایران
۷. برگزاری نشست‌ها و همایش‌های مشترک علمی
۸. اولویت جذب دانش‌آموختگان مراکز علمی طرفین در دانشگاه‌ها و مؤسسات به عنوان هیأت علمی
۹. حذف موانع سفر و اقامت مانند ویزا، محدودیت‌های مدت اقامت، اسکان،

ازدواج و ... میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آمریکای لاتین
 ۱۰. ایجاد و تقویت مراکز زبان‌آموزی در ایران و آمریکای لاتین و تشویق
 دانشجویان و نخبگان به یادگیری زبان اسپانیایی و پرتغالی.

راهبردها

جهت رسیدن به چشم‌اندازهای همکاری‌های ایران و آمریکای لاتین، برنامه و
 ابزاری مورد نیاز است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۱. رایزنی‌های سیاسی: این نوع از رایزنی‌ها باید توسط نهادهای مختلف دولتی
 مانند وزارت امور خارجه، وزارت علوم، وزارت بهداشت، وزارت نفت، وزارت
 فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات و ... انجام پذیرد تا موجب
 تسهیل در گسترش روابط علمی شود.

۲. تفاهم‌نامه‌های دانشگاهی: این تفاهم‌نامه‌ها، رسیدن به چشم‌انداز ایده آل
 روابط علمی ایران و آمریکای لاتین را سرعت می‌بخشد.

۳. ایجاد و تقویت ارتباط نخبگانی میان اساتید و پژوهشگران ایرانی و آمریکای
 لاتین: هم‌اکنون بسیاری از محققان ایرانی با اساتید و پژوهشگرانی از کشورهای
 اروپایی، چین و آمریکا پروژه‌های مشترک اجرا می‌کنند که این ارتباط و همکاری
 با پژوهشگران آمریکای لاتین هم باید اتفاق بیفتد.

۴. ایجاد نظام پیگیری تفاهم‌نامه‌ها: مسئله بسیار مهم‌تر از ایجاد تفاهم‌نامه
 همکاری، پیگیری و به ثمر نشاندن تفاهم‌نامه است که باید مورد تأکید قرار گیرد.

اهداف

در اهداف کوتاه‌مدت که در سال جاری باید به آن نیل پیدا کرد می‌تواند موارد
 زیر باشد:

۱. شناخت ظرفیت‌های متقابل و تلاش در جهت ارتباط بیشتر: همایش بین‌المللی
 ظرفیت‌های علمی ایران و آمریکای لاتین که به همت جامعه المصطفی‌العالمیه
 برگزار شده است می‌تواند آغازی بر شناخت ظرفیت‌های متقابل باشد.



۲. ایجاد کمیته‌ای شامل دانشگاه‌ها و اساتید جهت تمرکز بر برقراری ارتباط میان مجامع علمی ایران و آمریکای لاتین

۳. درخواست از نهادهای سیاسی جهت برطرف کردن موانع هدف بلندمدتی که باید مدّ نظر قرار گیرد، رسیدن جایگاه ایران به نقطه اول در تعامل علمی و پژوهشی با آمریکای لاتین خواهد بود که این هدف می‌تواند آورده‌های اقتصادی و علمی و فرهنگی بسیاری را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود که منطقه آمریکای لاتین منطقه‌ای با فرصت‌های بسیار در زمینه‌های مختلف است و همچنین کشور جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب با وجود تحریم‌ها، رشد چشمگیری را در زمینه‌های علمی داشته است و می‌تواند این دستاوردها را در اختیار کشورهای آمریکای لاتین قرار دهد. گسترش این تعامل می‌تواند فشار تحریم‌ها بر روی برخی از کشورهای آمریکای لاتین را کاهش داده و همچنین موجب برهم زدن انحصارطلبی آمریکا در آن منطقه شود و ایجاد توازن قدرت گردد.

بیشترین تعامل ایران و آمریکای لاتین از گذشته تا کنون در خصوص صنعت نفت، پزشکی و مهندسی بوده است و در خصوص حوزه‌های دیگر، خصوصاً حوزه ادبیات و علوم انسانی تقریباً کار جدی صورت نگرفته است. با این حال عدم اشتیاق دولت قبل نسبت به ایجاد رابطه با آمریکای لاتین موجب کاهش شدید تعامل میان تمام حوزه‌های علمی و صنعتی و آن منطقه شد؛ اما هم‌اکنون و با روی کار آمدن دولت سیزدهم و اشتیاق دولت نسبت به این نوع از همکاری‌ها، زمینه خوبی برای پژوهشگران و دانشمندان جهت ظرفیت‌یابی و انجام پروژه‌های مشترک ایجاد شده است. این آغاز راه است و تا رسیدن به وضعیت ایده آل در همکاری‌های علمی و پژوهشی، مسیری طولانی در پیش است اما با تلاش و همت، این راه دست نیافتنی

این مقاله در حد بضاعت خویش، وضعیت موجود همکاری‌های علمی و پژوهشی میان ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار داد و چشم‌انداز این همکاری‌ها، ابزار و برنامه‌های نیل به این چشم‌انداز و نیز نتایج مطلوبی که در کوتاه‌مدت و بلندمدت حاصل خواهد شد را مورد مذاقه قرار داد و امیدوار است که این پژوهش زمینه‌ای جهت شناخت بهتر منطقه آمریکای لاتین برای پژوهشگران ایرانی و نیز ظرفیت‌های ایران برای پژوهشگران آمریکای لاتین گردد.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. پیرس، جان ای و راینسون، ریچارد بی، مدیریت استراتژیک تدوین، پیاده‌سازی و کنترل، ترجمه
۲. دیوید، فرد آر، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۹۹۹ م.
۳. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۹۵ ش.
- محمدحسین بیرامی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۲۰۱۱ م.
۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، دوم، ۱۳۵۵ ش.

مقالات

۵. آقامحمدی، داود و شریفی، شهاب، «ارائه الگوی مدیریت تحول آفرین تکاملی و روش‌شناسی طرح‌ریزی راهبردی»، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، شماره ۱۰، ۱۳۹۸ ش.
۶. چگینی، حسن، «طرح‌ریزی راهبردی نظامی و برنامه‌ریزی دفاعی»، تهران، مجله سیاست خارجی، شماره ۱۴، ۱۳۷۴ ش.
۷. حسن‌زاده، کاظم، عابدینی، علی، یزدانی، حمیدرضا، «ارائه چارچوبی برای تدوین چشم‌انداز مطلوب: مطالعه اسناد چشم‌انداز شرکت‌های برتر»، پژوهش‌های مدیریت

- راهبردی، شماره ۸۱، ۱۴۰۰ ش.
۸. خاشعی، وحید و اسدی، رضا، «طراحی مدل کنترل راهبردی در استارت‌آپ‌های اینترنتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، ۱۳۹۸ ش.
۹. رسولیان، محسن، «چشم‌انداز، عامل حیاتی برنامه‌ریزی منابع سازمان»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۲۱، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. صفری، حسین و خان محمدی، احسان، «تدوین و اولویت‌بندی اهداف استراتژی با استفاده از روش حداقل مربعات لگاریتمی فازی و مدل همسانی فازی و ترسیم نقشه استراتژی»، مدیریت بازرگانی، شماره ۶، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. کریمی قهرودی، محمدرضا؛ فشارکی، مهدی؛ نظامی پور، قدیر، «تدوین چشم‌انداز و بلوغ توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان»، فصلنامه بهبود مدیریت، شماره ۷، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. مروتی، سهراب؛ فتاحی، امیر؛ وحیدنیا، فرحناز، «دانشگاه مسئولیت‌پذیر و چشم‌انداز آن در آموزه‌های دینی»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.

منابع لاتین

13. Haque, M. D., TitiAmayah, A., & Liu, L. The role of vision in organizational readiness for change and growth. *Leadership & Organization Development Journal*, 37(7), 983-999, 2016.
14. Joachim, A.. Interface between corporate vision, mission and production and operations management. *Global journal of management and business research*, 10(2), 18-22, 2010.
15. Poister, T. H., & Streib, G. Elements of strategic planning and management in municipal government: Status after two decades. *Public administration review*, 65(1), 45-56, 2005.

سایت‌های اینترنتی:

16. <https://art.ac.ir/>
17. <https://borna.news/fa/>
18. <https://dolat.ir/>
19. <https://farsi.iranpress.com/>
20. <https://farsnews.ir/>
21. <https://grad.saorg.ir>
22. <https://isc.ac/fa>
23. <https://isc.ac/fa/>
24. <https://khabarfarsi.com/>
25. <https://mazandaran.iribnews.ir/fa/>



- 26. <https://news.iums.ac.ir/>
- 27. <https://ntb.iau.ir/fa/>
- 28. <https://rc.majlis.ir/fa/>
- 29. <https://usaq.com.mx/>
- 30. <https://www.imna.ir/>
- 31. <https://www.iribnews.ir/fa/>
- 32. <https://www.irna.ir/>
- 33. <https://www.isna.ir/>
- 34. <https://www.iust.ac.ir/>
- 35. <https://www.javanonline.ir/fa/>
- 36. <https://www.leidenranking.com/>
- 37. <https://www.mehrnews.com/>
- 38. <https://www.nature.com/>
- 39. <https://www.timeshighereducation.com/>
- 40. <https://www.umss.edu.bo/>
- 41. <https://www.uv.mx/>
- 42. <https://yazd.mfa.ir/>
- 43. <https://www.udp.cl/>

پیوست ها:



جایگاه علمی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی



بنیاد استادی و پایش علم و فناوری
جیاس اسلام

سهم (درصد)					تعداد					رتبه					جایگاه														
۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	Web of Science														
۱.۸۳	-۰.۲	۱.۹۸	۱.۹۳	۱.۸۳	۶۲۹۶	۷۳۱۰۷	۷۷۵۰۵	۷۶۵۷۵	۶۸۷۶۹	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	تولید علم در جهان														
۲۰.۳۲	۲۰.۳۶	۱۹.۱۱	۱۸.۱۹	۱۷.۰۵	۶۲۹۶	۷۳۱۰۷	۷۷۵۰۵	۷۶۵۷۵	۶۸۷۶۹	۱	۱	۲	۲	۲	تولید علم در کشورهای اسلامی														
۱.۳۳	۱.۳۶	۱.۳۹	۱.۳۶	۱.۳۳	۱۰۱۰۲۲۰	۸۶۴۴۶۶	۶۷۹۲۰۰	۳۱۱۹۹۱	۶۷۲۲۱	۱۷	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	استنادات ^۱														
-	-	-	۲.۷۴	۲.۸۸	-	-	-	-	۶۲	-	-	-	۲۷	۲۴	مقالات داغ														
۲.۱۳	۲.۶۰	۲.۶۷	۲.۰۶	۲.۶۶	۴۱۸	۵۷۰	۶۵۲	۷۵۸	۶۳۰	۲۲	۱۸	۲۰	۱۸	۱۷	مقالات پراستناد														
۲.۱۳	۲.۶۰	۲.۶۷	۲.۰۵	۲.۶۷	۴۱۸	۵۷۰	۶۵۲	۷۵۸	۶۴۴	۲۲	۱۸	۲۰	۱۸	۱۷	مقالات برتر														
۱.۴۲	۱.۶۱	۱.۶۶	۱.۹۲	۲.۰۲	۱۶۴۴	۲۱۸۳	۲۸۱۰	۳۴۹۹	۴۰۶۶	۲۹	۲۷	۲۴	۲۳	۲۳	مقالات برتر (تجمعی) ^۱														
-۰.۶۶	-۰.۴۴	-۰.۴۱	-۰.۳۸	-۰.۲۷	۳۳۲۰	۳۳۲۹	۱۸۴۶	۱۷۲۵	۱۰۵۷	۴۰	۳۸	۳۹	۴۰	۴۸	مقالات کنفرانس														
۵.۳۳	۳.۱۹	۲.۴۸	۲.۲۸	۱.۵۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	درصد مقالات کنفرانس ^۲														
-۰.۸۵	۱.۰۴	۱.۰۹	۱.۰۸	۱.۰۴	۱۸۰۴۰	۱۳۲۴۲	۲۵۳۹۹	۲۴۱۹۸	۲۹۱۷۷	۲۴	۲۲	۲۱	۲۲	۲۴	مشارکت بین المللی ^۳														
۲۸.۰۲	۳۱.۹۸	۳۵.۸۷	۳۶.۹۱	۳۷.۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	درصد مشارکت بین المللی ^۴														
<table border="1"> <tr> <td>۲۱۳</td> <td>۲۲۷</td> <td>۳۸۹</td> <td>۴۴۲</td> <td>ایچ ایندکس ایران فروردین ۲ ماه آوریل سال ۲۰۲۴ ۲۰۲۳ است.</td> </tr> <tr> <td>مهندسی، شیمی و علم مواد</td> <td>مهندسی، شیمی و علم مواد</td> <td>مهندسی، شیمی و علم مواد</td> <td>مهندسی، شیمی و علم مواد</td> <td>مهندسی، شیمی و علم مواد</td> </tr> <tr> <td>آمریکا، کانادا و استرالیا</td> <td>آمریکا، کانادا و چین</td> <td>آمریکا، چین و کانادا</td> <td>آمریکا، چین و کانادا</td> <td>آمریکا، چین و کانادا</td> </tr> </table>															۲۱۳	۲۲۷	۳۸۹	۴۴۲	ایچ ایندکس ایران فروردین ۲ ماه آوریل سال ۲۰۲۴ ۲۰۲۳ است.	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	آمریکا، کانادا و استرالیا	آمریکا، کانادا و چین	آمریکا، چین و کانادا	آمریکا، چین و کانادا	آمریکا، چین و کانادا
۲۱۳	۲۲۷	۳۸۹	۴۴۲	ایچ ایندکس ایران فروردین ۲ ماه آوریل سال ۲۰۲۴ ۲۰۲۳ است.																									
مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد	مهندسی، شیمی و علم مواد																									
آمریکا، کانادا و استرالیا	آمریکا، کانادا و چین	آمریکا، چین و کانادا	آمریکا، چین و کانادا	آمریکا، چین و کانادا																									

۱. داده های مندرج در این گزارش در ۱۴ فوردين ۱۴۰۳ به روز رسانی شده است.
 ۲. داده های مربوط به استنادات مشارکت بین المللی و درصد آن از پایگاه Incite و با در نظر گرفتن استراخ شده است.
 ۳. در این رديف فارسي تجمعي مقالات برتر از ابتدا تا سال مورد نظر محاسبه شده است. اما در رديف بالا تعداد مقالات برتر هر سال درج شده است.
 ۴. منظور، درصد مقالات کنفرانس از کل مقالات کشور است.
 جایگاه علمی ایران در سال ۲۰۲۳ در دنیا هنوز تثبیت نشده است. از این رو برای مقایسه با سال های اخیر قابل اطمینان نیست.

(پیوست شماره ۱)





الگوی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در آرژانتین

معصومه مرادجانی^۱

دکترای علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، فرهنگ و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

جلال غفاری^۲

دانشیار فرهنگ و ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

پیمان جبلی^۳

استادیار فرهنگ و ارتباطات، گروه ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران

اکبر نصرالهی^۴

استادیار مدیریت رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، فرهنگ و رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
و رئیس دانشکده‌گان هنر و رسانه دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

چکیده

در گذشته روابط کشورها اغلب متمرکز بر دیپلماسی رسمی بود اما با گسترش ارتباطات بین‌المللی، تحول نهادی ژرفی ایجاد و ابعاد دیگری از اثرگذاری اجتماعی و روابط بین دولت-ملت‌ها ظهور و بروز یافت. سطح و کیفیت روابط رسمی ۱۲۰ ساله کشورهای ایران و آرژانتین را باید در دو بخش پیش و پس از حادثه انفجار انجمن یهودیان آرژانتین موسوم به آمیا در بوئنوس آیروس در سال ۱۳۷۳ بررسی کرد. از آنجایی که دو کشور مذکور در فراز و فرود تثبیت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود به عنوان قدرت‌های نوظهور هستند؛ فلذا ضرورت دارد با اثبات

1. E-mail: Sienta112@gmail.com

2. E-mail: Jalalghafari@gmail.com

3. E-mail: Jebelli@irib.ir

4. E-mail: Akbar.nasrollahi@gmail.com

بی‌اساسی ادله‌های مطروحه علیه ج.ا.ایران، ابهامات این پرونده برای افکار عمومی برطرف و روابط فی‌مابین در ابعاد مختلف تعمیق یابد. مسئله پژوهش حاضر دستیابی به الگوی ارتباطی مناسب جهت رشد و توسعه اثربخش ارتباطات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آرژانتین است. ادبیات مفهومی این پژوهش ارتباطات توسعه و قدرت‌های نوظهور؛ و روش تحقیق، مطالعه اسنادی و نظریه داده بنیاد است. با مراجعه پژوهشگران به کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین انجام مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر از نخبگان، ۵۱۴ مضمون، ۱۲۸ مقوله سطح یک، ۴۲ مقوله سطح دو و ۱۰ طبقه احصاء شد. براساس نتایج، الگوی رفتاری آرژانتین در نظام بین‌الملل اقتصادمحور اما غیرپایدار بوده و اثرپذیری بالایی از شرایط جهانی، گروه‌های فشار داخلی و رویکرد سیاسی حزب حاکم دارد؛ لذا ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران راهبردی ثابت و فرادولتی با تاکتیک متغیر متناسب با تغییرات جامعه هدف را در مواجهه با رسانه‌های سنتی و نوین، جامعه، نهادهای مدنی و دولت آرژانتین به کار بگیرد. هم‌چنین با توجه به گفتمان مسلط ضدایرانی در رسانه‌های این کشور و حمایت از صهیونیسم بین‌الملل، ج.ا.ایران بهتر است ظرفیت‌های پیشران دیپلماسی عمومی را با تمرکز بر دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی مبادله فعال کند.

واژگان کلیدی

ارتباطات توسعه، الگوی ارتباطی، قدرت نوظهور، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آرژانتین، انجمن یهودیان آرژانتین (آمیا).



۱. مقدمه

کشور آرژانتین تا قبل از کشف در قرن شانزدهم، متعلق به بومیان با سابقه ۸ تا ۱۱ هزار ساله بوده است. پس از استقلال در سال ۱۸۱۰ و تشکیل دولت ملی، سیاست‌های تشویقی جذب مهاجر بویژه از اروپا در دستور کار قرار گرفت. طی بیش از ۱۲۰ سال گذشته، جامعه پویای آرژانتین با ۹۵ درصد مهاجر، روز به روز در حال تکامل بوده است اما یکی از بزرگترین موانع آرژانتین، اثرپذیری سیاست‌های کلان کشور از گروه‌های قومی و نژادی مهاجران است که روند تشکیل دولت-ملت را دز این کشور به تاخیر انداخته است. در قرن بیستم، دولت‌های اروپایی و دیگر کشورها با اهداف مختلف و ضرورت‌های سیاسی-اجتماعی، برنامه‌های توسعه‌ای خود را در آرژانتین اعمال کردند. در کنار ابهامات و سردرگمی، یافته‌های خروجی نظریه در عمل و اجرای عملیاتی برنامه‌های توسعه کشورها، نهادها و اقوام مختلف، دستاوردهای چشمگیری در بررسی ارتباطات توسعه در آرژانتین داشت.

به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسالت بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های رهبران و نخبگان، بهبود، تقویت و ارتقای سطح مناسبات دوجانبه و روابط دولت-ملت‌ها حائز اهمیت است. با عنایت به تفاوت شرایط کشورها از حیث راهبرد و اهداف، بدیهی است که برنامه‌های توسعه باید متناسب‌سازی شود که مقدمه ارائه راهبرد و برنامه، شناخت جامعی از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هدف است.

مبنتی بر داده‌های جمعیت‌شناسی، در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۴۰۳ (۱۱ آوریل ۲۰۲۴) جمعیت کشور آرژانتین بیش از ۴۷ میلیون نفر بوده است که از این میان، ۴۸.۹ درصد مرد و ۵۱.۱ درصد زن است. از سال ۱۹۵۲ تا ۲۰۲۴ نرخ رشد جمعیت اغلب روندی نزولی داشته است. نرخ رشد جمعیت در سال ۱۹۸۲ برابر با ۱.۶۲ بوده که در سال ۲۰۲۴ به ۱.۰۴ رسیده است.



جدول ۱- آمار جمعیتی آرژانتین در ۱۱ آوریل ۲۰۲۴ (بر حسب نفر)

جمعیت جهان	جمعیت کل	مرد	زن	متولدين سال جاری	تولد روزانه	وفات سال جاری	وفات روزانه	مهاجرت سال جاری
۸۷۴ ۲۹۶ ۱۷۶۸	۱۱۲ ۰۲۰ ۴۷	۲۱۶ ۰۰۱ ۲۳	۸۹۷ ۰۱۸ ۲۴	۶۱۲ ۲۳۲	۱۴۲۳	۹۹۰۷۵	۲۰۰	۸۲۷۱

منطبق بر داده‌های منتشره در سایت Countrymeters

مبنتی بر یافته‌های پژوهش حاضر، الگوهای ارتباطی موقتی در آرژانتین بوده است که برخی از آن‌ها مربوط به اقدامات قدرت‌های جهانی، برخی مربوط به قدرت‌های نوظهور و برخی نیز به قدرت‌های میانه و کوچک و یا حتی اقوام و نژادها تخصیص یافته است که با راهبرد و راهکارهایی مشخص با برنامه بلندمدت به کنشگری در آرژانتین پرداخته‌اند. هر کدام از آن‌ها یک محور ارتباطی مرکزی داشته و دیگر محورها پیرامون آن قرار گرفته و قوام‌بخش آن بوده‌اند؛ البته هر کشور، قوم و نژادی چالش‌های جدی هم داشته است که در ادامه اهم نکات آن ذکر می‌شود.

با توجه به رویکرد چندجانبه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و کنشگری موثر اقتصادی آرژانتین در سپهر اقتصادی نظام بین‌الملل به ویژه در آمریکای لاتین؛ لذا ضرورت دارد تا ج.ا.ایران ارتباط موثری با این کشور پیشران رویدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی نظامی و امنیتی منطقه آمریکای لاتین برقرار کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی ارتباطی ج.ا.ایران در آرژانتین چگونه باید باشد تا بتوان ارتباط قوی و موثری با این کشور برقرار کرد!؟

جهت پاسخ به این مسئله ضرورت دارد اشراف جامعی به وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، استقلال رسانه از حاکمیت و نهادهای بین‌المللی، مصرف رسانه‌ای مردم، نسبت کنشگری مخاطب با رسانه پیدا کرده و در ادامه به درکی از الگوهای ارتباطی توسعه کشورهای مختلف در کشور آرژانتین، شناسایی رسانه‌های جریان اصلی و تعیین‌کننده آن‌ها، چستی و چگونگی کارکرد شبکه‌های اجتماعی در برزیل و در نهایت شناسایی چالش‌های ارتباطی ج.ا.ایران در جامعه هدف دست یافت. پژوهشگران کوشیده‌اند تا یافته‌های علمی و دیدگاه نخبگان را برای برطرف کردن خلا دانشی، احصاء و به یک نگاه جامع در خصوص برقراری ارتباط موثر ج.ا.ایران با آرژانتین دست پیدا کنند.

۲. پیشینه پژوهشی

با وجود این که بخش چشمگیری از پژوهش‌های ارتباطات توسعه در آمریکای لاتین بوده و خاستگاه رویکرد مطالعات انتقادی توسعه، در میان صاحب‌نظران این منطقه بوده است، اما تا کنون پژوهش‌های داخلی اندکی بر روی این جوامع، دولت‌ها و رسانه‌های آن‌ها انجام شده است که به یافته‌های برخی از نزدیکترین آن‌ها به لحاظ زمانی و محتوایی به پژوهش حاضر اشاره می‌کنیم:

الف- مارینا لاریونوا و آندری شلپوف (۲۰۲۱)^۱، در مقاله‌ای با عنوان «بریکس، گروه ۲۰ و اصلاح حکمرانی جهانی» به پتانسیل‌های هر کشور از قبیل وسعت، جمعیت، زیرساخت‌های اقتصادی و... در فرایند اقتصاد جهانی می‌پردازد. از دید این مقاله کشورهای عضو بریکس به عنوان اقتصادهای در حال ظهور می‌توانند به عنوان بدیلی برای غرب در دهه آینده برای اقتصاد جهانی مطرح شوند.

ب- آندره‌خا جاکلیچ (۲۰۱۸)^۲ در کتاب «چین و ایالات متحده: دو ابرقدرت در اقتصاد جهانی»، از آخرین اطلاعات اقتصادی و تجاری برای نشان دادن چگونگی آمیختگی محیط‌های تجاری و اقتصادی چین و ایالات متحده استفاده می‌کند و

چگونگی ادغام شرکت‌های چندملیتی را ارائه می‌دهد. به باور وی جهان انتظار یک نظم شبه کنسرتی منطقی را دارد که بر زبان مشترکی برای رسیدن ذی‌نفعان به توافق در سطح جهانی مبتنی است.

پ- براساس یافته‌های مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معصومه مرادجانی (۱۳۹۷) تحت عنوان «سیاست‌های مطلوب محتوایی شبکه هیسپان‌تی‌وی با رویکرد دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران»، شبکه برون‌مرزی هیسپان‌تی‌وی برای اینکه بتواند نقش مؤثری در دیپلماسی فرهنگی ایران در آمریکای لاتین ایفا کند، باید سیاست‌های محتوایی خود را بر اساس اهداف و اولویت‌های رسانه و با در نظر گرفتن شرایط محیطی مخاطب تدوین کرده و راهبردهای ساختاری، مدیریتی و توزیعی مطلوب و متناسبی را در برنامه‌ها و محیط سازمان رسانه در پیش بگیرد. این پژوهش کاربردی برای کل آمریکای لاتین انجام شده بود و تمرکز آن بر ارائه سیاست‌های جامعی برای اثربخشی هیسپان‌تی‌وی در آمریکای لاتین بوده و به صورت اختصاصی به برزیل نپرداخته است.

ت- براساس یافته‌های پژوهش احمد امین‌فرد تحت عنوان «ارائه راهبردهای مطلوب ارتقای دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران برای شبکه هیسپان‌تی‌وی»، مهم‌ترین راهبرد، پرهیز از پرداختن به مسائل اختلاف‌برانگیز و تبعیض‌آمیز در برنامه‌های شبکه، شفاف‌سازی در نوع پوشش وقایع کشورهای سوریه، بحرین و فلسطین، و برجسته‌سازی اقدامات و مواضع دوگانه و هماهنگ رسانه‌ای غرب به رهبری آمریکا است که با نظریه قدرت هوشمند مطابقت دارد؛ البته در این پژوهش به نقش تعیین‌کننده محیط رسانه در دریافت مخاطب از رویدادهای خبری توجه اندکی شده است.

ث- براساس پژوهش «برنامه‌ریزی راهبردی برای شبکه تلویزیونی هیسپان‌تی‌وی» توسط ابوذر خوش‌بیان و همکاران (۱۳۹۶) به روش سوات (SWOT)، «تأمین منابع

مالی مورد نیاز شبکه و فقدان کسری بودجه» و «کسب جایگاه معتبرترین، سریع‌ترین و دقیق‌ترین منبع اخبار خاورمیانه در میان شبکه‌های اسپانیایی زبان دنیا» دو هدف اول شبکه از میان اهداف ۵ گانه بوده است. سپس از طریق مصاحبه نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه مشخص و اولویت‌بندی شدند. با تناظر عوامل داخلی و خارجی در ماتریس سوات، راهبردهای مطلوب احصاء و اولویت‌بندی شدند. «داشتن موضعی فعال در جذب نیروی انسانی متخصص و تدوین سیستم آموزش ضمن خدمت مناسب برای پرسنل»، «همکاری با شبکه‌های همسو در منطقه هدف و انجام تولیدات مشترک با آنها» و «افزایش وجهه خبری شبکه» به‌عنوان سه راهبرد اولویت‌دار شبکه از میان ۲۹ راهبرد احصاء شده، مشخص شدند. این پژوهش کاربردی به‌طور اخص به راهبردی موثر برای کشورهای مختلف جامعه هدف نپرداخته است.

ج- یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد یعقوب حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «راهبردها و راهکارهای مقابله رسانه ملی با نفوذ رسانه‌ای ایالات متحده در آمریکای جنوبی به روش تحلیل مضمون»، رسانه به‌عنوان تقویت‌کننده همه ابزارهای نفوذ همه‌جانبه ایالات متحده در آمریکای جنوبی شناخته شد. ایجاد شکاف رسانه‌ای در جامعه هدف در جهت تشکیک افکار عمومی و عمل براساس فهم رسانه‌ای، تقویت گفتمان مقاومت، تبیین اهداف استعماری آمریکا و احیای سنت بومی احصاء شد. این پژوهش کلی بوده و به‌صورت اختصاصی به راهبردی مشخص برای کشور پیشران آمریکای لاتین نپرداخته است.

با بررسی پژوهش‌های پیشین، در اثر پیش‌رو سعی شده است تا به‌صورت علمی و تخصصی به درک جامعی از کشور جمهوری آرژانتین رسیده و مبتنی بر واقعیات آن جامعه، الگوی مطلوبی را برای کنشگری موثر در این کشور ترسیم و در جهت تحقق راهبردهای آن تلاش کرد.

۳. ادبیات مفهومی



هر میزان که جامعه از سادگی به سمت پیچیدگی پیش می‌رود، ارتباطات انسانی و جمعی نیز اشکال پیچیده‌تری به خود می‌گیرد (دادگران، ۱۳۷۷: ۲۹). با در نظر گرفتن محدوده ارتباطی، ارتباط به دو نوع ملی و بین‌المللی (جهانی) تقسیم می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۴۴). با رشد فناوری‌های نوین، ارتباطات، بیش از پیش اهمیت یافته و ابزارهای نوین ارتباطی، پیشران آن شده‌اند. پیشرفته‌ترین شکل ارتباط با مشارکت حداکثری، خود مدیریتی جوامع و رسانه‌های ارتباطی فی‌مابین است (Ferire, 1973). این اصل به معنای حق مشارکت آگاهانه مردم، نخبگان و دولت‌ها در برنامه‌ریزی و تولید محتوای رسانه‌ای و پیشبرد امور است.

پیوند آشکاری بین دیدگاه ارتباطات به منزله جریان انتقال اطلاعات و رویکرد نوسازی در توسعه وجود دارد. نوسازی یکی از قدرتمندترین پارادایم‌هایی است که بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کرد. برای دیدگاهی که ارتباطات را به منزله فرایند انتقال پیام می‌داند، بسیار آسان است که توسعه را به‌عنوان فرایند نوسازی از راه انتقال یا جای دادن تکنولوژی و یا القای ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها در مردم ببیند. از این منظر، اطلاعات و ارتباطات ابزارهای ترغیبی هستند که می‌توانند به یاری فرایند نوسازی بیابند (ملکات، ۱۳۹۶: ۳۸). نوسازی الگوی مسلط توسعه در آمریکای لاتین شد. در سال ۱۹۵۸، دانیل لرنر، پژوهشی را در مورد ۵۰ کشور منتشر و دستاورد پژوهش خود را منسوخ شدن جوامع سنتی برای ایجاد فضایی برای نوسازی خوانده و الگوی خطی توسعه را مطرح کرد (گذر از جامعه سنتی تا لرنر، ۱۳۸۳). در رویکرد انتقادی به پارادایم مسلط، توسعه فرایندی خطی نیست اما باید دارای زمینه تاریخی و از نظر فرهنگی حساس و چند وجهی باشد و به همه فرایندها و ساختارهای ایدئولوژیکی، سیاسی و اقتصادی تشکیل دهنده جامعه، توجه داشته باشد. (ملکات، ۱۳۹۶: ۳۹). در سال ۱۹۶۲، اورت میچل راجرز، نظریه اشاعه نوآوری‌ها را به منزله موتور نوسازی جامعه ارائه کرد. راجرز تاریخ جامع مطالعات ارتباطی را مشحون از

تحولات اجتماعی گوناگون می‌داند (راجرز، ۱۴۰۲) و نوآوری را به‌عنوان ایده، عمل، هدف، وسیله و یا انطباق با وضعیت متغیری که شخص آن را نو فرض می‌کند، تعریف کرده است (شکرخواه، ۱۳۸۶).

الگوی ارتباطی به معنای فضا، شکل و ترتیبی است که مبنای ایده و رفتار توسعه یا به بیانی آرایش فیزیکی توسعه هستند که مبتنی بر گفتمان‌های توسعه، نحوه استقرار و چینش کنشگران در یک نظام جهانی توصیف می‌شود (همانت شاه و ویلکینز)^۱ که نشان‌دهنده سه عنصر فضا، نقاط کلیدی (وزارت‌خانه‌ها و ساختارهای بین دولتی تدوین‌گر سیاست‌ها و مجری برنامه‌های توسعه) و بردارها (پیوند کنشگران نهادی و فضایی در جهت انتقال منابع مالی، فنی و انسانی) هستند. به باور محقق، پارادایم نوسازی برخاسته از نظریه اقتصادی نو کلاسیک، نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه به‌ویژه نظریه‌های دوقطبی نوسازی بر گفته از نظریه‌های تکامل اجتماعی و در سطح فردی نظریه‌های مربوط به روانشناختی فردی است که منشا نوسازی آمریکای لاتین را افراد غربی دانسته و به‌عنوان یک گفتمان باید به تغییر ویژگی‌های فردی و شبیه شدن آن‌ها به ارزش‌های اروپایی و شمال آمریکا منجر شود. تفکر توسعه‌گرایی جدید طی دهه‌های اخیر، مداخلات نهادی در کشورهای جهان سوم با مکانیسم‌های بیشتری را برای کنترل تسهیل کرد و آحاد جامعه واقعیت‌های اجتماعی و فیزیکی‌شان را در دیالکتیک توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی تولید و بازتولید کردند. گفتمانی با رویکردی سکولار و عرفی که ارزش‌های دینی را مانع می‌داند و با سوگیری انسان‌انگارانه به محیط‌زیست، بهره‌کشی حریصانه برای رشد اقتصادی را چشم‌انداز خود می‌داند. الگوی اشاعه نوآوری به‌عنوان راهنما و گاهی مجری برنامه‌ریزی ارتباطات برای توسعه در سطح محلی موثر بوده است.

از سوی دیگر، در دهه‌های جدید، مفاهیم متعددی مانند قدرت نوظهور، قدرت منطقه‌ای و قدرت میانه مطرح شده است که تمرکز اصلی آن بر دولت‌هاست.



تضعیف ابر قدرت‌ها، طیفی از کشورها را متقاعد کرده تا در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ابراز وجود کنند. (Hae Won, 2022:26) قدرت‌یابی این بازیگران از ابتدای سده بیست‌ویکم و به ویژه از هنگام بروز بحران مالی و اقتصادی جهانی آغاز و به یکی از پیشران‌های اقتصاد و تجارت بین‌المللی تبدیل شده‌اند. تفاوت اصلی قدرت‌های نوظهور با قدرت‌های میانه در این است که رفتار بین‌المللی و مواضع سیاست خارجی قدرت‌های میانه در حفظ وضع موجود و ثبات نظم جهانی معطوف است ((Schoeman, 2000)) اما قدرت‌های نوظهور نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار قدرت در نظام بین‌الملل پساانتقالی (تغییر نظام لیبرال با چندجانبه‌گرایی) ایفا می‌نمایند. دولت‌هایی که اولویت‌های مشترکی دارند، ائتلاف‌های باثباتی را شکل می‌دهند (میرترابی و فلاح، ۱۴۰۱:۴۲۰) مبتنی بر تعریف کسینجر، شاخص‌های ترکیبی برای گذار از نظم بین‌الملل مطرح است که دو شرط ضروری دارد؛ ۱- تحول نهادی ۲- تغییر قدرت. بدین ترتیب گذار نظم زمانی اتفاق می‌افتد که تغییر عمده‌ای در قوانین، نهادها و یا توزیع قدرت روی دهد (راد گودرزی و صفری، ۱۳۹۸:۲۳۷).

قدرت‌های نوظهور علی‌رغم موانع و چالش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجود، فرایند هویت‌سازی بین‌المللی را طی می‌کنند که فرجام آن نقش‌آفرینی در جابجایی قدرت و بازتوزیع نقش و نفوذ در حوزه‌های مختلف نظام بین‌الملل خواهد بود که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها واقع‌گرایی، قدرت بنیانی (هر رفتاری به پشتوانه قدرت از دولت سر می‌زند)، قدرت برتر منطقه بودن، حمایت از چندجانبه‌گرایی و به حداکثر رساندن منافع از طریق قدرت نرم هستند. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵:۵) قدرت‌های مذکور اگرچه به مناطق مختلف جغرافیایی تعلق دارند، اما به دلیل برخورداری از اشتراکات متعدد، در قالب گروه‌ها و سازمان‌های جهانی مثل بریکس، G20 گام‌های بلندی را برای نهادینه‌سازی نقش و حضور جهانی خود



برداشته‌اند. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آرژانتین به ترتیب قدرت نوظهور و قدرت میانه محسوب می‌شوند.

الگوهای ارتباطی بسیار موفق‌تری در آرژانتین بوده است که برخی از آن‌ها مربوط به قدرت‌های جهانی، برخی مختص قدرت‌های نوظهور و برخی نیز به قدرت‌های میانه و کوچک تخصیص یافته است که با راهبرد و راهکارهایی مشخص جایگاه و حضور خود را در برزیل تثبیت کرده و یا در حال قوام‌بخشی به جایگاه خود هستند. هر کدام از آن‌ها یک محور ارتباطی مرکزی داشته و دیگر محورها در پیرامون آن قرار گرفته و قوام‌بخش آن بوده‌اند؛ البته هر کشوری چالش‌های جدی هم داشته است که اهم آن‌ها ایالات متحده آمریکا و چین از قدرت‌های جهانی، اسپانیا، ایتالیا و مکزیک از قدرت‌های میانه و نوظهور؛ و اقوام یهودی مهاجر از ایالات متحده و رژیم صهیونیستی و همچنین اعراب و مسلمانان لبنان و سوریه از قدرت‌های کوچکی هستند که برخی با برنامه پیشین و برخی بالاجبار وارد خاک آرژانتین شده‌اند.

۴. روش پژوهش

به دلیل وجود تنوع دیدگاه در خصوص الگوهای ارتباطی و برخورد سلیقه‌ای در میزان تمرکز بر متغیرهای توسعه، ضرورت داشت تا خلا دانشی در سطح اولیه نمایان گردد. بر همین مبنا، ابتدا به روش کتابخانه‌ای با بررسی منابع مکتوب و غیرمکتوب، پژوهش آغاز شد. سپس سوالات پژوهش به صورت نیمه ساختاریافته طراحی و با صاحب‌نظران، مصاحبه عمیق انجام شد. مشارکت کنندگان به صورت هدفمند و برحسب خصوصیات و تجارب زیسته، از میان نمایندگان رسمی ج.ا.ایران در آرژانتین، نخبگان فرهنگی در جامعه المصطفی و سازمان فرهنگ و ارتباطات، اساتید دانشگاه و فعالان رسانه‌ای انتخاب شدند.

جدول ۱- اطلاعات مشارکت کنندگان

ردیف	تحصیلات، حوزه تخصصی و سمت سازمانی
۱	نماینده رسمی اسبق ج.ا.ایران در آرژانتین



۲	نماینده رسمی اسبق ج.ا.ایران در آرژانتین
۳	عضو هیأت علمی مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران
۴	مدیر گروه مطالعات آمریکای لاتین دانشگاه تهران
۵	دکترای علوم ارتباطات، پژوهشگر و فعال رسانه‌ای
۶	دکترای علوم ارتباطات، پژوهشگر و از مدیران صداوسیما
۷	پژوهشگر آمریکای لاتین و دکترای علوم سیاسی
۸	پژوهشگر و فعال فرهنگی در حوزه آمریکای لاتین
۹	مدیر شبکه همپان‌تی‌وی
۱۰	مدیر کل همکاری‌های رسانه‌ای سازمان فرهنگ و ارتباطات
۱۱	کارشناس ارشد مسائل امنیتی آمریکای لاتین
۱۲	کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای لاتین از دانشگاه تهران

دغدغه برخی از خالقان نظریه‌مبنایی به ویژه اشتراوس، بر آفتاب شدن فرایند تحلیل کیفی بود. (Strauss, 1987) از نظر ایشان، داده‌ها باید در چند مرحله کدگذاری شده تا نتیجه در چارچوب الگوی پارادایمی یکسانی بازنمایی شوند. (Strauss and Corbin, 1998) بنا بر اقتضائات روش نظریه‌مبنایی سیستماتیک، متن مصاحبه پیاده‌سازی شد. سپس مراحل کدگذاری اولیه (نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای به کوچکترین واحد معنادار از محتوای متنی هدف)، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. طبق روش اشتروس و کوربین، همه داده‌ها باید در مقوله‌های علی، محوری، راهبردها، متغیر زمینه‌ای، عوامل واسطه‌ای و مداخله‌کننده و پیامدها (نتایج و آثار) قرار داده می‌شد. بر همین مبنا صورت‌بندی و در قالب الگویی پارادایمی ارائه شد. با تمرکز بر روی کدگذاری اولیه، پدیده محوری شناسایی و مقولات حول آن ایجاد شد. مصاحبه با مشارکت کنندگان تا زمانی که کاوشگر به اشباع نظری رسید، ادامه یافت که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۲- تعداد کدهای اولیه، مضامین و مقوله‌های چند سطحی

مضامین احصاء شده	مقوله‌های سطح یک	مقوله‌های سطح ۲	طبقه
۵۱۴	۱۲۸	۴۲	۱۰

۵. کدگذاری دیدگاه‌های نخبگان در خصوص جمهوری آرژانتین

در کدگذاری داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته نخبگان حوزه مطالعاتی آرژانتین، مضامین و مقوله‌های چند سطحی در طبقات حوزه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی-فناوری، سیاست خارجی، روابط دو جانبه ایران و آرژانتین، رسانه در آرژانتین، ایران در افکار عمومی این کشور و الگوهای ارتباطی موفق در آرژانتین احصاء شد که در ادامه کدگذاری شده‌اند. به دلیل تلخیص و کاهش حجم مقاله، کدهای اولیه ذکر نشده اما مضامین مشترکی که کاوش‌گر مبتنی بر آن به اشباع نظری رسیده است، قید شده است.



۵-۱. کدگذاری داده‌های فرهنگی

جدول ۳- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه فرهنگ آرژانتین

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	عدم امکان اجرای یک الگوی رفتاری همگانی	منشا اثربخش فرهنگی	مهاجران؛ موثرترین لایه اجتماعی جامعه
			متاثر از فرهنگ اروپایی بویژه فرهنگ اسپانیا و ایتالیا/ بازنمایی فرهنگ اروپایی در بوئنوس آیروس (رفتار فردی و اجتماعی، سبک زندگی، ورزش، شهرسازی و...) / در سطح پایین‌تر تاثیرگذاری یهودیان و اعراب بر سنت و رسوم
			فرهنگ و سنن اجدادی مهاجران، مذهب، محل سکونت، نژاد، قوم و درآمد، زبان اسپانیایی و ادبیات واحد مورد پذیرش همگان، جشن و سرود ملی، تقویم یکسان اما بعضا اختصاصی اقوام، وحدت‌بخشی و ورزش‌های گروهی
			عناصر شکل دهنده فرهنگ عامه
			برجستگی آداب و رسوم بین فرهنگی و نوپدید / عادات کاری بسیار متفاوت و متناسب با سطح اجتماعی / سبک زندگی و سبک تغذیه بین فرهنگی
			نقاط قوت گفتمان فرهنگی غالب
۲	تکثرگرایی در مدیریت فرهنگی	ساختار متمرکز مدیریت فرهنگی	مرجعیت دین عرفی / ضعف در ملیت‌گرایی / عدم انسجام اجتماعی در جامعه (جامعه‌ای نسبتاً گسیخته)
			امور مذهبی در دبیرخانه مذهب کشور زیر نظر وزارت خارج به دلیل چندفرهنگی، مذاهب متنوع و متکثر بودن جامعه (بیش از ۲۵۰۰ دین، مذهب و فرقه) / دبیرخانه زیر نظر شخص رئیس جمهور
			فوتبال به عنوان گفتمان مشترک، هیجان اجتماعی، غرور و تعصب / چوگان با اردک آرژانتینی (پاتو) / ورزش گائوچو (سوارکاری کارکشته و مدافع ملت) / جای ملی ماته و یک دنیا تعابیر
			نقطه ضعف گفتمان فرهنگی غالب
			نمادسازی جهت ایجاد اشتراک فرهنگی
			برجسته‌سازی قهرمانان ملی
			خوزه سان مارتین در سپهر سیاسی و ملی‌گرایی (پدر میهن آرژانتین و نماد مبارزه با استعمار در شیلی و آرژانتین،

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
			هم‌پیمان با چگوارا و سیمون بولیوار/ لیونل مسی (موفق، پایبند به خانواده و اخلاق مدار) دیگو مارادونا (ورزشکار موفق اما معتاد و غیراخلاقی)/ برندگان جایزه نوبل صلح و نوبل علمی
۳	تجاری‌سازی فرهنگ	مشارکت اجتماعی در اشاعه فرهنگ محلی	مشارکت رو به رشد آحاد جامعه در تولید آثار فرهنگی / تقویت نسبی صنایع و فعالیت‌های فرهنگی توسط آحاد جامعه / صنعتی پرسود فرهنگی با بیش از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی
		صدور فرهنگی	افزایش صادرات کالاهای فرهنگی / رو به تعدیل رفتن تراز تجارت فرهنگی آثار سمعی و بصری / عضویت در کنوانسیون بین‌المللی / برگزارکننده هشتمین کمیته میراث جهانی در بوئنوس آیروس
		ترجمه آثار به اسپانیایی و بالعس	ترجمه اغلب آثار ادبی آرژانتینی به دیگر زبان‌ها در خارج از کشور / موفقیت ناکافی برنامه جنوب در وزارت خارجه برای ترجمه آثار اسپانیایی به زبان‌های خارجی / ترجمه محدود آثار انگلیسی در آرژانتین
۴	آزادی دین و مذهب به نفع یهودیت	کشوری کاتولیک اما فاقد دین رسمی	مسیحیت: دین اکثریت آحاد جامعه (براساس آمر غیررسمی ۷۶ درصد کاتولیک، ۱۱ درصد لائیک، کمتر از ۵ درصد مسلمان، یهودی و ارتدوکس) / آمار رسمی؛ تعداد یهودیان و مسلمانان قریب به ۳۰۰ هزار نفر / آمار غیررسمی و واقعی یهودیان بیش از ۲ میلیون نفر
		راهبرد صهیونیسم در آزادی دین	اعلام روز آزادی مذهبی در آرژانتین در ماه نوامبر / عدم معرفی دین رسمی در قانون اساسی / ظاهراً جامعه‌ای مذهبی اما در عمل، پایبندی محدود به مناسک دینی و سبک زندگی غیرمذهبی
		تقیه مسلمانان	زیرنظر بودن مسلمانان بویژه شیعیان / رایج بودن تقیه بین مسلمانان به دلیل اذیت و آزار، از دست دادن موقعیت شغلی، حمله یهودیان افراطی و موج اسلام هراسی
	اعراب و مهاجرت اسلام	جامعه عرب مسلمان و مسیحی	جامعه‌ای چندمیلیونی متشکل از مهاجران اولیه و مسلمانان جدید وارد شده به این کشور / مهاجران مسلمان عرب



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
	یهودیان و قدرتمندنمایی صهیونیسم	چالش مسلمانان	سوری تبار، لبنانی تبار، فلسطینی تبار و ترک / تعداد مورد وفاق همگانی در حال حاضر بین ۹۰۰-۴۵۰ هزار نفر
			عدم وجود فدراسیون یا اتحادیه برای استیفای حقوق مدنی / عدم اتحاد و وجود اختلافات بین مسلمانان
			اقدامات گمراه کننده جهت رفع وجهه منفور و غیرمردمی یهودیان در آرژانتین / انفجار مشکوک انجمن یهودیان جهت مظلوم‌نمایی و خروج از فشار افکار عمومی
			یهود آرژانتین؛ بزرگترین جامعه یهودی در آمریکای لاتین / آمار شمار یهودیان به ترتیب ۱-اسرائیل ۲-آمریکا ۳- آرژانتین / کل جمعیت رسمی: بیش از ۳۰۰ هزار که اکثریت مطلق در بوئنوس آیروس و بقیه در روساریو، کوردوبا و دیگر شهرها / اکثریت یهود آشکننازی و بیش از ۱۰ درصد سفاردی
			اهداف مهاجرت: مهاجرت هدفمند و با برنامه به قصد تجارت، کشاورزی و ایجاد کلونی، مهاجرت مردمی به قصد شهرنشینی و پذیرش مشاغل پایین و فرار از انزوای مذهبی / قرار گرفتن در دوره کمون نهایی / چشم انداز: مدیریت منابع توسط یهودیان / کسب قدرت سیاسی به عنوان مقامات فدرالی، استانی و ملی / ایجاد سازمان سیاسی-امنیتی دایا / نفوذ نهادی و زیرساختی به لایه‌های مختلف اجتماعی با محوریت فعالیت فرهنگی، ادبی، اقتصادی و سیاسی جهت سفیدکردن وجهه منفور یهود و دفاع از منافع قومی / تاکید بر ازدواج درون دینی و تشکیل خانواده / برگزاری مناسبت‌های اجتماعی و حساس یهودستیزی
			آغاز پر قدرت فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و امور مطبوعاتی / نفوذ حداکثری در رسانه‌های گروهی ملی و بین‌المللی جهت اثرگذاری بر افکار عمومی / نفوذ در رسانه‌های یهودی و غیریهودی مطرح / چاپ صدها روزنامه و مجله یهودی در دفاع از منافع قومی / ایجاد سازمان فرهنگی آمیا



۵-۲. کدگذاری داده‌های اجتماعی

آرژانتین؛ کشوری در حال توسعه است که به لحاظ اجتماعی با چالش‌های زیادی در فرایند جامعه‌پذیری مواجه است.

جدول ۴- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه اجتماعی آرژانتین

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	جامعه‌پذیری محدود و چالش تشکیل دولت-ملت	جامعه؛ ترکیبی از مهاجران از ۵ قاره	متشکل از جمعیت گسترده مهاجران از قاره‌های مختلف / تسریع و تسهیل مهاجرت قانونی و غیرقانونی از کشورهای لاتین و آسیای شرقی (چین و کره جنوبی) در شرایط امروزی
		چالش‌های جامعه‌پذیری	جامعه‌پذیری محدود مهاجران پس از دو صده همزیستی / اکثریت بودن مهاجران اقوام و ملل مختلف / تشکیل سازمان و انجمن‌های صنفی اقلیت‌ها با کارویژه حفظ و تامین منافع / عدم شکل‌گیری دولت-ملت واقعی به دلیل تعلقات هویتی / مهاجرانی با تعلقات پیچیده به جامعه مادری / تقویت روابط با جامعه سنتی خود / وابستگی روحی و عاطفی محدود به سرزمین آرژانتین / نسل جدیدی از ورود مهاجران مجبور به ترک وطن در صده اخیر / بازنمایی هنجارها و ارزش‌های سنتی در جامعه نو / اختلاط سیاهان با مهاجران؛ نسل جدیدی از دوره‌ها و افزایش تبادلات فرهنگی / برقراری مقررات و قواعد عرفی در جامعه و سبک زندگی
۲	ساختن هویت ملی	ارزش آفرینی	پیشبرد نظام اجتماعی پویا و در حال تکامل / جایگزینی تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ملی به جای هنجارهای قومی / تقویت ارزش‌های ملی (نماد ملی، سرزمین، زبان، سنت‌ها و ادبیات)، ارزش اجتماعی (قانون و هنجارهای مدنی و عرفی)، ارزش فردانی (حقوق بشر و...) و ارزش دینی (باورها و مناسک دینی)
		عمق بخشی به هویت ملی	ایجاد احساس تعلق و تعهد به جامعه مبتنی بر اشتراکات / محدود شدن هویت آرژانتینی به زمان استقلال از اسپانیا /



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
			تمسک به فوتبال، موسیقی (تانگو) و بازپس گیری جزایر مالویناس (فالکلند به مثابه ارزش سیاسی - حاکمیتی)
۲	تضعیف اقلیت نژادی بومی و سلب اکثریت مهاجر غیربومی	سرکوب و تضعیف بومیان	نابودسازی بومیان توسط استعمارگران با اتهام قانون گریزی و اصلاح ناپذیری تا قرن بیستم / زدن برچسب بی قانونی و اصلاح ناپذیری / سیاست استراتژیک جذب مهاجر در دهه ۷۰ قرن نوزدهم / پیشکش اراضی حاصلخیز به مهاجران اروپایی / راندن پامپاس ها به سمت قطب جنوب توسط مهاجران اروپایی گامی مهم برای ایجاد ثبات در پامپاس
			تنها اقلیت بومی ملموس به معنای مردم سرزمین با سبک زندگی قبیله ای / سنت ها به مثابه قانون اساسی / نماد مقاومت ۳صده ای در برابر اشغالگری وینکاها ^۱ / تصاحب اراضی ماپوچه پس از قرن بیستم توسط ایتالیایی ها و تغییر حرفه به دامداری / ادامه مبارزه برای به دست آوردن سرزمین اولیه خود در پاتاگونیا
			اکثریت مطلق جامعه / اهدا امتیازات ویژه به مهاجران ایتالیایی، اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی و یهودیان روس / تسهیل مهاجرت لهستانی ها، ترک های عثمانی و
			از بزرگ ترین اقلیت ها / اعراب بر خلاف یهودیان تمایل به حفظ تابعیت عربی دارند / سوری ها و لبنانی ها؛ بیشترین اقلیت اعراب / حضور بیش از یک قرن زیست مسالمت آمیز اعراب در آرژانتین
			از بزرگ ترین اقلیت ها / اعراب بر خلاف یهودیان تمایل به حفظ تابعیت عربی دارند / سوری ها و لبنانی ها؛ بیشترین اقلیت اعراب / حضور بیش از یک قرن زیست مسالمت آمیز اعراب در آرژانتین
۴	راهبرد مدیریت تبعیض نژادی چپ گراها	تبعیض نژادی و خشونت اجتماعی راست گراها	غلبه انگاره سفید پوست بودن آرژانتینی ها در سپهر اجتماعی / خارجی تلقی شدن دورگه های بومی الاصل یا آفریقایی / محدودیت برای مهاجران غیرسفیدپوست / زدن برچسب خشونت به رنگین پوستان مهاجر بویژه سیاهان

۱. غیرماپوچه. این قوم بزرگ به شدت از اسپانیایی ها متنفر بودند.

مضامین مشترک برخی از عبارات	مقوله سطح یک	مقوله سطح ۲	ردیف		
<p>نقد جدی به راستگرایان به دلیل نفرت افزایی، تبعیض نژادی و تبعیض جنسیتی / وعده سیاست‌های برابری (توزیع عادلانه اراضی، آموزش چندزبانه، حمایت از تنوع فرهنگی و هویتی، دفاع از حقوق بومیان و...)</p>	<p>راهبردهای مقابله با تبعیض نژادی چپ‌گراها</p>				
<p>اقلیت نژادی و مذهبی قوی / نفوذ حداکثری در ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور / اقلیتی با حمایت خارجی حداکثری جهت تصمیم‌سازی در ارکان سیاسی / فعالیت حداکثری به نفع منافع درون گروهی / آرژانتین یهودیان (حس تعلق آرژانتین به یهود) / زیست یهودیان با تعریفی متمایز از قومیت، هویت، منافع گروهی و روح جمعی و سازماندهی / هویت‌سازی با تعریفی خاص از نقش جهت شکل دهی به نظام اجتماعی / انگیزه قوی برای تبدیل شدن به قدرت سیاسی / برتر خواندن قوم یهود / نهادسازی با حفظ هویت مذهبی در قسمت‌های پرجمعیت از ابتدای مسکونی شدن سرزمین آرژانتین / کلونی شدن با هدف حفظ هویت مذهبی / تولیدکننده و صادرکننده برتر اقلام کشاورزی / اثرگذاری حداکثری در سیستم مالی و بانکی / ارتباط حداکثری با صهیونیسم بین الملل بویژه اسرائیل</p>	<p>ورود هوشمندانه و قدرت‌طلبانه</p>	<p>نفوذ یهود بر جامعه اقلیت مذهبی؛ کنشگران موثر جامعه</p>	<p>۵</p>		
<p>ممانعت انگلیس از تحقق ایده تشکیل اسرائیل در آرژانتین و ترغیب و تشویق به مهاجرت به فلسطین / سکونت یهودیان آرژانتینی در اسرائیل / حمایت قدرت‌های غربی از یهود / آرژانتین؛ کشوری دور از کانون بحران / مأمّن یهودیان اسرائیلی یهودیان دوتابعیتی آرژانتینی-اسرائیلی؛ لابی قوی صهیونیسم / از دست رفتن غیر یهودیان در تعاملات گسترده یهودیان دو کشور / متعادل بودن مهاجرت دو کشور / بالا رفتن نرخ رشد جمعیتی یهودیان</p>	<p>همکاری گسترده یهودیان آرژانتین و اسرائیل</p>				
<p>ظرفیت سلطه همه‌جانبه بر آرژانتین / امتیازخواهی حداکثری از سیستم حکومتی / تبعیض مثبت شدید نسبت به شهروندان یهود / سیاست‌های ضدبشری به نفع یهودیان / بزرگنمایی آمیا و تاریخ‌سازی از آن در مدارس آرژانتین /</p>	<p>امتیازگیری اقلیت فعال از اکثریت خاموش</p>				



مضامین مشترک برخی از عبارات	مقوله سطح یک	مقوله سطح ۲		ردیف
فعالیت گسترده رسانه‌ای و آموزشی در آرژانتین در خصوص هلوکاست				
احساس تنفر و ترس سنتی آرژانتینی‌ها از قدرت‌یابی یهود / نقد روحیه زیاده‌خواهی یهود / عملکرد ریاکارانه / عقاید نژادپرستانه و حس برتری طلبی / عدم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری یهودیان	حس منفی آرژانتینی‌ها به یهود			
رسانه، سیاست و اقتصاد؛ مامن اقلیت یهود / کنترل نسبی قدرت به طور آشکار و پنهان / قرار داشتن شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای یهود در کنار نهادهای پولی جهت تقویت تفکرات یهودیان / نفوذ از طریق افزایش جمعیت، نهادسازی و هویت‌سازی و همچنین تأسیس دایا جهت نفوذ حداکثری سیاسی-اقتصادی / تقویت یهودیان آرژانتین پس از حکومت اسرائیل / راهبردها: تقویت یهود در فلسطین اشغالی، دفاع از ارزش‌های یهود، مبارزه با یهودستیزی براساس قانون	نفوذ در ساختار قدرت			
مشکلات امپراتوری عثمانی و ایجاد ناامنی گسترده برای آحاد جامعه	ناامنی؛ منطق مهاجرت			
سوری‌ها، اولین اعراب مهاجر / موج اصلی مهاجرت تا قبل از جنگ جهانی پیروان دین و مذهب مسیحی و ارتدوکس / دومین گروه مسلمان و دروزی به دلیل رشد بالای اقتصادی آرژانتین و فرصت کاری / برزیل، شیلی و آمریکا؛ مقصد مهاجرت مسلمانان از آرژانتین / گروه سوم مهاجرت سوری‌ها، لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها در نیمه دوم قرن بیستم و مهاجران مسلمانان آسیایی و آفریقایی طی سال‌های اخیر	امواج مهاجرت اعراب	اعراب؛ جمعیت کمتر با تفکرات منبکتر		
مرد جوان بودن اکثر مهاجران / عدم تناسب تعداد مردان و زنان مهاجر عرب / ازدواج بین فرهنگی عرب با غیرعرب و غیرمسلمان / عدم انسجام اقلیت عرب	چالش مهاجرت			



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
	ارامنه؛ فعال و کم حاشیه	روند روبه رشد مهاجرت ارامنه	مهاجرت اولیه در اواخر قرن نوزدهم / مهاجرت گسترده پس از قتل عام / مهاجرت ارامنه یونان، رومانی، بلغارستان و ترکیه به آرژانتین پس از جنگ جهانی دوم به دلیل بی ثباتی، ناامنی و استقرار کمونیسم / جمعیت محدود چند ده هزار نفری
		فرصت‌های پیش‌رو	فعالیت کلیساها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها پس از استقرار / اقلیتی خوش‌نام و تاجر پیشه / تهدید علیه ترکیه به دلیل نفوذ در آرژانتین / راهبرد عدم حضور مستقیم در سیاست داخلی / حفظ منافع اقلیت با لابی اقتصادی قوی
		چالش‌های پیش‌رو	پراکندگی جمعیت به دلیل سطوح درآمدی متفاوت و حرفه‌های متنوع در بوئنوس آیروس و کوردوبا
۶	وضعیت نامطلوب اجتماعی زنان	سیاست‌های محدود تبعیض مثبت	تبعیض مثبت به نفع زنان در قانون / تخصیص بیش از ۳۰ درصد کرسی قانون‌گذاری و قضایی کشور به زنان / ریاست جمهوری زنان (کریستینا کرشنر)
		چالش‌های اجتماعی	جمعیت بیش از ۵۰ درصدی زنان / بالا بودن نرخ بیکاری / عدم اشتغال نیمی از زنان باسواد به مشاغل مناسب / اشتغال زنان در مشاغل سخت و کم درآمد / اشتغال بیش از ۷۰ درصدی زنان به مشاغل آموزشی، اجتماعی و بهداشتی و اشتغال حداقلی به سمت‌های مدیریتی / رشد حداکثری زنان و مادران سرپرست خانوار
		محورترانزیت و سوء استفاده جنسی از زنان	شیوع پدیده قاچاق انسان توسط آمریکایی‌ها / برده جنسی شدن مهاجران فریب خورده جویای کار در آمریکا / آرژانتین؛ مرکز قاچاق زنان لاتینی و انتقال به آمریکا، اروپا، ژاپن و رژیم صهیونیستی به علت قوانین ناکافی و غیردقیق / عدم اشراف اطلاعاتی پلیس و بعضاً همکاری با آن‌ها / فقر / مواجهه بخشی از جامعه زنان با اشکال مختلف خشونت
		خشونت خانگی در کلان شهرها	نهادینه شدن خشونت علیه زنان / مردسالاری منبعث از گاوچرانی / جریان‌سازی مثبت رسانه‌ای مقطعی: ممنوعیت درج آگهی تبلیغات جنسی در جراید و مطبوعات در دولت کرشنر (چپ‌گرا) / اولویت یافتن رسیدگی دستگاه قضایی به



ردیف	مقاله سطح ۲	مقاله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
			خشونت علیه زنان و رایگان بودن آن / ممنوعیت قضایی قاچاق انسان / چالش‌های نجات زنان از دست دلالان
			عدم دستیابی به رشد و توسعه مطلوب در فرایند جهانی شدن / توسعه نامتقارن و نامتقارن کشور / توزیع ناعادلانه در درون کشور / توزیع درآمد ناعادلانه کشور / کاهش رشد اجتماعی / بالا رفتن آمار جرم، جنایت، خشونت‌های اجتماعی و ساختاری / افزایش فساد اداری، انتظامی و قضایی در نتیجه چالش اقتصادی و مالی
۷	الگوهای آسیب‌پذیر اجتماعی و رفتاری نهادینه سازی شده	شایع بودن پدیده اعتیاد بی‌رویه	هزینه هنگفت مصرف مواد مخدر سنتی و صنعتی / آمار بسیار بالای مصرف کوکاین، ماری جوانا و مواد مخدر تزریقی / آرژانتین؛ مسیر اصلی ترانزیت مواد مخدر به اروپا و دیگر نقاط جهان / کشف و ضبط حجم بسیار زیاد مواد به طور سالانه
			جامعه‌ای اخلاق‌مدار و مذهبی تا قبل از دهه ۱۹۹۰ / آمار تصاعدی طلاق / زندگی مشترک خارج از ازدواج / سست شدن اعتقادات و باورهای مذهبی
			تداعی استثمار زنان در رسانه‌های سنتی و نوین با درج و توزیع پیام و عکس پورنوگرافی / توهین، تحقیر و حتک حرمت زن و سلب منزلت آن / تقویت خدمات جنسی / درآمد حداکثری تبلیغات جنسی در روزنامه‌های مطرح کشور و شبکه‌های اجتماعی
			بازگشت نسل جدید مهاجران پیشین به سرزمین مادری / مقصد مهاجرت‌های اخیر به ایالات متحده، پاراگوئه، مکزیک، شیلی، برزیل، اروگوئه و کانادا / در اروپا و اقیانوسیه مهاجرت به اسپانیا و ایتالیا / استرالیا / در خاورمیانه مهاجرت به سرزمین اشغالی
۸	مهاجرت و پناهندگی	مهاجرت معکوس در عصر حاضر	پناهندگی بیش از ۳۰۰ هزار پناهنده / بیش از ۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر مهاجران و پناهندگان غیرقانونی (بدون اوراق هویتی) عموماً از خاورمیانه و آفریقا



۳-۵. کدگذاری داده‌های اقتصادی

۵- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه اقتصادی آرژانتین

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات	
۱	تعارضات جامعه سنتی صنعتی شده	مزرعه‌ای بزرگ با مردمی خاص	جامعه‌ای کشاورزی / مزرعه‌ای بزرگ با اراضی حاصلخیز و هموار با بارش فراوان / پرورشگاه فرآورده‌های دام و طیور / مشغول بودن عامه مردم به مشاغل وابسته به کشاورزی / فرهنگ روستایی؛ عاملی بسیار موثر در سبک زندگی سنتی و بازتعریف نیازهای اجتماعی / اکثریت قاطع تحصیل کرده	
			رشد و توسعه غیرمتمرکز	آغاز روند صنعتی شدن از اواسط قرن ۱۹ / تبعات رکود اقتصادی آمریکا در آرژانتین به دلیل اولین مشتری صادرات این کشور بودن / کودتای نظامی و شکست برنامه‌ها و پروژه نوسازی در این کشور در قرن بیستم / بهره‌برداری از تکنولوژی پیشرفته بومی در بسیاری از صنایع از جمله صنعت خودروسازی، داروسازی و فناوری هسته‌ای / قطب عمده صادرات محصولات کشاورزی (سویا، ذرت و آفتابگردان) و دامی (گوشت گاو) / از تولید کنندگان عمده سویا و گوشت
			توسعه یافتگی محدود و نامتوازن	صنعتی شدن برخی از مناطق خاص و محروم ماندن بسیاری از استان‌ها / کشاورز و دامدار بودن غالب کشور / رونق توسعه شهری با توسعه خطوط ارتباطی شهرهای مهم بوئنوس آیروس، روساریو و کوردوبا
۲	وضعیت نابسامان اقتصادی و معیشتی	چالش‌های رشد اقتصادی در دولت میلی	کشاورزی، بهره‌برداری از منابع طبیعی، تکنولوژی پیشرفته در صنعت هسته‌ای، داروسازی به عنوان مشخصه‌های اصلی آرژانتین، جامعه‌ای علمی و باسواد با رفاه نسبتاً بالا با توسعه نامتوازن، بخشی و ناپایدار	
			تولید ناخالص داخلی (GDP) تقریباً ۶۴۰ میلیارد دلار، سومین اقتصاد بزرگ آمریکای لاتین در ۳۰ مارس ۲۰۲۴ / واحد پول: تغییر دوباره واحد پول آرژانتین از آسترال به پزو و ایده تغییر مجدد آن به دلار در دولت راستگرای میلی / بازار چند نرخ ارز در آرژانتین امروز / چاپ اسکناس ۲، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ پزویی در کشور رایج بود که در دولت خاویر میلی به ۱۰/۰۰۰ پزویی هم رسیده است.	



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۳	چالش های روزافزون اقتصادی	ناکارآمدی مسئولان	بی بهره بودن جامعه از مواهب به دلیل نقش موثر و منفی سیاستمداران و تصمیم سازان / دولت های چپ گرا؛ پیشران خروج جامعه از زیر خط فقر
		توزیع ناعادلانه درآمد	عدم برخورداری جامعه از سطح رفاه مناسب با وجود صنعتی بودن کشور / بافت کشاورزی، مناسبات ارباب-رعیتی در ساختار تولیدی / طبقه زمین دار قدرتمند و کارگر ضعیف و متکی / معناداری فاصله طبقاتی بسیار زیاد بین بالاترین و پایین ترین لایه های جامعه / درصد بالای افراد زیر خط فقر و در خط فقر مطلق / درصد بالایی از افراد با شغل موقت (کمتر از ۳۵ ساعت)
		مهم ترین دخل و خرج های دولت	درآمد: فشار بر گروه مردم از طریق اخذ بیمه اجتماعی، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر درآمد، مالیات گمرکی / ذخیره ارزی چند ده میلیارد دلاری هزینه ها: بخش تامین اجتماعی، تخفیفات، فعالیت های عمرانی و زیرساختی، بهداشت، آموزش، فرهنگ و تحقیقات، امنیت
۴	صنعت توریسم	عدم کفایت بهداشت و سلامت	درگیری سه بخش دولتی، اجتماعی و خصوصی / برخورداری یک دهم جامعه از خدمات مطلوب حوزه سلامت / عدم برخورداری نزدیک به ۱۰ میلیون نفری کشاورزان، کارگران فصلی و... از خدمات بیمه ای
		گردشگری بین المللی	فراهم بودن زیرساخت توریستی (هتل، جاده، اتوبوس رانی، مترو در شهر بوئنوس آیروس) / بازدید از آثار جهانی ثبت شده مطرح مثل بلوک عیسوی کوردوبا، پارک ملی یخچال های طبیعی (دریاچه بزرگ آرژانتین) در پاتاگونیا/ پارک ملی ایگواسو / غار دست ساز از فرهنگ جوامع بشری اولیه در پاتاگونیا / شبه جزیره در استان چوبوت / مسیر تجاری ۱۰ هزار ساله در مجاورت رودخانه ریوگرنده (راه اینکا)
۵	در اقتصاد بین الملل	رویکرد اقتصادی چپ گرایان	احزاب مختلف منشعب از چپ گرایی / با شعار گسترش عدالت اجتماعی به نفع طبقات محروم / خودکفایی در تولید به وسیله جایگزینی واردات / دشمنی با قدرت های جهانی و به چالش کشیدن آن ها



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
		رویکرد اقتصادی راستگرایان	دلاری سازی ارز آرژانتین / انتخاب خاویر میلیتی، رهبر ائتلاف آزادی رو به جلو / نماد انتخاباتی: اره برقی / برنامه تعطیلی بانک مرکزی آرژانتین، بستن ۱۱ وزارتخانه جهت کاهش هزینه عمومی / ورود به دولت با شعار تخریب زیرساخت‌های موجود

سیاست اقتصادی بین‌الملل آرژانتین در دولت‌های چپ و راست دچار تغییرات اساسی می‌شود. «اتحاد با کشورهای منطقه»، «همسویی و همکاری با قدرت‌های برتر اقتصادی در نظام بین‌المللی» و «کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش توسعه اقتصادی در داخل» از مهم‌ترین برنامه‌های آرژانتین بوده است. در جهت توسعه روابط اقتصادی با همسایگان شاهد امضای موافقتنامه تجارت آزاد میان مرکوسور و جامعه کشورهای آند (۲۰۰۳)، تاسیس جامعه ملل آمریکای جنوبی^۱ با ورود شیلی، گویان و سورینام (۲۰۰۴) و تغییر نام و تغییر کاربری جامعه ملل آمریکای جنوبی از اقتصادی به حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، زیربنایی، فرهنگی و زیست محیطی تحت عنوان اتحادیه ملل آمریکای جنوبی^۲ (۲۰۰۷) و نقش موثری در شکل‌گیری گروه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی، بریکس در قرن بیست و یکم بودیم. در سال جاری این رویکرد تغییر معناداری داشته و راهبردهایی چون برنامه تعطیلی بانک مرکزی آرژانتین، دلاری سازی ارز این کشور، بستن ۱۱ وزارتخانه جهت کاهش هزینه عمومی در داخل کشور و خروج از گروه بریکس، قطع رابطه با برزیل، متمسک شدن به چین و اسپانیا برای چاپ پول جدید را در سیاست اقتصاد بین‌الملل در پیش گرفته است. اگرچه دولت راستگرای خاویر میلیتی از بریکس خارج شد اما تا به امروز مجبور شده است که روابط خود را با برزیل حفظ کند.



۴-۵. کدگذاری داده‌های رسانه در آرژانتین

جدول ۶- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه رسانه

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	قدرت تعیین کننده رسانه در آرژانتین	مدیریت افکار عمومی	آزادی عقیده و افکار در رسانه ها مبتنی بر قانون اساسی بدون هیچ محدودیتی / صاحب رسانه شدن هر فرد با ثبت شرکت / همسویی حداکثری رسانه‌ها و مطبوعات با دولت منتخب راستگرا / شرکت رسانه‌ای کلارین؛ غول رسانه ای صهیونیستی آرژانتین / بزرگترین مانع دولت های چپ‌گرا و پشوران اصلی دولت‌های راستگرا / جریان‌سازی رسانه‌های خارجی به دلیل حضور حداکثری مهاجران و ارتباطات گسترده با دنیای خارج از کشور / اثرگذاری نقش رسانه‌ها در به زیر کشیدن دولت‌های قانونی / رسانه‌های یهودی؛ مهم‌ترین نهاد و گروه‌های فشار علیه حکمرانی چپ‌گراها / تصویب قانون جدید رسانه در سال ۲۰۰۹ توسط دولت چپ‌گرا جهت تعدیل انحصار رسانه‌ها
۲	سرگرمی؛ پیام رسانه‌ای منتشره	غالب بودن محتوای سرگرمی	کنترل و مدیریت محتوا توسط سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی وابسته به صهیونیست‌ها / چیرگی محتوای سرگرمی بر آموزشی و خبری - اطلاع‌رسانی / عدم برخورداری از سطح مطلوبی از محتوای رسانه‌ای و پرداخت حداکثری به مسائل زرد و روزمره / محدود بودن مطالب مثبت و تخصصی / فعالیت نسبی کلاس - های آموزشی، شرکت‌ها و کسب و کارها و... / ترجیح مصرف رسانه‌ای سرگرمی مخاطبان در فضای مجازی
		کم رونقی محتوای رسمی	عدم جذابیت مسائل سیاسی و کلان بین‌المللی / چیرگی حواشی خبری بر متن رسانه‌ای و بازتاب گسترده‌ای آن / دست برتر داشتن مسائل سیاسی و اقتصادی داخلی در صورت مطرح شدن رویکرد خبری
۳	کنار رفتن رسانه‌های سنتی و تمرکز بر	وضعیت انفعالی رادیو	آغاز به کار رادیو تقریباً همزمان با آمریکا با محوریت پخش برنامه های ورزشی، هنری و ادبی / فعالیت هزاران موج رادیویی AM و FM در حال حاضر / کم رونقی رادیو در بین مخاطبان آرژانتینی

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۴	امتداد آن‌ها در فضای مجازی	تقویت تلویزیون اما با برد محدود	آغاز به کار تلویزیون از ابتدای نیمه دوم قرن بیستم / اخذ مجوز کانال خصوصی در اواخر دهه ۵۰ / انحصار تلویزیون در اختیار شرکت‌های رسانه‌ای خاص / ممنوعیت مالکیت خارجی بر تلویزیون داخلی / نفوذ آمریکا از طریق شرکت‌های موازی / ورود ABC، NBCT، Life Time و کانال ۱۱ به آرژانتین با سرمایه گذاری در شرکت‌های داخلی / تقویت قدیمی‌ترین تلویزیون آرژانتین (کانال ۷) توسط چپ‌گراها در تقابل غول رسانه‌ای غرب
	امتداد مطبوعات و نشریات اغلب یهودی در فضای مجازی		حضور اغلب مطبوعات در فضای مجازی، جریان سازی رسانه‌ای توسط روزنامه مشهور / استقلال نسبی مطبوعات از دولت مرکزی یا دولت‌های ایالتی / انحصار کاغذ مطبوعات در اختیار شرکت وابسته به گروه رسانه‌ای کلارین / کلارین؛ از پرفروش‌ترین روزنامه‌های آمریکای لاتین / دیگر روزنامه‌ها La Gazeta، Diario Popular، Ambieto Financiero، Nación و Cronica و La Voz de Interior
	کمرنگ شدن نسخ چاپی		جایگاه مطلوب در تعداد و نشرکتاب در آمریکای لاتین / دارا بودن کتابخانه‌های متعدد در سطح شهر / پرتیراژ بودن ادبیات داستانی کودک و نوجوان / اولویت یافتن کتب علوم انسانی، مذهبی و علمی در سبد مصرف شهروندان / کاهش نسبی تعداد و تیراژ کتب چاپی / توسعه و رشد نسخ الکترونیک کتب
	دسترسی همگان به اینترنت		دسترسی حداکثری مردم باسواد آرژانتین به اینترنت / در صدر بودن شهروندان بوئنوس آیروس، کوردوبا، سانتافه و مندوسا به عنوان بیشترین مصرف‌کننده اینترنت
فعالیت خبری - تبلیغاتی رسانه نوین	فعالیت موثر خیرگزاری‌ها		ده‌ها خیرگزاری فعال با بودجه خصوصی / یک خیرگزاری رسمی دولتی به نام Telam با بودجه دولتی / مهم‌ترین خیرگزاری‌های جریان ساز اینفوایته، دی.وای.ان و اخبار آرژانتین
	روتق تبلیغات در رسانه سنتی		از منابع درآمد مطبوعات و گروه‌های رسانه‌ای / تمرکز شرکت‌های رسانه‌ای بر تبلیغات رادیویی و تلویزیونی
	تبلیغات مجازی		حضور حداکثری اغلب فروشگاه‌ها و کسب و کارها در شبکه‌های اجتماعی (واتساپ، فیسبوک، یوتیوب و...)



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
		واتساپ؛ دست برتر شبکه‌های اجتماعی	جایگزین شدن آرام فضای مجازی به جای تلویزیون در حوزه تبلیغات
		سیاست داخلی	بیشتر متمرکز بر مسائل روز، انتخابات محلی و سیاست‌های حزبی با استقبال غیرمطلوب مخاطبان
۵	محتوای غالب منابع خبری	سیاست خارجی	برتری رسانه‌های جریان اصلی آمریکا و اروپا (رویترز، اسوشیتدپرس و دیگر رسانه‌های مطرح غربی) به عنوان منبع خبری

رسانه‌ای که کنشگری موثری در جامعه آرژانتین ایجاد می‌کند، واتساپ است. انتشار اخبار غیرواقعی در خصوص تحولات داخلی و بین‌المللی سابقه‌ای دیرینه دارد. اثرگذارترین آن نشر اکاذیب در حادثه آمیا و مطرح شدن ادعاهای بی‌اساس اثبات نشده‌ای است که گفتمان ضدایرانی را در این کشور رقم زده و تا حدودی آن را نهادینه کرده است. اگرچه دولت کریستینا فرناندز کرسنر و دیگر چپ‌گرایان رویکرد اصلاحی نسبت به تقلیل سلطه صهیونیست‌ها بر فضای رسانه‌ای داشتند اما همچنان جریان اصلی خبر و اطلاعات تحت مدیریت اقلیت یهود است.

۵-۵. ایران در افکار عمومی آرژانتین

جدول ۷- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده در خصوص ایران در افکار عمومی آرژانتین

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح ۱	مضامین و عبارات تاکیدی احصاء شده
۱	ادراک آرژانتینی‌ها از ایران و خاورمیانه	خاورمیانه	شناخت نسبتاً مطلوبی از خاورمیانه به دلیل حضور چشمگیر شهروندان عرب / تنفر حداکثری از یهودیان / حضور نسبتاً موثر ترک‌ها و اعراب در ساختار سیاسی و اجتماعی / به قدرت رسیدن اعراب به عنوان رئیس جمهور، وزیر، معاون وزیر و... / ظهور و بروز فرهنگ اعراب و مسلمانان در سبک زندگی‌شان

مضامین و عبارات تأکیدی احصاء شده	مقوله سطح ۱	مقوله سطح ۲	ردیف
<p>نسل جدید مهاجران عرب: شناخت سطحی، محدود و مخدوشی از ایران به دلیل سیاست‌های ضداسرائیلی به ویژه پس از آمیا</p>	<p>درک مخدوش و سطحی از ایران</p>		
<p>سالخورده: شناخت نسبی نسل دوم مهاجران از ایران، ستایش نگرش و سیاست‌های استقلال‌طلبی ایران، حمایت ایران از مسئله فلسطین، نکوهش رویکرد خصمانه برخی از احزاب نسبت به ایران</p>			
<p>پذیرفتن قرائت غربی برخی از شهروندان حامی آمریکا و رژیم صهیونیستی و مخل نظم بین‌المللی خواندن ایران</p>			
<p>اقدام شایان تقدیر ج.ا.ایران در عرصه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای / توانمندی متوسط در ارتباط‌گیری با مخاطب به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، گفتمان غالب رسانه‌ای غربی، محدودیت دسترسی به شبکه / پذیرش محدود رویکرد رسانه‌ای و محتوای جدی و رسمی</p>	<p>فرصت و محدودیت هیسپان</p>		
<p>سرگرمی؛ بیشترین مصرف رسانه‌ای شهروندان / عدم استقبال عمومی از اخبار رسانه‌های رسمی / هیسپان‌تی‌وی سکوی رسانه‌ای جهت انتشار تولیدات فرهنگی متناسب با ذائقه جامعه هدف / بستن قرارداد با شبکه‌های آرژانتینی با هدف تولید محتوا در قالب مستند، برجسته‌سازی تولیدات رسانه‌ای ایران / تعامل با بلاگرها و واینرهای آرژانتینی جهت اثربخشی بر شبکه‌های اجتماعی و ایجاد یک رسانه با شاخص‌های اثربخشی اجتماعی غیردولتی / ضرورت برنامه تور گردشگری-آموزشی برای خبرنگاران حوزه ایران جهت تعدیل و اصلاح نگرش آن‌ها نسبت به ایران / تولید محتوای مناسب ارائه به رسانه‌های آرژانتینی در ایران / متقاعدسازی گروه‌های رسانه‌ای فعال جهت همکاری موثر رسانه‌ای</p>	<p>راهبرد رسانه‌ای موثر ایران</p>	<p>راهبرد هوشمند رسانه‌ای هیسپان</p>	<p>۲</p>



۵-۶. کدگذاری داده‌های سیاسی

جدول ۸- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه سیاسی

ردیف	مقوله سط ح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	ساختار سیاسی مشابه دولت‌های لاتین	قانون اساسی	اصل نخست اصلاحیه اول قانون اساسی ۱۹۹۴: حکومت فدرالی، جمهوری و نمایندگی / ۳ قوه مجریه، مقننه قضائیه / نظام سیاسی: جمهوری-ریاستی / تعیین مستقیم وزرا توسط رئیس جمهور، عدم مسئولیت رئیس جمهور در قبال کنگره / مراسم تشریفاتی ایراد سوگند با حضور مقامات، مهمانان خارجی و داخلی، رئیس کنگره و نمایندگان سنا
		تقسیمات اداری و سیاسی	۲۳ استان خودمختار / دارا بودن قوای مجریه، مقننه و قضائیه خودمختار در هر استان با قانون و دستورالعمل‌های اجرایی درون استانی / شرط اساسی: عدم تعارض قوانین داخلی با قانون اساسی در سطح کلان
۲		همزمانی انتخاب رئیس‌جمهور و معاون	انتخاب همزمان رئیس‌جمهور و معاون وی توسط مردم با رای بالای ۴۵ درصد / یا بالای ۴۰ درصد با اختلاف بیش از ۱۰ درصد با فرد دوم / معاون رئیس‌جمهور: رئیس سنا و کنگره، به لحاظ قدرت اجرایی رئیس کابینه وزیران (همان نخست‌وزیر) / روسای جمهور: فرناندو دلاروآ، کارلوس آلوارز، نستور کرچنر، کریستینا فرناندز کرچنر، مانوریسو ماکری، آلبرتو فرناندز، خاویر میلی
	سیستم قوای مجریه، مقننه و قضائیه	ترکیب مجلس نمایندگان و سنا و تعیین‌کنندگی معاون رئیس‌جمهور	کنگره ملی متشکل از مجلس نمایندگان و سنا / منتخب از سوی مردم برای دوره ۴ ساله / ۳ نماینده (سناتور) از هر استان و شهر بوئنوس آیروس، ۲ سناتور از حزب پیروز و ۱ سناتور از حزب دوم / انتخاب نماینده فقط لیستی و حزبی با حداقل ۳ درصد آراء / احراز تابعیت آرژانتین، متولد استان مذکور یا احراز اقامت / تعیین‌کننده بودن رای رئیس سنا (معاون رئیس‌جمهوری) در صورت برابری آراء مخالف و موافق یک طرح یا لایحه
		نقش مهم دیوان عالی در ساختار سیستم قضایی	مشتمل بر دیوان عالی فدرال و دادگاه‌های کشور، استانی بودن مواد قانون اساسی / بالاترین مقام دادگاه جهت بررسی کلیه دعوی مرتبط با مسائل بین‌المللی، سفرا، وزرای مختار و کنسول‌های خارجی / قدرت ابطال قوانین مصوب مغایر قانون اساسی توسط

ردیف	مقوله سطر ح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
			کنگره / دریافت دیدگاه نخبگان در خصوص احراز صلاحیت قضات
		چند شقه شدن حزب سوسیالیست	ایجاد در اواخر قرن نوزدهم به ابتکار صنعتگران / سرآغاز چپ گرایی / با رهبری سیاسی خوان خوستو، آلفردو پالاسیوس و آمریکو خیولدی / انشقاقات ۱- جناح سوسیالیست پیشتاز به رهبری خیولدی، همسو با کوبا و ضدیت با پرونیسم ۲- سوسیال دموکرات به رهبری پالاسیوس مبتنی بر لیبرالیسم سنتی و سوسیالیست آرژانتین (حزب اصلی) با ۳ انشقاق ۱- چپ انقلابی ۲- جنبش به سوی سوسیالیسم ۳- پیراوان و طرفداران پرونیسم
		حزب ناکارآمد کمونیست	ایجاد در اوایل قرن بیستم توسط وابسته شوروی (روسیه سابق) / شروعی موفق اما ناکارآمد به دلیل عدم وجود پایگاه حمایتی قوی مردمی / یک حزب سیاسی بسیار ضعیف
۳	تعیین کنندگی تحزب در سپهر سیاسی	رویکرد پرونیست‌ها در تحولات آرژانتین	ایجاد شده توسط خوان پرون و همسرش اوا پرون مرتبط با حزب رادیکال / محورهای اصلی پرونیسم: ۱- گسترش عدالت اجتماعی به نفع طبقات محروم ۲- خودکفایی در تولید به وسیله جایگزینی واردات ۳- دشمنی با قدرت‌های جهانی و به چالش کشیدن آن‌ها / ریاست جمهوری پرون با رویکرد عدالتخواهی / مورد حمایت قوی جامعه کارگری (حمایت مردم و سندیکاها) / کار تشکیلاتی قوی و منسجم / انجام انتخابات داخلی برای پرورش رهبر برتر / تمرکز زدایی در سیاست داخلی / رویکرد پرون‌ها: تلاش جهت تضعیف ارتش / جبهه به سوی پیروزی (خانم کرچنر) / کنترل روند نقش افزایشی موثر نیروی نظامی و سازمان کارگری در سیاست از طریق تضعیف ارتش به دلیل نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر، رکود اقتصادی و شکست نظامی / چند شقه شدن حزب
		دولت راستگرای مستقر	خاویر میلیتی از حزب به سوی جلو / انتخاب با رای حداکثری جوانان به امید کاهش چشمگیر تورم / اهم برنامه‌ها: حذف پول ملی پزو و دلارسازی واحد پول / حذف بانک مرکزی / کوچک کردن دولت و کاهش هزینه عمومی
		تحزب در آرژانتین امروز	کمرنگ شدن تحزب / فعالیت احزاب کوچک محلی برای کنگره و سمت‌های استانی / ائتلاف نهایی برای ریاست جمهوری



ردیف	مقوله سطح ۲ ح	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۴	از قوی‌ترین نیروهای مسلح منطقه با نقش بین‌المللی	کارویژه ارتش	به لحاظ سیاستگذاری زیر نظر ریاست جمهوری / صدور فرمان جنگ، صلح، حکومت نظامی و... به لحاظ اجرایی تحت مدیریت وزارت دفاع / آخرین حکومت نظامی در سال ۱۹۸۳ / انجام بازداشت‌های غیرقانونی، شکنجه، اعدام و گروگان‌گیری کودکان / نیرویی با توانمندی متوسط در اختیار قدرت / عدم ورود به مسائل سیاسی در حال حاضر
		اقدامات بین‌المللی	از پیشرفته‌ترین و مجهزترین ارتش‌ها با تجهیزات عمدتاً اروپایی، آمریکایی و اسرائیلی / مداخله نظامی در حفاظت از صلح در هائیتی، قبرس، یوگوسلاوی، کویت، بوسنی و هرزگوین و لیبی / نوسان در رویکرد استقلال‌طلبی از آمریکا / تضعیف نیروها با هدف لغو مصونیت نیروهای آمریکایی / فاصله‌گیری از برخی از سیاست‌های آمریکا / توافق جدید با روسیه و چین / محکومیت مداخله نظامی آمریکا در افغانستان و عراق
	ساختار و نیروی انسانی نسبتاً ضعیف	مرکب از نیروی زمینی، دریایی و هوایی / خدمت وظیفه در ۱۸ سالگی / لغو خدمت وظیفه اجباری / تعداد نظامیان بالغ بر ۵۰۰ هزار نیرو / تخصیص بودجه کمتر از ۲ درصد بودجه کل کشور / خشونت علیه سربازان / ضعف جدی ارتش در دفاع از مالویناس / امکان استفاده از خدمت وظیفه اجباری در جنگ، بحران و حالت اضطراری	

۷-۵. کدگذاری داده‌های علمی - آموزشی

جدول ۹- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه علمی-آموزشی

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	ضوابط و راهبردهای آموزشی	راهبرد مطلوب ایجاد و توسعه نظام آموزشی مطلوب	آغاز سریع روند صنعتی شدن / تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در اواخر دهه ۶۰ / دهه ۷۰ صادرات تولیدات هسته‌ای / تشکیل سریع نظام آموزشی با هدف هم‌ترازی با اروپا پس از امواج اولیه مهاجرت / پیشتازی در باسوادی / بیش از ۸۰ درصد باسواد اواسط قرن بیستم / امروزه بیش از ۹۸ درصد باسواد

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
		اهداف و مبانی آموزشی	ارائه آموزش های اساسی و فطری به افراد و جامعه توسط دولت جهت ساختن جامعه ای عدالت محور، تضمین توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کشور، حفاظت و صیانت از حاکمیت و تمامیت ملی و سرزمینی، تعمیق اجرای قوانین دموکراتیک، احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی
		شرایط و مقاطع و ضوابط آموزشی	حضور اجباری کودک و نوجوان ۱۴-۶ ساله در مدارس ابتدایی و دبیرستان در ۲ نوبت صبح و عصر و ۵ روز هفته / مهد کودک اختیاری (۴۵ روزه تا ۵ ساله)، پیش دبستانی (۵ساله ها) / آغاز سال تحصیلی اوایل مارس با تعطیلات تابستانی ۲ ماهه / تعطیلات زمستانی ۱۰ روزه
۲	آموزش عمومی و رسمی	ساختار آموزشی	نظام سیاسی فدرال اما نظام آموزشی سراسری و متمرکز / اجرایی شدن طرح توسط بخش خصوصی، دولتی، تعاونی و اجتماعی / رایگانگی آموزش عمومی با تامین هزینه های لباس خاص مدارس، کتاب و اقلام آموزشی، سرویس مدارس و... توسط دانش آموز / دبیرستان عمومی (همه رشته ها و همه دانش آموزان) اختصاصی (تقسیم به رشته های مختلف) / امکان رایگان آموزش مقدماتی فنی و حرفه ای و هنری در رشته های مختلف / آموزش هنری جهت شکل دهی فکری و ذهنی در دوران مدرسه به صورت عمومی و تخصصی / وجود آموزش ویژه دانش آموزان با نیاز ویژه (ناتوانی موقت و دائمی ذهنی، بینایی، گفتاری و...) / آموزش بزرگسالان بعد از ساعات کاری روزانه یا همزمان با مدارس عادی / آموزش ویژه روستایی
۳	آموزش خاص اقلیت ها	آموزش بین فرهنگی	آموزش اجباری به زبان مادری و زبان رسمی در برخی از استان ها / کامل تر بودن خدمات مدارس مورد حمایت کلیسا و سازمان های دیگر / افزایش ساعات آموزشی مدارس خاص جهت آموزش های ویژه / مدارس خاص یهودیان (اهتمام ویژه به آموزش زبان عبری، باورهای مذهبی) / تحمیل تعطیلات مذهبی یهودیان در نظام آموزشی و... / مسلمانان (آموزش عربی، آموزه های اسلامی و قرآن / تعطیلی روز اول سال نو هجری قمری برای مدارس خاص مسلمانان



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
		آموزش خصوصی	کلاس درس در منزل یا بیمارستان در سه مقطع اولیه، ابتدایی و دبیرستان
۴	دانش آموزان و کادر آموزشی	کل دانش آموزان	بیش از ۱۱ میلیون دانش آموز / ۸ میلیون در مدارس دولتی و ۳ میلیون در مدارس خصوصی
		معلمان	خانم بودن اکثریت معلمان ابتدایی و دبیرستان / بیش از ۵۰۰ هزار معلم فعال در موقعیت‌های آموزشی مختلف (مهد، ابتدایی، ثانویه)
		تعداد واحدهای آموزشی	بیش از ۵۰ هزار واحد آموزشی دولتی (وبه نسبت کمتری خصوصی) / حدودی نیمی از مدارس مختص مقطع ابتدایی و بقیه مهدکودک و مقطع ثانویه (متوسطه) و بیش از ۲ هزار واحد فنی و حرفه‌ای
۵	آموزش عالی ریشه دار اما عادی	تعداد دانشجویان و دانشگاه‌ها	بیش از ۱۰۰ واحد دانشگاهی (دولتی، خصوصی، آموزش عالی، آموزش عالی خصوصی، واحد دانشگاهی استانی، خارجی و بین‌المللی) با بیش از ۱ میلیون دانشجو
		دانشگاه‌های برتر	دانشگاه بوئنوس آیروس (بهترین دانشگاه)، دانشگاه ملی کوردوبا (قدیمی‌ترین دانشگاه ملی کوردوبا)، دانشگاه لاپلاتا، دانشگاه صنعتی ملی UTN

۵-۸. آرژانتین؛ قدرتی میانه در عرصه منطقه‌ای و تجارت بین‌المللی

در نظریه روابط بین‌الملل، تنش‌های سیستمی زمانی اتفاق می‌افتند که قدرت‌های میانه همه یا بعضی از ابعاد نظم بین‌الملل که توسط قدرت مسلط ایجاد، تنظیم و کنترل می‌شود، را به چالش می‌کشند. از منظر نظریه‌های لیبرال و واقع‌گرا، صلح و ثبات در نظام بین‌الملل زمانی تضمین می‌شود که بازیگران ضعیف‌تر در سلسله مراتب جهانی با اجبار یا با رضایت، وضع موجود را بپذیرند. واقع‌گرایان، رضایت قدرت میانه را به عنوان شرط اولیه برای ثبات بین‌الملل فرض می‌کنند و بیانگر این هستند که بازیگران با توانایی نسبتاً مشابه (البته نامتقارن و ناتراز) تعادل صلح ظریف



را حفظ کرده و تمایل به مشارکت در رژیم‌های بین‌المللی داشته که توسط هژمون ایجاد شده‌اند.

آرژانتین، جنوبی‌ترین کشور قاره آمریکا است که در مجاورت کشورهای برزیل، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه و بولیوی قرار گرفته است. توسعه صنعت کشاورزی و دامپروری، استخراج معادن، شرکت‌های تولیدی و خدماتی و نیروی کار فراوان باعث شده است که تولید ناخالص داخلی آن وضعیت خوبی داشته باشد و آرژانتین را به یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای و عضو فعال گروه G20 مطرح کند؛ اگرچه با ایده‌آل خود بسیار فاصله دارد. در سال‌های گذشته مقدمات پیوستن این کشور به گروه بریکس مطرح شده بود. در سال گذشته رسماً به این گروه اقتصادی جهانی پیوست اما دولت راست‌گرای افراطی خاویر میلی پس از چند ماه از این گروه خارج شد. این کشور با برخورداری از توانمندی متوسط به عنوان قدرتی میانه در عرصه بین‌المللی به ویژه تجارت جهانی به شمار می‌رود. آرژانتین با ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی (نیروی انسانی)، علمی-فناوری خود می‌تواند جایگاه خود را در آمریکای لاتین تحکیم و تثبیت کند و نفوذی موثر در منطقه و در عرصه بین‌المللی دست یابد. جمهوری آرژانتین یکی از این قدرت‌های منطقه‌ای است که شاخص‌های آن در زیر آمده است.

جدول ۱۰- شاخص‌های تعیین‌کننده قدرت میانه آرژانتین در آمریکای لاتین

ردیف	مقوله	مضامین
۱	توانمندی مادی	تولید ناخالص داخلی متوسط، وسعت سرزمینی و سومین کشور پرجمعیت آمریکای لاتین
۲	ظرفیت بین‌المللی	قدرت نرم و فرهنگی، مدیریت منافع کشورهای ثالث از جمله ایالات متحده و اسرائیل و شتاب‌دهنده منافع غرب بویژه در دولت‌های راست‌گرا / ایجاد چالش سیاسی با غرب در دولت‌های چپ‌گرا، تسهیل امور بین‌الملل به مثابه الگوی رفتاری ویژه پس از برزیل / کشوری نسبتاً صنعتی در داخل با توانمندی متوسط در زمینه صادرات مواد غذایی و کالا، همسویی با کشورهای کشورهای اروپایی
۳	کارکرد هویتی	تلاش جهت ایجاد وحدت در کثرت با وجود چالش‌های قومی و نژادی

براساس بررسی مبانی نظری قدرت میانه (احصاء شده توسط محقق)



۹-۵. سیاست خارجی ایران و آرژانتین

جدول ۱۱- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده سیاست خارجی آرژانتین و ایران

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	پیشینه روابط قبل از انقلاب	دوره قاجاریه	دیرینه بودن روابط / امضای عهدنامه مودت در دوره مظفرالدین شاه و خولیو روکا / تبادل عهدنامه در ۱۹۰۵ در بلژیک (۱۲۰ ساله)
		دوره پهلوی	گشایش سفارت ایران در بوئنوس آیروس در مرداد ۱۳۱۴ و بازگشایی مجدد آن در ۱۳۲۴ / و تعیین سفیر تام الاختیار ایران در آرژانتین / سفر در بالاترین سطح تا قبل از انقلاب / تبادل علمی استاد و دانشجو / ارائه تسهیلات جهت مبادله، توزیع، فروش کتب، نمایشگاه هنری، فیلم و مستند و... / همکاری و مبادله ورزشی / وجود میداین ایران و آرژانتین در پایتخت‌های دو کشور / شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی / احترام به نام ایران
۲	پیشینه روابط قبل از امیا	روابط سیاسی؛ اقدام همسو با اهداف متفاوت	همسویی روابط پس از پایان دیکتاتوری آرژانتین و بازگشت به دموکراسی / افزایش روابط با روی کار آمدن حزب رادیکال / آرژانتین؛ حداکثر فاصله سیاسی با آمریکا / ایران؛ قطع رابطه با آمریکا
		روابط اقتصادی قوی	توسعه روابط پس از جنگ ایران و عراق و افزایش تحریم‌ها / واردات کالاهای اساسی از آرژانتین / صادرات نفت از ایران به آرژانتین / حجم مبادلات ۱/۲ میلیارد دلاری محصولات کشاورزی (گندم، برنج، ذرت، دانه روغنی، روغن آفتابگردان و سویا) / تکنولوژی مکمل ایران در حوزه صنعتی و تکنولوژیک، خدمات دارویی، خودروسازی / توسعه خطوط مستقیم حمل و نقل دریایی
		روابط قوی علمی و فناوریانه	همکاری هسته ای، خرید سوخت رآکتور ایران از آرژانتین
		روابط ریشه‌دار فرهنگی	تقویت روابط فرهنگی، ترغیب مهاجرت ایرانیان به آرژانتین / تداوم ارائه تسهیلات جهت مبادله، توزیع، فروش کتب، نمایشگاه هنری، فیلم و مستند و... / تبادل علمی استاد و دانشجو / همکاری ورزشی / گسترش روابط بعد از انقلاب



ردیف	مقوله سطر ح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
			۱۳۵۷ / از سال ۱۳۷۰-۱۳۵۷ / دهه ۷۰ شمسی - تاسیس نهاد رایزنی ج.ا. در آرژانتین
		تحلیل رفتن روابط سیاسی	خارج شدن آرژانتین از جنبش عدم تعهد (NAM) / فشار دولت منم بر مسلمانان، شیعیان و ایرانیان / صدور حکم بازداشت اتباع و دیپلمات‌های ایرانی / ترک ایرانیان و تقلیل مهاجران ایرانی به ۵۰۰ نفر
۳	پیشینه روابط بعد از امیا تا به امروز	تعلیق روابط اقتصادی	سیاسی شدن روابط اقتصادی / لغو یکجانبه همکاری‌های اقتصادی توسط دولت آرژانتین در زمان سکانداری رئیس‌جمهور سوری الاصل، ساموئل منم / کاهش واردات و صادرات / تحلیل سطح روابط اقتصادی تا توقف / تعلیق روابط اقتصادی
		لغو روابط علمی و فناورانه	لغو اسناد همکاری دوجانبه ایران و آرژانتین در زمینه هسته ای
		تعلیق روابط فرهنگی	تعلیق روابط فرهنگی / بیشترین هجمه خبری - رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران پس از امیا

۵-۱۰. جوامع و اقوام پیشتاز در آرژانتین با الگوی ارتباطی اثربخش

بررسی‌های محقق نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی موفق در کشور آرژانتین به مثابه یک قدرت نوظهور بوده است که برخی از آن‌ها مربوط به قدرت‌های جهانی، برخی مربوط به قدرت‌های نوظهور و برخی نیز به قدرت‌های میانه و کوچکی تخصیص یافته است که با راهبرد و راهکارهایی مشخص به ایفای نقش در آرژانتین پرداخته‌اند. هر کدام از آن‌ها عموماً یک محور ارتباطی مرکزی داشته و دیگر محورها در پیرامون آن قرار گرفته و قوام‌بخش آن بوده‌اند؛ البته هر کشوری ممکن است چالش‌های جدی در توسعه روابط با این کشور داشته و یا هنوز هم با چالش‌های جدی روبه‌رو باشد.



جدول ۱۲- الگوهای ارتباطی موفق در آرژانتین

ردیف	کشور	محور مرکزی ارتباط	محورهای ارتباطی موثر	چالش‌های ارتباطی
۱	ایالات متحده	اقتصادی	حسن همجواری، همگرایی فرهنگی، اجتماعی و امنیتی با آیالات متحده	فقر و عقب‌ماندگی در برخی از ایالت‌ها/ پیامدهای توسعه اقتصادی نامتوازن/ رقابت اقتصادی با ایالات متحده
۲	چین	اقتصادی	سیاست خارجی، نظامی و امنیتی	عدم ارتباط‌گیری موثر کنشگران ارتباطی با جامعه برزیل / عدم جذابیت فرهنگ و زبان چینی برای آحاد جامعه و مردم
۳	اسپانیا	اقتصادی	فرهنگی، گردشگری و تاریخی	پیشینه سیاسی به دلیل قرن‌ها استعمار و استیصال بومیان
۴	ایتالیا	اقتصادی	فرهنگی، گردشگری و تاریخی	عدم ظهور و بروز چالش‌گفتمانی متعارض
۵	مکزیک	اقتصادی	فرهنگی، اجتماعی	رقابت اقتصادی / عدم ظهور و بروز چالش‌گفتمانی متعارض
۶	اسرائیل	سیاسی	اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی	جامعه پذیرنده محدود یهودیان، تنفر عمومی از یهودیان
۷	ترکیه	اقتصادی	فرهنگی، اجتماعی	سیاسی اگرچه نقطه تمرکز دولت ترکیه نیست. (با توجه به رویکرد حزب حاکم در آرژانتین و نفوذ ارامنه در این کشور)
۸	لبنان	اقتصادی	فرهنگی، اجتماعی	شائبه دست داشتن حزب‌الله لبنان در انفجار آمیا به‌عنوان عاملان / حضور بیش از یک قرن بدون راهبرد و برنامه-ریزی
۹	سوریه	اقتصادی	فرهنگی، اجتماعی	عدم ظهور و بروز چالش‌گفتمانی متعارض
-	ایران	سیاسی و اقتصادی	فرهنگی و اجتماعی	فقدان روابط فرهنگی بین دو کشور / محدود بودن به همکاری‌های علمی و دانشگاهی / چالش‌های جدی دولت-



چالش‌های ارتباطی	محورهای ارتباطی موثر	محور مرکزی ارتباط	کشور	ردیف
های چپ‌گرا با ایران در حوزه اجتماعی و حقوق بشر غربی / مخالفت سیاسی راستگرایان بویژه افراطی‌ها با سیاست خارجی ج.ا.ایران				

برگرفته از داده‌های مصاحبه نخبگانی

ایالات متحده آمریکا براساس دکترین مونروئه از سال‌ها قبل بر بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین به ویژه آرژانتین نفوذ داشته است. آرژانتین بیشترین تعداد یهودیان را پس از اسرائیل و ایالات متحده دارد و این مسئله منجر به تعمیق سطح روابط این سه کشور شده است. آحاد جامعه نگرش مثبتی نسبت به ایالات متحده دارند اما از یهودیان متنفرند. کشور چین، دیگر قدرت بزرگ جهانی در آرژانتین است. اگرچه حضور اقتصادی موفق و چشمگیری داشته اما به حضوری همه جانبه تبدیل نشده است. علی‌رغم اینکه ساختار روابط اقتصادی چین و آرژانتین بالاست و حجم تجارت دوجانبه‌شان در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۴ میلیارد دلار است که تقریباً ۱۶ میلیارد دلار آن صادرات چین به آرژانتین و ۸ میلیارد دلار صادرات آرژانتین به چین بوده است؛ اما فرهنگ و زبان چین از جذابیت بالایی برای شهروندان برزیلی برخوردار نیست. اسرائیل یکی از اصلی‌ترین شرکای اقتصادی و راهبردی آرژانتین بویژه در دولت‌های راستگرا بوده است که نفوذ همه‌جانبه‌ای در آرژانتین از منظر رسانه‌ای - فرهنگی داشته است.

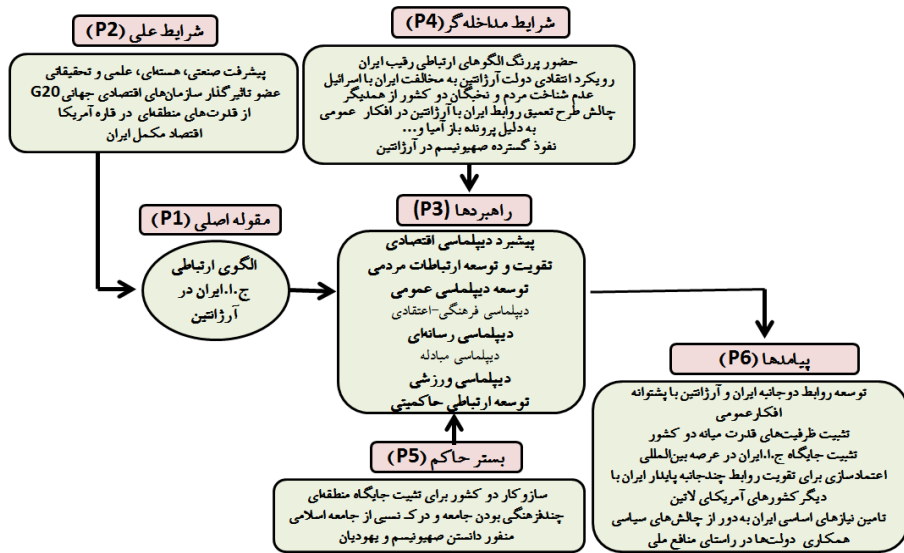
از کشورهای اروپایی نیز نفوذ ایتالیا و اسپانیا به دلیل ریشه‌های تاریخی - فرهنگی حائز اهمیت بوده و مقصد اول سفر یا حتی مهاجرت آرژانتینی‌ها به اروپا محسوب می‌شود و روسیه و ایتالیا در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. در بین کشورهای عربی، لبنان، سوریه و فلسطین به دلیل تعداد مهاجران عرب که کمتر از نیمی از آنها مسلمان هستند، در برخی از سطوح حاکمیتی آرژانتین حضور قابل تاملی دارند و در برهه‌های زمانی مختلف ریاست جمهوری، وزارت، شهرداری و دیگر مناصب مهم را به دست آورده‌اند. جمهوری اسلامی ایران اگرچه تا پیش از انفجار مشکوک آمیا روابط خوبی داشت اما پس از آن، سطح روابط در حوزه‌های مختلف یا به حداقل رسیده و یا تعلیق شده است. طی چند دهه اخیر



ج.۱. ایران الگو و راهبرد مشخصی در راستای توسعه روابط خود نداشته است اما عمده‌ترین مشکل ایران هجمه سنگین رسانه‌ای علیه ایران است که تا این مانع مرتفع نشود، عملاً هیچ اقدام موثری نمی‌توان در این کشور داشت.

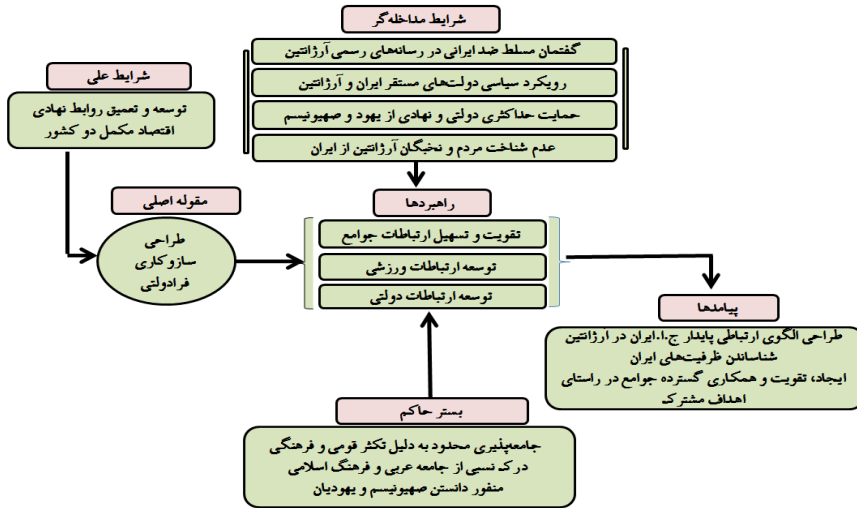
در مقاله حاضر تلاش شده است با روش نظریه زمینه‌ای و با انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته، کشور آرژانتین و تعاملات بین‌المللی آن را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داده تا جمهوری اسلامی ایران بتواند به یک الگوی ارتباطی موثر با این کشور برسد. نتایج کدگذاری محوری داده‌های فوق در نمودار زیر قابل مشاهده است:

۱- کدگذاری محوری طراحی الگوی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آرژانتین



بحث و نتیجه گیری

پژوهش‌ها، اظهارات و مشاهدات میدانی نمایندگان رسمی جمهوری اسلامی ایران، نخبگان و کارشناسان با تجربه زیسته در جامعه آرژانتین نشان می‌دهد که اگرچه توسعه روابط با این کشور با چالش‌های زیادی روبه‌رو است اما به دلایل زیادی که در ادامه خواهد آمد، اما از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



نتایج کد گذاری بر مبنای نظریه مبنایی سیستماتیک نشان می‌دهد پدیده اصلی، شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله گر، بستر حاکم و پیامدها به خوبی شناسایی و احصاء شده است. در زیر دلایل انتخاب هر یک از طبقات آمده است.

قضیه ۱: طبقه محوری: الگوی ارتباطی ج.ا.ایران در آرژانتین

این پدیده همان برچسب مفهومی طرح پژوهشی است. همان اتفاق اصلی است که دیگر قضایا ذیل مدیریت، توسعه و کنترل آن انجام می‌شوند. پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها مسلم شد که کشور آرژانتین سومین کشور حائز اهمیت در منطقه آمریکای لاتین است که طی سه دهه اخیر روابط دو کشور به دلیل حادثه آمیا در بسیاری از حوزه‌ها قطع و یا تعلیق شده است. حال آنکه تا قبل از آن، علی‌رغم موانعی چون دوری مسیر، همسایگی با ایالات متحده، اقتصاد مکمل ایران و... روابط دو کشور در سطح مطلوبی قرار داشت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آرژانتین، به ترتیب قدرت نوظهور و قدرت میانه‌ای هستند که پیشران تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه هستند؛ اگرچه در تحولات اخیر منطقه جنوب غرب آسیا و تهاجم غیرانسانی و غیرقانونی رژیم صهیونیستی علیه فلسطین، و وجهه جمهوری اسلامی به واسطه حمایت قاطع از فلسطین در جهان و بویژه در بین اعراب و مهاجران فلسطینی دور از وطن مثبت شده است؛

فلذا جهت از سرگیری روابط دوجانبه و منطقه‌ای ضرورت دارد که سوء تفاهم‌های پیش آمده در خصوص انفجار انجمن یهودیان آرژانتین، آمیا برطرف شده و مسیر کنش‌گری موثر دو کشور در فضای بین‌المللی هموار گردد.

قضیه ۲: شرایط علی: پیشرفت صنعتی، هسته‌ای، علمی و تحقیقاتی

شرایط علی به حوادث یا وقایعی دلالت دارد که به وقوع، رشد و توسعه پدیده محوری منتهی می‌شود. با توجه به همکاری‌های گذشته دو کشور در زمینه فرهنگی، سیاسی و همچنین پیشرفت صنعتی، هسته‌ای، علمی و تحقیقاتی آرژانتین در حال حاضر، درخواست عضویت و پیوستن آرژانتین به بریکس از سال ۲۰۱۵ (آرژانتین در سال گذشته به بریکس پیوست اما به دلیل سیاست‌های خاور میانی از بریکس خارج شد)، عضویت آرژانتین در گروه ۲۰ (G20)، از قدرت‌های منطقه‌ای بودن در قاره آمریکا و همچنین اقتصاد مکمل ایران بودن تفاهم‌نامه‌های همکاری مجدداً از سر گرفته شده و سطوح همکاری فناورانه گسترده‌تر شود. آرژانتین از قدرت‌های میانه‌ای است که به واسطه مسائل سیاسی و اقتصادی، مورد توجه سیاست خارجی ایران قرار گرفته است. ضرورت دارد که جمهوری اسلامی ایران ارتباط هوشمندانه‌ای را در همه زمینه‌ها بویژه علمی و صنعتی با این کشور برقرار کند.

قضیه ۳: راهبردها: توسعه ارتباطات رسمی و مدنی

جمهوری اسلامی ایران باید راهبردی پایدار در توسعه روابط با آرژانتین داشته باشد و پیشران آن حل چالش‌های سیاسی است که همواره از طریق آموزش، محیط سیاسی و رسانه‌ها پمپاژ شده است. در همین راستا ضرورت دارد که دیپلماسی عمومی به صورت جدی فعال شود.

تقویت دیپلماسی عمومی: براساس بررسی‌های انجام شده، دیپلماسی عمومی

بهتر است در سه حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی مبادله و دیپلماسی فرهنگی -

اعتقادی محقق شود.

دیپلماسی رسانه‌ای: جامعه آرژانتین یک جامعه‌ای صنعتی است که چالش‌های جدی در زمینه توسعه یافتگی دارد؛ اما ضرورت دارد پیش از هر چیز با فعال کردن دیپلماسی رسانه‌ای بر گفتمان غالب ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی که توسط رسانه‌های مطرح و مرجع‌القاء شده است؛ فائق آید. استفاده از ظرفیت همسپان‌تی‌وی، ایجاد فرصت‌هایی نو در فضای مجازی و رسانه‌های سنتی مثل رادیو و تلویزیون می‌تواند مفید واقع شود. همچنین برقراری ارتباطی موثر با رسانه‌های مستقل و غیررسمی آرژانتینی از جمله رسانه‌های نوین (فضای مجازی و...) می‌تواند گامی موثر باشد.

دیپلماسی مبادله: نیروی انسانی و جمعیت از قرون و اعصار گذشته تا به امروز همواره از عناصر تعیین‌کننده قدرت بوده است. فعال‌سازی دیپلماسی مبادله از طریق گسترش همکاری‌های علمی-دانشگاهی از طریق تبادل استاد و دانشجو و همچنین نخبگان و متخصصان حوزه‌های مختلف حائز اهمیت است. گسترش ارتباطات انسانی از طریق مهاجرت امری بدیهی است؛ فلذا ضرورت دارد زیرساخت‌های آن به عنوان یک سیاست راهبردی در دستور کار مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد. حضور فعال آحاد جامعه مسلمان و ایرانیان در بخش‌های دانشگاهی، علمی-تحقیقاتی، خدماتی و اجتماعی (توریسم، هتل‌داری، تجارت و خدماتی) و سیاسی و مدیریتی می‌تواند دستاوردهای مادی، مالی و راهبردی چشمگیری برای آرژانتین و ایران داشته باشد.

تقویت و توسعه ارتباطات مردمی: به دلیل حادثه آمیا شناخت جامعه هدف از ایران شناختی مخدوش است. مقتضی است شناخت مردم و نخبگان حوزه‌های مختلف دو کشور از همدیگر بیشتر شود. این مسئله باعث می‌شود که قرائت جدید مبتنی بر اهداف فطری و حق‌بینانه انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران به جهان ارائه شود.

دیپلماسی ورزشی: کشور آرژانتین در ورزش، به ویژه ورزش‌های همگانی سرآمد است، از سوی دیگر باشگاه‌های ایران برای حضور حرفه‌ای خود در میادین



ورزشی جهانی بهتر است از ظرفیت مربیان، بازیکنان و مدیریت ورزشی آرژانتین استفاده کنند. این مسئله نه تنها منجر به تقویت ورزش کشور می‌شود، بلکه به دلیل اقبال عمومی آرژانتینی‌ها به ورزش همگانی بویژه فوتبال به اصلاح نگرش جامعه هدف کمک خواهد کرد.

توسعه روابط سیاسی: کشور ایران طی چند دهه اخیر در صدد بوده است تا با همه کشورهای جهان به جز اسرائیل و ایالات متحده ارتباط حسنه‌ای داشته باشد. در این میان برخی کشورها بویژه کشورهای غرب تمدنی به دلیل همسویی با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و اختلاف ایدئولوژیک با ایران تعارضاتی داشته‌اند. یکی از این کشورها آرژانتین است که پس از حادثه آمیا روابط دو کشور با چالش‌های سیاسی-امنیتی زیادی رو به رو شد. با اهتمام ویژه بر شفاف‌سازی مسئله آمیا و دفاع از اتهامات بی‌اساس علیه ایران، می‌توان گامی موثر برداشت.

پیشبرد دیپلماسی اقتصادی: اگرچه در گذشته روابط اقتصادی قابل قبولی به ارزش بیش از ۱ میلیارد دلار بین دو کشور بود، اما پس از حادثه آمیا و روی کار آمدن دولت کارلوس منم، سطح روابط اقتصادی بسیار تقلیل پیدا کرده و در برخی از حوزه‌ها از جمله چرخه سوخت هسته‌ای به طوریکه جانبه‌قطع شد. با توجه به شاخص‌های اقتصاد مکمل و مزیت نسبی تجارت ایران با این کشور؛ ظرفیت توسعه روابط بسیار بیشتر از وضع فعلی است. همچنین تراز تجاری ایران با آرژانتین منفی و بر واردات متمرکز بوده است؛ ضرورت دارد توسعه صادرات در دستور کار قرار بگیرد.

قضیه ۴: شرایط مداخله‌گر: طراحی سازوکارهای فرهنگی-اجتماعی

شرایط مداخله‌گر، مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسطه هستند که تاثیر چشمگیری بر راهبردهای اتخاذ شده ایران و آرژانتین دارند. جامعه چندملیتی آرژانتین از مهاجران مختلف از کشورهای متفاوت تشکیل شده است که هر کدام با

اهداف و اغراضی به این کشور وارد شده‌اند. با توجه به ریشه دواندن اقلیت یهود و صهیونیسم بین‌المللی، منافع قدرت‌های جهانی و دیگر اقوام و دول ثالث در آرژانتین، فعالیت و حضور ایران با پیچیدگی‌هایی رو به رو شده است.

علی‌رغم قدرت حداکثری صهیونیست‌ها در آرژانتین، به دلیل منفور بودن این اقلیت در افکار عمومی و حضور اقلیت اعراب و مسلمانان در این کشور، اقبال آحاد جامعه به سمت صهیونیست‌ها بسیار کم‌تر بوده و روشنگری در خصوص مسئله سیاسی-حقوق بشری فلسطین در این جامعه امری بسیار ملموس است. با روی کار آمدن دولت‌های سوسیالیست و چپ‌گرا، اگرچه کشورها به لحاظ سیاسی ترغیب می‌شوند تا روابط خود را گسترش دهند اما به لحاظ متغیرهای فرهنگی و اجتماعی چالش‌های جدی با استانداردهای فرهنگی-اجتماعی به عنوان قانون پذیرفته شده در ایران دارند. از سوی دیگر با به قدرت رسیدن راست‌گراها در این کشور، چالش‌های فرهنگی-اجتماعی ما با آرژانتین به مراتب کمتر شده اما چون چالش‌های سیاسی-امنیتی نمایان و برجسته‌سازی می‌شود، نمی‌توان ابتکار عمل جدی در این زمینه داشت.

کشورهای ایالات متحده آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، رژیم صهیونیستی، لبنان، سوریه و ترکیه به واسطه مهاجران‌شان توانسته‌اند طی سال‌های اخیر ارتباطات خود را در زمینه‌های مختلف افزایش بدهند. با توجه به موانع جدی توسعه روابط از سوی گروه‌های فشار در آرژانتین، ضرورت دارد اهتمام ویژه‌ای به افزایش شناخت دو جامعه ایران و آرژانتین از همدیگر داشته باشیم. تا این لحظه نخبگان سیاسی-اجتماعی دو کشور و رسانه‌ها تلاش جدی در این زمینه نداشته‌اند و این مسئله منجر به آن شده است که توسعه روابط همه‌جانبه در افکار عمومی دو کشور به شدت متأثر از رسانه‌های غربی بوده و مورد پذیرش قرار نگیرد.

قضیه ۵: بستر حاکم؛ تقویت پیشران‌های دو کشور ایران و آرژانتین



بستر یا زمینه، شرایط خاص موثر بر کنش‌ها و تعاملات است و نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده‌ای دلالت کرده و به ترسیم حقایق فضای حاکم بر عمل ارتباطی می‌پردازد. ایران به دلیل تفاوت ایدئولوژیک با غرب با محوریت ایالات متحده و جامعه آرژانتین، به دلیل چنبره زدن صهیونیست‌ها بر این کشور خواهان تغییر وضع موجود است، اگرچه در اهداف فرعی، تاکتیک، شیوه و دستاوردها ممکن است با هم تفاوت‌هایی داشته باشند؛ اما از آن جایی که جامعه آرژانتین مستعد و آماده پذیرش فرصت‌های جدید توسعه روابط است، تدوین سازوکاری هوشمندانه می‌تواند موثر واقع شود. از سوی دیگر بیش از ۳ دهه است که روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با آرژانتین بسیار ناچیز بوده است و دیپلماسی اقتصادی با تمرکز بر معرفی بازار طرفین و تامین اقلام اساسی و صنایع مورد نیاز فرصتی است تا ضمن رفع شدید نیاز داخل، طرفین تلاش کنند تا حد امکان چالش جدی سیاسی-امنیتی را به حداقل ممکن برسانند.

پیامدها؛ تثبیت ظرفیت‌های قدرت نوظهور ایران در آرژانتین، آمریکای لاتین و جهان

توسعه روابط دوجانبه ایران و آرژانتین با پشتوانه افکار عمومی دو کشور: به دلیل نفوذ یهودیان، دولت‌های راست‌گراها همواره مخالف ایران هستند و دولت‌های چپ‌گرا نیز با احتیاط زیادی در خصوص ایران اعلام موضع می‌کنند. اگرچه در گذشته شناخت عمومی جامعه آرژانتین از ایران محدود به سیاه‌نمایی رسانه‌های جریان اصلی و فضاهای آموزشی علیه ایران بود، اما در پی تحولات خاورمیانه با تمرکز بر حمایت همه‌جانبه ج.ا.ایران از فلسطین علیه صهیونیسم بین‌الملل بویژه اسرائیل و منفور بودن صهیونیست‌ها در بین آرژانتینی‌ها، نگاه تازه‌ای شکل گرفته و کنجکاوی بیشتری نسبت به شناخت ایران و سیاست‌هایش ایجاد شده است.



در همین راستا ضرورت دارد که ایران راهبرد مشخص و هوشمندی را در پیش بگیرد. از سوی دیگر در ایران نیز درک صحیحی از ظرفیت‌های کشور آرژانتین وجود ندارد و شناخت ایرانیان از این کشور به وابسته ورزش‌های همگانی آن بویژه فوتبال است. جمهوری اسلامی در گام نخست باید جایگاه خود را در افکار عمومی آحاد جامعه آرژانتین پیدا کند. فعال کردن دیپماسی فرهنگی و به صورت جدی دیپلماسی رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که باید انجام شود تا با فرهنگ، هنر، ادبیات، سیاست و رویکرد کلان ج.ا.ایران آشنا شوند. بازنمایی یک ایران پیشرفته در اوج تحریم بسیار حائز اهمیت بوده و نقش الگویی دارد. ضروری است از طریق فعالان فضای مجازی بلاگرها، واینرها و... در یوتیوب، اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی، ایران به جامعه آرژانتین شناسانده شود. شناساندن ظرفیت‌های علمی-تحقیقاتی ایران یکی از اقدامات بسیار موثری است که می‌توان استارت آپ‌ها و مراکز دانش‌بنیان را نسبت به ایران حساس کرده و آنان را ترغیب به همکاری کرد.

تثبیت جایگاه ج.ا.ایران در عرصه بین‌المللی: با تمرکز بر تقویت و توسعه ظرفیت‌های قدرت نوظهور ایران و گسترش روابط دوجانبه با کشور آرژانتین، جمهوری اسلامی می‌تواند کنش‌گر موثری در منطقه و جهان باشد.

اعتمادسازی برای تقویت روابط چندجانبه ج.ا.ایران با دیگر کشورهای آمریکای لاتین: گسترش روابط دوجانبه ایران با آرژانتین می‌تواند درهای تقویت و توسعه روابط خارجی ایران با کشورهای آمریکای لاتین را باز کرده و تضمینی برای جلب اعتماد عمومی در بین نخبگان و افکار عمومی در ایران و جوامع لاتین شود.

تامین نیازهای اساسی ایران به دور از چالش‌های سیاسی: با وجود اینکه در جامعه آرژانتین دو حزب چپ‌گرا و راست‌گرا وجود دارد که هر کدام از آن‌ها برخی تعارضات گفتمانی در حوزه سیاسی و اجتماعی با جمهوری اسلامی ایران دارند؛ اما با پیشبرد دیپلماسی اقتصادی، علاوه بر تامین نیازهای اساسی کشور در



حوزه کشاورزی می‌توان چالش‌های سیاسی و اجتماعی را به حداقل رسانده و روابطی پایدار را با ملت و دولت آرژانتین پیش برد.

کدگذاری انتخابی: الگوی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آرژانتین هدف نظریه‌پردازی بنیادی در اکثر مواقع نظریه‌سازی است. برای تبدیل تحلیل به نظریه، باید طبقات به طور منظم در هم آمیخته شوند. طبقه محوری باید به طور نظام‌مند به دیگر طبقات ربط داده شده و روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کند و طبقاتی که نیاز به بهبود و توسعه دارند، تقویت و اصلاح کند و یا مدل رهیافتی را به هم ریخته و به صورت ترسیمی نظریه‌نهایی را نشان می‌دهد. (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۴:۱۳۸۹) این نظریه سازوکارهایی را بیان می‌کند که از طریق آن فرایند توسعه ارتباطی ایران در آرژانتین شکل می‌گیرد. در این نظریه در راستای تحقق مقوله اصلی، مبتنی بر شرایط علی، راهبردهایی ارائه می‌شود که باید متناسب با شرایط مداخله‌گر و مبتنی بر بستر حاکم کنش‌گری موثر دو کشور در جامعه بین‌المللی باشد تا پیامدهای فوق‌محقق شود.

بر طبق ادبیات پژوهش، امروزه، توسعه ارتباطات تحولی ژرف در جوامع انسانی، ساختارهای سنتی، دولت‌ها و رفتار آنان در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است. دو جامعه ایران و آرژانتین خواهان معرفی و تثبیت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود هستند؛ فلذا ضرورت دارد روابط این دو جامعه، بیش از پیش تقویت شود. براساس نتایج کاوش، الگوی رفتاری دولت آرژانتین در نظام بین‌الملل به مسائل داخلی و رویکرد حزب حاکم گره خورده است. اما از آنجایی که آرژانتین، مستعدترین کشور ضدصهیونیستی آمریکای لاتین بوده و به دلیل چالش‌های جامعه‌پذیری، حیات و قوام این کشور در تقویت بنیان‌های ملی‌گرایی، استقلال‌طلبی و پیشرفت صنعتی و اقتصادی است؛ لذا ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران راهبرد ثابت با تاکتیک متغیر متناسب با تغییرات جامعه هدف را در مواجهه با جامعه، رسانه‌های

اجتماعی، نهادهای مدنی، و دولت آرژانتین در پیش بگیرد. همچنین با توجه به حجم رسانه‌ای سنگین علیه ایران در این کشور، باید ظرفیت‌های چند بعدی دیپلماسی عمومی را با رویکرد ارتباطات توسعه و با تمرکز بر دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی مبادله، فعال و گسترش داد.

پیشنادهای کاربردی و رسانه‌ای

۱- براساس پژوهش‌های انجام شده، جامعه آرژانتین جامعه‌ای خداپاور و اغلب کاتولیک است. از آنجایی که اعراب و مسلمانان لبنانی، سوری، فلسطینی و... بیش از یک صده است که در این کشور با دیگر ادیان و مذاهب به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند، این مسئله باعث شده است تا همه‌های رسانه‌ای علیه اسلام کمرنگ شود. از سوی دیگر ج.ا.ایران اعتقاد به پیشبرد اهداف خود با تمرکز بر شاخص‌های آزادی‌بخش چون فقرستیزی، عدالت‌ورزی و ظلم‌ستیزی دارد که مردم این کشور قرن‌هاست که با چالش‌های آن دست و پنجه نرم می‌کنند. فعال‌سازی هوشمندانه ظرفیت‌های الهیات رهایی‌بخش با محوریت کلیسا و دیگر مراکز دینی وحدانی برای مقابله با فقر، استثمار و بی‌عدالتی می‌تواند موثر باشد.

۲- به دلیل اهمیت توسعه روابط با دولت-ملت آرژانتین، دولت‌های مختلف ایرانی با هر رویکرد سیاسی باید از جزیره‌ای و سلیقه‌ای عمل کردن در تعامل با جامعه آرژانتین پرهیز کنند. در همین راستا ضرورت دارد یک راهبرد اساسی فراحزبی برای برقراری رابطه موثر با جامعه یهودستیز آرژانتین در دستور کار قرار بگیرد و از ظرفیت‌های پیشران این امر به خوبی استفاده شود.

۳- براساس بررسی‌ها، جامعه هدف شناخت مخدوشی از ایران دارد. شناساندن ظرفیت رسانه‌ای ایران به جامعه آرژانتین بویژه رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران جهت شناخت بیشتر و همکاری رسانه‌های جنوب-جنوب می‌تواند به ترمیم چهره ایران در افکار عمومی کمک کند. تبلیغات رسانه‌ای گسترده در



آرژانتین جهت شناساندن صحیح ایران به افکار عمومی از طریق اساتید دانشگاه، دانشجویان، بلاگرها و ... می‌تواند اقدامی بسیار اثربخش باشد.

۴- ظرفیت گردشگری یکی از پره‌های مهم اقتصاد آرژانتین است. ایجاد و تقویت ظرفیت گردشگری و فعالیت‌های فرهنگی- رسانه‌ای در آرژانتین و ایران یکی دیگر از راهکارهای چندمنظوره بسیار موثر توسعه روابط فرهنگی است.

۵- از اقدامات موثر در خصوص توسعه ارتباطات مدنی و پیشران روابط فرهنگی، دیپلماسی مبادله است که تاسیس، تقویت و توسعه هوشمندانه ظرفیت‌های علمی- آموزشی ایران در آرژانتین از جمله دانشگاه، مدارس تخصصی، موسسات فرهنگی و اجتماعی برای آحاد جامعه بویژه جوانان است.

۶- با توجه به ظرفیت بسیار عظیم نیروی انسانی تحصیل کرده ایرانی در حوزه‌های مختلف بویژه علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی و فنی- مهندسی، ضرورت دارد تا شرایط مهاجرت دائمی نخبگان، دانشجویان، خانواده‌ها و آحاد جامعه ایرانی به آرژانتین تسهیل و حمایت وزارت خارجه از آنان در زمان اقامت در دستور کار قرار بگیرد.

۷- تقویت سفارت ج.ا.ایران در آرژانتین اقدامی کلیدی و اساسی است که این مهم از طریق بکارگیری نیروی انسانی جوان، متعهد، پرتلاش و فعال در راستای پیشبرد منافع ملی در دستور کار قرار بگیرد.

۸- شناساندن ظرفیت‌های گسترده و متنوع آرژانتین برای نخبگان حوزه‌های مختلف از طریق فضای مجازی، رسانه ملی، خبرگزاری‌های مطرح و ایجاد سایت تخصصی دو زبانه معرفی ایران و آرژانتین جهت بازنمایی ظرفیت‌های دو کشور برای آحاد جامعه و ترغیب بلاگرهای ایرانی به سفر به آرژانتین و شناساندن و معرفی ظرفیت‌های مالی، تجاری و فرهنگی و گردشگری این کشور برای زندگی می‌تواند موثر باشد.

۹- با توجه به قوی بودن بخش خصوصی در آرژانتین جهت سرمایه گذاری خارجی در ایران، سیاست تسهیل مهاجرت آرژانتینی ها به ایران، توسعه صنعت توریسم و فعالیت های دوجانبه اقتصادی می تواند در دستور کار قرار بگیرد.

۱۰- تقویت و متنوع سازی تبادلات تجاری و سرمایه گذاری صنعتی و عمرانی ج.ا.ایران در آرژانتین می تواند عاملی بسیار موثر و راهگشا در توسعه روابط باشد. کیفیت محصولات و خدمات شرکت های ایرانی باید به سطح مطلوبی برسد. پیشنهاد می گردد برای سرمایه گذاری برندهای مطلوب و معتبر ایرانی در آرژانتین تبلیغات تجاری موثری صورت بگیرد.

فهرست منابع

۱. توسو، دایا کیشان، (۱۳۹۴)، ارتباطات بین المللی تاریخچه، نظریه ها و زیرساخت ها، ترجمه محمدمهدی وحیدی، تهران: تاریخ و ادب
۲. جی.ویاردا، هوارد، اف. کلاین، هاروی (۱۳۸۷)، آمریکای لاتین، سیاست، حکومت و توسعه، ترجمه علیرضا قربانپور، چاپ نخست. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۳. دادگران، سید محمد (۱۳۷۷)، مبانی ارتباطات جمعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات فیروزه.
۴. جعفری، علی اکبر و فلاح، مهرداد (۱۳۹۷)، «قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب»، فصلنامه سیاست، ۴۸(۱)، ۱-۱۸.
۵. خانیکی، هادی: قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱، صص ۳۳۱-۲۳۱
۶. خیرمند، احمدرضا (۱۳۹۲)، جامعه و فرهنگ آرژانتین، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین المللی الهدی
۷. دانسلی، مارسل (۱۳۹۶)، فهم نشانه شناسی رسانه ها، ترجمه گودرز میلانی و بهزاد



- دوران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. دونزباخ، ولفگانگ، (۱۳۹۵)، ارتباطات توسعه، دانشنامه موضوعی بین‌المللی ارتباطات ۱، ترجمه حسن بشیر و حسین حسینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. راجرز، اورت میچل (۱۴۰۲)، تاریخ تحلیلی علم ارتباطات ترجمه غلامرضا آذری، تهران: آنزه
۱۰. رادگودرزی، معصومه، صفری، عسگر (۱۳۹۸)، «نهادسازی منطقه‌ای چین و آینده نظم بین‌المللی لیبرال»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸ (۳۰)، ۲۲۷-۲۶۲.
۱۱. لرنر، دانیل (۱۳۸۳)، گذر از جامعه سنتی (نوسازی خاورمیانه) مترجم غلام رضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. لیندلف، تامس، تیلور، برایان (۱۳۹۷)، روش تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، چاپ سوم، تهران: انتشارات همشهری.
۱۳. معاونت پژوهش‌های سیاسی-حقوقی (۱۳۹۵)، تدوین و اجرای دیپلماسی اقتصادی: بررسی تجربه برزیل، دفتر مطالعات سیاسی، کد موضوعی ۲۶۰، شماره مسلسل ۱۴۹۴۲
۱۴. ملکات، سرینوس، استیوز، لزی، (۱۳۸۸)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۵. مولانا، حمید، (۱۳۹۱)، ارتباطات جهانی در حال گذر، تهران: انتشارات سروش.
۱۶. میرترابی، سعید، فلاح، مهرداد (۱۴۰۱)، «چین، بریکس و تحول در نظم جهانی اقتصاد جهانی»، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۴۴۶-۴۱۵

منابع لاتین

17. Alberdi, Juan Batista, (2005), política y sociedad en Argentina, Venezuela: Caracas, Fundacion Biblioteca Ayacucho.
18. Abu Bakr, H. (2018), BRICS Plus model can unite developing economies.

- available at:
<http://en.people.cn/n3/2018/0728/c90000-9485685.html>.
19. Arapova, E. (2019), "The BRICS Plus" as the First International Platform Connecting Regional Trade Agreements. *Asia-Pacific Social Science Review*, 19 (2), 30–46.
20. BRICS. (2015), VII Brics Summit: Ufa Declaration. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/253-vii-brics-summit-ufa-declaration>. 1-15.
21. BRICS. (2016), 8th Brics Summit Goa Declaration. 1-10. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/images/pdf/GoaDeclarationandActionPlan.pdf>.
22. BRICS. (2017), Brics Leaders Xiamen Declaration. Available at www.brics.utoronto.ca/docs/170904-xiamen.pdf.
23. Beltran, S (1980), "A farewell to Aristotle: Horizontal Communication", 5, 5_41.
24. Beltrán, L. (1970): *Communication in Latin America: persuasion for status quo or for national development?* Thesis for the degree of Ph.D. East Lansing, Michigan State University, Department of Communication.
25. Beltrán, L. (2005): "La comunicación para el desarrollo en Latinoamérica: recuento de medio siglo". Documento presentado al III Congreso Panamericano de la comunicación. Panel 3: "Problemática de la Comunicación para el Desarrollo en el contexto de la Sociedad de la Información". Universidad de Buenos Aires. Buenos Aires. Disponible en: http://www.infoamerica.org/teoria_textos/lrb_com_desarrollo.pdf [Consulta: 2016, 15 de febrero]
26. Charmaz, Kathy (2012), "The Power and Potential of Grounded Theory", *Medical Sociology online*, Volume 6, Issue 3
27. Di Filippo, A. (2007): *La Escuela Latinoamericana del Desarrollo*. Cinta Moebio, pp.124-154.
28. Freire, Paulo. (1970): *Pedagogía del oprimido*. Nueva York, Herder & Herder.
29. Garcés Corra, R., (2013): "Siete tesis sobre la prensa cubana" tomado de *Cubahora*, 17 de julio, Disponible en: <http://bit.ly/1KPIrsz> [Consulta: 2016, 12 de junio].
30. Giddens, A. (1995): *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Cambridge, Polity.
31. Kaplún, M. (1990): *Comunicación entre grupos. El método del cassette-foro*. Buenos Aires, Humanitas.
32. Kaplún, M. (1985): *El comunicador popular*. Quito, CIESPAL.
33. MacAnnany, E. (1988): *Root of the past, seeds of the present*, *Jornal Of Communication*, 38, 109-122.
34. Martín-Barbero, J. (2002): *La educación desde la comunicación*. Buenos Aires, Grupo Editorial Norma.



- 35.Pasquali, A. (1963): Comunicación y cultura de masas. Caracas, Universidad Central de Venezuela.
- 36.Servaes, J. (2012): “Comunicación para el desarrollo sostenible y el cambio social. Una visión general” en CIC Cuadernos de Información y comunicación. Vol.17. pp. 17-40. Disponible en: <https://revistas.ucm.es/index.php/CIYC/article/viewFile/39256/37839> [Consulta: 2016, junio 11]
- 37.Strauss, A and Corbin, J (1998), Basics of Qualitative Research Techniques and Proceders For Developing Grounded Theory, CA:Sage.
- 38.Shah,H. Wilkings,K (2005), Reconsidering geometries of development. Perspectives on Global Development and Technology 3(4), 395-416
- 39.Countrymeters: https://countrymeters.info/en#google_vignette



جریان شناسی عرفان در آمریکای لاتین

حسن اردشیر لاجیمی^۱

دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

چکیده

عصر حاضر را عصر معنویت خوانده اند که بشر امروزی برای رهایی از ملال و خستگی مفرط دنیای مدرن بدان پناه برده است. معنویت یا عرفان ها بخاطر توجه فطری بشر، در هر محیطی با توجه شرایط جغرافیایی و تاریخی و دینی ظهور یافته اند که اثرات آن به تناسب حق مداری، در انسان متفاوت است. از این روی جریان شناسی آن می تواند به آثار آن و واقعیات و علت های ایجاد و گسترش آن پی برد. عرفان های آمریکای لاتینی از جمله جریان های فعال عرفانی معاصر است که بواسطه خواستگاه اش در ادیان ابتدایی سرخپوستی آثار و ناهنجاریهای فراوانی از خود در ذیل چهره حق نمایش پنهان نموده است.

واژگان کلیدی

عرفان سرخ پوستی، دون خوان، کاستاندا، پائولو کوئیلو، آمریکای لاتین.

مقدمه

۱. ساختار وجودی انسان ها به گونه ای است که میل به معنویت و مفاهیم ماورایی در خمیرمایه آن نهفته است. عدم دسترسی به معنویت های الهی که هماهنگ با فطرت است، راه را برای ظهور معنویت های بشری که برخاسته از محدودیت هاست

باز می‌گذارد. محدودیت‌ها و گرفتارها و درماندگی بشر در سایهٔ جنگ‌های جهانی و بن بست‌های مکتب‌های اومانیستی فرصتی را ایجاد کرد تا جریان‌های معنویت‌گرا و به بیانی جریان‌های عرفانی رخ نمایند. هرچند که در بسیاری از موارد جریان‌های جدید در سایه و کنار مکتب‌های قدیمی تر متولد می‌شوند.

۲. برخی از عوامل پیدایش جریان‌های عرفانی در جهان با وجود بن بست‌ها و مشکلات روحی و روانی جوامع غربی، چند دهه‌ای است که از پوسته اومانیستی خود بیرون آمده است، تا در سایه عرفان و معنویت به آرامش و آسایش برسد. (اردشیری لاجیمی، سراب معنویت، ص ۲۴)

الف) فطرت‌های معنویت‌گرا؛ سرشت همه انسان‌ها الهی است و هیچگاه این نور افول نمی‌کند (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲)، و همین امر سبب شد تا گرایش‌هایی که از درون آدمی سربرکشیده و او را به سوی سرچشمه‌های بیکران هستی هدایت کند. البته این در صورتی است که انسان بتواند، میان فطرت و طبیعت خویش و نیازهایش فاصله اندازد و آنها را باز شناسد. (شاه آبادی، رشحات البحار، ص ۳۰)

ب) بن بست‌های فلسفه مدرن؛ با ورود قرن بیستم، و نیز دو جنگ جهانی و مشکلات فراوان روحی، روانی و زیست‌محیطی و تردیدهای جدید انسان غربی را دوباره به گذشته کهنش سوق داد، تا کمبودهای معنوی خود را از آن ساحت جبران نماید. در نتیجه تلاش فراوان نمود تا عالم غیب و فراطبیعت را با راه‌های مرموز و سحرآمیز و غیرعقلانی جستجو کند. (تویچل، اکنکار کلید جهان‌های اسرار، ص ۱۵)

ج) بحران‌های روانی و اجتماعی؛ در دهه‌های اخیر جوامع غربی، دچار بحران‌های روانی و اجتماعی گسترده‌ای شده است. در چنین شرایطی راهی جز بازگشت به سوی خدا و معنویت مطرح نیست و اندیشمندانی چون ویکتور فرانکل نشان داده‌اند که با معنویت می‌توان از شدت این بحران‌ها کاست و رنج‌های روانی را تحمل

نمود. (اردشیری لاجیمی، سراب معنویت، ص ۲۷)

د) تحقیقات تازه علوم روانشناسی و فراروانشناسی؛ علوم روانشناسی و فراروانشناسی با آزمایش روی انسان و دریافت نتایج فراوانی بر فیزیولوژی بدن و برخی از مؤلفه ها چون عشق گرایی و تخیل مثبت و ... نیروهای خارق العاده ای در درون انسان یافتند و مسیر حرکت به سوی جریان های معنویت گرای جدید را هموار و ترویج کردند. (فعالی، آفتاب و سایه ها، ص ۳۷۷)

۳. فرقه ها و جریان های عرفانی و معنویت گرا؛ که امروزه توسط جامعه شناسان و الهی دانان بسیار مورد مطالعه قرار می گیرد. تنوع بسیار بالای آن جریانات و فرقه ها موجب می شود تا برای شناسایی و مطالعه و تحلیل آنها در دسته بندی های مختلفی آنها را جای داد. مانند مدل تاریخی، جغرافیایی، کارکردگرایی، روانشناسی، ساختار ادیانی و جامعه شناسی، محتواگرایی و ... (اردشیری لاجیمی، همان، ۳۱) که در این پژوهش به بررسی و تحلیل جریان های عرفانی آمریکای لاتین می پردازیم. مکتب های عرفانی و معنویت گرای مختلفی که منشاء هویتی آنها به آمریکای لاتین بر می گردد در این مطالعه به آنها پرداخته می شود.

جریان های عرفانی در آمریکای لاتین

عرفان و جریان های معنویت گرا در آمریکای لاتین از جهاتی دارای خاستگاه مشترگی دارند که همه آنها از عرفان بومیان سرخپوستی بهره مند شده اند و در حقیقت درون مایه شان از آن ارتزاق نموده است.

از دون خوان و کاستاندا تا پائولو کوئیلو و سعی کردند تا با بهره گیری از ویژگی ها و تعالیم سرخپوستی که در حقیقت از جمله ادیان ابتدائی است، افکار و آثار خود را ارائه نمایند. در نتیجه در این مقاله به سه چهره مهمی که با بهره مندی از جریان عرفانی آمریکای لاتینی می پردازیم و با تحلیل و بررسی ویژگی های آنها سعی می کنیم تا جریان مذکور را متذکر شویم.



الف) دون خوان

یکی از شخصیت های اسطوره ایی در حوزه عرفان سرخپوستی، به نام «دون خوان» است که متأسفانه اطلاعات زیادی درباره وی نداریم. در صورتی که آرا و اندیشه ها و تعالیم وی مستقیم و غیر مستقیم در اکثر آثار نویسندگان معنویت گرای برخاسته از فرهنگ آمریکایی حضور دارد. زیرا یکی از مهمترین راه های شناخت دون خوان ادعای های کارلوس کاستاندا است تقریباً دو دهه در کنارش زندگی کرد. (اردشیری لاجیمی، همان، ص ۱۷۵) وی ظاهراً در سال ۱۸۹۱ میلادی در جنوب غرب آمریکا، واقع در آریزونا، مکزیک به دنیا آمد و پدرش در جنگ میان اقوام مکزیکی کشته شده است. از این رو، خویشاوندانش پرورش دون خوان ده ساله را بر عهده گرفتند. کاستاندا مدعی است که دون خوان ماتیوس سرخ پوستی بود، و در ۲۵ سالگی با ساحری به نام جولیان آشنا می شود و راه ساحری را فرا می گیرد. و در گروهی از ساحران به آموزش های خود ادامه می دهد تا به مقام استادی (ناوال) می رسد. این روزگاری است که کاستاندا با وی آشنا می شود، و در سال ۱۹۴۹ م در مکزیک از دنیا رفت. (اردشیری لاجیمی، همان، ص ۱۷۵)

دون خوان، همسر و فرزندان داشت و از گزارش و حکایت های کاستاندا متوجه می شویم که پسر وی به دانش ساحری پدر سخت بی علاقه بوده است.

وی شخصیتی جذاب بود و دارای نیروی جاذبه ای قوی و مرموز بوده است و نگاهی بسیار نافذ داشت و در عین حال زندگی بسیار ساده و بی آرایش داشت و بجز معرفت و علوم شهودی دلبسته هیچ امری نبود. هر چند که درباره خنده های وی نیز کاستاندا روایت های نقل نموده است که نشان از آن دارد که در این ویژگی زیاده روی می نمود. (کاستاندا، چرخ زمان، ۱۷۶)

آنچه امروزه به عنوان عرفان سرخپوستی و به بیانی با نام فرعی آموزه های دون خوان شناخته می شود، در حقیقت ریشه در فرهنگ کهن این قوم دارد که به قول



محققان، بسیار گوناگون و مختلف است. سرزمین آمریکای لاتین خرده فرهنگ های زیادی را شامل می شود که در کنار فرهنگ های مهم دیگری، از جمله فرهنگ های مهم و تأثیرگذار دنیای کهن را می سازد. البته دون خوان بسیاری از این باورها را به قوم تولتک نسبت می دهد. هر چند که در انتساب آنها اشکالاتی نیز مطرح می باشد. (کندی، دین و اسطوره در آمریکای وسطی، ۱۲-۱۷) با این حال پس از آنکه تفاوت های نظرات خود و اساتید گذشته را بیان می کند، در انتها نام آموزه ها و مکتب خویش را «ناوالیسم» می نهد ولی در آخر الامر نام روش خود را «ساحری» نامید. هر چند که کاستاندا معتقد است که دون خوان سرانجام نام «آئین شمنی» را برگزید. (کاستاندا، چرخ زمان، ۱۷۷) و بطور خلاصه می توان محور مکتب دون خوان را بر جادوگری یا ساحری داست.

ب) کاستاندا

به علل مختلفی خودخواسته اطلاعات کاملی از زندگی کارلوس کاستاندا در دسترس نیست، دانستها حاکی است که وی در ۲۵ دسامبر سال ۱۹۳۵ میلادی در روستای «جو کری» نزدیک «سائوپائولو» برزیل به دنیا آمد. (فورت، گفت و شنودی با کاستاندا، ص ۴۰) پس از فوت مادرش در نزد پدر بزرگش رشد کرد و در ۱۹۵۷م در فرانسیسکو بزرگ شد و دیپلم گرفت و در همین شهر با کمک شخصی با دون خوان آشنا شد. (فورت، همان، ۴۲)

وی پس از آنکه مقیم آمریکا شد در دانشگاه کالیفرنیا دکتری مردم شناسی گرفت. (فعالی، کاستاندا، ۲۱) کاستاندا بعد از سالها فعالیت در مکاتب عرفانی و رازآلود (سرخ پوستی) با درخواست دون برای همیشه در هاله ای ابهام ماند و در ۲۸ آوریل ۱۹۹۸م به علت سرطان کبد در لوس آنجلس در گذشت (اردشیری لاجیمی، همان، ۱۷۶)

کاستاندا با پیروی از دون خوان و نیز در دوران استادی خود آثار فراوانی منتشر نمود که برخی از آنها عبارتند از: آموزش های دون خوان، حقیقتی دیگر، سفر به



دیگر سو، افسانه قدرت، هدیه عقاب، آتش درون، قدرت سکوت، هنر رؤیا دیدن، حرکات جادویی، چرخ زمان و ... (اردشیری لاجیمی، همان، ۱۷۶) از این روی مهمترین جریانی که به معرفی تفکر و زندگی دون خوان پرداخته است، آثار کاستاندا می باشد.

ج) پائولو کوئیلو

یکی از نویسندگان مشهور و پرکار دنیای غرب که بهره مندی از تکنیک های قصه نویسی و با توجه به خلا معنویت در مغرب زمین توانسته است که اندیشه های سکولاریستی و لیبرالیسمی خود را رواج دهد و او اندیشه های خود را با معجون های چون کعنویت گرایی و عرفان مداری با ظرافت های خاصی در لایه های درونی داستان های خود ارائه نمود. (اردشیری لاجیمی، همان، ۱۱۶)

پائولو متولد ۱۰۴۷ در شهر ریودوژانیرو برزیل بود که جلوه های مختلفی از زندگی را گذراند، از جنبش های هیپی گری و مبارزه چریکی تا پیروی از کاستاندا و موسیقی به اقبال دوباره به مسیحیت ختم شد. (فعال، پائولو کوئیلو، ص ۲۵) در ۳۴ سالگی که دوباره کاتولیک شد و به یک سفر زیارتی ۷۰۰ کیلومتری در جاده «سن ژاک دو کمپوستل» در شمال غربی اسپانیا رفت که حاصل آن کتاب «خاطرات یک مغ» شد. و پس از آن کتاب کیمیاگر و ... را منتشر نمود. (کوئیلو، اعترافات یک سالک، ۱۹)

جریان شناسی عرفانی

همانطوری که تاکنون متذکر شدیم، جریانات معنویت گرا و به بیانی عرفان های مختلفی که در مناطق مختلف جغرافیایی و یا در ادیان و مکتب های کهن رخ نموده است، ویژگی های مشترک و غیر مشترکی را دارا هستند که به تناسب سبک های فرارگیری خود و سلوک مبتکرانش، اختلافاتی هم دارا هستند. اما اشتراکات آنها بیان کننده هویت شان است. عرفان هایی که در آمریکای لاتین فعال هستند و یا

خاستگاه شان به ادیان کهن (یا ادیان ابتدایی) بر می گردد، از نظر اساس و هویتی ویژگی هایی دارند که ما در این مقال به برخی از آنها می پردازیم.

۱. از جادوگری تا ساحری

از اصول مهم در برخی جریان های معنویت گرای نوظهور و به ویژه اندیشه های کاستاندا و بالطبع دون خوان و پائولو کوئیلو مطرح می باشد، ساحری و جادوگری است. آنها برای آن که جایگاه این جادوگری را تقویت کنند ذکر می کنند که این جادوگری با جادوی عامیانه متفاوت است. از همین روی است که کاستاندا در کتاب خود، دون خوان را جادوگر می خواند و روش سلوکی وی را جادوگری می نامد. البته وی بیان می کند که دون خوان در گفتگو های خودمانی اش لفظ جادوگری آورده است. ولی در بحث های جدی تر لفظ معرفت را به کار می برده است. (کاستاندا، حقیقتی دیگر، ص ۱۰) هر چند کاستاندا لفظ جادوگری را به دون خوان نسبت نداده است. بلکه او بارها مشاهده کرده است که خود دون خوان این کلمات را به کار می برده است. (کاستاندا، سفر به دیگر سو، ص ۲)

کوئیلو هم که در ذیل باورهای کاستاندا رشد کرده است، همانندش به جادوگری توجه خاصی داشته است و حتی در زمانی جادوگری مشهور بوده است. هر چند که امروزه در نقش نویسنده ای ظاهر شده است، که جادوگری و مسائلی چون پیشگوئی در آثارش نقش مهمی دارد. (اردشیری لاجیمی، سراب معنویت، ص ۱۲۱) «به دنبال رؤیاهایتان بروید، زندگیتان را به راهی تبدیل کنید، که به خدا می رسد، معجزات خودتان را تحقق بخشید، درمان کنید، پیش گویی کنید، به ندای فرشته نگهبانتان گوش دهید، دگرگون شوید.» (کوئیلو، کنار رود پیدار نشستم و گریستم، ۱۶۶) جادو یک پل است، پلی که اجازه می دهد از جهان مرئی به جهان نامرئی راه یابی و از هر دو جهان درس بگیری. (کوئیلو، همان، ۴۳) جادوگری فقط یکی از راه های نزدیک شدن به خرد اعظم است. ما ساحران می توانیم با روح جهان گفت و گو کنیم. (کوئیلو، همان، ۲۲۱) وی جادوگری را معرفت آفرین و روش ساحران و



جادوگران را در جهان مدرن امروز که هیچ عاقلی نمی تواند بپذیرد. راه گفت و گو با روح جهان می داند.

همانطوری که ذکر شد همه این عرفان گرایان، درباره جادوگری یک نظریه معرفتی دارند و این امر ریشه در فرهنگ سرخ پوستی دارد. در حالی که با نگاهی به متون اسلامی، متوجه می شویم که دو اصطلاح جادوگری و سحر و ساحری در کنار هم مطرح و مردود شناخته شده اند.

«سحر» در لغت به دو معنا به کار برده شده است: خدعه، نیرنگ، شعبده، تردستی و آن چه که عوامل آن نامرئی و مرموز باشد. (اردشیری لاجیمی، سراب معنویت، ۱۲۳) به معنی فریفتن و تردستی و شعبده و چشم بندی که حقیقتی ندارد و تنها از راه تصرف در حواس تماشاچیان و حرکت های سریع که از چشم بینندگان مخفی است، کاری را انجام می دهند که خرق عادت به نظر می رسد. مثل عملی که ساحران فرعون انجام دادند که خداوند فرمود: «فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَوْهَبُوهُمْ» هنگامی که ریسمان ها را انداختند، چشم های مردم را سحر کردند و آنها را ترساندند. (اعراف، ۱۱۶) سحری که در خارج، منشأ اثر است و می تواند اثراتی بگذارد، این معنا را در آیه ۱۰۲ سوره بقره می توان فهمید، آنجا که می فرماید: «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» مردم از هاروت و ماروت چیزهایی یاد گرفتند که به وسیله آن بین زن و مرد جدایی و تفرقه می انداختند. و در ادامه همین آیه می فرماید: «چیزهایی یاد می گرفتند که به حالشان مضر بود و نافع نبود.» (بقره، ۱۰۲) پس این آیات می تواند تأثیرات سحر و جادوگری را استنباط کرد ولی آیه حدود این تأثیرات را بیان نمی کند.

و البته در روایات هم فراوان آمده است که چشم زخم و افسون و جادوگری راست است. (رضی، نهج البلاغه، ک ۴۰۰) اما در حقیقت سحر، فردی از امام صادق (ع) سؤال می کند که: «اصل سحر چیست؟ و چگونه ساحر می تواند کارهای

عجیب انجام دهد؟ حضرت در جواب فرمودند: سحر اقسام دارد: یک نوع از آن به منزله پزشکی است، همچنان که پزشکان برای هر مریضی دوايي پیدا کرده اند، علم سحر هم برای هر سلامتی، مرضی و برای هر عافیتی، آفتی و برای هر معنایی حيله ای، چاره اندیشی کرده است. نوع دیگر سحر، تردستی و سرعت در عمل و چشم بندی است. و نوع دیگر از سحر آن است که راه جلب شیطان از راه های خاص و با کمک گرفتن از دوستان شیطان، انجام می شود. آن فرد سؤال کرد که شیاطین از کجا سحر را آموخته اند؟ امام علیه السلام فرمود: از همانجا که اطباء طب را آموخته اند. بعضی از راه تجربه و بعضی از راه علاج و .. امام علیه السلام در ادامه فرمود: پس بهترین قول در مورد سحر آن است که بگوییم سحر به منزله طب است، ساحر کاری می کند که نتیجه اش آن است که یک فرد از مجامعت با زنان، ناتوان می شود و طب همان شخص را معالجه می کند و خوب می شود.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۶۴)

حضرت علی (ع) در مورد آموزش جادوگری می فرماید: کسی که سحر بیاموزد، کم یا زیاد، کافر شده است و رابطه او با خداوند به کلی قطع می شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۶۹) جدای از مردود شمردن جادوگری در متون دینی و تعبیری چون کفر که برای آن بکار رفته است. اما از جهت عقلی و معرفتی هم سؤالات فراوانی مطرح می شود. چگونه جادوگری و ساحری می تواند معرفت آفرین می شود. و یا تا کجا عقل می تواند نقش آفرینی کند؟ و یا چطور می تواند بستر آگاهی باشد؟ چگونه ساحری می خواهد دل را محل تجلی، دریافت و ادراک قرار دهد. خود سخنی تأمل برانگیز است، در صورتی که عرفان اسلامی، جدای از آن که بر اساس نظرات شارع مقدس، جادوگری را حرام می داند، علم و معرفت را دو دسته می داند. (ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۳۵۳) علم اکتسابی که با عمل فرد به دست می آید و علم وهبی که بدون دخالت انسان سالک کسب می شود. عرفان اسلامی، معرفت را نوعی شهودی دانسته و معتقدند، شهود زمانی رخ می دهد که



قلب سالک از همه آلودگی‌ها زدوده شود. این مسئله موجب می‌شود سالک به منبع نور نزدیک شود و کم‌کم معرفت، رخ نماید. آری معرفت، قلب سالک است. عارفی که اغیار را از یاد برده و در حضور حق آرام گرفته است. هر چند به تناسب رفع حجب، این دریافت مراتب دارد.

۲. دین

هر چند که کوئیلو به عنوان یک رمان نویس معنویت‌گرا معروف شده است ولی وی را می‌توان از دین ستیزان معاصر با شمار آورد. با اینکه کوئیلو کاتولیک شمرده می‌شود، دربارهٔ نقش مذهب در گرایش وی به معنویت می‌نویسد: مذهب هیچ کاری برای معنویتش انجام نداده است. (فعال، کوئیلو، ص ۸۹) در نتیجه با اینکه محور آثارش معنویت است، هرگز در آثارش سخنی از مذهب به میان نمی‌آورد. بلکه به شکلی محسوس و تکراری سعی می‌کند ناهنجاری‌های اخلاقی را ترویج کند. (اردشیری لاجیمی، همان، ۱۲۱)

همچنین در آثارش به ویژه در کیمیاگر به طور ضمنی و آشکار به اسلام و مسلمانان تاخته است و در کتاب‌هایی چون؛ شیطان و دوشیزه پریم، و در کنار رودخانه پیدار نشستم و گریستم، از کشیش‌ها نیز بدگفته است. (فعال، همان، ص ۹۰)

دوان خوان و شاگردش کاستاندا هم دربارهٔ خداوند و دین به گونه‌ای برخورد نموده است که حقیقتش همانی می‌شود که کوئیلو دنبال می‌نمود. با نگاهی اجمالی به آثار کاستاندا با سه اصطلاح «خدا» و «تونال» و «ناوال» آشنا می‌شویم که به تناسب در آثار وی معرفی شده‌اند. تونال را روح حافظ نامیده است و در هیئت حیوانی مجسم است. (کاستاندا، افسانه قدرت، ص ۱۲۸) و دوان خوان این تونال را سازندهٔ دنیا می‌داند و قواعد و قوانین دنیا را ایجاد می‌کند ولی از آوردن لفظ خلق کردن عالم ابا دارد. (کاستاندا، همان، ص ۱۳۲) و ناول را حیوانی می‌داند که ساحر

می تواند به شکل آن درآید. ناوال بخشی از ماست و هیچ شناختی از او نداریم. (کاستاندا، همان، ص ۱۳۴) اما وقتی که از او می پرسند که ناوال برترین هستی، خداوند است؟ می گوید: نه خدا هم وجود دارد. به او گفته می شود: ولی تو گفتی خدا وجود ندارد! پاسخ می دهد: خدا بخشی از توئال شخصی و توئال زمان است. پس خدا بخشی از توئال عصر ماست و بیش از این مفهومی ندارد. (کاستاندا، همان، ص ۱۳۵)

بنابراین خدای دون خوانی با خداوند متعال ادیان و حیانی بسیار متفاوت است. اوت خدای خالق نوساز صورتگر که بهترین نام ها و صفات از آن اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است. از جمله تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است. (سوره حشر، ۲۴، ۲۳)

این خداوند، آیا هرگز با آن بت تراشیده شده به دست دون خوان قابل قیاس است. معاذالله حق آن است که بگوئیم؛ خدا به این معنا اصلاً در ذهن و فکر دون خوان و کاستاندا جای ندارد.

۳. شخصیت گمشده

از دیگر مسائلی که در عرفان های مذکور مطرح می باشد و سبب آثار مختلفی در آنها می شود. شخصیت گمشده ای که هر ارادتمند به عرفان های سرخپوستی دون خوانی بدان مبتلا می شود. چه در عرفان کاستاندا که با چهره نفی گذشته بروز می کند و چه در جریان کونیلویی با خودکشی و نفی هویت رخ می دهد. و این وجه مشترک همه عرفان های تهی از حقایق و حیانی است.

با مطالعه در زندگی کاستاندا، اطلاعات درستی نمی توان بدست آورد و حتی درباره زندگی روزمره وی هم شناختی نداریم. وقتی علت را بررسی می کنیم. در می یابیم که اساتید کاستاندا به ویژه دون خوان از خواسته است تا در گمنامی زندگی کند و سعی نماید از گذشته اش جدا شود و این امر از مهمات سلوک سرخ پوستی است. (اردشیری لاجیمی، همان، ۱۸۲) برای اینکه هیچ کس در روی تو اعمال نظر



نکند بهتر است تا تمامی تاریخچه ات را از بین بری، زیرا این کار ما را از افکار مزاحم و دست و پاگیر آدم های دیگر، خلاص می کند. (کاستاندا، سفر به دیگر سو، ۲۳) و این امر چند این اثر خواهد داشت. اولاً سبب می شود تا با حذف تاریخچه هویتی انسان، شکاف های فراق گسترده ایی میان نسل ها و حتی افراد در چند برهه زمانی ایجاد گردد و جدای از آن و مهمتر سبب حذف هویت تاریخی و وجود انسان می شود، و همین امر سبب می شود تا انسان به سوی نهیستی و خودکشی سوق یابد و از جهت سیاست فرقه ایی هم در حقیقت چون پروژه ایی را می ماند که در سایه جهل طرفداران و هوادان، می توان هر گونه تقدس گرایی و ابهام آفرینی درباره مؤسس و آرمان های فرقه را جریان سازی نمود و لازمه این تداوم آنهاست. زیرا در صورتی که مردم و هواداران از زوایای پیدا و پنهان رهبر فرقه باخبر شوند، در بسیاری موارد باعث رکودشان خواهد شد. (اردشیری لاجیمی، همان ۱۸۳)

هر چند که این نظریه شخصیت گمشده در آثار کوئیلو به گونه ایی ملموس به تمجید و تشویق خودکشی سوق می یابد. (کوئیلو، ورونیکا تصمیم می گیرد، بمیرد، ص ۴۷ و ۴۹)

۴. ویژگی های فراوان دیگری که در این جریانات عرفانی آمریکای لاتین حضور دارد، از فمینیسم و زن گرایی است که در بسیاری از آثار کوئیلو مشهود است (کوئیلو، اعترافات یک سالک، ص ۱۰۱) و مؤنث گرایی در زندگی وی به حدی است که می نویسد: از یک دیدگاه همه زندگی من، از طریق انرژی مؤنث و توسط زنان شکل گرفته است. (کوئیلو، همان، ۱۰۱) و این مؤنث گرایی باعث شد تا در آثارش بی حیایی در زبان و ترویج ارتباطات نامشروع و ناهنجار و تخریب هنجارهای که هیچ تناسبی با عرفان ندارد، شکل گیرد.

ترویج صهیونیسم به گونه ایی که بی پرده به صهیون و صهیونیست در آثارش اشاره نماید و نشان دهد که تعلق خاطری تأثیرگذاری به آنها دارد. (کوئیلو،



والکری‌ها، ص ۲۴۸) و یا در برخی از آثار خود به داستان‌های کهنی که در متون انجیل آمده است و بیشتر ترویج کابالا و به وجهی ترویج جادو و عرفان یهودی بر می‌گردد. (اردشیری لاجیمی؛ همان، ص ۱۲۹)

شاید بتوان پس از دین ستیزی و عدم پابندی به اخلاقیات دینی که اشاره گردید، توجه تام و تمام به لیبرالیسم و پلورالیسم را با شواهد فراوانی در آثار کوئیلو شاهد بود (کوئیلو، اعترافات یک سالک، ۱۶۵ و ۳۶) و بیان می‌کند که «بودایی‌ها حق داشتند، هندوها حق داشتند، مسلمانان حق داشتند، یهودی‌ها حق داشتند، هرگاه انسان صادقانه راه ایمان را دنبال کند، می‌تواند با خدا به وحدت برسد و معجزه کند...» (کوئیلو، همان، ۱۰۸) و بدین طریق سلوک خود را در طریق دینی بیان می‌کند. که این نگاه برخاسته از لیبرالیسم است و او به دین یک نگاه بی‌هویت دارد و ایدئولوژی ستیز است. هرگز نمی‌توان در برابر بایدها و نبایدها و دستوران دینی تاب بیاورد. (اردشیری لاجیمی، همان، ص ۱۳۴)

اما یکی از اصول مهم و قابل تأمل در آثار و اندیشه‌های کاستاندا مصرف گیاهان و داروهای توهم‌زا است که این مسئله به صورت گزارش‌هایی مفصل در آثار مختلف وی ارائه و روش‌های آماده‌سازی و تهیه آنها هم نیز مطرح می‌گردد. (کاستاندا، سفر به دیگر سو، ص ۶۵)

این امر به اندازه‌ای در آثار ابتدایی وی، چون «آموزش‌های دون‌خوان» و «حقیقتی دیگر» انتقال می‌یابد که تنها راه درک معرفت، استفاده از گیاهان دارویی توهم‌زا و تجربه‌های دون‌خوانی است. بنابراین جز با اعتیاد به مصرف مواد مخدر و داروهای روان‌گردان حاصلی ندارد. (کاستاندا، همان، ص ۱۰۳) البته در برخی از آثار پسینی خود این اصول را نفی کرده و بیان می‌کند که نیاز به آن رفتارها نیست. اما آنچه قابل ذکر است این می‌باشد که این سلوک عرفانی نشان از سردرگمی، تحیر و از هم گسیختگی دارد. هیچگاه در جریان‌های اصیل از این روش‌های مخرب و خطرناک و نامعقول استفاده نمی‌شود و بلکه اصلاً استاد و شیخ که در عرفان اسلانی



از اصول مهمه و اصیل به حساب می آید، هرگز حق ندارد که برای تربیت شاگرد از راه های نامتعارف و مخالف با شرع و عقل استفاده کند. به عبارتی دیگر از ویژگی های استاد کامل در عرفان اسلامی آن است که باید از راه های معقول و مشروع، شاگردان را تربیت نماید.

ویژگی های دیگری چون روایت گری تکراری مسائل جنسی و سکسی و تناسخ و خودکشی که ذکر شد و ... نیز در این جریانات جلوه های خطرناکی از خود به ظهور و بروز رسانده است. که پرداختن به آنها مجال بیشتری می طلبد.

نتیجه گیری

ساختار وجودی انسان ها به گونه ای است که میل به معنویت و مفاهیم ماورائی در خمیرمایه آن نهفته است. عدم دسترسی به معنویت های الهی که هماهنگ با فطرت است، راه را برای ظهور عرفان ها و معنویت های بشری باز نموده است. این جریانات متاسفانه آثار مخربی در ساختار وجودی و هویتی و زندگی انسان ها داشته است. از جمله این جریانات عرفان های آمریکای لاتین است که از مهمترین ویژگی های آن دین ستیزی و عدم باورمندی به خداوند و اعتقاد به جادوگری و ساحری و نیز هویت و شخصیت گم شده و ... می باشد. در نتیجه هرگز نمی توان تصور داشت که بتوان در سایه این عرفان ها بتوان تولد انسان و انسانیت متولد شود



فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ۱) اردشیری لاجیمی، حسن، سراب معنویت (گزارشی تحلیلی از فعالیت جریان های معنویت گرای نوظهور)، قم، اداره کل پژوهش های اسلامی، چ اول، ۱۳۹۴
- ۲) پائولو کوئیلو، اعترافات یک سالک، ترجمه دل آرا قهرمان، تهران، بهجت، چ پنجم، ۱۳۷۹
- ۳)، کنار رودخانه پیدار نشستم و گریه کردم، ترجمه آرش حجازی، انتشارات کاروان، ۱۳۸۴
- ۴)، والکری ها، ترجمه سوسن اردکانی، تهران، کاروان، ۱۳۸۴
- ۵)، ورونیکا تصمیم می گیرد، بمیرد، ترجمه آرش حجازی، تهران، انتشارات کاروان، ۱۳۸۴
- ۶) توییچل، پائول، انکار کلید جهان های اسرار، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب، ۱۳۸۲
- ۷) شاه آبادی، محمدعلی، رشحات البحار، ترجمه و شرح محمد شاه آبادی، تهران، انتشارات نهضت زنان مسلمان، چ اول، ۱۳۶۰
- ۸) فورت، کارمینا، گفت و شنودی با کارلوس کاستاندا، ترجمه مهران کندری، تهران، انتشارات میترا، چ اول، ۱۳۷۸
- ۹) فعالی، محمدتقی، آفتاب و سایه ها، (نگرشی بر جنبش های نوظهور معنویت گرا)، قم، انتشارات نجم الهدی، چ اول، ۱۳۸۶
- ۱۰)، کاستاندا، تهران، سازمان ملی جوانان با همکاری انتشارات عابد، چ اول، ۱۳۸۸
- ۱۱)، پائولو کوئیلو، تهران، سازمان ملی جوانان با همکاری انتشارات عابد، چ اول، ۱۳۸۸
- ۱۲) کاستاندا، کارلوس، چرخ زمان، ترجمه مهران کندی، تهران، میترا، ۱۳۷۷



- ۱۳) سفر به دیگر سو، ترجمه دل آرا قهرمان، تهران، فردوس، ۱۳۶۳
- ۱۴)، حقیقتی دیگر (باز هم گفت و شنودی با دون خوان)، ترجمه ابراهیم مکلا، تهران، آگاه، ۱۳۷۱
- ۱۵)، افسانه قدرت، ترجمه مهران کندری و دیگران، تهران، فردوس، ۱۳۶۵
- ۱۶) کندی، مهران، دین و اسطوره در آمریکای وسطی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲
- ۱۷) کلینی، یعقوب، کافی، تصحیح استاد علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱۳۶۷، ۳
- ۱۸) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۱، بی تا
- ۱۹) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.



فلسفه آزادی بخش یا فلسفه آمریکای لاتین

هادی ضرغامی^۱

کارشناس ارشد فلسفه اخلاق، دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

چکیده

فلسفه آزادی بخش در دو جنبه نظری و عملی در منطقه آمریکای لاتین سرنوشت ساز است از این رو به عنوان یک مکتب فکری مستقل از اهمیت زیادی برای بررسی بیشتر برخوردار است. هدف این پژوهش شناخت فلسفه آزادی بخش است که به عنوان فلسفه ای کمتر شناخته شده در مجامع علمی ما، معرفی می گردد. پایه اصلی این فلسفه پراکسی و موضوع عدالت است و رویکرد خاص این تفکر فلسفی آمریکای لاتینی در حمایت از محرومان، کارگران، قربانیان نژادپرستی، زنان و بطور کلی همه مستضعفان و ستمدیدگان است و از طرفی دیگر در نقطه مقابل فلسفه کلاسیک، مسئله جهانی سازی، سرمایه داری، امپریالیسم و استعمار نو قرار می گیرد. در فلسفه آزادی بخش نوعی از گفتمان مطرح می شود که دغدغه آن ((دیگری)) به عنوان فرد آسیب دیده و حرمان کشیده است. دغدغه فیلسوفان آزادی بخش خارج شدن از جدلهای فلسفی و گفتمانهای نظریه ای و ایده پردازانه است. در واقع می توان فلسفه آزادی بخش را یک اندیشه گفتمانی تعالی یافته عمل گرا، با رویکرد تحولی و انقلابی در زندگی اجتماعی معرفی کرد. این تفکر فلسفی همسوی با کلیسای

آزادی‌بخش که معرف الهیات رهایی‌بخش است دو شاخه مهم از اندیشه آزادی‌بخش هستند که ثمره آن‌ها ظهور انقلاب‌های آزادی‌بخش است.

این مقاله با توصیف فلسفه آزادی‌بخش و معرفی شاخه‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی آن اهمیت مطالعه را اثبات می‌کند و به نحوی راهگشای مطالعات تطبیقی بعدی در این زمینه خواهد بود و می‌تواند نقاط مشترک زیادی را با اندیشه عدالت‌محورانه اسلامی و مبارز با ظلم به اشتراک بگذارد

واژگان کلیدی

فلسفه آزادی‌بخش، جهانی‌شدن، فلسفه آمریکای لاتینی، پراکسی، اندیشه آزادی‌بخش، الهیات رهایی‌بخش، استعمار نو.

مقدمه

آنچه که به عنوان یک رویکرد آمریکای لاتینی به دنیا عرضه شد تفکر آزادی‌بخش بود که به عنوان نگرشی جدید در تاریخ معاصر در سه شاخه فلسفی، کلیسایی و انقلابی بروز یافت. ما در این مقاله دو جریان فلسفی و کلیسایی را در دو بخش مجزا مورد ارزیابی اجمالی قرار می‌دهیم تا بلکه دربرهای مطالعه و تحقیق را بر رهپویان کاوش و اندیشه باز نماییم. در بخش اول مبانی کلی فلسفه آزادی‌بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد و از آنجا که انریکه دوسل به نوعی به عنوان پدر این فلسفه شناخته می‌شود آثار او بیش از دیگران مورد تحقیق قرار گرفته و همچنین از مطالب افرادی چون اسکانونه نیز استفاده می‌شود. این اندیشه فلسفی که توسط دوسل و هم‌اندیشان او پایه‌گذاری شد در شکل‌گیری جریان‌های سیاسی در آمریکای لاتین تاثیرگذار بود و نتایج خارجی‌ای از خود برجای گذاشت. به عنوان مثال بعد از انقلاب ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ آقای چاوز دستور می‌دهد که نام کوه‌های شهر کاراکاس که همگی مربوط به دوران پسااستعماری اسپانیایی‌هاست تغییر کند یا مجسمه بزرگ پیسی بر



فراز بلندترین آسمان خراش این شهر که نماد سرمایه‌داری است حذف گردد. و یا اقداماتی که در جهت کاهش تبعیض طبقاتی و برطرف کردن فقر انجام داد. این نگرش از جهاتی اثر پذیرفته از فلسفه آزادی‌بخش است که توسط دوسل و همفکران او بنا شد به‌طور جدی در مقابله با مسائلی چون استعمار قدیم و نو، امپریالیسم و مسائلی چون جهانی‌سازی قرار گرفته است. از این جهت بررسی چنین مکتب فلسفی‌ای مهم به‌نظر می‌آید چرا که دارای نمود خارجی در سطح اجتماعی بوده و از طرفی با نگرش‌های سوسیالیستی، مارکسیستی و یا کمونیستی تفاوت‌هایی دارد. در بخش دوم جریان‌رهایی‌بخش کلیسا را مورد مطالعه قرار داده و اشخاص مطرح آن را معرفی می‌کنیم.

در ضمن شایان ذکر است که بخش عمده مطالب با بررسی منابع اصلی اسپانیایی صورت گرفته و در برخی موارد به آثار پیرامونی این جریان فکری مراجعاتی شده است.

فلسفه آزادی‌بخش

نام این مکتب فلسفی که برخاسته از منطقه و فرهنگ آمریکای لاتین می‌باشد به زبان کاسترانو یا همان اسپانیایی *la filosofía de la liberación* است.

فلسفه آزادی‌بخش یا فلسفه آمریکای لاتینی یک جنبش فلسفی است که در اوائل دهه ۱۹۷۰ در آرژانتین ظهور کرد. این اندیشه در کتاب ((به سوی فلسفه آزادی آمریکای لاتین^۱)) که در سال ۱۹۷۳ منتشر شد، به‌طور جمعی تدوین گردید. نویسندگان این کتاب عبارت بودند از اُسوالدو آدلِمو آردیلِس، ماریو کاسازا، اُراسیو سِرُوتی گولبرگ، کارلوس کوژن، انریکه دوسل، رودولفو کوش، آرتورو آندرس رویگ، خوان کارلوس اسکانونه و خولیو دِ سَن.^۲ قبل از ایشان جریان آزادی‌بخش کلسیای کاتولیک شکل گرفته بود که به نوعی نقش بیدارگری مجموعه از



1. *Hacia una filosofía de la liberación latinoamericana*

2. Ardiles, Osvaldo A; Casalla, Mario; Cerruti Guldberg, Horacio; Cullen, Carlos; Dussel, Enrique; Kusch, Rodolfo; Roig, Arturo Andres; De zan, Julio(1973). *Hacia una filosofía de la liberación latinoamericana*. Buenos Aires: Bonum.

اندیشمندان بخصوص فیلسوفان را بر عهده داشت. در ادامه به نقش این جریان الهیاتی و معرفی افراد شاخص آن خواهیم پرداخت.

این جریان فلسفی موضعی شدیداً انتقادی از فلسفه کلاسیک اتخاذ می‌نماید. به این شکل که آن را اروپایی محور و ظالمانه توصیف می‌کند و تفکر در باره وضعیت ستم‌دیدگان و پیرامون را پیشنهاد می‌دهد.

برای این منظور فلسفه آزادیبخش روشی را برای ربط دادن امر کلی به موضوع خاص و جزیی به نام آنالکتیک ارائه نمود که در واقع تبیینی متفاوت و در مقابل دیالکتیک بود.

پیشنهاد تشکیل این جنبش در دومین کنگره ملی فلسفه که در سال ۱۹۷۲ در شهر کوردوبا برگزار شد، به صورت عمومی ارائه گردید و در سال ۱۹۷۳ مانیفست تاسیس آن به عنوان یک مکتب فکری ظاهر شد. البته بطور جدی‌تر در اولین کنفرانس ملی فلسفه در مورلیای مکزیک (۱۹۷۵) بود که در سطح منطقه‌ای راه اندازی گردید.^۱

دو جنبه‌ای که مشخص و معرف این فلسفه است عبارتند از: واسطه‌گری علوم انسانی و روش آنالکتیکی.

میانجی‌گری علوم انسانی

کارکرد میانجی‌گرایانه علوم انسانی در فلسفه آزادی‌بخش همان انجام عملیات بصیرت‌افزایی نسبت به فکت‌ها و واقعیتها و همچنین تاکید بر تحلیل انتقادی است که بررسی معارف را به لحاظ تاریخی و ژئوفرننگی (جغرافیای فرهنگی) برقرار می‌کند. در این میان ادیان نیز نقشی مشابه علوم انسانی را برای فلسفه آزادی‌بخش دارند. علوم انسانی و ادیان نقش موید را برای فلسفه آزادی‌بخش بازی می‌کنند. فیلسوفان آزادی‌بخش در فرآیند رهایی در پی یافتن شواهدی هستند تا اتقان مطالب

1. Universidad Nacional Autónoma de México S/F. Filosofía de la liberación. www.cialc.unam.mx. Cpsultado el 1 de noviembre de 2017.

خود را تصدیق نمایند به این لحاظ در لابه لای کتب دینی و علوم انسانی جستجویی کنند تا به مراد خود برسند اما هیچ‌گونه وابستگی به هیچ مکتب و اندیشه دینی ندارند گرچه ممکن است از هر یک مطلبی نو اصطیاد کنند که پیش از آن را دارا نبودند.

آنالکتیک

اما روش آنالکتیک که به نوعی از نگاه کل‌نگرانه دیالکتیکی رهیده و به نحوی دیگر نگاهی کلی دارد به انسان بما هو انسان، نه انسان از یک بعد خاص یا انسان در زمان و یا جغرافیای فرهنگی ویژه؛ به عنوان مثال شاخصه اصلی فلسفه دووسل و اسکانونه که از قافله سالاران این جنبش فکری هستند، مساله آنالکتیک است.

دوسل در کتاب فلسفه آزادی بخش خود محتوای این جنبش را توضیح می‌دهد. وی معتقد است تولد در هر محیطی می‌تواند صبغی متفاوتی به رویکرد فیلسوفانه بدهد؛ مثلاً فلسفه‌ای که از محیط آمریکای لاتین زاده می‌شود با فلسفه‌ای که از مراکز هژمونیک قدرت بدست می‌آید تفاوت ماهوی دارد زیرا که این فلسفه در اروپا به سرعت به ابزار ظلم و ستم و در خدمت سلطه مرکزی تبدیل می‌شود اما آن یکی فلسفه‌ای دغدغه‌مند، محیطی و پیرامون‌نگر است. دووسل می‌گوید فلسفه پیرامونی یا محیطی همان فلسفه آزادی‌بخش است.

این فلسفه مقابل فلسفه‌ایست که می‌گوید: هستی هست است و نیستی نیست، و هست‌ها را آنگونه تعریف می‌کند که خود می‌خواهد. وی می‌گوید ذات این فلسفه ستم‌خیز است چون هستی با فهم او تبیین می‌گردد؛ به همین جهت آنها وقتی به آمریکای لاتین هجوم می‌آورند در مواجهه با بومیان این سوال به ذهنشان می‌رسد که آیا اینها انسان هستند یا نه؟ یعنی اولین سوال یک سوال هستی‌شناسانه است که آیا اینها داخل در دایره‌ی انسانها هستند یا نیستند و شد آنچه شد و تاریخ از این نگاه تلخ چه ناهنجاریها که ندید و چه جفا و ظلم‌ها که بر سر بومیان نگون‌بخت که نرفت.

فلسفه آزادی‌بخش در مقابل فلسفه اروپایی



از جمله مواردی که فلسفه آزادی‌بخش در پی نقد آنهاست می‌توان امپریالیسم، استعمار نو، جهانی سازی، نژادپرستی و تبعیض جنسیتی را نام برد. همچنین چالشی مستقیم برای گفتمان‌های اروپایی و آمریکا-انگلیسی ایجاد می‌کند و بر مسوولیت‌های اجتماعی سیاسی فلسفه آمریکای لاتین در قبال پروژه آزادی‌بخشی تاریخی تاکید می‌کند. به این ترتیب جریان فلسفی آزادی‌بخش به عنوان تقابلی با فلسفه سلطه، مطرح شده و به روند واقعی‌رهای بخش آمریکای لاتین کمک می‌کند.

پیامدهای فلسفه آزادی‌بخش بیش از هر چیز در نحوه درک جهان و در رابطه ابژه و سوژه که معرفت را ممکن می‌سازد، آشکار می‌شود. پایه‌گذاران این جریان فکری جهان را با نگاه فقرا و دردمندان می‌بیند و همین باعث می‌شود درک جدیدی از واقعیت در سیم فکری آن‌ها ارائه گردد.

انریکه دووسل که به واقع قافله‌سالار این مکتب فکریست معتقد است که رهایی تنها به معنای به‌درآمدن از ظلم و ستم روزمره و مصطلح نیست بلکه تعریف او رهایی از زنجیرهای بیگانگی از ساختاری اروپامحور است که انسان را درمانده می‌کند تا خود را بی‌هویت تلقی کند و انسانی وزان انسان اروپایی را ایده‌آلترین الگوی انسانیت پندارد.

به روز رسانی فلسفه آزادی‌بخش

افرادی همچون اسکانونه که یکی از الهی‌دانان لاتینی است و همچنین از تدوین‌گران اصلی این فلسفه می‌باشد در ملاقاتی با پاپ فرانسیسکو خطاب به او می‌گوید: که فلسفه آمریکای لاتین که در دهه ۱۹۷۰ بر مفهوم استثمار متمرکز بود، اینک باید با تمرکز بر مفهوم جهانی‌سازی^۱ صورت‌بندی گردد.

او همچنین اظهار می‌دارد که مفهوم محرومیت را در نظر بگیرید. چیزی است که شامل همه طردشدگان می‌شود. چه افراد و چه گروه‌های اجتماعی‌ای که در آمریکای لاتین و یا همه جهان در حال زندگی هستند.^۱

به همین دلیل اسکانونه پیشنهاد می‌کند که هرگونه مشارکت علمی یا سیاسی از علوم اجتماعی باید از دیدگاه طردشدگان و محرومین صورت بگیرد.

از جمله اموری که این فلسفه بر روی آن تمرکز ویژه دارد و سعی در زیر سوال بردن آن می‌کند، استعمار نو است. چیزی که فلاسفه آزادی‌بخش با حساسیت به آن می‌نگرند و سعی در از ریشه زدن این نوع تفکر را دارند.

استعمارنو

مفهومی است که به روش‌هایی گفته می‌شود که پس از دوران استعمار کهن، برای تسلط اقتصادی و سیاسی کشورها و بهره‌گرفتن از آن‌ها بکار گرفته می‌شود و به نوعی معادل با امپریالیسم است. و امپریالیسم چیزی است که طرفداران فلسفه آزادی‌بخش با تنفر خاصی نسبت به آن قلم می‌زنند.

همگام با تحولات پس از جنگ جهانی دوم و سلب امکان استعمار کشورها به صورت مستقیم، سیاست‌های جدیدی تحت عنوان استعمار نو بکار گرفته شد و شیوه‌های استعمار کلاسیک به کار خود پایان داد. این روش، شامل شیوه‌هایی چون تک‌محصولی کردن کشورهای جهان سوم، سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط کشورهای ثروتمند و غیره می‌شود.

ورود اندیشه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید به مناطق مستعمره و گسترش جنبش‌های ضد استعماری از عوامل مهم پایان گرفتن استعمار سنتی بود. استعمار کهن پس از بیرون آمدن نیروهای نظامی و عوامل شناخته شده خود از



مستعمره‌ها، با به قدرت رساندن هواداران داخلی، منافع خود را در این مناطق تامین می‌کند.

سرمایه‌داری و صدور سرمایه برای بهره‌برداری از منابع سرزمین‌های دیگر، روابط اقتصادی کشورهای صنعتی استعمارگر را با کشورهای کوچک وارد مرحله تازه کرد؛ به این ترتیب که کشورهای صنعتی، از راه صدور سرمایه و مکانیسم جهانی قیمت‌ها و داد و ستد مواد خام با کالاهای ساخته شده و فشارهای سیاسی و اقتصادی، از کشورهای کم‌رشد بهره‌کشی می‌کنند و این رابطه، عنوان استعمار نو^۱ را به خود گرفته است. این همان چیزی است که امثال انریکه دوسل آن را نتیجه روح بورژوازی حاکم بر فلسفه مدرن می‌داند و در این مساله به شدت به فلسفه غرب می‌تازد و مبانی فکری آن همچون اندیشه امانوئل کانت را توییخ می‌نماید.

امثال دوسل و اسکانونه معتقدند که سرمایه‌داری زائیده فلسفه مدرن است پس آن‌ها تمامی علوم اجتماعی را به عنوان میانجی‌گر در راه آزادی‌بخشی، با نگاهی محروم محور به میدان مبارزه با سرمایه‌داری می‌آوردند و سیاست و اقتصاد را به عنوان دو بال اصلی این فلسفه با عینک طرد شدگان می‌نگرند و مطرح می‌نمایند.

در نهایت باید خاطر نشان کرد که روش نواستعماری سبب می‌شود که کشورهای ضعیف با وجود استقلال سیاسی حقیقی یا ظاهری، همچنان در مراحل اولیه رشد اقتصادی درجا بزنند یا حتی عقب بروند و در مقابل کشورهای پیشرفته از بهره‌برداری منابع آن‌ها و از راه داد و ستد اقتصادی سودهای کلان بدست آورند.^۲

بعد از این مطلب آنچه که روح فلاسفه آزادی‌بخش را آزار می‌دهد و فکرشان را درگیر می‌نماید اندیشه جهانی‌سازی است. چیزی که با روح ثروت و سرمایه‌داری عجین است و در قالب‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و غیره نیز بروز می‌کند.

1. Neocolonialismo

۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ شانزدهم تهران، ۱۳۸۷ ص ۲۸

انریکه دوسل، رودولفو کوش، آرتور روگ و لئوپولدو زئا یکی از شارحان و مفسران اصلی این جنبش فلسفی است. محتوایی فلسفی که با نگرشی تاریخی-اجتماعی-سیاسی و اخلاقی به عنوان امری پیرامون گرا به آمریکای لاتین و در لایه‌ای دیگر به آفریقا و آسیا نیز می‌پردازد.^۱

همانطور که ذکر شد این جنبش از آرژانتین سرچشمه گرفت، اما در زمان دیکتاتوری نظامی در سراسر آمریکای لاتین گسترش یافت، زیرا بسیاری از روشنفکران، به دلیل آزار و اذیت سیاسی مجبور به تبعید شدند. فلسفه‌های بخش هم در آمریکای لاتین و هم در سایر قاره‌ها و مناطق بسیار تاثیر گزار بوده است، به این دلیل جایگاه خود را در عرصه جدید فلسفی جهان تثبیت نمود.^۲

شارحان اصلی این مکتب با برداشتی متفاوت از فهم هستی با چشم و نگاه فقرا و محرومین کشفی متفاوت از واقعیت را فرموله می‌کنند. و به همین دلیل مبتنی بر این اندیشه ایده پراکسی را ارائه می‌دهند و همچنین غلبه بر تفکر مارکسیسم-لنینیسم را فرض نموده و شیوه تفکر خود را از منظر ستمدیدگانی که به دنبال رهایی هستند، پیشنهاد می‌کنند. با همین تفکر نو مارکسیستی است که آن‌ها اعتقاد دارند رهایی و آزادشدگی صرفا امری انضمامی از ستم عادی نیست بلکه دریدن زنجیر بیگانگی و خودباختگی‌ای است که با یک تفکر اروپا محور درست شده است.^۳

جهانی‌سازی

جهانی‌سازی^۴ فرآیند کنش متقابل و یکپارچگی مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان است. جهانی‌سازی به علت پیشرفت فناوری ارتباطات و حمل و نقل رشد کرد. افزایش کنش متقابل جهانی، رشد تجارت، ایده‌ها و فرهنگ‌های

1. Burton, M Osorio, J. 2011. Introducing Dussel: the philosophy of liberation and a really social psychology. <http://www.pins.org.za>.

2. Universidad Nacional Autónoma de México S/F. Filosofía de la liberación www.cialc.Unam.mx. Consultado el 1 de noviembre de 2017

3. Universidad Nacional Autónoma de México S/F. Filosofía de la liberación www.cialc.Unam.mx. Consultado el 1 de noviembre de 2017

4. Globalización

بین‌المللی را به همراه دارد. جهانی‌سازی در درجه اول یک فرآیند اقتصادی به صورت کنش متقابل اقتصادی می‌باشد که با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز عجین است. در واقع جهانی‌سازی فرآیند اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مقیاس جهانی است که از ارتباطات و وابستگی فزاینده بین کشورهای مختلف جهان تشکیل شده است.

جابه‌جایی تدریجی قدرت از دولت‌های محلی به نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های فراملیتی، تغییر نظریه‌های حاکم بر اقتصاد، تغییر در تقسیم کار جهانی از شیوه‌های خوشه‌ای به خطی و ظهور امپریالیسم جهانی در چارچوب جهانی‌سازی اقتصادی همگی از تحولات رخ داده در سطح بین‌المللی با ظهور پدیده جهانی‌سازی است.^۱

در مقابل ایده جهانی‌سازی جنبش ضد جهانی‌سازی وجود دارد که طرفداران جهانی‌سازی مخالفان خود را از میان ناسیونالیست‌ها، چپ‌های افراطی، سوسیال دموکرات ارتدکس، پوپولیست‌های جهان سوم و جنبش‌های مذهبی محافظه‌کار بر می‌شمردند. اما در این میان تفکر فلسفی آزادی‌بخش لاتینی نیز وجود دارد که فارغ از تمام گروه‌های نام‌برده با تفکر اندیشه‌ورزانه به میدان نبرد با این رویکرد آمده و قصد در مقابله‌ای مبنایی و فیلسوفانه با آن را دارد.

فیلسوف آزادی‌بخش آرژانتینی خوان کارلوس اسکانونه می‌گوید:

امروز وضعیت در آمریکای لاتین ظاهراً در مقایسه با سال ۱۹۷۱ بدتر شده است. امروز وضعیت طردشدگان ناعادلانه‌تر شده و حتی بیش از دوره استثمار و استعمار قربانی می‌دهد و جهانی‌سازی که بر اساس ایدئولوژی نئولیبرالی ترویج می‌شود، به نظر می‌رسد روزنه‌های کمتری برای جایگزین‌ها نسبت به جنگ سرد باقی

۱. زیرک، معصومه، تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی - شماره‌های ۸۳ و ۸۴، مهر و آبان

می‌گذارد.^۱ دوسل نیز در همین راستا کتابی با عنوان فلسفه اخلاق آزادی‌بخش در عصر جهانی‌شدن و محرومیت می‌نویسد.

آنالکتیک تکامل بخش دیالکتیک منفی

فیلسوفان آزادی‌بخش درصدد تبیین نقش تکاملی آنالکتیک هستند چرا که آنالکتیک را لحاظی انتقادی و استیلایی نسبت به دیالکتیک منفی می‌دانند و می‌گویند: آنالکتیک دیالکتیک منفی را رد نمی‌کند، همانطور که دیالکتیک علم را نفی نمی‌کند، در حقیقت آنالکتیک به راحتی دیالکتیک را بالا می‌برد و کامل می‌نماید و به آن ارزشی واقعی و منصفانه می‌دهد.^۲

به عنوان مثال دوسل از منتقدین روش دیالکتیک امثال مارکوزه^۳ است و قائل است به اینکه روش دیالکتیکی منفی وی، آدورنو^۴ و حتی بلوخ^۵، علی‌رغم انتقاد صحیح از آرمان‌شهر دیالکتیکی طرح شده است. از مردم، بخصوص زنان عامی، جوانان تحت ستم و جوامع وابسته، سخن می‌گوید اما نگاهی ساده‌لوحانه را انتقال می‌دهد.^۶ دوسل در جمع‌بندی مبحث آنالکتیک، آن را یک تایید بیرونی و واقع‌شدنی در عالم خارج می‌داند و می‌گوید: این به معنای نفی سیستم کلیت نیست بلکه غلبه بر کلیت است و غلبه بر کلیت از ماوراء داخلیت و خارجیت است.^۷ پس به این لحاظ است که آنالکتیک با نادیده گرفتن عنصر کلیت بر دیالکتیک منفی فائق می‌آید و در واقع آن را در خود هضم می‌کند.

سیاست آزادی‌بخش

1. scannone, Juan Carlos(2009) la filosofía de la liberación: historia, Característica, Vigencia, Teología y vida L59-73

2 . Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, p 187, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996

3. Herbert Marcuse

4. Theodor Adorno

5 Ernst Bloch

6. Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, p 188, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996

7. Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, p 187, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996

دوسل در کتاب خود یعنی سیاست آزادی بخش به دنبال ساختار شکنی تاریخی از پارادایم‌های دیگر است. به همین دلیل خود را با هفت محدودیت می‌بیند:

۱. هلن گرایی (هلنیسم)^۱

۲. غرب گرایی^۲

۳. اروپا محوری^۳

۴. دوره بندی^۴

۵. سکولاریسم^۵

۶. استعمار ذهنی - نظری^۶

۷. آنچه که شامل آمریکای غیر آنگلو ساکسون در مدرنیته نمی‌شود.

وی در مواجهه با اولین محدودیت به این نکته قائل می‌شود که این برداشت که می‌گوید اکثر عبارات جهان سیاست ریشه در یونان دارد نادرست است و بلکه ما باید ریشه بسیاری از این کلمات را در مصر، بین النهرین، و در دنیای فینیقی‌ها جستجو کنیم و همچنین سامی‌ها که بعدها مورد هجوم یونانی‌ها قرار گرفتند. او کلمه دموکراسی را مثال می‌زند که به گفته وی دموس منشاء مصری دارد و به معنای روستا است.

اما درباره محدودیت دوم دوسل بر این باور است که غرب گرایی در فلسفه‌های سیاسی زمانی به وضوح نشان داده می‌شود که اهمیت امپراتوری روم شرقی، بیزانس و قسطنطنیه کم اهمیت جلوه داده شود. او یاد آور می‌شود که در فلسفه سیاسی غرب گرا همگی فراموش کرده‌اند که آنچه که به عنوان رنسانس در اروپا ظهور یافت

1. Heleno centrismo
2. Occidentalismo
3. Eurocentrismo
4. La personificación
5. Secularismo
6. Colonialismo teórico_ mental



نتیجه ترجمه‌های دانشمندان عرب در مدرسه مترجمان تولدو اسپانیا بود نه اروپایی‌ها که در قرون وسطی هیچ انتقال علمی را انجام ندادند.

فیلسوف آرژانتینی با اشاره آلتورستریسم یادآور می‌کند که در فل‌شود که فلسفه سیاسی غربی دستاوردهای سیاسی فرهنگ‌های دیگر مانند مصر، بین‌النهرین، امپراتوری چین، اسلام، آزتک، مایا و اینکاها نادیده گرفته می‌شود.^۱

محدودیت دیگر، دوره‌بندی سازمان‌یافته تاریخ بر اساس معیارهای اروپایی فلسفه سیاسی است که دوسل در کتاب سیاست آزادی‌بخش خود طرحی متفاوت و برخلاف آن رایج می‌دارد. به‌طور خاص دوره بندی او در مقابل نظر هگل است.

محدودیت پنجم برای دوسل شکست رویکرد سکولاریزاسیون سنتی فلسفه‌های سیاسی است. رویکردی بدون مفهوم تاریخی و مبتنی بر مسیحیت مدرنیته.^۲

وی به عنوان محدودیت ششم از استعمار ذهنی-فکری فلسفه‌های سیاسی کشورهای پیرامونی یاد می‌کند. جایی که آثار مدرنیته سیاسی اروپا بدون نقد وارد در این جوامع می‌شود و در حقیقت موضع فلسفه سیاسی استعماری اروپایی حفظ می‌شود.

او در مورد هفتم می‌گوید که منطقه آمریکای لاتین در تاریخ جهان سیاست مدرن یک شرکت کننده اصلی بوده است. برای گنجاندن آمریکای لاتین در این دوره، دوسل اشاره می‌کند که آغاز این دوره باید باز تعریف شود و آن را در سال ۱۴۹۲ قرار می‌دهد. یعنی سال ورود اسپانیایی‌ها به این منطقه؛ بنابراین اسپانیا اولین دولت مدرن و آمریکای لاتین اولین قلمرو استعماری این دوره بوده است. و اینگونه بود که فیلسوفان اسپانیایی و پرتغالی آغاز فلسفه مدرنیته را از قرن شانزدهم در آمریکای لاتین رقم زدند.



1. Dussel, Enrique(2007). Política de la liberación. Vol I: Historia Mundial y Crítica. <http://jornada.unam.mx/2012/03/28/opinion/026a1pol>

2. Dussel, Enrique(2007). Política de la liberación. Vol I: Historia Mundial y Crítica. <http://jornada.unam.mx/2012/03/28/opinion/026a1pol>

از مجموع بیانات انریکه دوسل در ابعاد فلسفی، سیاسی و اخلاقی وی می‌توان فهمید که او نیز چون سایر فلاسفه آزادی‌بخش با اندیشه مدرنیته، اروپایی و به‌طور کل غرب محور کاملاً مخالف است و تفکری انتقادی به فلسفه غرب دارد.

مبانی اخلاقی فلسفه آزادی‌بخش

فیلسوفان این جریان اخلاق را بر اساس اصول فلسفه آزادی‌بخش به گونه‌ای بازنگری و فرموله می‌کنند که به فلسفه مذکور قابلیت عملیاتی و واقع‌شدنی می‌دهند. ایشان در بازنگری اخلاق آزادی‌بخش، ایده اصلی معنای این اخلاق جدید را با فرمول زیر آشکار می‌کنند:

چه کسی مسئولانه تشخیص می‌دهد که قربانیان نمی‌توانند زندگی خود را بازتولید کنند، توسعه دهند یا بطور متقارن در بحث در مورد آنچه تحت تاثیر قرار می‌گیرند شرکت کنند، فرد قربانی باید در مقام نفی به دنبال ساختن هنجارها، اقدامات یا ساختار نهادهای تاریخی باشد که حقوق وی را نادیده می‌گیرد و اثباتاً دنبال این امور است تا بتواند اولاً بشردوستانه زندگی کند دوم اینکه زندگی او در مشارکتی متقارن با دیگران باشد و سوم اینکه در واقع خواسته‌های امکان‌پذیر یا جایگزین را انجام دهد که شامل دگرگونی‌های گوناگونی است. ما همه این اقدامات دگرگون‌کننده را پراکسیس آزادی‌بخش می‌نامیم.^۱

همانطور که می‌بینید کلیدواژه اصلی فلسفه آزادی‌بخش کلمه قربانی است. طرفداران این فلسفه، فقیرها، بی‌سرپرستان، وضعیت آشفته جایگاه زن در جوامع مختلف، جنگ‌زدگان و بطور کلی تمام رنجکشیدگان عالم را قربانیان وضع موجود جامعه جهانی می‌دانند.

اخلاق هنجاری پدیدارشناسانه دوسل

1. Álvaro, José Luis, La ética de la liberación ante el desafío de Apel, Taylor y Vattimo con respuesta crítica inédita de K.O. Apel, Enrique Dussel, nuevo America, Bogotá 2015

اخلاق رهایی‌بخش انریکه دوسل کاری نوین و فراگیر است. آثار اخلاقی وی گرایشی هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه به اندیشه‌های هوسرل و هایدگر دارد. بطور کلی سبک اخلاقی وی در یک افق کلی الهام گرفته از مکتب ارسطویی است. گرچه در آثار متأخر چرخشی به سوی اندیشه‌های کارل اتو اپل^۱، پدر اخلاق گفتمانی داشته است.^۲ در واقع دوسل از طرفداران اخلاق گفتمان^۳ است. البته با اضافه کردن ایده‌های خود اخلاق گفتمان را ارتقا می‌دهد و در افقی بالاتر از اتو اپل و هابرماس آن را مطرح می‌کند.

نگاه اخلاقی او گرایشاتی دینی دارد و سویی‌هایی از تفکر اخلاقی مسیحیت، اسلام و یهودیت در آن دیده می‌شود. بنابراین ساختار اخلاق هنجاری وی بنحوی متأثر از افلاطون است و اخلاق او ترکیبیست با اخلاق سامی^۴ که معرف زبان و فرهنگ سامی‌ها (مسلمانان بطور خاص اعراب و عبریان) است. البته نمی‌توان موضع او در اخلاق هنجاری را بوضوح کشف کرد. بطور مسلم او طرفدار پیامدگرایی نیست چون محتوای آثار او در موضعی صد درصد متضاد با اندیشه سودگرایانی چون میل و بنتام است. در پاره‌ای از موارد شاید اینگونه برداشت شود که او وظیفه‌گراست اما نقدهای اساسی وی به پایه‌های تفکر فلسفی و اخلاقی کانت، همچو شمشیری آخته و خارج از نیام خود نمایی می‌کند.

دوسل در هیچ نقطه از آثار خود به صراحت حرفی از موضع هنجاری خود نمی‌زند چون او بسیاری از ساختارهای فلسفی فیلسوفان را قبول ندارد و همیشه در پی این است تا اندیشه آزادی‌بخش خود را طرح کند و از آثار و اندیشه‌های دیگران به عنوان میانجی و موید در تایید تفکر خود استفاده می‌نماید پس به نوعی اخلاق

1. Karl-Otto-Apel

2. Medita Eduardo, Vulnerabilidad de las víctimas, filosofía de vida ética y liberación a través del pensamiento de Enrique Dussel. P 91

3. Ética del discurso

4. Ética Semítica

هنجاری او اخلاق آزادی‌بخش است که با تبیین خاص خود معرفی می‌گردد و او نام این اخلاق فلسفی را اخلاق زندگی می‌گذارد..

در مرکز ثقل اخلاق آزادی‌بخش می‌توان با واژه‌هایی چون، فقر، برده‌داری، قربانیان، آوارگان، کودکان بی‌پناه، زنان، نژادپرستی، بی‌عدالتی، جهانی‌شدن، فرهنگ‌های مورد ستم واقع شده و همچنین دفاع از حقوق طبیعت و حیوانات، برخورد کرد.

بطور کلی رویکرد اصلی اخلاق آزادی‌بخش، انسانهای در معرض آسیب‌پذیری و شکنندگی هستند؛ انسانهایی که همواره در رنج و سختی به سر می‌برند. قلب تپنده‌ی این نگرش اخلاقی، انسان بما هو انسان است بدون هیچ تبعیض و طبقه‌بندی‌ای؛ انسانهایی که باید از تمام قیود ناعادلانه نظم نوین جهانی با مبنای امپریالیستی رهایی یابند^۱ تا اینگونه همگی بتوانند به سعادت و کامیابی حقیقی نائل شوند.

تاریخ و الهیات رهایی‌بخش، یک دیدگاه آمریکای لاتینی

این موضوعیست که دوسل در سال ۱۹۷۲ در ضمن سخنرانی‌هایی درباره آن صحبت کرد و توضیح گسترده‌ای درباره محوریت کلیسا و نقش آن در آمریکای لاتین داد و از آن به عنوان یک الهیات آشکار آمریکای لاتینی که در نهان خود یک سیاست رهایی‌بخش را داشت نام برد.

دوسل اساساً به تاریخ می‌پردازد، به ویژه تاریخ آمریکای لاتین که یک روند مثبتی به سوی فرآیند آزادی‌بخشی را به تدریج طی کرده است. بررسی او به ریشه‌های انسانی باز می‌گردد و شامل موضوعاتی از سیستم‌های اعتقادی و جهان‌بینی

1. Dussel Enrique, 14 Tesis De Ética, Hacia La Esencia del pensamiento critico, P 2, Editorial Traotta, 1 er Edición, Buenos Aires 2016

آزتک‌ها و اینکاها گرفته تا خاستگاه مسیحیت، امپراتوری بیزانس و نقش کلیسا در تسخیر اسپانیا است.^۱

در بخشی از سخنان خویش به تحولات سیاسی دهه ۱۹۶۰ می‌پردازد و خشونت و ظلم متحمل شده توسط رژیم‌های نظامی، پاسخ کلیسا و مساله مقاومت مبارزانه (با خشونت) و مقاومت غیر مبارزانه (عاری از خشونت) در اندیشه مسیحیت را بررسی می‌کند. دوسل همچنین سازگاری سوسیالیسم با دکتورین مسیحی و امکان سوسیالیسم منحصر آمریکای لاتین را با دقت مورد تحلیل قرار می‌دهد.

موضوع واحدی که در سیر مطالب او به شکل منسجم مطرح می‌گردد موضوع مقاومت در برابر ظلم است. در واقع فیلسوف آرژانتینی می‌خواهد از طریق تفسیر خود، تعهد مسیحی برای غلبه بر گناه ظلم را از طریق تعهد به اقدام فداکارانه در جهت هدف‌رهایی بخشی تاریخی بررسی بنماید.^۲ از آنجایی که ریشه فکری الهیات رهایی‌بخش و اصحاب این کلیسا در هم تنیدگی خاصی با فیلسوفان این جریان و در بُعد کنش‌گری با انقلابیون این جنبش فکر دارند پس باید به اختصار اشاره‌ای به ایشان داشته باشیم. اهمیت این موضوع از این جهت است که رهبران تفکر آزادی‌بخش چه در میان فیلسوفان و چه در میان اصحاب کلیسا و چه در میان انقلابیون همواره مورد تهدید و یا حتی ترور قرار گرفته و از طرفی این سه گروه باهم متحد بوده و برای همدیگر به لحاظ تبادل‌گر اندیشه نقشی بسیار موثر را داشته‌اند. به عنوان مثال کامیلو تورس از جمله اندیشمندان کلیسایی در جریان اندیشه آزادی‌بخش است که رساله انتقادی کوچکی با عنوان پدیده خشونت نوشته و این رساله بر بسیاری از انقلابیون منطقه از جمله چگوارا تاثیر گذاشته است تا جایی که در کلمبیا مردم رساله تورس را راهنمای اصلی چگوارا می‌دانند.^۳

1. Vernon, Ivan 1978. Review of History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Oxford University press. Consultado el 1 de noviembre de 2017

2. Kilogore, W. J. 1976. History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Duke University press. doi: 10.2307/2514222. Consultado el 1 de noviembre de 2017

۳. ناجی محمد امین، ۱۴۰۱، کلیسای انقلابی، ص ۴۸، قم، نشر فانوس دریایی

تورس در یک مبارزه نظامی جان خود را در راه الهیات آزادی بخش و اندیشه انقلابی خود از دست داد و این سرنوشت بسیاری دیگر از این افراد بود. اسکار رومرو اسقف اعظم السالوادور در سال ۱۹۸۰ در هنگام سخنرانی انقلابی در مراسم عشای ربانی که در آن سخن از عدالت و آزادی می گفت کشته شد و بعدها توسط پاپ فرانسیسکو به عنوان شهید راه عدالت و آزادی معرفی گردید.^۱ همچنین کارلوس موخیکا که شیوه مبارزاتی خود را بر اصل ترجیح فقرا بر ثروتمندان پایه ریزی کرده بود و در همین راه در ۱۱ می ۱۹۷۴ به ضرب گلوله به قتل رسید.^۲ انریکه دوسل نیز از یک ترور نافرجام در آرژانتین جان سالم به در برد و به همین دلیل به مکزیک مهاجرت کرد. ویا دکتر ارنست چگوارا که در نهایت در راه این اندیشه در جنگ نظامی شهری در بولیوی کشته شد.

همه اینها با تمام افتراقات عقیدتی ولی برای یک نقطه اشتراک که اندیشه رهایی بخشی است متحد شدند و جانشان را در این مسیر گذاشتند تا راه رهایی از ظلم و رسیدن به عدالت هموار گردد.

الهیات رهایی بخش

الهیات رهایی بخش یک جریان کلامی مسیحی است که از ترکیب کلیسای کاتولیک و پروتستان تشکیل شده است که در آمریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰ پس از ظهور جوامع کلیسایی پایه، شورای دوم واتیکان (۱۹۵۶-۱۹۶۲) و کنفرانس اسقفی در شهر مدژین کلمبیا (۱۹۶۸) متولد شد. پس به لحاظ زمانی حدود ۱۶ سال بر فلسفه آزادی بخش تقدم دارد.^۳

1. Jesús Delgado Acevedo Oscar A. Romero. Biografía, Ediciones Paulinas, Madrid, España, (1986)Ñ P 81.

۲. ناجی محمد امین، ۱۴۰۱، کلیسای انقلابی، ص ۵۷، قم، نشر فانوس دریایی

3. Boff, Leonardo (1989) Teología de la liberación: Recepción creativa del vaticano II a partir de la óptica de los pobres. Desde el lugar del pobre. 9_39. Ediciones paulinas

دوسل می گوید: اولین کسانی که مفهوم الیات رهایی بخش را به کار بردند و این جریان را معرفی نمودند الهیدان پروتستان برزیلی روبم آلوز و کشیش کاتولیک پرویی گوستاوو گوتیرز مرینو بودند که اولین آثارشان در این زمینه به ترتیب به سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ برمی گردد.^۱ البته قبل از اینکه این الهیات هویت خود را بین سالهای ۱۹۶۸ الی ۱۹۷۱ مشخص کند، چندین اثر الهیاتی و جامعه شناختی در این زمینه منتشر شده بود که منجر به شکل و قالب دادن تدریجی به این مکتب فکری شد.

علاوه بر اشخاص فوق‌الذکر می توان از افرادی همچو هلدر کامارا، اسکار رومرو، کامیلو تورس، خوان لویس سگوندو، ارنستو کاردنال، کارلوس موخیکا، لئوناردو بوف و خورخه ماریو بر گولیو نام برد. البته برخی دوسل را از اعضای غیر روحانی این کلیسا می دانند چون که وی علاوه بر فلسفه از فارغ التحصیلان الهیات از دانشگاه سوربن فرانسه است. و به دلیل روابط زیاد با افراد همسوی کلیسایی عضوی از آنان محسوب می گردد.

انریکه دوسل اشاره می کند که اولین کتاب با عنوان عملکرد کلیسا در واقعیت رودخانه پلیت نوشته خوان لویس سگوندو الهی دان اروگوئه‌ای بود که در سال ۱۹۶۲ منتشر شد. و بعد از آن بود که در ماه می ۱۹۶۸ کشیش پروتستان برزیلی، روبم آلوز، با موفقیت از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان به سوی الهیات آزادی بخش انسانی، در مدرسه علمیه الهیات پرینستون ایالات متحده دفاع کرد.^۲

مشخصه اصلی این تفکر این است که انجیل مستلزم این است که آموزه‌های ترجیحی خود برای فقرا را با کمک علوم انسانی و اجتماعی در جهت رهایی و آزادی مردم به میان آورد.



1. Dussel, Enrique (1995). La historia social de América Latina y el origen de la teología de la liberación. La teoría social latino americana: La centralidad del marxismo. Coyoacán: El Caballito.p.167_176
 2. Dussel, Enrique (1995). La historia social de América Latina y el origen de la teología de la liberación. La teoría social latino americana: La centralidad del marxismo. Coyoacán: El Caballito.p.167_176

الهام بخش دیگر الهیات آزادی بخش آمریکای لاتین، مبارزه حقوق مدنی بود که به نوبه خود حقوق سیاه پوستان در ایالات متحده را به رهبری مارتین لوتر کینگ (۱۹۶۸-۱۹۲۹) به دست آورد. همچنین الهیات رهایی بخش سیاهان در آفریقا که منجر به مبارزه علیه آپارتاید شد و نیز الهیات مینجونگ در کره و الهیات دهقانی در فیلیپین که توسط چارلز آر صورت گرفت همگی مرتبط با الهیات آزادی بخش آمریکای لاتین بوده اند.^۱

الهیات رهایی بخش دارای شاخه های مختلفی است که به طور متفاوتی بر جنبه های پراکسیس اجتماعی تمرکز می کنند. مقوله هایی مانند مبارزات طبقاتی و مفهوم مردم که شاخه ای به نام الهیات مردم را شکل می دهد نیز از این دسته هستند. همچنین تجارب دموکراتیک آمریکایی، فمینیسم و مسائل جنسیتی که باعث پیدایش الهیات فمینیستی، نژادپرستی و غیره شد.^۲

مبانی کلامی و مفهومی

وظیفه الهیاتی به عنوان بازتاب انتقادی پراکسیس تاریخی، در پرتو علم کلام تصور می شود. این الهیاتی است که دگرگونی تاریخی رهای بخشی را به گونه ای به وجود می آورد که نه تنها به دنیای انسان ها می اندیشید بلکه آن ها را با موهبت پادشاهی الهی مواجه می نماید. او برای رسیدن به این هدف، از تحلیل های علوم اجتماعی و نظریه اقتصادی و اجتماعی، با بینش معنوی عمیقاً متعالی مسیحیت، در پرتو کلام خدا (انجیل و سنت رسولان) استفاده می کند.^۳

این الهیات رابطه ای نزدیک بین رستگاری و روند تاریخی رهایی انسان می یابد و به دنبال تحلیل عمیق معنای فقر و فرآیندهای تاریخی فقر و ارتباط آن با طبقات

1. Chenu, Bruno (1989) La teología latinoamericana . Teologías cristianas de los tercero mundo:23_65. Barcelona. Herder
2. Vuola, Elina (2000). Teología feminista. Teología de la liberación (la praxis como método de la teología latinoamericana de la liberación y de la teología feminista). Madrid:IPALA.p.85
3. Tamayo, Juan José (2013) Gustavo Gutiérrez: El teólogo del Dios liberador . Redes cristianas, 19 de septiembre de 2013

مختلف اجتماعی است و در نهایت متعهد به مشارکت در روند رهایی بخشی می باشد. و از ستمدیدگان به عنوان موقعیتی ممتاز در حیات مسیحیت نام می برد. ^۱و برای این منظور به آیاتی از کتاب مقدس اشاره می کند. مانند آنجا که در کتاب خروج (۱۴:۳۱) گفته شد حقوق فقرا حقوق خداست و یا در جای دیگر که می گوید او فقرا را برگزیده است. (یعقوب ۵:۲)

گزاره‌های اصلی الهیات آزادبخش

رستگاری مسیحی بدون آزادی بخشی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی به عنوان نمونه‌های بارز کرامت انسانی، امکان پذیر نیست.

رهایی بخشی به معنای آگاهی از واقعیت اجتماعی-اقتصادی آمریکای لاتین و نیاز به حذف استثمار و بی عدالتی در جهان است.

وضعیت اکثریت مردم آمریکای لاتین در تضاد با برنامه تاریخی خداوند و پیامد یک عصیان اجتماعی است.

نه تنها گناهکاران وجود دارند، بلکه قربانیان این گناه نیز هستند که نیاز به عدالت و ترمیم وضعیت زندگانی هستند.

روش مطالعه الهیات، تامل مبتنی بر عمل به ایمان زنده، ابلاغ، اعتراف و تجلیل در یک بحث علمی است.^۲

با این حال ضروری است که ارزیابی انجام شده توسط گوستاوو گوتیرز برجسته شود. زیرا که وی معتقد است که برخلاف دیگر فرضیات کلامی یا فلسفی الهیات رهایی بخش یک عمل ثانوی است یعنی از تجربه به تعهد و کار با فقرا و برای فقرا، و مقابله با بی عدالتی ناشی می شود.^۳ در واقع می خواهد بگوید که صرفاً یک مساله تئوری و در سطح ایده پردازی نیست بلکه جنبه‌های عملی فراوانی را داراست.



1. Casadont, Steven. Gustavo Gutiérrez. Teología de la liberación
 2. Tamayo, Juan José(2013) Gustavo Gutiérrez: El teólogo del Dios liberador . Redes cristianas, 19 de septiembre de 2013
 3. Casadont, Steven. Gustavo Gutiérrez. Teología de la liberación

از نظر گو تیرز مردم خالق تاریخ خود برای غلبه بر رنج هستند از نظر او این فقط یک مساله شناختی نیست بلکه به قول خود او یک تعهد زندگی، یک سبک زندگی و یک روش اعتراف به ایمان و معنویت است.

نجات و رهایی در کلیسای آزادی بخش

انسان دارای مرگ روح می شود که این همان از بین رفتن معنویت و استبعاد از خداوند است پس نجات آن به این است که دوباره احیا گردد. و این کار به عهده روح القدس است که در قلب کسی که دچار مرگ روحانی شد حیاتی دگر بدمد و در نتیجه او عضوی از خانواده خدا بشود. و این تنها با فیض الهی صورت می گیرد و تمام فیض حق در مسیح جمع شده است.

طبق متون مقدس مرحله اول این نجات ایمان است و بعد از آن عمل صالح است که تنها راه رسیدن به مسیح است و به عبارت دیگر تنها راه نجات می باشد. و از نظر کلیسای انقلابی عمل همان رفتار نیک است که بخش عمده آن در خدمت به مردم است.

از نظر کلیسای واتیکان منظور از رهایی، رهایی درون انسان هاست و چنین رهایی که از درون سرچشمه گرفته و به سمت مظاهر گوناگون حیات انسانی جریان پیدا می کند می تواند در تمامی ساختارهای جامعه اثر گذاشته و سبب اعتلای آنها شود.^۱ همچنین واتیکان اعتقاد دارد که رهایی حقیق ارتباطی با پراکسیس ندارد و تحت لوای آن نیست چون حرف اول و آخر را دگماتیسم ایمانی می زند. دقیقاً در نقطه مقابل، تمام حرف کلیسای رهایی بخش مانند سایر جریانات آزادی بخش پراکسیس و عمل گرایست. یعنی ایمان آنجا بروز پیدا می کند که با عملی در جهت تغییر ناهنجاریهای اجتماعی همراه شود.



کلیسای عدالت‌گرای رهایی‌بخش معتقد است که رهایی صرفاً امری درونی نیست بلکه علاوه بر آن نجات و رهایی از اوضاع اجتماعی نابسامان را نیز در بر می‌گیرد. و برای این نظر خود به ادله‌ای از کتاب مقدس استناد می‌کنند.

اولین مطلبی که به آن قائل هستند این است که خداوند، خدای آزادی‌بخش است. خدا فقط خدای حلول و تجسد نیست. خدا در تمام شئون زندگی جریان دارد و در ما قبل تاریخ نمانده است. همان‌خدایی است که نوح را از دل طوفان رها کرد و آتش را بر ابراهیم خلیل سرد نمود.

هلدر کاراما می‌گوید: ایمان در کتاب مقدس همان ایمان به خداوند نجات‌بخش است که در تاریخ حضور دارد.^۱ به عنوان مثال واقعه خروج در بخش عهد قدیم کتاب مقدس آمده تأیید همین نکته است که خدای متعال برای آزادی مستضعفان وارد میدان عمل شده و آنان را از یوغ ستمگران رهایی داده است. حرکتی شکل گرفت که در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی بود و این چیزی جز عنایت آزادی‌بخشانه حق متعال نیست.

دومین مطلبی که جزو مبانی کتاب مقدسی ایشان است این نکته می‌باشد که خدا همواره قرین فقر است و ما نیز باید چنین باشیم اما نه به این معنا که فقط به آنان صدقه دهیم. این خوب است اما کافی نیست آنچه که لازم است انسان باید به عنوان یک عامل تاریخی جریان‌ساز کند و در صدد برکندن فقر از جامعه باشد. و این همان چیزی است که مد نظر خداست. در کتاب ارمیا آمده است که: فقیر و مسکین را دادرسی می‌نمود، آنگاه سعادتمند می‌شد، مگر شناختن من این نیست؟^۲

مطلب سوم اینکه افرادی همچو لئوناردو بوف معتقد هستند که بشارت عیسی (ع) به برپایی حکومت الهی در ملکوت آسمانها صرفاً یک امر معنوی نیست بلکه



1. José Comblin, Otros, Cambio social y pensamiento cristiano en América Latina, Trotta, (1993)P173.

۲. ارمیاء نبی ۱۶:۲۳.

ملکوت همان اراده مستضعفان در برچیدن ظلم است^۱ و صلیب نماد رنج‌های بشر است و عروج به معنای رهایی از این رنج است. پس رسیدن به ملکوت جز از طریق مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی بدست نمی‌آید.

در چهارمین برداشت از سنت عیسوی و کتاب مقدس به این مطلب می‌رسیم که سیره حضرت عیس علیه السلام مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی بود و عمل رهایی‌بخش صرفاً برای رساندن انسان به آسمانها نبود بلکه عمده عمل آزادی‌بخشانه او در رهانیدن اجتماع از ستم سفاکان و ظالمان بود. انسانها با هم خواهر و برادرند در عمل اراده مسیح را با هم اجرا کنند که این همان آزادی‌بخشی از استبداد و بی‌عدالتی است.

در این بخش به نقش کلیسا در عملیات آزادی‌بخشی آمریکای لاتین پرداختم به این دلیل که مسائلی همچون پراکسیس، مبارزه با ظلم، بیدارگری محرومان و توجه به غیر و یا همان دیگری از نقاط اشتراک این نگرش دینی با فلسفه آزادی‌بخش است و قطعاً بر روند شکل‌گیری فلسفه آزادی‌بخش تاثیر مستقیم گذاشته است.

^۱. Leonardo Boff, Teología del cautiverio y de la liberación, 1978 Ediciones Paulinas 1978 P 283

نتیجه‌گیری

فلسفه آزادی‌بخش تولد یافته آمریکای لاتین است و ریشه در رنج و محنت و استعمار دارد. این فلسفه در مقابل با فلسفه غرب اروپا محور ایستاده و با ساختارهایی که هژمونی قدرطلبانه غربی ایجاد کرده مخالف است. فلسفه آزادی‌بخش جهانی‌سازی، استعمار قدیم و جدید، استثمار، سرمایه‌داری و بسیاری از چارچوب‌های نادرست زندگی امروز بشر را که از آن به تمدن غربی نیز یاد می‌شود را زاییده تفکر فلسفی کلاسیک فلاسفه اروپایی می‌داند.

فلاسفه آزادی‌بخش بر این باورند که نتیجه اندیشه امثال کانت، امروزه تبدیل به تمدن فعلی بشری شده که می‌توان در آن روح بورژوازی و قدرت‌طلبی و برتری عده‌ای و بیچارگی عده‌ای دیگر را مشاهده کرد.

فلسفه آزادی‌بخش نه تنها با مظاهر مادی این تمدن مخالف است بلکه با زنجیر بیگانگی‌ای که فلسفه غرب آن را به گردن مستضعفان فکری و فرهنگی انداخته نیز مخالفت می‌کند و قائل است که بشر ابتدا باید غل و زنجیر اسارت فکری خود از فلسفه غربی را بدرد و از ابتداء اندیشه عقلی نوینی را بنا کند تا زیستی عادلانه و انسانی به بار آید.



فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۷
۲. ناجی محمد امین، کلیسای انقلابی، نشر فانوس دریایی، قم ۱۴۰۱
۳. ارمیاء نبی ۱۶: ۲۳.
۴. زیرک، معصومه، تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی.
1. Ardiles, Osvaldo A; Casalla, Mario; Cerruti Guldberg, Horacio; Cullen, Carlos; Dussel, Enrique; Kusch, Rodolfo; Roig, Arturo Andres; De zan; Julio. Hacia una filosofía de la liberación latinoamericana. Bonum, Buenos Aires (1973)
2. Scannone, Juan Carlos. la filosofía de la liberación: historia, características, vigencia actual. Teología y vida L: Bonum, Buenos aires 2009.
3. Medita, Eduard, Vulnerabilidad, fuerza, de seguridad, Ética de la vida y liberación a partir del pensamiento de Enrique Dussel. La revista de filosofía, mexico, 2012
4. Duseel, Enrique. Una introducción a la filosofía de la liberación . P 196. Editorial de nueva américa. Bogotá 1977
5. Ridi Montano. La moralidad kantiana y la ética de la liberación de Dussel, Editorial LDT. Colombia 2010
6. Serotti Oracio. 200 años de nuestro pensamiento americano. Editorial LDT. Bogotá 2011
7. Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996
8. Dussel Enrique, la pobreza y la civilización, Editorial Nuevo América, Bogotá 1998
9. Álvaro, José Luis, La ética de la liberación ante el desafío de Apel, Taylor y Vattimo con respuesta crítica inédita de K.O. Apel, Enrique Dussel, nuevo America, Bogotá 2015
10. Medita, Eduardo, Vulnerabilidad de las víctimas, filosofía de vida ética y liberación a través del pensamiento de Enrique Dussel. Editorial LDT. Colombia. 2000
11. Dussel Enrique, 14 Tesis De Ética, Hacia La Esencia del pensamiento crítico, Editorial Traotta, 1 er Edición, Buenos Aires 2016
12. Vernon, Ivan 1978. Review of History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Oxford University press. Consultado el 1 de noviembre de 2017



13. Kilgore, W. J. 1976. History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Duke University press. doi: 10.2307/2514222. Consultado el 1 de noviembre de 2017
14. Jesús Delgado Acevedo Oscar A. Romero. Biografía, Ediciones Paulinas, Madrid, España, (1986)
15. Boff, Leonardo, Teología de la liberación: Recepción creativa del vaticano II a partir de la óptica de los pobres. Desde el lugar del pobre. Ediciones Paulinas. España 1989
16. Dussel, Enrique. La historia social de América Latina y el origen de la teología de la liberación. La teoría social latino americana: La centralidad del marxismo. Coyoacán: El Caballito 1995
17. Chenu, Bruno La teología latinoamericana . Teologías cristianas de los terceros mund. Barcelona. Herder 1989
18. Vuola, Elina. Teología feminista. Teología de la liberación (la praxis como método de la teología latinoamericana de la liberación y de la teología feminista). Madrid 2000
19. Tamayo, Juan José Gustavo Gutiérrez: El teólogo del Dios liberador . Redes cristianas, septiembre de 2013
20. Casadont, Steven. Gustavo Gutiérrez. Teología de la liberación. Paulina. Madrid 2008
21. José Comblin, Otros, Cambio social y pensamiento cristiano en América Latina, Trotta, (1993)
1. 22. Leonardo Boff, Teología del cautiverio y de la liberación, Ediciones Paulinas. Madrid 1978.



ارزیابی مقایسه‌ای الگوی مبارزه با ظلم از دیدگاه کلیسای کاتولیک رومی و الهیات رهایی‌بخش امریکای لاتین

سیدمحمدرضا میریوسفی^۱

دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

چکیده

در کشورهای آمریکای لاتین طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جریانی از الهیات در کلیسای کاتولیک شکل گرفت که به واسطه جهت‌گیری‌اش بر آن نام الهیات رهایی‌بخش نهاده شد. این جنبش الهیاتی، برای مبارزه با ظلم و حمایت از مستمندان الگویی دینی ارائه داد. اما الگوی مبارزاتی رهایی‌بخش مورد تایید کلیسای کاتولیک رومی قرار نگرفت. هدف این نوشتار تبیین نسبت الهیات رهایی‌بخش با کلیسای کاتولیک رومی به منظور فهم نقاط اشتراک و تمایز این دو قرائت مسیحی از مبارزه است. ما در این نوشتار با رویکرد تحلیل محور و مقایسه‌ای و با روش تحلیل محتوی و به کمک منابع کتابخانه‌ای به بررسی الگوی مبارزه با ظلم از دیدگاه کلیسای کاتولیک رومی و الهیات رهایی‌بخش امریکای لاتین پرداخته‌ایم. نتیجه اینکه الهیات رهایی‌بخش مشترکات زیادی با کلیسای کاتولیک رومی در حوزه مبانی «اعتقاد به: هدایت تشریحی و تکوینی، الهی بودن انسان، کرامت انسان، عقاب و ثواب اخروی، حسن و قبح عقلی، مبارزه با ظلم به عنوان ارزش»، اهداف «ایجاد امنیت، زمینه‌سازی برای تحقق ملکوت خدا، رساندن جهان به کمال، حق برابری و آزادی، عدالت، محبت، خیر مشترک، همبستگی» دارد. اما اختلافات

بنیادین الهیات رهایی‌بخش در حوزه مبانی «تاکید انحصاری بر مبارزه با ظلم، دیدگاه جانب‌داری مطلق خداوند از فقیران، حمایت از فقیران به مثابه تکلیف» و روشی «استفاده از روش مارکسیسم به مثابه ابزار، الهیات زمینه‌بند، مبارزه سخت برای رسیدن به هدف»، سبب تمایز اساسی‌اش با کلیسای کاتولیک شده و در نتیجه عدم مقبولیت گفتمان رهایی‌بخش در نظر کلیسای کاتولیک رومی به دنبال داشته است.

واژگان کلیدی

بررسی تطبیقی، الگوی مبارزه، کلیسای کاتولیک رومی، الهیات رهایی‌بخش، آمریکای لاتین.

مقدمه

در همیشه تاریخ، جهان مادی شاهد بروز حوادث گوناگون به سبب تزاخم‌های ناشی از تضاد منافع و تقابل خیر و شر، بوده است. گاهی زیاده‌خواهی‌ها و میل به تجاوز و بدست آوردن منافع بیش از حقوق مشروع، افراد را به طغیان و ستم‌و‌اداشته و شعله‌های خشم بر افروخته از آن، حیات توده‌های جوامع را به خطر افکنده است. در این میان حاکمان به سبب داشتن قدرت، متهمان اصلی ایجاد یا گسترش ظلم در جوامع انسانی بوده‌اند. واکنش ملت‌ها به این ظلم‌ها یکسان نبوده است، مردم اغلب ترجیح داده‌اند به جای تعامل و انفعال، دست به اعتراض و اصلاح عملی بزنند که شرح بسیاری از این مبارزات و قیام‌های علیه ظلم در تاریخ آمده است. در بسیاری از موارد دین به عنوان منبع مشروعیت بخش و مرجع تعیین‌کننده اهداف و روش‌ها، در قیام علیه ظلم مورد توجه قرار گرفته است. این مظلومان برای از بین بردن ظلم و ستم، با انتخاب دین به عنوان پشتوانه نیرومند فریاد خود علیه ظلم، کوشیده‌اند تا از آموزه‌های آن برای پیشبرد بهتر حرکت‌های اجتماعی خود بهره‌گیرند. جوامع مسیحی نیز چنین مبارزاتی بر علیه ظلم به خود دیده‌اند. از شاخص‌ترین نهضت‌های ظلم‌ستیز در جوامع مسیحی می‌توان به نهضت‌های رهایی‌بخش آمریکای لاتین اشاره

کرد. این نهضت‌ها با شعار الگو‌گیری از دین، مبارزه با ظلم و برقراری عدالت اجتماعی را هدف اصلی خود قرار داده‌اند.

الهیات‌رهایی‌بخش آمریکای لاتین در جامعه‌ای مسیحی و غالباً کاتولیکی، زاده شد و از ابتدا خود را شاخه‌ای از الهیات کاتولیکی و ارائه‌کننده اصلی‌ترین آموزه‌های مسیحی معرفی کرد. این الهیات هیچ‌گاه خود را از مسیحیت جدا ندانسته و همواره تصریح کرده است که بدنبال کاوشی مبتنی بر کتاب مقدس برای دستیابی به یک الگو برای مبارزه با ظلم و تحقق عدالت اجتماعی است. بزرگان این الهیات تاکید کرده‌اند که ما در الهیات‌رهایی‌بخش با ایمان جدید روبه‌رو نیستیم بلکه با رسولانی جدید سروکار داریم و معتقدیم که ایمان به کلیسا با رنج‌ها و امیدهای برای آزادی مظلومان در این جهان مرتبط است. با این حال، دیدگاه ظلم‌ستیز الهیات‌رهایی‌بخش مورد انتقادهای فراوانی از طرف کلیسای کاتولیک رومی قرار گرفت. برخی از این انتقادهای جدلی و برخی خیرخواهانه و واقع‌بینانه است. ما در این مقاله با رویکرد تحلیل محور و مقایسه‌ای این انتقادهای در ترازوی انصاف گذاشته و بر اساس الگوی کاتولیکی آنها را ارزیابی می‌کنیم. قرار دادن مبانی، و اهداف و روش دو الگوی مبارزاتی یعنی کلیسای کاتولیک و الهیات‌رهایی‌بخش در کنار یکدیگر، ما را به ارزیابی بهتری رهنمون می‌کند و میزان کاتولیکی بودن الهیات‌رهایی‌بخش را برای ما آشکار می‌کند. این پژوهش مقایسه‌ای فاقد پیشینه می‌باشد.

بررسی الگوی مبارزه با ظلم از دیدگاه کلیسای کاتولیک

می‌توان با استخراج مبانی، اهداف و روش‌های مسیحیت از منابع اصیل و معتبر مسیحی، به الگوی قابل فهمی در زمینه مبارزه با ظلم دست یافت. منابع اصلی الهیات مسیحی عبارتند از: کتاب مقدس، عقل و سنت. (آلیستر مک‌گراث، ۱۳۸۴، ج ۱،



رویکرد اجتماعی و سیاسی مسیحیت

جامعه، لازمه طبیعت انسان است به همین دلیل انسان نیازمند زندگی اجتماعی است. تعامل انسان با جامعه در حقیقت پاسخ‌گویی به نیازهای درونی خویش است. دین مسیحیت همواره در کنار توصیه به اصلاح رفتار شخصی، از مسیحیان خواسته است تا به کلیسا و جامعه خود وفادار باشند. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۵۱۳، بند ۱۸۸۰). از نظر کلیسای کاتولیک جامعه مجموعه‌ای از افراد است که به گونه‌ای اندام‌وار حول یک وحدت به هم متصل هستند و از این رو هر فرد مسیحی باید به قوانین مخصوص آن جامعه پایبند باشد. (همان، ۱۳۹۳، ۵۱۴، بند ۱۸۸۱) بنابراین تمایل به زهد در برخی از مسیحیان نه یک دستور عمومی و تکلیف دینی بلکه راه کسب درجات بالاتر از تقوا و ایمان است. (ریچارد بوش، ۱۳۷۴، ص ۷۲۵) دقت در آموزه‌های مسیحی نشان می‌دهد که به رغم بی‌توجهی مسیحیان آغازین به سیاست، نمی‌توان انکار کرد که بعضی از آموزه‌های الهیاتی این دین، مانند آموزه ملکوت و پادشاهی خداوند سیاسی است. تعالیم کلیسای کاتولیک می‌گوید: «فرد مسیحی باید با توبه و دریافت آمادگی، به اصلاح نهادها و شرایطی که در زمینه ساز گناه ان پردازد». (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۵۱۴) مطالعه تاریخ مسیحیت نشان می‌دهد که پذیرش مسیحیت از سوی کنستانتین و آغاز فرایند مسیحی‌سازی اروپا، مسیحیت اغلب در رویارویی با ملت‌ها نقش یک دین سیاسی را ایفا کرده است. (کرسٹوفر استید، ۱۳۸۰، ص ۳۴۲) اگر چه حوادث دنیای جدید، تا مدت‌ها کلیسا را به انزوا برد و شعار جدایی کلیسا از حیطه سیاست و اجتماع بر جوامع مسیحی حاکم گردید، اما پس از چند قرن، کلیسای کاتولیک از طریق الهیات و باورهای دینی به امور اجتماعی پرداخت و به این ترتیب، الهیاتی به نام الهیات اجتماعی در مسیحیت شکل گرفت. (اسماعیل علی خانی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۹-۲۵۱) مهم‌ترین و رسمی‌ترین واکنش‌های کلیسای کاتولیک به مباحث اجتماعی، از طریق بیانیه‌های پایی و اسقفی و شورای واتیکانی دوم بوده است. به

عنوان نمونه دو بیانیه شورای واتیکانی دوم به نام «شادی و امید» و «منزلت انسان» در این زمینه صادر شد. در بیانیه «شادی و امید» ماموریت کلیسایی را درباره موضوعات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ازدواج و خانواده، سیاست و صلح شرح می‌دهد و از شهروندان می‌خواهد تا جای ممکن فعالانه در زندگی عمومی سهیم باشند. *ibid*, (97) کتاب مقدس با شیوه‌های گوناگون به مساله مبارزه با ظلم و نجات مظلومان می‌پردازد. بیان داستانهای نجات در کتاب مقدس و کمک نمایندگان خدا در زمین، از آشکارترین شواهد دینی در اعلام موضع مسیحیت در مساله مبارزه با ظلم در اجتماع است. وجود سفر «پیدایش» در کتاب مقدس و بیان مفصل داستان نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعون به کمک حضرت موسی، از مهم‌ترین بخش‌های کتاب مقدس در بیان رویکرد مسیحیت در بحث مبارزه با ظلم و نجات مظلومین از ظلم‌های اجتماعی است. راه حل کلی مسیحیت کاتولیک در مساله مبارزه با ظلم این است که خدا مرجع نهایی باشد و قوانین مربوط به این مساله را او تعیین می‌کند، همه طبقات مردم با دوستی به هم پیوند خورند و درک کنند که همه انسان‌ها فرزندان یک پدر هستند که خداست. (جورج برانتل، ۱۳۸۱، ص ۲۶۲). این کلیسا معتقد است که جامعه سیاسی ریشه در سرشت انسان دارد. انسان با پشتوانه سرشت عقلانی که خدا به او داده، مسئول گزینش‌های خویش است و می‌تواند طرح‌هایی که در محیط فردی و اجتماعی به حیات او معنا می‌بخشد را دنبال کند. (*compendium of the social doctrine of the church*, 383) دولت نیز فعالیت فردی و خصوصی حیات ملی را کنترل کند تا این فعالیت‌ها در مسیر خیر عمومی قرار گیرد. (جورج برانتل، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶)

مبانی مبارزه و رهایی از ظلم

مبانی خداشناسی، انسان‌شناسی، ارزشی و حقوقی از مهم‌ترین مبانی مسیحی هستند که می‌توان سازگاری و ابتدای گزاره‌های مربوط به مبارزه با ظلم و رهایی از ظلم را نشان داد.



الف: مبانی خداشناسی: منظور از مبانی خداشناسی، گزاره‌های مرتبط با نگرش مسیحیان به خداوند است که در بحث الگوی مبارزه با ظلم نقش بنیادین دارند. مسیحیت از همان ابتدای دعوت خود، این باور را ترویج کرده است که اگر به دنبال نجات و سعادت است، باید به مسیح ایمان بیاورد و هیچ راهی غیر از این وجود ندارد. ایمان به مسیح، محوری ترین و مبانی ترین تعلیم مسیحیت است که همه بخش‌های این دین را زیر پوشش قرار داده است. اگر چه مسیحیان بر اساس آموزه تثلیث معتقدند در الوهیت، سه شخص وجود دارد و عیسی مسیح یکی از آنهاست، اما معتقدند این سه شخص، در عین متمایز بودن، یکی هستند و از این رو توحید باورند. (آلیستر مک گراث، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۱) نجات بنی اسرائیل از ظلم، نمونه بارز از افعال خدا در راستای تحقق رهایی و نجات انسان است. (متی ۶: ۳۳) در کتاب مقدس بر الگوپذیری از مسیح و مانند او شدن تاکید شده است. (افسیان ۴: ۱۱-۱۳) انسان پس از ایمان، در مسیح دگرگون می‌شود و به گونه‌ای عمل می‌کند که گویا مسیح در او زندگی می‌کند. (غلاطیان ۲: ۲۰) صلیب مسیح نماد نجات مسیحیان است و شخص مسیحی باید مانند مسیح، خود را برای دیگران قربانی کند. این اعتقاد می‌تواند مبنای مهمی برای ضرورت نجات جامعه از ظلم و برقراری عدالت باشد. با توجه به ظلم ستیز بودن خداوند از یک سو و لزوم الگوپذیری انسان از سوی دیگر این نتیجه به دست می‌آید که انسان‌ها باید مانند خداوند ظلم ستیز و برای نجات انسان‌ها از ظالم تلاش کنند. خداوند با تجسد خود و آمدن بر زمین، نشان دادن خود به انسان‌ها و فدا کردن خود، برای نجات انسان‌ها کوشیده است. انسان هم از هدایت تکوینی خدا و هم از هدایت تشریحی او در دنیا برخوردار است. کتاب مقدس از نظر مسیحیان، کلام خداست و کلیسا قوت و قدرتش را همواره در کتاب مقدس می‌یابد. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۷۲ بند ۱۰۴) البته از دیدگاه کلیسا تفسیری معتبر است که مورد تایید کلیسا باشد زیرا کتاب مقدس را باید در پرتو نور روح القدس که این

کتاب توسط او نوشته شده، قرائت و تفسیر کرد. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۷۴، بند ۱۱-۱۱۳) سنت مسیحی نیز جلوه ای از هدایت تشریحی خداوند است. در باور مسیحی، مسیح به عنوان خداوند، به رسولان دستور داده است تا انجیل را که منشا هر حقیقت نجات بخش است به همه انسان‌ها برسانند. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۶، بند ۷۷) رسولان نیز برای اینکه انجیل زنده و کامل، همیشه در کلیسا بماند، اسقفان را به جانشینی خود تعیین کرده اند و مقام مرجعیت تعلیمی خود را به آنان سپرده اند. مسیحیان کتاب مقدس و سنت مقدس را نشأت گرفته از یک سرچشمه الهی یکسان می‌دانند و به هم متصل و مرتبط می‌دانند. این هدایت‌ها برای آن است که مسیحیان مسیر نجات خود از ظلم و راه نجات را پیدا کنند.

ب: مبانی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی: منظور از مبانی جهان‌شناختی و انسان‌شناسی، گزاره‌های مرتبط با نگرش مسیحیان به عالم و انسان که در بحث الگوی مبارزه با ظلم نقشی بنیادین دارند. بنابر آموزه‌های مسیحی، از یک سو جهان به عالم محدود نمی‌شود و گستره‌ای فراتر دارد که شامل عالم آخرت نیز می‌شود. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۷، بند ۳۶۷) آنچه این عقیده را با بحث الگوی مبارزه با ظلم مرتبط می‌کند، پیوند وثیق دنیا و عالم پس از مرگ است. به تعبیری هدفمندی این جهان است. مبارزه با ظلم و نجات هم‌نوعان نوعی محبت کردن کردن به خداست. در صورت بی تفاوت بودن، انسان از سعادت جاودانه محروم می‌ماند. (اول یوحنا ۳: ۱۴-۱۵) ظلم نکردن از دیدگاه تعالیم کتاب مقدس کافی نیست بلکه باید سعی شود تا زمینه نجات دیگر مومنان فراهم شود. در انجیل متی آمده است: «خداوند به ما هشدار می‌دهد که اگر از برآوردن نیازهای ضروری فقیران و کوچک‌ترانی که برادر اویند، کوتاهی کنیم، از او جدا خواهیم شد». (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۳۰۹، بند ۱۰۳۳)

از نظر مسیحیان، انسان موجودی الهی است و در حقیقت خود با دیگر موجودات تفاوت اساسی دارد. انسان به صورت خداوند آفریده شده است. (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷) طبق این فطرت، انسان وقتی می‌بیند که خدا به نفع مظلومان در تاریخ اثر می‌گذارد و



به عدالت گستری در رفع ظلم می‌پردازد، در می‌یابد که او نیز به عنوان کسی که به صورت الهی افریده شده باید در مساله نجات انسان از ظلم و رهایی او گام بردارد تا صورت الهی اش محفوظ بماند. (اینگبرگ گابریل، ۱۳۷۶، ش ۲، ص ۳۲۱) طبق این بیان انسان همکار خداوند در زمین است، (دوم قرن‌تیان، ۵: ۲۱ مسیحیت) به این معنا که خداوند انسان را برگزید تا شریک او در تحقق هدف نهایی اش «استقرار خیر و نیکی در جهان در نگاه مسیحی» باشد. مبنای دیگر اینکه خدا یک کلیسا دارد و این کلیسای یگانه، به منزله بدن عیسی است. (اول قرن‌تیان ۱۲: ۲۷) مسیح سر این بدن شمره می‌شود. (کولسیان ۱: ۱۸) او و کلیسایش با هم مسیح کامل هستند. (مفتاح، ص ۲۵۱، بند ۷۹۵) بنابر این دیدگاه، اگر عضوی از این بدن واحد دچار درد و رنجش شود، در واقع رنجشی بر کل این بدن وارد شده و باید برطرف گردد. (اول قرن‌تیان ۱۲: ۱۳-۱۲). مبنای دیگر اینکه مسیحیت انسان را موجودی ذاتا گناهکار، اما دارای کرامت دانسته و معتقد است که این کرامت ریشه در خلقت الهی او دارد. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳، بند ۳۵۶) مقتضای کرامت انسان اقتضا می‌کند که انسان‌ها در جامعه برای ایجاد شرایط عادلانه‌تر و انسانی‌تر تلاش کنند و لازمه تحقیق این امر مبارزه با ظلم است. در نهایت مسیحیت انسان را موجودی دو ساحتی و متشکل از نفس و بدن می‌داند. (پیدایش ۲: ۷) در واقع نفس انسانی حامل صورت الهی و منشا کرامت انسانی و وجهی فناپذیر است. ساحت روحانی انسان با مساله مبارزه با ظلم پیوند می‌دهد. بدون توجه به این ساحت برنامه ریزی کردن برای مبارزه امری بی‌معنا است چون ممکن است بدون توجه به بعد اخروی، یک روش برای مبارزه انتخاب کند که با سعادت اخروی منافات داشته باشد.

ج: مبانی ارزشی و حقوقی: منظور از مبانی ارزشی و حقوقی آن دسته از

گزاره‌های خبری و توصیفی هستند که پایه و اساس اندیشه‌های مسیحی در باب مبارزه با ظلم هستند. کتاب مقدس عدالت و رهایی انسان از رنج را حسن (اعمال

رسولان ۱۳: ۳۸-۳۹) و ظلم را زشت و نکوهیده می‌دانند. (رومان ۱۳: ۹) بزرگان مسیحیت نیز به دلیل زشت بودن ظلم، تلاش می‌کنند تا دامن خود را از نسبت ظلم پاک کنند. (دوم قرنتیان ۷: ۲). پولس در نامه اول خود به قرنتیان تصریح می‌کند که دزدان، طمع کاران و ستمگران وارث ملکوت نخواهند شد. (اول قرنتیان ۶: ۱۰) در اندیشه مسیحی ظلم شایسته سرزنش بوده، (اعمال رسولان ۷: ۲۶) پیامدهای ناپسندی برای فرد به بار می‌آورد. و ستمکار نتیجه رفتارش را خواهد دید. ظلم از نظر مسیحیت به اندازه‌ای زشت و نکوهیده است که از بین بردن آن، ارزش آن را دارد که حتی خدا قربانی شود. ارزش محبت به همسایه ارزش دیگری است که یکی از پایه‌های مبارزه با ظلم را شکل می‌دهد. فرمان به محبت، عالی‌ترین میراث مسیح و بالاترین هدیه خداست. عیسی انسان‌ها را به دوست داشتن خدا و ممنوع دعوت کرده است. (یوحنا ۱۵: ۹ و ۱۲) پولس در نامه به غلاطیان می‌نویسد: «تمامی شریعت در یک کلمه کامل می‌شود، یعنی در اینکه همسایه خود را چون خویش محبت نما» (غلاطیان ۵: ۱۴) محور آموزه‌های مسیح، محبت به ممنوع است و محبت مسیحیان به یکدیگر به روشنی می‌تواند عامل پیشگیری از ستم و تحقق عدالت در جامعه باشد. (جورج براتل، ص ۲۰۴) صلح و اشتهی نیز یکی از ارزش‌های مسیحیت است. از نظر مسیحیت عیسی به صلیب رفته تا به واسطه خون خود، دشمنی‌ها را بکشد. (افسیان، ۲: ۱۶) در کتاب مقدس آمد است: «زنهار کسی با کسی به سزای بدی، بدی نکند، بلکه پیوسته با یکدیگر و با جمیع مردم در پی نیکویی بکوشد» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۵). دعوت به صلح زمینه ظلم کردن به فرد و جامعه را می‌خشکاند.

برداشته شدن قوانین شریعت یکی از زمینه‌های حقوقی مبارزه با ظلم را ایجاد کرده است. از دیدگاه مسیحیان قوانین در بسیاری از مواقع نه تنها ظلم را از بین نمی‌بردند بلکه منشا بی‌عدالتی و ظلم می‌شوند. این تصور که فقط با شریعت می‌توان گناه ذاتی را از بین برد سبب می‌شود که دیگران را گنهکار بدانیم و بین خود و آنان دیوار جدایی بکشیم. (افسیان ۲: ۱۳-۱۴) برداشتن شریعت توسط عیسی زمینه مبارزه



با ظلم و ایجاد عدالت اجتماعی را فراهم می‌کند. پولس در نامه به غلاطیان می‌نویسد: «تمامی شریعت در یک کلمه کامل می‌شود، یعنی در اینکه همسایه خود را چون خویشتن محبت نما» (فلاطیان ۵: ۱۴). از نظر مسیحیت انسان‌ها حقوق و تکالیفی دارند. برای انسان حقوقی است که باید برای او محفوظ بماند و همگان مکلف اند از پایمال کردن حقوق او دست بکشند. این بدان معناست که اشخاص مکلف به رعایت حقوق اویند. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۴۸۵) از مهم‌ترین حقوقی که دیگران در مقابل ان مسئولند حق برابری (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۵۲۴) و آزادی (مرقس ۱۰: ۴۲) است. بی تردید این حقوق نابرابری‌هایی را که برخی ظالمان برای خود به عنوان افراد یا گروه‌هایی خاص تعریف کرده‌اند، نامشروع می‌داند. پاپ لئوی سیزدهم در بیانیه‌های اجتماعی خود دولت را مسئول حفظ منافع عمومی و حقوق فقرا و کارگران دانست. (john sniegocki, 2009, p29) در سال ۱۹۶۵ بیانیه‌ای با عنوان بیان آزادی مذهبی توسط شورای واتیکانی دوم صادر کرد. پاپ ژان بیست و سوم نیز در بیانیه «صلح در زمین» می‌نویسد: «در همه جوامع انسانی باید به انسان به مثابه یک شخص نگرست که از خرد و اراده آزاد برخوردار است» (p. pavaan, p261) جایگاه حق برابری و آزادی نقش بنیادین این باور مسیحی برای پیش‌گیری از ظلم‌های اجتماعی و هرگونه محدود کردن زندگی و آزادی مشروع انسان‌ها پی برد.

اهداف مبارزه و رهایی از ظلم

بعد از بیان مبانی مبارزه با ظلم از دیدگاه کلیسای کاتولیک اکنون لازم است بعضی از اهداف مهم کلیسا از تلاش برای مبارزه با ظلم را بیان کنیم. ایجاد امنیت یکی از اهداف مبارزه با ظلم و ظالم است. از دیدگاه مسیحت فقط با محبت است که می‌توان با ظلم و رنج‌ها مبارزه کرد. (اول قرن‌تین ۱۳: ۱-۳) محبت به خدا و هم‌نوع مستلزم توجه به انسان‌ها و رفع مشکلات و غم‌های آنان و به تعبیر دیگر ایجاد امنیت روانی و اجتماعی است. البته در گفتمان کتاب مقدس، هنگامی که به مبارزه با ظالمان فرمان

داده می‌شود، شخص ظالم مورد توجه نیست بلکه هدف، از بین بردن ظلم و بدی‌ها برای نجات انسان‌های ستم‌دیده است. (رومیان ۱۲: ۱۷-۲۱) رساندن جهان به کمال هدف دیگری است که مبارزه با ظلم را معنا دار می‌کند. بنا بر آموزه‌های الهی، خداوند برای این جهان طرحی دارد که به طور کامل آن را محقق نکرده بلکه قصد دارد به کمک انسان آن را محقق کند. (متی ۷: ۲۱) در واقع خواست خداوند به مبارزه با ظلم و پاک شدن زمین از بی‌عدالتی تحقق گرفته است، (متی ۶: ۳۱-۳۴) پس انسان نیز باید به دنبال تحقق همین هدف خداوند باشد تا جهان به کمال و هدف خودش برسد. «زمینه‌سازی برای استقرار حکومت الهی» هدف دیگر مبارزه با ظلم شمرده شده است. مسیحیت به دنبال رسیدن به ملکوت و سلطنت خداست، ملکوت یعنی فرمانروایی الهی بر زمین بعد از بازگشت مسیح. (نیکدل، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷) شرط ورود به ملکوت از دیدگاه کتاب مقدس توبه، نوسازی دورنی و ترک ظلم و ستم است. (متی ۳: ۲) چون ملکوت دو ویژگی اصلی دارد: صلح همگانی و عدالت همگانی. (اشعیا ۲: ۴) بنابراین نمی‌توان با گرایش به ظلم و گناه به وادی صلح و عدالت راه یافت. راه رسیدن به این ملکوت از بین بردن ظلم است. در الهیات اجتماعی، الهی دان افراد و گروه‌های ظالم را سبب به تاخیر افتادن پادشاهی خدا می‌داند و برای دفع اثر کار این افراد و ورود به پادشاهی خدا، حمایت از محرومان و ستم‌دیدگان را ضروری می‌شمرد. (William de witt hyde, 1895, p 254-255)

روش مبارزه و رهایی از ظلم

کلیسای کاتولیک و مسیحیت برای رسیدن به اهداف خود در مبارزه با ظلم از روش‌های اخلاقی با مولفه‌های خاص استفاده می‌کنند. به ترتیب مولفه‌ها را بیان می‌کنیم.

الف: پابندی به دستوره‌های اخلاقی مسیحیت: دستورها بسیاری وجود دارد که عمل به آنها تا حد زیادی می‌تواند در تحقق مبارزه با ظلم تاثیرگذار باشد. احکام مربوط به زنا، طلاق، دروغ، قصاص، حب و بغض و مانند آن در کتاب مقدس ذکر



شده است، (متی: ۲۵-۴۸) که همه این احکام در راستای از بین بردن چهره ظلم و نابرابری در جامعه و تحقق عدالت وضع شده اند. در حقیقت شریعت مسیحی در محبت به دیگران خلاصه می شود که نتیجه آن جلوگیری از ظلم و رعایت حقوق آنان است. (رومیان ۱۳: ۸-۱۰)

ب: کمک توانمندان به ضعیفان: مسیحیان معتقدند بر اساس کتاب مقدس خداوند افزون بر اینکه خود عادل است و به محرومان کمک می کند انتظار دارد مومنان نیز آنچه در توان دارند، برای رسیدگی به محرومان و ضعیفان به کار گیرند. (مزمیر: ۵-۹) کلیسای کاتولیک رسیدگی به فقیران جامعه و توجه اغنیا به مستمندان را از روش های صحیح از بین بردن ظلم و تحقق عدالت می داند. (مفتاح، ص ۶۳۳، بند ۲۴۴۴) کمک ملتهای ثروتمند به ملت های محروم را وظیفه ای در راستای تعلیم مسیحی محبت می داند. در کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک تصریح شده که وظیفه شبانان کلیسا نیست که به طور مستقیم در تنظیم و سازمان دهی زندگی اجتماعی مداخله کنند، بلکه این وظیفه جزئی از مومنان غیر روحانی است که به ابتکار خود با هم وطنانشان عمل کنند. (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۳۳، بند ۲۴۴۲)

ج: تعامل نیکو با حاکمان و ظالمان: با توجه به مبانی و اصول گفته شده، روشن است که روش پذیرفته مسیحیت در برخورد با حاکمان و ظالمان نیز روش محبت است. این روش اقتضا می کند که مسیحیان در برابر حاکمان فرمانبردار باشند و به آنان اعتراض نکنند و در مقابل ظالمان مقاومت نکنند و حتی به دشمنان محبت بورزند. مسیحیت وجود قدرت سیاسی را ضروری و آن را یک جزء جداناپذیر برای حیات اجتماعی می داند. (compendium of the social doctrina of dr church, p393) از نظر مسیحیت کلیسا و ساختارهای سیاسی به سبب غایات متفاوتشان قلمروهای مستقل دارند، اما حاکمیت باید ارزش های اساسی اخلاقی و انسانی را به رسمیت بشناسد. اگر حاکمان به جای رفتار عادلانه، ستمگری را در پیش گیرند، مردم حق

ندارند زبان به اعتراض بگشایند و با آنان مبارزه کنند، بلکه باید با تعامل با آنان بکوشد تا ظلم‌ها را به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز از بین ببرند. این آموزه عهد جدید که حکومت‌ها توسط خدا مستقر و مقامات حکومتی توسط خدا گماشته می‌شوند راه اعتراض و مبارزه با حاکمان ستمگر را بسته است. (یوحنا ۱۸: ۳۶) مسیحیت ظلم را نمی‌پذیرد (اول فرنتیان ۶: ۹) ولی طبق منابع اولیه نباید بر علیه ظالمان ایستاد و با آنها مبارزه کرد. (رومیان ۱۲: ۱۷-۲۱) افزون بر این از آنجایی که راه و روش مسیح، محبت به خداوند و انسان است، حتی به دشمن نیز باید محبت کرد چون در هر صورت از فرزندان خدا هستند. (جان الدر، ۱۳۲۷، ص ۲۴) حتی گروهی از مسیحیان معتقدند پیروان مسیح نمی‌توانند در نیروی نظامی یا ارتش باشند و در جنگ‌ها هم نوعان خود را نابود کنند. (توماس هیل، ۲۰۰۱م، ص ۱۱۹) به رغم تلاش مسیحیت کنونی برای تبیین دیدگاه صلح طلبانه در رویارویی با حاکمان و ظالمان، در منابع اصیل مسیحی از حق اعتراض به ظالمان، ایستادگی در برابر شرارت و از خشونت در شرایط خاص سخن گفته شده (یوحنا ۲: ۱۳-۱۶) و نمونه‌هایی در عهد جدید ذکر شده است. (یوحنا ۱۸: ۱۹-۲۳ و متی ۳: ۱۱-۱۲) نگاهی به تاریخ مسیحیت نیز نشان می‌دهد که اگر چه رویکرد دوری از جنگ و حکومت در میان حواری و آباء وجود داشته و در سه قرن اول کلیسای مسیحی، دیدگاه مسلط بوده اما از یک مقطع تاریخی، با تغییر رویکرد مسیحیت، کلیسا و روحانیون قدرت سیاسی را در دست گرفته‌اند. (گریگوری، ۱۳۸۸، ص ۷۵) از قرن چهارم، ارباب کلیسا با مطرح کردن بحث جنگ و خشونت مقدس، به تئوری‌سازی در این زمینه پرداخته‌اند. (گریگوری، ۱۳۸۸، ص ۷۹) با این وجود کلیسای کاتولیک در دوران معاصر به این باور تمایل نشان می‌دهد که باید از شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای گسترش عدالت اجتماعی در جامعه بهره برد. کلیسا و در راس آن پاپ اعلان می‌کند که جنگ نمی‌تواند وسیله و ابزار مناسبی برای حل مناقشات باشد و امری کاملاً مغایر با اخلاق است. (رابرت ال، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳-۱۷۴)



بررسی الگوی مبارزه با ظلم از دیدگاه الهیات رهایی‌بخش امریکای لاتین از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی در این عصر که نتایج گسترده‌ای به دنبال داشت، الهیات رهایی‌بخش امریکای لاتین است. این الهیات خود را تفسیر صحیحی از گفتمان مسیحیت دانسته است. الهیات رهایی‌بخش انعکاس تجربه فقیران و مبارزه آنان برای رهایی است. بر آنیم که با تبیین الگوی حرکت الهیات رهایی‌بخش در مقابله با ظلم، زمینه مقایسه علمی با الگوی مبارزه با ظلم کلیسای کاتولیک فراهم شود.

مولفه‌های شکل دهی الهیات رهایی‌بخش

اصلی‌ترین عنصر در الهیات رهایی‌بخش فقر است. الهی دانان رهایی‌بخش معتقدند الهیات زمینه‌مند است و زمینه آن، فقر مسیحیان است که باید تلاشی الهیاتی برای رهایی آنان انجام شود. به عبارتی الهیات جهان شمول بی معناست و آن دسته از مکاتب الهیاتی که به طور یکسان از بالا بر جوامع مختلف تحمیل می‌شوند، پذیرفته نیستند. (franz j, 1997, p30) الهیات هر منطقه باید متناسب با زمینه‌های اجتماعی همان سرزمین تدارک دیده شود. (استنلی جی، ص ۳۲۷) گوتیزر گوید: «ما نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن روند تاریخی رهایی، از خدا سخن بگوییم» (Gustavo Gutierrez, 1988, p186) او زمینه الهیات رهایی‌بخش را فقیران، مشکلات آنان و ستم‌های روا داشته شده در جوامع عقب مانده در امریکای لاتین می‌داند. بنابراین مجموعه الهیات و رسالت مسیحی باید از پایین و با رنج‌ها و دردهای تهنی‌دستان آغاز شود. (آلیستر مک گراث، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۹۶) الهی دانان فقر مردم این مناطق، ناشی از ظلمی می‌دانند که به گونه‌ای فراگیر توسط «وابستگی خارجی» و «خشونت نهادینه شده داخلی» بر این مردم سایه افکنده است. (استنلی جی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۸) متالهان رهایی‌بخش با تقسیم گناهان به فردی و اجتماعی، گناه ساختاری را مطرح و با تاکید بر جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی رستگاری، آموزه نجات را به

رهایی از این وضعیت تفسیر کرده اند. (آلیستر مک گراث، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۹۸) یکی دیگر از مولفه‌های الهیات رهایی‌بخش ابتدا بر دین مسیحیت است. الهی دانان رهای بخش خود را خارج از مسیحیان ندانسته‌اند و هدف خود تفسیر مبارزه از راه تفسیر درست از آموزه‌های مسیح می‌دانند. آنها معتقدند که خدا در مبارزه فقیران حضور دارد و در این حضور، به طور مطلق از فقیران جانب داری می‌کند. (clodivis boff, 2000, p55) کتاب مقدس در این دیدگاه، مکاشفه الهی را به گذشته‌های دور محدود نمی‌کند بلکه با حمایت خدا از فقیران آشکار می‌شود که عملکرد تاریخی خدا و مکاشفه او همچنان ادامه دارد. (clodivis boff, 2000, p32) در الهیات رهایی‌بخش، کتاب مقدس به مثابه روایت رهایی‌خوانده می‌شود. در این نوع خوانش، تنها به موضوعاتی همچون رهایی بنی اسرائیل از اسارت مصریان، اهمیت داده می‌شود. به همین دلیل به تفسیر خاصی از کتاب مقدس گرایش پیدا کردند که تفسیر مارکسیستی کتاب مقدس است. (clodivis boff, 2000, 37) با تقریباً همه متالهان رهایی‌بخش برای تبیین شرایط خاص آمریکای لاتین و فقر حاکم بر آن و مهم‌تر از آن، در ارائه راه حل‌های رفع مشکلات، از تحلیل اجتماعی و راهکارهای مارکسیسم استفاده می‌کنند. این متالهان معتقدند که تحلیل مارکس، علل بی‌عدالتی و فقر شدید آمریکای لاتین را آشکار می‌سازد. (gustavo Gutierrez, 1988, p19) یکی دیگر از مولفه‌های الهیات رهایی‌بخش، ضرورت مبارزه سخت با روش صحیح می‌باشد. آنها می‌کوشند با تاکید بر عنصر مبارزه و معرفی آنها به مسیحیان و همچنین یاری گرفتن از مکاتب موفق مبارزه و تلفیق آنها با دین مسیحی، گامی برای مشکلات مسیحیان ستمدیده آمریکای لاتین بردارند. با وجود آنکه بزرگان الهیات رهایی‌بخش در تلاش بودند تا رسالت مسیحی خود برای از بین بردن ظلم و رفع مشکلات را از راه‌های مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دنبال کنند وقتی با واکنش‌های نظامی حاکمان برای جلوگیری از فعالیت‌های رهایی‌بخشی روبه‌رو شدند، تنها راه باقی مانده برای



استیفای حقوق خود را مبارزه سخت و به کارگیری خشونت علیه ظالمان دیدند. (استنلی جی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۷-۳۳۸)

مبانی مبارزه با ظلم

الگوی مبارزه الهیات رهایی‌بخش مبتنی بر یکسری مبانی خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش و حقوقی شکل گرفته است. ما سعی می‌کنیم نسبت بین این مبانی و مبارزه علیه ظلم را بیان کنیم.

مبانی خداشناسی: الهیات رهایی‌بخش به خدای مسیحیت اقرار داشته و با معرفی خدا به عنوان خدای حیات، موضوع عیسی، گناه، نجات و ملکوت را مطرح می‌کند. فقر را حاصل خدای ممت و خدایان کاذبی می‌داند که جامعه و ساختار اقتصادی و سیاسی امریکای لاتین را به نام مسیحیت و تمدن غربی در چنگ گرفته‌اند. (خوان خوزه ماداریگا، ۱۳۶۷، ص ۸۳) خدای حیات به دنبال حیات و رهایی بخشی است، همان‌گونه که بنی اسرائیل را از یوغ ظلم و ستم فرعون رها کند. (Gustavo Gutierrez, 1988, p.51) آنان عیسی را نیز در همین قالب معرفی کرده و او را به عنوان آزاد کننده، آشتی دهنده و زنده کننده رهایی‌بخش تصویر می‌کنند. (denis carroll, P.55) گناه و نجات و ملکوت نیز با همین رویکرد خاص تفسیر می‌شود. گناه به عنوان یک امری که آثار اجتماعی دارد تاکید می‌شود، گناه امری صرفاً شخصی نیست بلکه حقیقتی تاریخی و اجتماعی و فقدان عشق و اخوت در روابط انسانی است. (colodivis bof, 2000, p.55) همچنین با تاکید بر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، آموزه نجات را به رهایی همه جانبه از وضعیت فقر و ظلم تفسیر می‌کنند (آلیستر مک گراث، ص ۱۹۸) و معتقدند که عیسی، پسر خدا ظلم را پذیرفت تا ما را از ظلم آزاد کند. (coldivis boff, 2000, p.53) ملکوت الهی را یک امری در آینده نمی‌بینند بلکه ملکوت خدا از هم اکنون در این عالم آغاز شده و در نهایت به

رهایی کامل مخلوقات خواهد انجامید. (ibid, p.52)

مبانی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی: الهیات رهایی‌بخش مخالفی با گستره فرامادی جهان ندارد. اما بیش از آنکه بر وجود جهانی فرامادی تاکید کند و مسیحیان را برای کسب سعادت در آن جهان تشویق کند، بر تلاش آنان برای رسیدن به ملکوت این جهانی خدا و به دست آوردن سعادت دنیوی تاکید می‌کند. از دیدگاه رهایی‌بخش، کلیسای عیسی مسیح وظیفه دارد ملکوت خدا را در طول تاریخ گسترش دهد و با تلاش برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، گامهای عملی برای نزدیک شدن به کمال غایی این ملکوت بردارد. (استنی جی، ص ۳۳۷) در واقع بیشترین تاکید این الهیات بر پادشاهی خدا در همین جا و هم اکنون است. (Richard t, p 254-255) در مساله انسان‌شناسی الهیات رهایی‌بخش الهی بودن انسان را پذیرفته است و بر صورت الهی انسان تاکید دارد و به همین دلیل هر گونه ستمی علیه انسان را ناموجه می‌داند. (Gustavo gutierrez, 1988, p195) رهایی‌بخش بدنبال بازگرداندن کرامت به انسان‌هایی است که اصل انسانیت آنها زیر سوال است. (همایون همتی، معرفت ادیان، ص ۱۳۴) این الهیات انسان را معبد و هیکل خدا می‌داند. (Gustavo gutierrez, 1988. p110) از طرف دیگر انسان را به عنوان همکار خدا پذیرفته است و معتقد است که خدا می‌خواهد به کمک انسان، ملکوت و سلطنت خود بر زمین را محقق کند. (clodivis boff.2000. P52)

مبانی ارزشی و حقوقی: دانان رهایی‌بخش بر حسن عدل و قبح ظلم تاکید می‌کنند. ارزش محبت به همسایه نیز از آشکارترین مبانی الهیات رهایی‌بخش است. با توجه به ارزش داشتن عدالت و ضد ارزش بودن ظلم و نیز توجه به ارزش محبت همسایه (متی ۲۵: ۳۱-۴۶)، پیروان این جریان تصمیم گرفتند برای نشان دادن محبت به هم‌نوعان ستم‌دیده‌شان و تحقق عدالت برای آنان و از بین بردن ظلم بپا خیزند. بزرگان رهایی‌بخش هیچ‌گاه ارزش صلح را انکار نکرده‌اند، بلکه در تلاش بودند تا رسالت مسیحی خود برای از بین بردن ظلم و رفع مشکلات را از راه‌های مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دنبال کنند. (آلیستر مگ گراث، ج ۱، ص ۱۹۶) البته هنگامی که جنگ



زمینه رفع ظلم از زندگی انسان‌های محروم و ستمدیده را فراهم کند خود ارزش است. (Gustavo Gutierrez 1988, p28) در مساله حقوقی، الهیات رهایی‌بخش معتقد به حق آزادی و برابری برای انسان‌ها است و خواستار از بین رفتن هرگونه تبعیض نژاد و طبقات ظالمانه اجتماعی و اقتصادی است. بر همین اساس، رهایی بخشی را وظیفه اجتماعی و دینی خود می‌دانستند. (codivis boff, 2000, p49) بر مبنای حقوقی حق و تکلیف تاکید بیشتری شده است. با توجه به این مبنا آزادی از چنگال فقر، استبداد و استعمار را حق همه مردم آمریکای لاتین می‌دانند و با احساس تکلیفی که از نظر آنان بر عهده همه مسیحیان گذاشته شده، برای آزادی و برابری مردم این منطقه بپا خواستند و فراخوان عمومی داده‌اند.

اهداف مبارزه با ظلم

الهیات رهایی‌بخش برای از بین بردن ظلم اهدافی را بیان کرده است. یکی از آن اهداف «ایجاد امنیت» است. مسیحیان باید پیرو عیسی و مسیحیت حقیقی برای رهایی انسان از ظلم، برای حمایت از فقیران و ایجاد امنیت برای آنان تلاش کنند. (clodivis boff, 2000, P7) در حقیقت ایمان شامل عمل رهایی‌بخش می‌باشد. نجات و امنیت، در حقیقت نتیجه عملکرد مشترک بین انسان و خدا در تاریخ و سبب انسانی شدن همه روابط می‌شود، بنابراین تلاش برای از بین بردن نظام‌های اجتماعی ناعادلانه و ایجاد امنیت را، ملاقات با خدا می‌دانند. (gustao gutierrez. 1988. P34) «رساندن جهان به کمال» هدف دیگر الهیات رهایی‌بخش است. خدا می‌خواهد عدالت را در زمین محقق کند و بر ما لازم است فرمانبر امر خدا و خواست او بوده و برای اجرای طرح او تلاش کنیم. انسان‌ها باید بر اساس نقشه خدا، نظام‌های اجتماعی ناعادلانه‌ای را که به آنها ستم کرده، آنها را استثمار و از خود بیگانه می‌کنند، از میان بردارند. (lodivis boff 2000, p7) در نتیجه مومنان مسیحی باید با حمایت و تشویق مردم در تلاش برای رفع ظلم، برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه برای نزدیک شدن به کمال غایی

جامعه مسیحی گام بردارند. (استنلی جر، ص ۳۳۷) «تحقق ملکوت خدا» نیز از اهداف مبارزه با ظلم در الهیات رهایی بخش است. با این بیان که ماموریت کلیسا در آمریکای لاتین، دگرگون ساختن جامعه در جهت برقراری ملکوت خداست. (استنلی جی، ص ۳۳۷) اگر چه خود خدا در پایان جهان، ملکوتش را برپا می کند و در این ملکوت، رهایی کامل تحقق می یابد، اما با این حال، کلیسای عیسی مسیح وظیفه دارد که ملکوت خدا را در طول تاریخ گسترش دهد و با تلاش برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، گام‌های عملی برای نزدیک شدن به کمال غایی این ملکوت بردارد. (همان)

روش‌های مبارزه با ظلم

الهیات رهایی بخش برای از بین بردن ظلم و مبارزه با ظالمان از روش‌های متفاوتی استفاده می کند. « دست گیری و کمک به فقیران» یکی از روش‌ها است. از مهم ترین باورهای الهیات رهایی بخش این است که خدا در کنار فقیران و ستمدیدگان جامعه است. (Ronald H, 1984, p156) اگر خدا در کنار فقیران است، بی تردید به دستگیری از آنان فرمان خواهد داد نتیجه اینکه باید به کمک آنان شتافت و برایشان کاری کرد. در رهایی بخش ستمدیدگان گرد هم می آیند تا با درک وضعیت خود و کشف اسباب ظلم و نظام بخشیدن به حرکت‌ها و جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی خود، با یک الگوی هماهنگ به فعالیت برای اصلاح وضع موجودشان بپردازند. آنان ابتدا به این باور می‌رسند که می‌توانند شرایط را تغییر بدهند و در گام بعد با تفسیر درست از وضعیت جامعه خود، برای ساخت جامعه‌ای بهتر، کارهای لازم را انجام دهند. (ibid, p5) یکی دیگر از روش‌ها «مبارزه و همکاری نکردن با ظالمان و حاکمان ستمگر» می باشد. جوهر برنامه‌های الهیات رهایی بخش، اصلاحات ریشه‌ای از راه مبارزه با ظالمان است. نخستین اعتراض‌ها نه از باب درگیری سخت، بلکه برای از بین بردن ظلم از راه اعتراض‌های آشکار اجتماعی و به طور مسالمت آمیز دنبال شد. این روش وقتی تغییر کرد که در برابر جنبش فقیران در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین واکنش‌هایی از سوی دیکتاتورهای نظامی در قالب گسترش نظام‌های امیت ملی و



سرکوب حرکت‌های اجتماعی نشان داده شد. (aIbid, p6) به کارگیری خشونت از نظر رهایی بخش، با آموزه‌های مسیحیت ناسازگار نیست. «استفاده از مکتب مادی مارکسیسم» را می‌توان به عنوان استفاده روشی نام برد. روش الهیات رهایی بخش برای از بین بردن ظلم و تحقق عدالت در جامعه، همان روشی است که مارکسیسم ارائه کرده است. (Gustavo gutierrez, 1988. p 19) تقریباً همه متالهان رهایی بخش برای تحلیل علل بی عدالتی و فقر از تحلیل مارکس استفاده کرده‌اند. (Ronald h, 1984, p157) آنها استفاده از این روش برای مبارزه با ظلم را لزوماً به معنای موافقت با جهان بینی مادی و الحادی نمی‌دانند. بلکه از این روش را فقط برای تحلیل اجتماعی و برنامه ریزی برای تغییر اجتماع استفاده می‌کنند. (آلیستر مک گراث، ۳۸۴، ص ۳۳۵)

مقایسه الگوی مبارزه با ظلم الهیات رهایی بخش با الگوی مسیحی

الف: مقایسه مبانی

مبانی خداشناسی: هر چند کلیسای کاتولیک در مبانی خداشناسی با پذیرش توحید به عنوان سرچشمه مبارزه با بدی‌ها و ظلم، خدا را الگوی انسان معرفی کرده و محبت به خدا را مستلزم محبت به انسان‌ها می‌داند، اما تاکید بر خدای حیات و رهایی بودن، با تفسیر خاص رهایی به معنای رهایی همه جانبه، در الگوی کاتولیکی به چشم نمی‌خورد. تفاوت اساسی الگوی الهیات رهایی بخش با الگوی کاتولیکی در نوع نگاهشان به الهیات است. الهیات رهایی بخش، الهیات زمینه‌مند و از پایین به بالاست. گوتیرز، از بزرگان الهیات رهایی بخش، می‌گوید: «ما نمی‌توانیم بدن در نظر گرفتن روند تاریخی رهایی، از خدا سخن بگوییم». (Ibid, p110) در نقطه مقابل نگرش الهیاتی کاتولیک قرار دارد که الهیات از بالا به پایین را می‌آموزد. دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک در مباحث الهیاتی، جهان‌شمول بودن الهیات برای همه جوامع مسیحی بود. به همین علت رهایی بخش می‌گفت: «معنا ندارد الهیاتی منزله از اوضاع اجتماعی یک جامعه بر مردم آن تحمیل شود» و منتقدان الهیات رهایی بخش

معتقدند، این الهیات با فروکاستن رستگاری تا حد موضوعی کاملاً این جهانی، ابعاد متعالی و ابدی آن را نادیده گرفته اند. (آلیستر مک گراث، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۹۸)

مبانی جهان‌شناسی: در الهیات رهایی‌بخش، مخالفت آشکاری با مبنای جهان شناختی الگوی مسیحی و پذیرش گستره فرامادی جهان دیده نمی‌شود، اما از آنجا که این الهیات بر نجات فقیران از راه مبارزه با ظالمان و خشکاندن ریشه‌های ظلم متمرکز شده است، پیش از تاکید بر رسیدن سعادت عالم پس از مرگ، بر توجه به وضعیت کنونی و تلاش برای رسیدن به نجات دنیوی تاکید می‌کند.

مبانی انسان‌شناسی: مبانی انسان‌شناختی الهیات رهایی‌بخش تفاوتی با الگوی مسیحی ندارد، مانند: صورت الهی داشتن انسان، پذیرش هیکل و همکار خدا بودن انسان، کرامت داشتن انسان و دو ساحتی بودن انسان. اما الهیات رهایی‌بخش با تفسیر خاصی که از «گناه الوده بودن ذات انسان» دارد یکی از مبانی مبارزاتی خود را شکل می‌دهند. رهایی‌بخش با مطرح کردن گناه ساختاری و مهم‌تر بودن گناه اجتماعی، آموزه نجات و رستگاری را به رهایی از این وضعیت تفسیر می‌کند. در این اعتقاد عیسی مسیح ظلم را پذیرفت تا انسان‌ها را از ظلم رها سازد و بنابراین مسیحیان برای از بین بردن ظلم باید تلاش کنند. پس هر چند رهایی کامل در ملکوت خدا، در پایان جهان اتفاق می‌افتد، اما مسیحیان باید با عمل خود در مسیر از بین بردن ظلم، برای رهایی کامل زمینه‌سازی کنند.

مبانی ارزشی: در مبانی ارزشی نیز الهیات رهایی‌بخش همسو با الهیات رایج کاتولیک است. هر دو الهیات عدالت، مبت به همسایه، صلح را دارای ارزش و ظلم را ضد ارزش می‌دانند و در تلاشند تا رسالت مسیحی خود برای از بین بردن ظلم و رفع مشکلات را از راه‌های مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دنبال کنند، با این تفاوت که در الهیات رهایی‌بخش گاهی تمسک به خشونت و جنگ برای نابودی ظلم و برقرار کردن عدالت ارزش و قداست محسوب می‌شود و از نظر آنان ظلم از راه‌های



مسالمت‌آمیز اگر برطرف نشود، لازم است برای گرفتن حقوق مظلومان از مبارزه سخت و خشونت استفاده کرد. (استنلی جی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۷-۳۳۸)

مبانی حقوقی: در مبانی حقوقی نیز الهیات رهایی‌بخش بسیاری از آموزه‌های کلیسای کاتولیک را می‌پذیرد. برابری، آزادی و حق و تکلیف و عدم وجود قوانین شریعت در مسیحیت، البته با این تفاوت که الهی دانان رهایی‌بخش به گونه‌ای درباه تکلیف حمایت از فقیران و مبارزه با ظلم سخن می‌گویند که به نظر می‌رسد این تکلیف را همچون قانون شرعی برای خود الزام‌آور می‌دانند. این نگاه با تاکید کلیسای کاتولیک بر برداشته شدن قوانین شریعت و محدود کردن دستورهای دینی به توصیه‌های صرفاً اخلاقی سازگاری کامل ندارد.

ب: مقایسه اهداف

ایجاد امنیت و رساندن جهان به کمال و زمینه‌سازی برای تحقق ملکوت خدا که از اهداف مبارزه با ظلم در الگوی کاتولیکی بود، در الهیات رهایی‌بخش نیز پذیرفته شده است. اما هدف سوم در الهیات رهایی‌بخش کمی متفاوت است. در کاتولیک این اعتقاد وجود دارد که ملکوت خدا تنها با ظهور دوباره مسیح و بازگشت او به زمین محقق خواهد شد و مسیحیان فقط با توبه، ایمان و ترک ظلم می‌توانند برای ورود به آن زمینه‌سازی کنند. (متی ۳: ۲) از نظر کاتولیک‌ها مبارزه با ظلم و تحقق عدالت تنها به دست مسیح انجام می‌گیرد. (اشعیا ۲: ۴) اما در الهیات رهایی‌بخش، غیر از توبه و ایمان، اقدام دیگری برای زمینه‌سازی ملکوت خدا لازم است. ملکوت با کمک مسیحیان و تلاش آنان برای از بین بردن ظلم، روی خواهد داد. در نتیجه مسیحیان نباید منتظر باشند تا مسیح بازگردد بلکه خود باید دست به کار شوند و باور داشته باشند که می‌توانند ملکوت را محقق سازند. (clodvis boff, 2000, p52)

بزرگان رهایی‌بخش تصریح می‌کنند که «ملکوت، طرح خدا در تاریخ و ابدیت است» (clodvis boff, 2000, p52) بنابراین نمی‌توان نجات را بعدی صرفاً فردی و

شخصی یافت. هر فرد مسیحی، تنها زمانی به نجات دست خواهد یافت که خدا را در اجتماع در حال تلاش برای از بین بردن ریشه‌های ناعدالتی‌های اجتماعی ملاقات کند. (Richard h, 1889, p 254-255)

ج: مقایسه روش

روش کاتولیک برای مبارزه با ظلم مشتمل بر پابندی به دستورات اخلاقی، کمک توانمندان به ضعیفان، رفتار نیکو با حاکمان و ظالمان و در نهایت فسادزدایی مسالمت‌آمیز و بدون جنگ است. اما الهیات رهایی‌بخش روش دیگری را در پیش گرفته است. الهیات رهایی‌بخش اگر چه دست‌گیری از فقیران و کمک به آنها را لازم دانسته اما هرگز نمی‌پذیرد که برای تحقق عدالت اجتماعی، باید دین را از سیاست جدا کرد و با حاکمان و ظالمان همکاری نمود. البته با مبارزه مسالمت‌آمیز مخالف نیست ولی روش مبارزه را خلاصه در این نوع نمی‌کنند. بلکه روش خشونت را در صورت نیاز تجویز می‌کنند. (استنلی جی، ص ۳۳۷-۳۳۸) جنگ و مبارزه سخت با مظاهر فساد، در حالی به محوری‌ترین ویژگی رهایی‌بخش تبدیل شده که از نظر کلیسا مغایر با اخلاق شمرده می‌شود. (W.H.peters, p279) الهیات رهایی‌بخش استفاده از رویکرد مارکسیستی برای تحلیل فقر و از بین بردن آن را ضروری می‌داند در حالیکه کلیسای کاتولیک اساساً این مکتب را کفرآمیز دانسته و تمسک به آن را جایز نمی‌داند. رهایی‌بخش به گونه‌ای انحصاری به مساله فقر تاکید می‌کند، اما از نظر کلیسای کاتولیک این تاکید انحصاری در کتاب مقدس وجود ندارد. کلیسا بر خلاف الهیات رهایی‌بخش جانب‌داری مطلق خداوند از فقیران را بی‌عدالتی می‌داند.



د: موضع کلیسا

مهم‌ترین نقد واتیکان به الهیات رهایی‌بخش، روش آن برای مبارزه و رسیدن به رهایی است. معتقد است که پیروی از تفکر مارکسیستی و رویکرد تضاد طبقاتی و لزوم مبارزه با آن فلسفه مسیحیت را زیر سوال خواهد برد. زیرا مسیحیت مردم را به صلح دعوت می‌کند ولی الهیات رهایی مردم را به تنفر از همدیگر دعوت می‌کند. نقد دیگر، رویکرد سیاسی این الهیات است، کلیسا معتقد است که برای حفظ خود باید از دولت فاصله بگیرد و در امور سیاسی دخالت نکند اما الهی دانان رهایی‌بخش معتقدند که به مسیحیت راستین عمل می‌کنند. (محمد مددپور، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹)

نتیجه‌گیری

بر اساس الگویی که با استخراج مبانی، اهداف و روش‌های موجود در مسیحیت کنونی برای مبارزه با ظلم و تحقق رهایی از بی‌عدالتی ترسیم می‌شود، مسیحیت در صدد است تا با صلح حداکثری و حتی با اطاعت مطلق از حاکمان و نایستادن در برابر ظالمان، بدون جنگ و اقدام‌های سخت، ظلم را ریشه کن کند و زمینه عدالت را فراهم کند و در این راستا اصل محبت و خیر مشترک و همبستگی را اجرا می‌کند. کلیسای کاتولیک مرجع قوانین مربوط به مبارزه و تحقق رهایی را خدا می‌داند. معتقد است اگر طبقات مردم با دوستی و احساس نیک به هم پیوند بخورند و درک کنند که همه انسان همه فرزندان یک پدر هستند و این محبت خواست خداست، ظلم ریشه کن می‌شود. در مقابل الهیات رهایی‌بخش امریکای لاتین، حاصل تجربه‌های تلخ استبداد و استعمار بزرگ در این منطقه بود. با گفتمانی خاص در عرصه مسیحیت ظهور کرد و با محور دانستن فقر، ضرورت ابتدا بر مسیحت و مبارزه سخت با ظالمان راه چاره را استفاده از مارکسیم به عنوان علم مبارزه دانست و تکلیف دینی خود را حمایت از ستمدیدگان معرفی کرد. آنها بدون مخالفت با آموزه‌های کلیسا، اقدام‌های رهایی‌بخش خود را سازمان دهی می‌کنند. اما با وجود

نزدیکی میان دو الگو اختلافات چشمگیری به ویژه در روش های این دو الگو وجود دارد. رهبران نهضت های رهایی بخش، الهیات را زمینه مند خوانده و با تاکید بر استفاده از روش مکاتب مادی رویکرد مارکسیستی را وارد الهیات خود کردند، در نتیجه با تاسیس رویکرد جدید الهیاتی، روش استفاده از خشونت را به جای تعامل به کار گرفتند.

فهرست منابع

فارسی

۱. کتاب مقدس، انتشارات ایلام، لندن، ۲۰۰۲م.
۲. استید، کریتوفر، فلسفه در مسیحیت باستان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۰.
۳. الدر، جان، راه اصلاحات اجتماعی، ترجمه سهیل اذری، نور جهان، تهران، ۱۳۲۷.
۴. بوش، ریچارد، جهان مذهبی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
۵. برانتل، جورج، آیین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱.
۶. تعالیم کلیسای کاتولیک، ترجمه احمد رضا مفتاح و دیگران، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۳.
۷. پیترز، اف، نی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴.
۸. پی یتز، آندره، مارکس و مارکسیسم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۸.
۹. رایشبرگ، گریگوری، قواعد جنگ در مذهب کاتولیک، ترجمه عبدالرحیم گواهی، غلامرضا اعوانی، آرامش و دوستی در ادیان ابراهیمی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۸.
۱۰. علی خانی، اسماعیل، الهیات اجتماعی مسیحیت، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۹۷.



۱۱. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب از هراکلیت تا هابز، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۱.
۱۲. گرنز، استنلی جی، راجرای. اولسن، الیهات مسیحی در قرن بیستم، ترجمه روبرت آسریان، میشل آقامالیان، کتاب روشن، تهران، ۱۳۸۶.
۱۳. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۴. گابریل، اینگبرگ، عدل از دیدگاه مسیحیت، نقد و نظر، سال سوم، ش ۲-۳، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
۱۵. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسوریان، فرزانه روز، تهران، ۱۳۸۰.
۱۶. لوی، میشل، الهیات رهایی بخش مارکسیسم، ترجمه احسان کریمخانی، فصلنامه سیاست، ش ۸، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۴.
۱۷. مدد پور، محمد، کلیسای مسیح در ادوار تاریخی، پرسش، ابادان، ۱۳۸۴.
۱۸. مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴.
۱۹. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷.
۲۰. ماداریگا، خوان خوزه، الهیات رهایی بخش، کلیاتی درباره الهیات رهایی بخش، ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی، موسسه بین المللی کتاب، تهران، ۱۳۶۷.
۲۱. نیک دل، محمد جواد، بررسی تطبیقی اندیشه ملکوت خدا در ادیان ابراهیمی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۱.
۲۲. وان وورست، رابرت ای، مسیحیت از لابه لای متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۳.
۲۳. همتی، همایون، تاریخچه و تبیین ساختار الهیات سیاسی و رهایی بخش، معرفت ادیان، سال پنجم، ش ۴، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۳۹۳.
۲۴. هیل، توماس، استیفان تورسون، تفسیر کاربردی عهد جدید، ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خندانی، تست منت کامناری، لندن، ۲۰۰۱ م.

25. Boff, clodivis& Leonardo boff, introducing liberation THEOLOGY, burns& oates, London, 2000.
26. Brown, Robert McAfee, gustvo gutierres, An introduction liberation theology, Maryknoll, New York, orbis, 1990.
27. Compendium of the social doctrine of the church, <http://www.vatican.va>.
28. Dewitt hyde, William, outlines of social theology, macmillan, New York, 1895.
29. Gutierrez, Gustavo, the power of the poor in history, trans. Robert r. barr, maryknoll, orbis, New York, 1983.
30. -----, the theology of liberation trans. And ed. Sister caridad inda and john eagleson, Maryknoll, orbis, new york, 1988.
31. Hinkelammert, franz j, liberacion theology in the economic and social contex of latin America, liberacion theologia, postmodernity, and the anericas, routledge, London, 1997.
32. Nash, Ronald H, liberacion theology, mott media, Michigan, 1984.
33. Sniegochi, john, catholic social teaching and economic globalization: the quest for alternative, m ilwaukee, Marquette university press, Wisconsin,2009..





افق ها، اهداف و رویکردهای مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین

خسرو آرام^۱

دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه همدان، دبیر مجمع نخبگان دانشگاهی - حوزوی استان مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی، شروع دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو واداشت. موتور پیشران انقلاب ایران ایدئولوژی اسلامی بوده که هدف آن رهایی از وابستگی، استقلال و به چالش گرفتن نظام سلطه بوده است. به موازت انقلاب اسلامی، جنبش هایی نظیر انقلاب بولیواری به ویژه در ونزوئلا شکل گرفت که موتور پیشران آن سوسیالیسم و ناسیونالیسم بوده است. هدف و رویکرد جنبش های انقلابی در آمریکا لاتین، رهایی از وابستگی، نیل به استقلال و سرانجام به چالش گرفتن نظام سلطه و در راس همه آنها به چالش گرفتن و به افول رساندن قدرت ایالات متحده آمریکا بوده است. با عنایت به موضوع، هدف و دغدغه پژوهش حاضر، تشریح افق ها، اهداف و رویکردهای مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین می باشد. تحلیل داده ها و یافته های پژوهش نشان

داده‌اند که: انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین در افق ها و اهداف و رویکردها دارای اشتراکاتی بوده که این اشتراکات را می توان در مقوله هایی چون: هویت انقلابی، عدالت جویی، رهایی از وابستگی، استقلال و در نتیجه به چالش گرفتن نظام سلطه و هژمون بررسی نمود. لازم به ذکر است که نوع پژوهش بر اساس هدف: کاربردی است. از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی- تحلیلی می باشد. روش گردآوری داده ها و اطلاعات در این پژوهش، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است. پژوهش حاضر از منظر تئوریک، از الگوی نظری سازه انگاری بهره برده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، انقلاب های آمریکای لاتین، ایدئولوژی، نظام سلطه، استقلال.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ منجر به پیدایش یک نظام سیاسی با هویتی مستقل و جدید در نظام بین الملل با نام جمهوری اسلامی ایران شد. هویتی که مهم ترین مبانی معنایی قوام دهنده به آن، هنجارهای موجود در فرهنگ مذهبی- اسلامی با تاکید بر عنصر شیعی بوده است و منجر به تکوین نوعی هویت انقلابی- اسلامی برای این کشور در صحنه نظام بین الملل شده است. این انقلاب ایران را از مدار وابستگی خارج کرد و با استقلال موجد نظم تازه ای با انگاره ای دینی و اسلامی گردید. در همین راستا در سال های اخیر گسترش موج دولت های مستقل در آمریکای لاتین با هویت انقلابی که نظام های سیاسی دیگر کشورها را در بر می گرفت و با شیوه های اصلاح گرایانه و کسب قدرت از طریق مشارکت دموکراتیک راه را برای توده های فقیر باز کرد و حکومت های بومی با

رویکرد انقلابی چون اوه مورالس در بولیوی، دانیل اورتگاه در نیکاراگوئه، رافائل کوره آدر اکوادور، فیدل کاسترو در کوبا و هوگو چاوز در ونزوئلا به وجود آورد و الگوی سوسیال دموکراتیک جدیدی را با رویکرد استقلال طلبانه، عدالت خواهانه، ضد سلطه و هژمون بر مبنای اتحاد بولیواری برای ملت های آمریکای لاتین گردید. روابط جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب با دولت های آمریکای لاتین در راستای مقابله با تحریم های اقتصادی آمریکا و جستجو برای منابع جایگزین و تامین کالا های ضروری بود. در نتیجه بخشی از طرح تنوع تجاری ایران با کشور های آمریکای لاتین به منظور بهره برداری از منابع عمده واردات ایران از این منطقه بوده است.

به رغم همه تلاش هایی که از سوی پژوهش گران حوزه روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای حول موضوعات انقلاب اسلامی و انقلاب بولیواری به عمل آمده است، اما به نظر می رسد که جای پژوهشی که خواسته باشد، افق ها، اهداف و رویکرد های مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. لذا دغدغه و هدف مقاله حاضر آن است که ضمن تشریح الگوی نظری پژوهش در الگوی سازه انگاری، ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی و انقلاب بولیواری را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موضوع و اهداف پژوهش حاضر عهده دار پاسخ به این پرسش است که: انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین از منظر افق ها، اهداف و رویکرد ها دارای چه اشتراکاتی بوده اند؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش ها مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد، بر اساس متغیر های مستقل و وابسته تنظیم شده اند. در این مقاله و با عنایت به موضوع، انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای متغیر مستقل و افق ها، اهداف و رویکرد این انقلاب ها متغیر وابسته و تبیین شونده محسوب می شوند. بر اساس متغیر های مستقل و وابسته فرضیه مقاله را می توان در قالب گزاره ی ذیل تبیین نمود و آن اینکه: انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین در افق ها و اهداف و



رویکرد ها دارای اشتراکاتی چون: هویت انقلابی، عدالت جویی، رهایی از وابستگی، استقلال و در نتیجه به چالش گرفتن نظام سلطه و هژمون بوده اند.

چارچوب نظری مقاله حاضر را می توان بر اساس الگوی نظری سازه انگاری تبیین نمود. چنین الگو و رهیافتی توسط نظریه پردازانی چون: الکساندر ونت، جان راگی، پتر کانزشتاین و امانوئل آدلر تئوریزه شده اند. بنابراین در این مقاله تلاش بر آن است که تا از قالب های تحلیلی و ادراکی این نظریه پردازان برای پشتوانه تئوریک در تبیین و تشریح داده ها و تبیین محتوا تحقیق استفاده شود.

(۱) روش تحقیق

نوع پژوهش بر اساس هدف: کاربردی است. از حیث نتیجه گیری: کاربردی- توسعه ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی- تحلیلی می باشد. روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های مجازی و اینترنتی انجام شده است.

(۲) سازه انگاری: الگوی برای فهم چارچوب تئوریک پژوهش

برای فهم افق ها، اهداف و رویکرد های مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین می توان از رویکرد های نظری مختلفی با توجه به ملاحظات و اولویت های مورد نظر نویسندگان و همچنین استناد به برخی واقعیت ها و نشانه های ملی و بین المللی بهره گرفت. (نیاکوئی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲) با این حال در این مقاله مبنای نظری فهم چنین بازتابی را برداشتی سازه انگارانه از مقتضیات، ویژگی ها و ادراکات طرفین از هویت ملی و ساختار های بین المللی قلمداد می کند. اثبات این مدعا نیازمند تاکید بر عناصر مقوم و موثر بر توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور های حوزه آمریکای لاتین در چند دهه اخیر است. بدین منظور پیش از ورود به مباحث اصلی لازم است پایه های نظری بحث به دقت ترسیم شود.

یکی از نظریه های مهم در دهه اخیر در روابط بین الملل سازه انگاری یا بر سازنده گرایی^۱ یا (تکوین گرایی اجتماعی)^۲ است که فهم نوینی از روابط بین الملل در بعد محتوایی ن ارائه می کند. این مکتب بر اساس نظریه اجتماعی شکل می گیرد که نزاعی با بنیان های اصلی روابط بین الملل ندارد و در عین حال عقیده دارد که سیاست بین الملل در قالب جامعه بین الملل شکل می گیرد نه نظام بین الملل. (Hofe, 1998: 25) این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می کند و معتقد است که بر هم کنش های انسانی، در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعیت جهانی شکل می دهد. (Pouliot, 2007: 89)

در این برداشت از روابط بین الملل، دولت یک کنشگر اجتماعی است. بنابراین هویت و منافعش از قبل تعیین شده نیست، دولت در بستری از قواعد اجتماعی عمل می کند و هم محیط داخلی و هم محیط بین المللی قواعدی را بر آن بار می کنند که به هویت آن شکل می دهد و منافعش را از این طریق تعیین می کند. (katzenestian, 1996: 18) این مطالعات مربوط به نویسندگان و متفکرانی مانند الکساندر ونت^۳، پتر کاتزنشتاین^۴، جان راگی^۵ و امانوئل آدلر^۶ است که در دهه های گذشته به شکل های متفاوتی تقسیم شده است. ونت سازه انگاری را نوعی (ایده آلیسم ساختاری) می داند. (went, 1998: 348- 357)

بُعد ایده آلیستی آن بدین معناست که او معتقد است که نهادها و قواعد مستقر دارای سرشتی عینی و محدود کننده برای بازیگران هستند. (ملکو تیان، ۱۳۸۸: ۱۷)



آدلر با اشاره به تلقی پویای سازه انگاری عنوان می کند که سازه انگاری جهان را چنان پروژه ای در حال برساخته شدن می داند، به گونه ای که در واقعیت در حال شدن است تا در حال بودن. (مهر آئین و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۱)

در فلسفه و جامعه شناسی معاصر، در تعریف هویت آن را (تعریف خود) یا (تعریف کیستی خود) در مقابل (دیگری) دانسته اند. در این تعریف موجود خود آگاه به تاریخ، حافظه مشترک جمعی، جایگاه سرزمینی و فرهنگ اشاره می کند و خود را از دیگرانی که صاحب این خصلت نیستند، متمایز می کند. پس در کل هویت ما بر اساس اشاره به (زمینه ها) شکل می گیرد. هویت یکی از مفاهیمی است که سازه انگاران به آن توجه فراوانی دارند. آنها معتقدند که وجود هویت برای داشتن حد اقلی از نظم و پیش بینی پذیری ضروری است هویت است که به ما می گوید ما چه کسی هستیم، به دیگران می گوید که ما چه کسانی هستیم و همچنین دیگران چه کسانی هستند. بر اساس این تعریف است که رفتار و کنش ما شکل می گیرد. البته باید توجه داشت که هویت یک ساخت اجتماعی است نه مادی. سازه انگاران معتقدند که هویت ها به منافع شکل می دهند و با توجه به امکان وجود هویت های گوناگون دولت ها ممکن است منافع متفاوتی داشته باشند. آنها همچنین به بحث چگونگی شکل گیری نوع خاصی از منافع و شکل نگرفتن نوعی دیگر را هم بررسی می کنند. از نظر آنها هویت عملکرد اجتماعی ایجاد می شود و با ساختارها و هویت ها و منافع بازیگران محدود می شود. (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱۸)

در باره هویت دولت نیز آنها دو معنای متمایز قایل هستند. یکی هویت جمعی که شامل خصوصیات درونی انسانی، مادی و ایدئولوژیک است و دیگری هویت اجتماعی است که عبارت از معنایی است که کنشگر در نگاه به دیگران به خود می دهد. ونت در باره هویت بیان می کند که با گسترش همکاری های بین دولت ها

انتظاراتی بر اثر رفتارها به وجود می آید که باعث تحول هویت می شود. ولی در اینجا با دو مانع عمده رو به رو هستیم:

۱. این فرایند به صورت فراینده و کند است و نیاز به گذشت زمان دارد.
۲. این فرآیند نیازمند نگاه و تعریف مثبت بازیگران نسبت به یکدیگر است که به سود مطلق بیندیشند، چراکه توجه به روابط و سود نسبی منجر به پیگیری رقابت و عدم همکاری می شود.

بنابر این ونت به تغییر عمدی در تحول هویت و منافع توجه می کند و برای آنها چهار مرحله بیان می کند:

۱. شکستن اجماع در مورد تعهدات هویتی حاضر و رو به رو شدن مفروضات و برداشت های سابق با چالش های جدید،
۲. نقد وضع موجود بازبینی انتقادی نظریات قدیمی در مورد خود و دیگران،
۳. در پی دو گام پیشین باید کنش جدیدی صورت گیرد که هویت های قدیمی تغییر کند. البته تغییرات بهتر است دو طرفه، خود و دیگری صورت پذیرد، اما می توان به ابتکارات و تعهدات یک جانبه نیز توجه کرد،
۴. شکل گیری معرفت بین الاذهانی در خصوص هویت و منافع جدید، در کل می توان به این نتایج اشاره کرد:

۱. معانی جمعی قوان بخش ساختارهایی هستند که به کنش ها ما سازمان می بخشند.

۲. کسب هویت ناشی از مشارکت در این معانی جمعی است،
۳. هویت ذاتا امری نسبی و رابطه ای است. در نتیجه اهمیت یک هویت خاص و تعهد نسبت به آن امری ثابت نیست.

۴. هویت ها بنیان منافع هستند و منافع مستقل از زمینه اجتماعی وجود ندارد. در هر موقعیت تجربه شده ای معنای آنها اگر نتیجه منافع مربوط ساخته می شود. (مشیر

زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۳)



در ادامه می‌توان به نظریات الکساندر ونت در تئوری اجتماعی سیاست بین الملل اشاره کرد که بیان می‌کند تعامل میان بازیگران بستگی به ساختار دانش نظام بین الملل دارد. الکساندر ونت دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند و معتقد است تاثیر و هستی فرهنگ نمی‌تواند جدا از عقاید اشخاص باشد. اما در عین حال به آنها نیز محدود نمی‌شود، بلکه بستگی به چگونگی مفهوم سازی دیگران دارد. ونت به سه سطح کلان از ساختارهای دانش با فرهنگ هابزی، کانتی و لاکی اشاره می‌کند. (Went, 1994: 107) طبق دیدگاه ونت، رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی بستگی به نوع فرهنگی است که در خود درونی کرده‌اند. در فرهنگ هابزی تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد و تاکید زیادی بر عناصر نظامی دارد و اگر جنگی هم رخ دهد، دولت‌ها زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکی دولت‌ها علیرغم تضادهایی که دارند به حاکمیت هم احترام می‌گذارند. قدرت نظامی مهم است اما یک اولویت نیست و در فرهنگ کانتی دولت‌ها منازعات خود را بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌کنند و به صورت گروهی عمل می‌کنند. (مهر آئین، ۱۳۸۶: ۱۶۳)

با توجه به بحث‌های مطرح شده می‌توان گفت که روش سازه‌انگاری چارچوبی مناسبی برای بررسی افق‌ها، اهداف و رویکرد‌های مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آمریکای لاتین می‌باشد.

۳) پیشینه تحقیق

موضوع افق‌ها، اهداف و رویکرد‌های مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آمریکای لاتین دستمایه پژوهش‌هایی از سوی پژوهشگران مطالعات تطبیقی در حوزه مطالعات منطقه‌ای شده است که هر کدام از این پژوهش‌ها از زوایای خاصی موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این ارتباط:



مجیدی و میراب زاده (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان (دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین) به حوزه آمریکای لاتین با توجه به ظرفیت‌ها و همانندی‌های سیاسی، همسویی فرهنگی، عدالت محوری به مثابه گفتمان مشترک، رویارویی با سیاست‌های مداخله جویانه آمریکا، سلیقه انقلابی و نیز ظرفیت‌های هم افزایی اقتصادی به مثابه برخی از ظرفیت‌های تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشورها می‌پردازد. در مقابل تصویرسازی منفی از جمهوری اسلامی ایران، منحصر شدن مناسبات به مبادلات تجاری و شناخت اندک مردمان دو منطقه از یکدیگر و نیز نفوذ محدود دیپلماسی رسمی، ضرورت و اهمیت تقویت دیپلماسی عمومی ایران در آمریکای لاتین را بیان نمود. در این پژوهش تلاش گردیده با بحث نظری در باره دیپلماسی عمومی به وضعیت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین و موانع و فرصت‌های فرا روی آن بپردازد و راهکارهایی برای تقویت سطوح مختلف دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین ارائه کند.

جعفری و عاطف (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان (دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران) به این مسئله می‌پردازد که دیپلماسی عمومی فرآیند ارتباط مردم یک کشور با عامه مردم کشور دیگر برای شناساندن ایده‌های خود و شناخت ایده‌های آنها و آرمان ملی فرهنگ و هنجار و تبیین اهداف سیاست خارجی خود است. نویسندگان بر این باور بودند که جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌های سلطه ستیزانه خود حیثی رو به گسترش نفوذ سیاست خارجی رسالت اسلامی و انقلابی تلاش کرده از دیپلماسی عمومی برای نیل به اهداف خود بهره جوید.

زوار زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان (بازتاب انقلاب اسلامی ایران در آمریکای لاتین با تاکید بر کشور های عضو آلبا) به این مسئله می‌پردازد که وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ نوعی هویت (انقلابی) -



اسلامی) برای جمهوری اسلامی ایران در صحنه نظام بین الملل ایجاد کرده است که این هویت های انقلابی و اشتراکات با ما و کشور های آلبا و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین را فراهم کرده است. در این پژوهش با روش پیمایشی (کمی) در صدد واکاوی هویت های انقلابی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین با تاکید بر کشور های عضو آلبا بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن بوده که این هویت های انقلابی نوع اشتراکات خودی ها بر ما و کشور های آلبا و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین را به وجود آورده است. بر همین اساس، این اشتراک هویتی شرایط را برای حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین و گسترش عمق استراتژیک را برای آن فراهم کرده است.

به طور کلی، بررسی ادبیات موجود حاکی از آن است که موضوع پژوهش به دلیل این که تا کنون به طور جامع و در قالب یک کار مستقل علمی به آن پرداخته نشده است، از جنبه نو آوری بر خوردار است. بنابراین، می توان ادعا نمود که یافته های پژوهش می تواند تا حدودی خلاء در ادبیات موجود و پیشینه تحقیق را مرتفع سازد و مبنا و منبعی قابل اتقان و معتبر برای پژوهش هایی آتی گردد.

۴) تحلیل یافته های و داده های تحقیق

داده ها و یافته های این تحقیق منتج از فرضیه تحقیق می باشد. با توجه فرضیه تحقیق، داده ای تحقیق حاضر به صورت اشتراکات انقلاب اسلامی و انقلاب های بولیواری در آمریکای لاتین حول مقوله هایی چون: هویت انقلابی، عدالت جویی، رهایی از وابستگی، استقلال و در نتیجه به چالش گرفتن نظام سلطه و هژمون قابل صورتبندی است.



۴-۱) تحلیل داده ها و یافته های تحقیق با تاکید بر عناصر و سمت و سوهای گفتمان انقلاب اسلامی

به طور کلی هویت دولت جمهوری اسلامی ایران یک موضوع شناختی، مبتنی بر فهم مشترک از خود و کشور های دیگر است که بیانگر نوعی احساس تداوم و استقلال درونی و همچنین تمایز و تفاوت بیرونی است. برداشت این نظام از هویت خود همانگونه که در سند چشم انداز بیست ساله آمده است، یک هویت انقلابی-اسلامی است. این هویت بر اساس منابع قوام بخش آن به طور هم زمان در بر گیرنده نقش های گوناگون فراملی و فرامرزی برای دولت است که البته در هر دوره از سیاست خارجی بخشی از این نقش ها بر جسته شده و مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر هویت انقلابی-اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن که در برداشت این نظام از خود بسیار موثر است و این کشور را دارنده مسئولیت ها و تکالیف فراملی و مختلفی در چارچوب نقش های فراملی مختلفی می کند، یک نظام ارزشی، قضاوتی و یا قالب فکری را نیز برای آن پدید می آورد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۵۶) در همین راستا، ملاک های متفاوتی را برای (خودی ها) و (دگرها) در عرصه ملی و فراملی برای این کشور ایجاد می کند. بر اساس همین ملاک ها مرز میان دوست و دشمن ترسیم و وقایع بیرونی تعبیر و تفسیر می شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷۸)

برای شناخت بهتر هویت انقلاب-اسلامی جمهوری اسلامی ایران بایستی به شناسایی مشخصه های هویتی پرداخته شود. با مروری بر ساختار های معنایی قوام دهنده هویت نظام و هنجار های مبتنی بر آن و همچنین بیان های خود دولتمردان و رهبران این نظام، می توان از موارد زیر به عنوان مهمترین مشخصه های هویتی دولت جمهوری اسلامی ایران نام برد:

۱. دولت تجدید نظر طلبانه نسبت به نظم و نظام بین الملل،

۲. دولت عدلت خواه و استقلال طلب،



۳. دولت ضد سلطه و ضد هژمون،

۴. دولت ضد امپریالیست، ضد استعماری،

۵. دولت آرمان گرای اسلامی. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۲۴۵)

۴-۲) تحلیل داده ها و یافته های تحقیق با تاکید بر عناصر و سمت و سوهای گفتمان انقلاب بولیواری در آمریکای لاتین

آمریکای لاتین منطقه ای از هجده کشور اسپانیولی زبان، یک کشور پرتغالی زبان (برزیل) و یک کشور فرانسوی زبان با لهجه بومی (هاییتی) تشکیل می شود و مساحت آن به ۲۱۰۶۹۵۰۱ کیلومتر مربع می رسد. اصطلاح آمریکای لاتین در مقابل اصطلاح آمریکای انگلیسی تبار قرار می گیرد که منظور از آن مناطقی از قاره آمریکاست که زبان غالب آن ها انگلیسی است. آنچه به طور کلی از منطقه آمریکای لاتین برداشت می شود در بر گیرنده مکزیک، بخش اعظم آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی به اضافه کوبا، جمهوری دومینیکن و پورتوریکو واقع در منطقه کارائیب است. در یک تعریف دقیق تر آمریکای لاتین را می توان تمامی کشورها و مناطقی نامید که زبان های رومیایی از جمله فرانسه، اسپانیا و پرتغالی در آن رایج است. بر این اساس آمریکای لاتین نه تنها در بر گیرنده کشورها و مناطق اسپانیایی و پرتغالی زبان بلکه فرانسه زبان نظیر هاییتی، گوآدلوپ، گویان و آنتیلس نیز خواهد شد. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۵۷)

آنچه در این مقاله به عنوان آمریکای لاتین تلقی شده، منطقه ای است مشتمل بر مکزیک، آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی و کارائیب که بیست کشور آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، ونزوئلا، اروگوئه، پرو، پاراگوئه، پاناما، نیکاراگوئه، هندوراس، هاییتی و گواتمالا و ۱۰ واحد سیاسی وابسته که معروف ترین آن پورتوریکو یعنی وابسته



سیاسی آمریکا اعضای آن هستند و جمعیتی معادل ۵۴۱ میلیون نفری را در خود جای داده اند.

آمریکای لاتین با داشتن ۴/۵ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی، ۴۲۳ میلیارد دلار صادرات کالا و خدمات و ۳۶۸ میلیارد دلار واردات کالا خدمات در سال ۲۰۰۵ و بر خورداری از منابع عظیم نفت و گاز و ظرفیت بالای معدنی، صنعتی و کشاورزی از دیر باز مورد توجه قدرت های بزرگ بوده و ایالات متحده آمریکا از اواخر قرن نوزدهم و مطرح شدن دکترین مونروئه و شروع سیاست انزوا گرایی همواره تلاش کرده تا به دو طریق نظامی و اقتصادی سلطه و نفوذ مطلق بر سر زمین مذکور داشته باشد. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۶۹)

ریچارد سی ویلیامسون^۱ در کتاب خود یعنی (جوامع آمریکای لاتین در مسیر تحول)^۲ پیشنهاد می کند که بر حسب شرایطی قومی، کشورهای آمریکای لاتین را می توان به چهار گروه عمده طبقه بندی کرد:

۱. کشورهایایی که در آن جمعیت مستیزو (سفید و سرخ) برتری دارند،
۲. کشورهایایی که ویژگی های بارز اروپایی دارند،
۳. کشورهایایی با گروه بندی های واضح سرخ پوستی و عموماً ساکن در سرزمین های کوهستانی و بلند،
۴. کشورهایایی که ترکیبات آفریقایی^۳ غالب دارند.

گروه اول را کشورهایایی همچون ونزوئلا و کلمبیا در آمریکای جنوبی و نیکاراگوئه، السالوادور، هندوراس و پانام در آمریکای مرکزی و مکزیک تشکیل می دهند. کشورهایایی که اکثراً اروپایی هستند عبارتند از: آرژانتین، شیلی، اروگوئه، کاستاریکا و کشورهای با گروه سرخ پوست شامل گواتمالا، اکوادور، پرو، بولیوی و پاراگوئه سرانجام کشورهای دارای ترکیبات آفریقایی برزیل و کشورهای حوزه



1. Richard C. Williamson.
2. Latin American Societies in Transition.
3. African Admixture.

کارئیب، کوبا، جمهوری دومینیکن و هائیتی. اقتصاد های این منطقه از تنوع مشابهی برخوردارند. کشور های معدودی مانند آرژانتین، برزیل، اروگوئه، ونزوئلا و کوبا از زمین های کشاورزی غنی برخوردارند و محصولاتی همچون شکر، قهوه، دانه کاکائو و میوه های استوایی بیش تر کشت می شود و بعضی از کشور ها همچون مکزیک از معادن معدنی و کشور های آمریکای جنوبی همچون ونزوئلا و بولیوی از نفت و گاز فراوانی برخوردارند. (هوارد جی، ۱۳۸۷: ۲۵)

با توجه به این شرایط بود که کشور های آمریکای لاتین توانستند در سال های اخیر خیز بلند خود را در جهت قدرت یابی و نقش آفرینی در ساختار جدید و البته آنارشیک نظام بین الملل، ایفا نمایند. در واقع قدرت یابی دولت های مستقل در آمریکای لاتین در سال های اخیر بیش از هر چیز باعث حرکت به سوی استقلال در تصمیم گیری ها و هم گرایی منطقه ای در دو بعد اقتصادی و سیاسی به عنوان یک رویکرد جایگزین در مقابل وابستگی به ایالات متحده آمریکا شده است. به گفته نوام چامسکی از زمان اشغال آمریکای جنوبی توسط اسپانیا در ۵۰۰ سال پیش، این نخستین حرکت واقعی دولت های آمریکای لاتین برای همگرایی در این منطقه است. این کشور ها بسیار منفصل و جدا از یکدیگر بوده اند و همگرایی پیش شرطی است برای استقلالی اصیل و معتبر. از مهمترین نتایج این همگرایی عدم قبول پیمان منطقه آزاد تجاری آمریکا (AL.CA) یا (FTAA) از سوی کشور های بزرگ و مهم منطقه آمریکای لاتین و ارائه طرح های جایگزین منطقه ای نظیر طرح (آلبا) و (مرکسور) به جای آن است. ایالات متحده آمریکا تا کنون به دلیل مخالفت کشور هایی چون: برزیل، آرژانتین، ونزوئلا، اروگوئه و پاراگوئه نتوانسته به نتیجه پیمان منطقه آزاد تجاری آمریکا دست یابد. یکی از نمونه های هم گرایی منطقه ای در راستای استقلال سیاسی و اقتصادی در منطقه آمریکای لاتین، طرح هوگو چاوز با عنوان (بدیل بولیواری برای آمریکای لاتین) معروف به (آلبا) است. هوگو چاوز معتقد بود

به جای اجرای طرح‌های آمریکایی باید راه حل‌هایی را که منافع کشور های کوچک و در حال توسعه آمریکای لاتین را وجود دارد، پیدا و اجرا کرد. اجرای طرح‌های آمریکایی به پیمان منطقه آزاد تجاری ایالات متحده آمریکا بود که از آخرین برنامه‌های آزا سازی تجاری بود که ایالات متحده آمریکا به دنبال اجرای آن و افزایش نفوذ اقتصادی خود در آمریکای لاتین بود. این پیمان نسبت به موافقت نامه‌ها و طرح‌های تجارت آزاد قبلی نظیر نفت از سیاست‌های شدیدتری برای آزاد سازی تجاری در راستای منافع آمریکا برخوردار است و در صورت اجرا میلیارد ها دلار یارانه از جیب مردم فقیر آمریکای لاتین به جیب شرکت‌های چند ملیتی واریز می‌شد.

هم اکنون ونزوئلا، کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه و اکوادور عضو طرح چاوز یا (آلبا) هستند و در قالب آن همکاری‌های تجاری و اقتصادی خود را گسترش داده‌اند. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۷۶) طرح هوگو چاوز با عنوان (بدیل بولیواری برای آمریکای لاتین) معروف به آلبا بر گرفته از آموزه‌های سیمون بولیوار^۱ بود. سیمون بولیوار، قهرمان نهضت استقلال طلبی کشور های آمریکای جنوبی از استعمار اسپانیا است که طی مبارزات خود در سال‌های اولیه قرن نوزدهم، موجب استقلال اکوادور، کلمبیا، ونزوئلا و بخشی از پرو و بولیوی شد. امروزه کشور های منطقه آمریکای لاتین این قهرمان آزادی بخش را با نصب مجسمه‌هایی از وی در میدان شهر های بزرگ کشور های آمریکای جنوبی گرامی می‌دارند. سیمون بولیوار علیه تبعیض و بی‌عدالتی به ویژه ستمی که بر بومیان اعمال می‌شد، قیام به غارت منابع و معادن غنی آمریکای لاتین توسط استعمار گران اعتراض کرد. طرح (آلبا) هوگو چاوز بر دفاع از استقلال ملی، رفع تبعیض، مبارزه با نظام سلطه و هژمون، رهایی از وابستگی، نیل به استقلال و حل نابرابری‌های اجتماعی تاکید می‌کرد. (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۷: ۱۲۷)



بر همین اساس توسل هوگو چاوز به سیمون بولیوار به عنوان قهرمان آزادی آمریکای لاتین و عبور پنهان وی از نماد های ایدئولوژی و چهره های مارکسیستی همچون چه گوارا و فیدل کاسترو هوشمندانه و زیکانه بود. آموزه های هوگو چاوز تحت عنوان چاویسم در مقابل نئولیبرالیسم و گسترش فاصله طبقاتی ناسی از آن به حمایت سازمان دهی شده از محرومان و بومیان پرداخت و حس مشارکت فعال در عرصه سیاست و اقتصاد را در آن ها برانگیخت. در سال های اخیر موج چاویسم نظام های سیاسی دیگر کشور ها را در بر گرفت و شیوه های اصلاح گرایانه و کسب قدرت از طریق مشارکت دموکراتیک راه را برای توده های فقیر و بومیان باز کرد و حکومت بومیان از طریق صندوق های رای بعد از پیروزی هوگو چاوز در ونزوئلا باز شد. اوه مورالس با مشی عدالت خواهانه به عنوان اولین رئیس جمهوری بومی در بولیوی در سال ۲۰۰۶، دانیل اورتگا برای دومین بار در مشی اعتدال گرایانه در نیکاراگوئه رئیس جمهور شد و رافائل کوره آ با تغییر رویکرد اقتصادی از نئولیبرالیسم و سرمایه داری به اقتصاد مردمی در اکوادور به عنوان یک اقتصاد دان به ریاست جمهوری رسید. (ملک محمدی، ۲۰۰۶: ۹۷)

روسای جمهور کشور های مذکور در کنار کوبا به رهبری فیدل کاسترو و الگوی سوسیال دموکراتیک جدیدی را بر اساس آموزه ها و انقلاب بولیواری بنیان نهادند. اکنون کشور های حوزه آمریکای لاتین تاریخ سیاسی تازه ای را آغاز کرده است و مردم عدالت خواهی و رفع تبعیض، نیل به استقلال، مبارزه با نظام سلطه و استعمار و نظام هژمون را با شور، نشاط و مشارکت دموکراتیک تعقیب می کنند و برای زندگی آزاد و انسانی پیکار کرده و روح و اساس این پیکار را در چشم انداز اتحادیه بولیواری برای ملت های آمریکای لاتین با نام اختصاری آبل که با ابتکار هوگو چاوز در سال ۲۰۰۶ بنیان نهاده شد، دنبال می کنند. اعضای این اتحادیه کشور های ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی و اکوادور محسوب می شوند. هدف عمده اتحادیه

(آلبا) را امروزه مبارزه برای از میان بردن فقر، مقاومت در برابر تهدیدات ایالات متحده آمریکا، گسترش آموزش و پرورش، مبارزه با بی سوادی و ایجاد بهداشت عمومی تشکیل داده است. در واقع ایدئولوژی اتحادیه یا گروه (آلبا) برای از میان بردن فقر، استقلال، آزادی، برابری، هویت انقلابی و رهایی بخش، مبارزه با نظام سلطه و هژمون و گسترش عدالت بوده و این همان افق ها، اهداف و رویکردهایی است که در انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دنبال شده است.

به این ترتیب می توان دیدگاه های مشترک جمهوری اسلامی ایران و کشورهای موسوم به (آلبا) یا همان کشور های آمریکای لاتین نسبت به ساختار ناعادلانه نظام بین الملل، یک جانبه گرایی کشور های قدرتمند و صاحب هژمون غرب، سیاست های ضد هژمونی، رویکرد های استقلال طلبانه و عدالت خواهانه که باعث توسعه روابط آن ها با یکدیگر شده است را بر اساس نظریه سازه انگاری به عنوان یک هویت مشترک در نظر گرفت.

نتیجه گیری و ارائه راهکارها و پیشنهادات

در این مقاله با بهره گیری از الگوی نظری سازه انگاری و به روش مطالعه اسنادی و تحلیل کیفی داده ها به روش توصیفی - تحلیلی افق ها، اهداف و رویکرد های مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین مورد بررسی قرار گرفت. پاسخ به پرسش مقاله و اثبات فرضیه به واسطه تحلیل داده هایی چون: هویت انقلابی، عدالت جویی، رهایی از وابستگی، استقلال و در نتیجه به چالش گرفتن نظام سلطه و هژمون اثبات گردید. اینگونه به نظر می رسد که رویکرد کانتی در سازه انگاری بیشترین قابلیت را برای تحلیل داده ها حول محور افق ها، اهداف و رویکرد های مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های آمریکای لاتین دارا بوده است. چراکه در فرهنگ کانتی بر همکاری و مصالحه تاکید می شود که کشور های آمریکای لاتین از این فرهنگ برای چالش کشیدن نظام سلطه و در راس همه آنها ایالات متحده آمریکا استفاده کرده اند. کاربست فرهنگ کانتی از سوی کشوهای



آمریکای لاتین موجب نوعی خود آگاهی هویتی شده که این خود آگاهی هویتی فصل مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب های بولیواری در آمریکای لاتین بوده است. در واقع می توان گفت که گفتمان انقلاب اسلامی بارتلب دهنده گفتمان ضد سلطه و ضد هژمون بوده که انقلاب های بولیواری در کشور های آمریکای لاتین میراث دار آنها بوده اند. در واقع فص مشترک گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان انقلاب بولیواری از آبخوری مشترکی چون: هویت انقلابی، عدالت جویی، رهایی از وابستگی، استقلال و در نتیجه به چالش گرفتن نظام سلطه و هژمون سیراب می شود. نظر به آنکه احوزه کشور های آمریکای لاتین در مقابله با نظام سلطه نیاز به الگوگیری نظیر الگو های انقلاب ساز دارد، پیشنهاداتی در جهت لزوم استفاده از گفتمان های انقلابی و هویت ساز برای کشور های آمریکای لاتین پیشنهاد می گردد: بی اثری و خنثی سازی تحرکات ایذایی ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می گردد و آنکه:

۱. لازم است که کشور های آمریکای لاتین با باز نگری در اهداف و غایات انقلاب اسلامی، به ظرفیت ها و پتانسیل های بیشتر انقلاب اسلامی برای به سلطه کشیدن نظام سلطه استفاده کنند.
۲. اتکاء به آموزه های سوسیالیسم اصلاح طلب که در واقع همان ایدئولوژی انقلاب که ایدئولوژی اسلامی است، می تواند مورد استفاده رهبران کشور های آمریکای لاتین در به چالش کشیدن نظام سلطه قرار گیرد.
۳. لازم است که رهبران کشور های آمریکای لاتین آرمان ها و آموزه های بولیواریسم را با ایدئولوژی انقلاب اسلامی نزدیک تا متضمن همگرایی بیشتر جمهوری اسلامی و کشور های آمریکای لاتین در به چالش کشیدن نظام سلطه و هژمون به ویژه ایالات متحده آمریکا و کشور های غرب گردد.



الف) منابع فارسی

۱. ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر (۱۳۸۷) مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی آمریکای لاتین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۲. ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۷) مولفه های هویت ملی با رویکرد پژوهشی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره چهارم.
۳. احمدی لفورکی، احمد (۱۳۸۷) نگاهی به آمریکای لاتین، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۲۸.
۴. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۸) الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، مجله انش سیاسی، سال اول، شماره دوم.
۵. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۱) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول گرایی، تهران: انتشارات امام صادق (ع).
۶. مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۴) تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۷. مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۶) تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
۸. ملک محمدی، مرتضی (۲۰۰۶) آمریکای لاتین در راه بولیوارسیم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۹. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸) انقلاب اسلامی، نظام بین الملل و آینده غرب، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره دوم.
۱۰. مهر آئین، مصطفی و فاضلی، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ و انقلاب: دیدگاه مایکل فیشر در مورد انقلاب اسلامی، پژوهشنامه متین، سال پنجم، شماره چهارم.
۱۱. نیاکوئی، سید امیر و کرمی، مصطفی (۱۳۹۳) نگاهی سازانگاران به روابط جمهوری اسلامی ایران آمریکای لاتین: مطالعه موردی: ونزوئلا، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره چهارم، شماره سیزدهم.
۱۲. هوارد جی، ویار داوها روی اف (۱۳۸۷) آمریکای لاتین: سیاست، حکومت و توسعه، ترجمه علیرضا قربان پور، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

ب) منابع انگلیسی



1. Hopf, T.(1998) The Promise of Constructivism in International Relations, in *International Relations* ed.
2. Katzenstein, P) 1996) *National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press.
3. Pouliot, V (2007) *Subjectivism: Toward a Constructivist Methodology*, *International Studies*, Vol 57.
4. Wendt Alexander; (1998) *Social Theory of International Politics*; Cambridge:
5. Wendt, A (1994) *Collective Identity formation and international state*, *American Political Science Review*.



بولیواریسیم و تأثیر آن بر سمت و سوهای سیاست خارجی کشورهای آمریکای لاتین در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲

صلاح الدین هرسنی^۱

دکتری علوم سیاسی، مدرس مدعو دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

و دانشگاه فرهنگیان نوشهر، دبیر رسمی آموزش و پرورش شهرستان نوشهر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

چکیده

بولیواریسیم جنبشی است که توسط سیمون بولیوار در ونزوئلا شکل گرفت. موتور پیشران جنبش بولیواریسیم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم بوده است و همین سبب مبارزه و انقلاب‌های آزادی بخش و سرانجام استقلال آمریکای لاتین از استعمار اسپانیا گردید. کشورهای ونزوئلا، کوبا، بولیوی، کلمبیا، اکوادور، برزیل و آرژانتین میراث دار بولیواریسیم در کشور های آمریکای جنوبی محسوب می شوند. از میان رهبران کشور های آمریکای لاتین، هوگو چاوز را باید رهبر جنبش چپ انقلاب بولیواری و مهمترین مظهر سیاسی بولیواریسیم دانست که از ابتدای ریاست جمهوری خود را یک وطن پرست بولیواری خواند و تفسیر خود را از چندین ایده آل بولیوار در سازو کار های نظام سیاسی ونزوئلا اعمال کرد. کارکرد اصلی جنبش بولیواری به چالش کشیدن نظام سلطه، استقلال و رهایی از نظام سرمایه داری است. با عنایت به موضوع، دغدغه و هدف پژوهش حاضر آن است که ضمن تشریح میراث بولیواریسیم و سمت و سوهای آن، آثار و نتایج این مشرب و نحله فکری را بر سمت و سوهای سیاست خارجی کشور های آمریکای لاتین در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ مورد ارزیابی قرار دهد. تحلیل

داده های پژوهش نشان داده اند که: بولیواریسم آمریکای جنوبی در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ به واسطه خود یاری و تعقیب راهبرد همراه سازی، منجر به استقلال این کشور ها، عدم وابستگی، چپ گرایی رادیکال، مقابله در جهت به چالش گرفتن هژمونی آمریکا گردید. لازم به ذکر است که نوع پژوهش بر اساس هدف: کاربردی است. از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد. روش گردآوری داده ها و اطلاعات در این پژوهش، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است. پژوهش حاضر از منظر تئوریک، از الگوی نظری موازنه تهدید بهره برده است.

واژگان کلیدی

بولیواریسم، آمریکای لاتین، سوسیالیسم، ناسیونالیسم، استقلال، خودیاری، هژمونی، نظام سلطه.

مقدمه

منطقه آمریکای لاتین در برگیرنده بخش اعظم قاره آمریکا از شمال مکزیک تا جنوب شیلی و آرژانتین با وسعتی بیش از ۲۱ میلیون کیلومتر مربع است که به بخشی از آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی، حوزه کارائیب و آمریکای جنوبی تقسیم می شود و دارای ۱۵ درصد مساحت کره زمین و جمعیتی بیش از نیم میلیارد یعنی ۵۶۰ میلیون نفر با توزیع جغرافیایی در بیش از ۳۰ کشور است. از منظر ژئوپلیتیک آمریکای لاتین مجموعه ای از کشورهای قاره آمریکا را تشکیل می دهد که می توان آن را در برابر آمریکای شمالی انگلیسی زبان قرار داد. در حوزه اقتصادی باید توجه داشت که وضعیت اقتصادی آمریکای لاتین از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. منابع زیر زمینی، نرخ تولید ناخالص داخلی، شرکای اقتصادی، میزان تورم، توزیع فقر و ثروت و فرآورده های صادراتی این گوناگونی را نمایان می کند.

سه دولت بزرگ اقتصادی این منطقه برزیل، آرژانتین و مکزیک هستند که از سوی دیگر پر جمعیت ترین کشورهای آن منطقه نیز محسوب می‌شوند. در غالب منابع، برزیل، مکزیک، دهمین و چهارمین دهمین قدرت اقتصادی و کشورهای ونزوئلا، بولیوی و اکوادور و به ترتیب به‌عنوان کشورهای مطرح آمریکای لاتین محسوب می‌شوند. (The Wallstreet Journal, 2015)

بولیواریسم منتج از آموزه‌های سیمون بولیوار^۱، آرمان و ایدئولوژی غالب کشورهای آمریکای لاتین محسوب می‌شود. بولیواریسم ترکیبی از سوسیالیسم و ملی‌گرایی شوونیسمی^۲ است. آرمان اصلی بولیواریسم رها سازی کشورهای آمریکای لاتین از امپریالیسم و در راس همه آنها رهایی از سلطه ایالات متحده آمریکا و نیل به استقلال در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. البته آرمان بولیواریسم تا قبل از دوران اخیر تلاشی برای استقلال کشورهای آمریکای لاتین از پادشاهی اسپانیا بود که تلاش و مساهمت سیمون بولیوار منجر به رهایی این کشورها از سلطه اسپانیا گردید.

میراث فکری سیمون بولیوار در دوران متاخر بیش از همه از سوی هوگو چاوز^۳ رئیس جمهوری سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ ونزوئلا دنبال و تعقیب شده است. هوگو چاوز را باید رهبر حزب چپ جنبش بولیواری دانست. نمایش چنین بینشی از چاوز سبب شد که او با جهانی سازی نئولیبرال و همچنین هژمونی^۴ و سمت و سوهای مداخله جویانه ایالات متحده آمریکا در فراگرد‌های نظام سیاسی کشورها مخالفت کند و خود با تعقیب راهبرد ثبات هژمونیک کشورهای آمریکای لاتین را در مقابل سلطه و نفوذ ایالات متحده آمریکا متحد کند. در این ارتباط، تلاش چاوز تا میزان قابل توجهی ای قرین توفیق شد و تحت هدایت راهبردی و راهکنشی چاوز، کشورهای آمریکای لاتین از جمله: کوبا، بولیوی، کلمبیا، اکوادور، برزیل و آرژانتین



1. Simoun Bolivar.
2. Chauvinisme.
3. Hogo Chavez.
4. Hegemony.

توانستند با سلطه و هژمونی ایالات متحده آمریکا ایستادگی و مقابله کنند. با استناد به مجموعه‌ای شواهد و دلایل می‌توان گفت که قدرت نظامی و اقتصادی، قابلیت‌ها و نیات تهاجمی و مجاورت جغرافیایی (نزدیکی تهدید) یک عامل اصلی و کلیدی اتحاد کشور های حوزه آمریکای لاتین در مقابل سلطه و هژمونی ایالات متحده آمریکاست که در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ رقم خورده است. در فاصله این سال‌ها، چاوز خوانشی از بولیواریسیم ارائه داد که به واسطه آن کشور های حوزه آمریکای لاتین می‌بایست با اتخاذ راهبرد استقلال در حاکمیت اقتصادی و سیاسی، تعقیب راهبرد دموکراسی مشارکتی یعنی مشارکت سیاسی مردمی در همه پرسى، خودکفایی و استقلال اقتصادی، القای اخلاق ملی خدمات میهن پرستانه در مردم، توزیع عادلانه منابع عظیم طبیعی و از بین بردن فساد در مقابل سلطه ایالات متحده آمریکا ایستادگی و کنند و هژمونی آن را به چالش بگیرند.

به رغم همه تلاش‌هایی که از سوی پژوهش‌گران حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای به عمل آمده است، اما به نظر می‌رسد که جای پژوهشی که خواسته باشد، بولیواریسیم و تاثیر آن بر سمت و سوهای سیاست خارجی کشورهای آمریکای لاتین در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است.

در این ارتباط، نگارش کتاب (چاوز: در هم شکستن مداخله آمریکا در ونزوئلا) به قلم اوا گولینگر و سنال لاندئا و ترجمه قاسم ملکی و به همت نشر اداره نشر وزارت امور خارجه، پژوهش‌های فریبرز ارغوانی پیراسلامی (۱۳۹۴) تحت عنوان (آمریکا و چالش قدرت در آمریکای لاتین)، احمد صبوری نژاد (۱۳۹۴) تحت عنوان (آمریکا و سیاست ترویج دموکراسی در خاورمیانه)، غلام حیدر ابراهیمی بای سلامی (۱۳۸۸) تحت عنوان (از ساختارگرایی تا بولیواریسیم)، (سید امیر نیاکویی (۱۳۸۷) تحت عنوان (فهم درست از سیاست خارجی کشورهای آمریکای لاتین در

قبال ایالات متحده آمریکا) و شیرین هانتر (۲۰۱۰) تحت عنوان (مناسبات کشور های آمریکای لاتین در هزاره سوم) اگر چه حاوی اطلاعات سودمندی است، اما در بردارنده و حاوی اطلاعاتی که خواسته باشد آثار و نتایج بولیواریسم بر سمت و سو های سیاست خارجی کشور های آمریکای لاتین در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. لذا دغدغه و هدف مقاله حاضر آن است که ضمن تشریح الگوی نظری پژوهش در الگوی موازنه تهدید، بلواریسم و چاوویزستا آثار و نتایج بولیواریسم را در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ بر سمت و سو های سیاست خارجی کشور های آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موضوع و اهداف، پژوهش حاضر عهده دار پاسخ به این پرسش است که: بلواریسم چیست و چه آثار و نتایجی بر سمت و سو های سیاست خارجی کشور های آمریکای لاتین در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ داشته است؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش ها مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد، بر اساس متغیر های مستقل و وابسته تنظیم شده اند. در این مقاله و با عنایت به موضوع، بولیواریسم متغیر مستقل و تبیین کننده و سمت و سو های سیاست خارجی کشور های آمریکای لاتین در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ متغیر وابسته و تبیین شونده محسوب می شوند. بر اساس متغیر های مستقل و وابسته فرضیه مقاله را می توان در قالب گزاره ی ذیل تبیین نمود و آن اینکه: بولیواریسم انگاره ای است که آموزه هاس سیمون بولیوار منتج گشته و این نحله فکری- سیاسی در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ به واسطه خود یاری و تعقیب راهبرد همراه سازی، منجر به استقلال این کشور ها، عدم وابستگی، چپ گرایی رادیکال، مقابله در جهت به چالش گرفتن هژمونی آمریکا گردید.

چارچوب نظری مقاله حاضر را می توان بر اساس الگوی نظری موازنه تهدید

تبيين نمود. چنين الگو و رهيافتی توسط استفان والت^۱ از نظريه پردازان واقع گرای ساختاری ارائه شده است. استفان والت بخشی از الگوی نظری موازنه تهديد را تبیین نموده است. بنابراین در اين مقاله تلاش بر آن است که تا از قالب های تحلیلی و ادراکی استفان والت برای پشتوانه تئوریک در تبیین و تشریح داده ها و تبیین محتوا تحقیق استفاده شود.

(۱) روش تحقیق

نوع پژوهش بر اساس هدف: کاربردی است. از حیث نتیجه گیری: کاربردی- توسعه ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی- تحلیلی می باشد. روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های مجازی و اینترنتی انجام شده است.

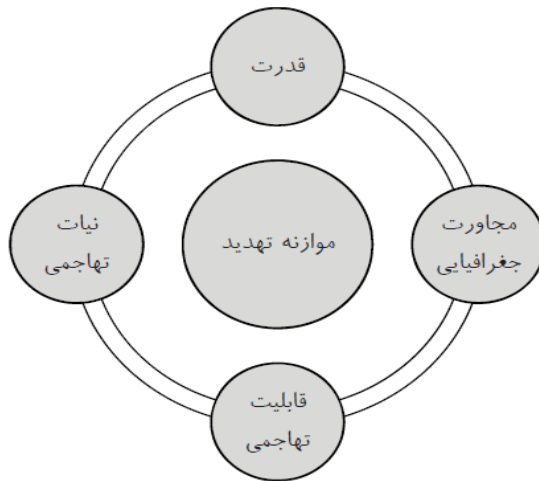
موازنه تهديد: الگوی برای فهم چارچوب تئوریک پژوهش

نظريه موازنه تهديد را باید حاصل نقد تئوریک استفان والت نظريه پرداز واقع گرایی تدافعی، از نظريه موازنه قوا دانست. در واقع والت، با نقد نظريه موازنه قوا به موازنه تهديد رسید. (Rand & Miller, 2020: 15)

طبق نظريه موازنه قوا استفان والت، آنچه که زمینه را برای ایجاد توازن در میان دولت ها فراهم می کند، میزان تهديدی است که یک گروه یا مجموعه از دولت های ائتلافی از سوی یک قدرت چالشگر و تهديد زا، ادراک می کنند. در واقع تهديد قدرت چالشگر که تحت تاثیر نيات تهاجمی، قدرت نظامی و مجاورت جغرافیایی است، زمینه ساز اتحاد و ائتلاف دولت ها علیه قدرت چالشگر می شود که تهديد فزاینده خود را اعلام و عیان کرده است. (متقی و ثابت، ۱۳۹۸: ۲۵)

محوری ترین پرسش هایی که در الگوی نظری موازنه تهديد مطرح می شود این

است که تحت چه شرایطی دولت‌ها در سایه یاری‌گیری و ائتلاف علیه قدرت و دولت تهدیدگر دست به اتحاد و ائتلاف می‌زنند و عمل تعیین‌کننده در این ائتلاف چیست؟ آیا دولت‌هایی که در معرض تهدید دولت تهدیدکننده قرار می‌گیرند، تمایل دارند که برای خنثی کردن قدرت تهدیدکننده دست به موازنه بزنند و سیاست دنباله‌روی در اتحاد علیه دولت تهدیدکننده را دنبال کنند؟ (Yan, 2019:74) پاسخی را که استفان والت به پرسش‌های فوق می‌دهد این است که؛ دولت‌ها تمایلی ندارند که دست به ائتلاف علیه هر دولتی بزنند بلکه این ائتلاف بیشتر علیه دولتی است که امنیت و منافع حیاتی آنها را به چالش می‌گیرد. تحت این شرایط دولت‌ها ناگزیرند که برای مصونیت و حفظ امنیت دست به ائتلاف بزنند. بنابراین ائتلاف و ایجاد موازنه را باید نتیجه و حاصل قدرت چالشگر و تهدیدکننده دانست که امنیت دیگر کشورها را به جهت قدرت نظامی، مجاورت جغرافیایی و نیت تهاجمی تهدید می‌نماید. (Walt, 1986:117)



چهار متغیر تهدیدزای شکل‌دهنده نظریه موازنه تهدید استفان والت

در یک نگاه جامع و مانع باید، انگاره‌ها و اصول نظریه موازنه قوای استفان را در گزاره‌های زیر دسته‌بندی کرد:

الف) دولت‌ها در شرایطی دست به ائتلاف می‌زنند که امنیت آنها از طرف

قدرت دیگر تهدید شود. (Kaufman& et al, 2007:15)

ب) تهدید را نمی توان به میزان قدرت دولت تهدید گر محدود و منحصر کرد، بلکه تهدید محصول شرایط، فهم و ادراکی که از تهدید دارند. در واقع دولت ها در شرایطی دست که اتحاد و ائتلاف برای موازنه می زنند که تهدیدی را از سوی کشور تهدید کننده احساس و ادراک کنند و یا آنکه به کشور تهدید کننده بپوندند و الحاق شوند. شرایط (موازنه و دنباله روی) حاصل و نتیجه این شرایط است. (Walt, 1986:125)

ج) موازنه و دنباله روی دو مفهوم کلیدی و محوری نظری موازنه قوا استفان والت محسوب می شود. اساسا چه موازنه و چه دنباله روی رویکردی است که دولت ها در شرایط تهدید دست به انتخاب می زنند و در انتخاب آن برای خنثی کردن تهدید قدرت دیگر ناگزیرند و به کار می گیرند، یعنی آنکه یا باید در برابر قدرت تهدید گر دست به موازنه بزنند یا آنکه در برابر قدرت تهدید گر دنباله روی کنند. (Walt, 1986: 91)

د) طبق نظر گاه و انگاره ها استفان والت منشا تهدید قدرت تهدید کننده و چالشگر، قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تجاوز کارانه می باشد. (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۴۳)

هـ) طبق دیدگاه استفان والت، هر چه تهدید و چالش امنیتی قدرت تهدید گر بیشتر باشد، به همان میزان اتحاد کشور ها و به تبع آن موازنه کشور های متحد در دفع خطرات امنیتی کشور تهدید گر بیشتر می شود. به عبارت دیگر میان، قدرت تهدید کشور تهدید کننده با افزایش دولت های موازنه کننده ارتباط معناداری وجود دارد و به عبارتی با میزان خطر تهدید رابطه مستقیم وجود دارد. (Walt, 1986:145)

و) طبق الگوی نظری موازنه تهدید استفان والت، اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد، ضروری و لازم است که سایر بایستی جهت کسب

۱) بولیواریسم در آمریکای لاتین

کشورهای آمریکای لاتین در قرن هجدهم و نوزدهم تحت سلطه کشورهای اروپایی به ویژه استعمار اسپانیا قرار داشتند، اما مساهمت و مجاهدت سیمون بولیوار در کنار (سیمون رودریگز)^۱ و (آزکوئیل زامور)^۲ زمینه‌رهای کشورهای آمریکای لاتین را از یوغ و سلطه استعمار اسپانیا را فراهم کرد. اما این رهایی دیری نپایید و نیاز ایالات متحده آمریکا به مواد خام در راستای گسترش صنعت، پای ایالات متحده آمریکا را به عنوان استعمار جدید به حوزه کشورهای آمریکای لاتین باز کرد و به این ترتیب بود که کشورهای آمریکای لاتین حوزه نفوذ ایالات متحده قرار گرفت. اما به موازت کنار رفتن دیکتاتوری‌های نظامی از سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ در کشورهای آمریکای لاتین الگوی جدید در عرصه‌های اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین بروز کرد که برپایه مفاهیمی چون (آزادی اقتصادی) و (خصوصی سازی) و (بازرگانی جهانی) بود که الگوی جدید می‌توانست چالشی جدی برای کشورهای حوزه آمریکای لاتین باشد. این بینش و الگوی جدید که نئولیبرالیسم خوانده می‌شد، با تقویت رنگ باختن اندیشه دخالت دولت در اقتصاد، در برابر سوسیالیسم قرار گرفت. در این ارتباط، آنچه را که امروز در آمریکای لاتین بولیواریسم خوانده می‌شود و بر موج دگرگونی‌های ژرف دهه‌های گذشته در ونزوئلا استوار گشته، می‌توان دارای نشانه‌هایی جدی از وجود شکاف طبقاتی و مناسبات نابرابر در جامعه و تحریک آن در برابر فرآیند آزادی اقتصادی، خصوصی سازی و جهانی شدن در پوششی از بومی گرایی و عدالت خواهی دانست. ایستادگی در برابر نئولیبرالیسم و خروج از این وضعیت، نیازمند یک ایدئولوژی جدید و تازه بود و بولیواریسم پاسخی به آن بود. در واقع بروز و ظهور پدیده‌ای چون بولیواریسم را باید مولود و نتیجه نظام سلطه در محیط‌های پیرامونی ایالات متحده آمریکا یعنی

1. Simoun Rodrigerz.

2. Azkoueil Zamour.

آمریکای لاتین دانست. (ابراهیم بای اسلامی، ۱۳۸۹: ۲۵۵) قطعاً ایدئولوژی مارکسیستی یاری مقابله به نئولیبرالیسم را نداشت، چراکه بولیوار از سوی مارکس به خیانت و ارتداد و فرومایگی متهم شده بود و مارکس ضمن شوخی انگاشتن وحدت‌گرایی و یکپارچه‌سازی آمریکای لاتین از سوی سیمون بولیوار قویا در باره او اینگونه گفته بود که:

"مارکس فقط در حکم (مامایی) است که نقش خود را فقط به خلق و آفرینش پدیده‌های اجتماعی تقلیل داده و منحصر کرده است. بولیوار بیشتر فردی بی‌لیاقت است تا قهرمان. هدف واقعی بولیوار عبارت بود از اتحاد تمام مناطق آمریکای لاتین و ایجاد یک جمهوری فدرال زیر رهبری شخص خود او. وقتی که او غرق رویا‌های خود مبنی بر پیوند دادن نیمی از جهان با نامش بود، قدرت واقعی از دستش لغزید." (کاردوزو و فالتو، ۱۳۵۹: ۱۸۹)

اما بر خلاف انتظار بیشتر پیروانی سیمون بولیوار که در کشور‌های آمریکای لاتین به قدرت رسیده‌اند مارکسیست نبوده‌اند و میانه‌خوبی نیز با جنبش‌های چپ نداشتند. بنا به روایتی بیشتر میراث‌خواران و پیروان بولیوار را مرتجعین و رژیم‌های راست‌گرای مستبد و دیکتاتوری‌ها تشکیل می‌دادند. برای نمونه برخی از آنان نظیر ژنرال (آنتونیو گوزمن بلانکو)^۱ و ژنرال (خوان ویستنه)^۲ که در دوران زمامداری خود را پیرو بولیوار می‌دانستند، که سال‌های طولانی و درازی را طی ۱۹۰۸ تا ۱۹۳۵ بر ونزوئلا فرمان رانند، خود را همسان و پوینده را سیمون بولیوار نشان داده‌اند و پیاده کردن ایده‌هایی چون (سزار ایسم دموکراتیک) و (ژاندارم ضروری برای پیشرفت کشور) را گام برداشتند در راه بولیوار و آموزه‌های او می‌دانستند. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۷)

اندیشه‌های سیمون بولیوار مبتنی بر جلوه‌ها و نشانگانی چون: ستم

1. Antouniou Gozman Belanko.

2. Khan Vistenhe.

ناپذیری، عدالت خواهی، رفع ظلم و تبعیض بود و جنبه ضد استعماری و ضد امپریالیستی آن برجسته بود. بولیوار در سایه رسالت خود، در برابر ستم و نابرابری به ویژه ستمی که بر بومیان آمریکای لاتین می رفت به پا خاست و از آنکه سلطه استعمار می خواهد منابع و معادن غنی آمریکا را به یغما و غارت ببرد، قد علم کرد. بولیوار همچنین بر ناسیونالیسم شوونیستی و از میان بردن نابرابری های اجتماعی تاکید می کرد و خود را مدافع یک انقلاب اجتماعی و تحقق آزادی، عدالت و استقلال می دانست. همین اندیشه های میهن پرستانه از سوی بولیوار کافی بود که بسیاری از حامیان و پیروان حول اندیشه های و انگاره های فکری او گرد آیند و به روش (خود یاری)^۱ در راه آزادی و استقلال کشور های آمریکای لاتین در صدد انجام ماموریت های میهن پرستانه شوند. (بلدی فروشان، ۱۳۸۹: ۹۸)

۲) چاویسم و چاویستا در آمریکای لاتین

در فوریه سال ۱۹۹۲ هوگو چاوز که یک افسر ارتش ونزوئلا بود، کودتایی نافرجام علیه حکومت منتخب پرزیدنت (کارلوس آندرس پرز)^۲ ترتیب داد. در نوامبر همان سال در شرایطی که چاوز پشت میله های زندان بود، کودتایی جدید و خشونت بارتر توسط برخی از یاران وی رهبری شد که این تلاش نیز نافرجام ماند. شش ماه پس از کودتای ماه نوامبر، پرزیدنت پرز به فساد متهم و ناچار به کناره گیری از قدرت شد. جانشین پرز چاوز و همدستان وی را عفو و از زندان آزاد کرد. چاوز در سال ۱۹۹۸ که رهبری یک جنبش سیاسی غیر منسجم را بر عهده داشت، با کسب حمایت گسترده مردم و در انتخاباتی آزاد و عادلانه و برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ و با کسب ۵۶ درصد آراء به ریاست جمهوری ونزوئلا رسید. چاوز در انتخابات ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ نیز دو بار به این سمت برگزیده شد. وی در انتخابات سال ۲۰۱۲ نیز برای بار چهارم به پیروزی رسید، ولی بیماری او را برای ایراد سوگند ریاست جمهوری ناتوان

1. Self Help.

2. Karlous Anderes Perz.

کرده بود. در انتخابات سال ۱۹۹۸ دو حزب سنتی ونزوئلا یعنی (حزب عمل دموکراتیک)^۱ و (حزب مسیحی سوسیال)^۲ که به مدت چهل سال بر کشور سیطره داشتند در مقابل ائتلافی از ۱۵ حزب چپگرا که به نام (ائتلاف میهن پرست)^۳ مشهور شدند، قرار گرفتند. شعار مرکزی این ائتلاف، تغییر قانون اساسی بود. در آن سال ها، ونزوئلا با وجود در آمد سر شار نفت، تعدادی بیشماری فقیر داشت و فساد تمام سیستم را فرا گرفته بود. طبق دیدگاه ائتلاف میهن پرستان، این سیستم بود که به بعضی از افراد اجازه داد تا بتوانند وارد کنگره شوند و بودجه نفت را از آن خود کنند. از نظر این ائتلاف، بیشترین فساد از ناحیه مدیران و سردمداران صنعت نفت بود بنابراین، تیغ حملات این گروه نیز متوجه اعضای کمپانی نفت ونزوئلا بود. با به قدرت رسیدن چاوز، وی و هم حزبی هایش تلاش خود را در جهت اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی ونزوئلا شروع کردند. پایه و اساس این اصلاحات بر تفکرات چپ و اقتصاد ملی می چرخید. (اتاوی، ۱۳۸۶: ۹۳)

۲-۱) زمینه ها و بستر های قدرت یابی هوگو چاوز

تهیدستی و نابرابری و دیگر دشواری های اجتماعی در ونزوئلا زمینه ساز پا گرفتن جنبش زیر زمینی انقلاب بولیواری در سال های ۱۹۸۲ به رهبری هوگو چاوز شد. جنبشی که از ویژگی هایش آن بود که در چارچوب معادلات و جناح های سیاسی موجود تعریف نمی شد و مرزبندی روشنی نداشت. حمله ها و اقدامات اعضای جنبش همانند شورش نافرجام ۴ فوریه ۱۹۹۲ علیه قدرت وقت یعنی احزاب عمل دموکراتیک و حزب مسیحی سوسیال نیز در اعتراض به وضع موجود در جامعه بود که در چارچوب میهن پرستان نمود یافت. موضع اعضای این جبهه که در اردوگاه چاوز خیمه زده بودند، به سبب ناهمگونی سیاسی گروه های حاضر در آن با عناوینی چون (بی طرفی اصولی) و (بی طرفی ایدئولوژیک) معرفی شده بود. تحت

1. Democratic Action.
2. Christian Social Party.
3. Patriotic Pole.

این شرایط، چاوز و همپمانانش با درس های ارزشمندی که از دگرگونی ها و چالش های دو دهه گذشته در جهان میان کاپیتالیسم^۱ و سوسیالیسم^۲ دولتی گرفته بودند و از آن رو که نظریه های مارکسیستی را برای عدالت گستری، توسعه و رشد جوامع و کاستن از دامنه نابرابری ها ناکار آمد می دانستند، از اینکه جنبش انقلابی خود را به مارکسیسم و متون به جا مانده از آن نسبت دهند، زیرکانه پرهیز کردند. ولی به خوبی از ادبیات و مفاهیمی که مارکسیست ها برای برانگیختن توده ها و گروه های ستم دیده به کار می بردند و پیشینه و بستر ذهنی و فرهنگی آن در آمریکای لاتین بیش از هر جای دیگر آماده بود، بهره گرفتند. فروپاشی و از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، فرو ریختن دیوار برلین در آلمان، استقبال اروپای خاوری و چین کمونیست از لیبرالیسم اقتصادی و مالکیت خصوصی و کاهش نفت و دخالت دولت در اقتصاد، موارد و تجربه های ارزنده ای در پهنه بین المللی بود که سبب شد هوگو چاوز خود را یک مارکسیست نشان دهد و با همه دشواری هایی که لیبرالیسم اقتصادی و توانگران وابسته به سرمایه داری جهانی پدید آورده بودند، مالکیت خصوصی را محترم شمارد و به قرار داد هایی بین المللی که در الگوی ساختار گرایی، محور غارت منابع شمرده می شود، پایبند بماند و سرمایه گذاری را پذیرا شود. او به رغم آنکه مدافع خصوصی بود و آن را محترم می دانست، ولی برای گسترش مالکیت عمومی نیز تلاش می کرد و بر اساس قانون اساسی جدید بولیواری بر این باور بود که مالکیت عمومی باید همگانی شود تا نابرابری ها بر طرف شود. (بلدی فروشان، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

۲-۲) مرامنامه و مسلک سیاسی هوگو چاوز

در سال های اخیر، هوگو چاوز مهمترین مظهر سیاسی بولیواریسم در نظام سیاسی ونزوئلا بود. چاوز از ابتدای ریاست جمهوری خود را یک وطن پرست بولیواری

1. Capitalism.
2. Socialisme.

خواند و تفسیر خود را که از چندین ایده آل بولیوار در امور روزمره اعمال می کرد، به عنوان بخشی از انقلاب بولیواری تفسیر می کرد. این موارد شامل قانون اساسی ۱۹۹۹ بود که نام ونزوئلا را به جمهوری بولیواری ونزوئلا و سایر ایده ها مانند مدارس بولیواری، محافل بولیواری و دانشگاه بولیواری ونزوئلا تغییر داد. در مجموع اصطلاح (بلواریسم) اغلب به طور خاص برای اشاره به قانون هوگو چاوز در نظام سیاسی ونزوئلا استفاده می شد.

نکات اصلی بولیواریسم که توسط هوگو چاوز تعالی داده شده بود، شامل مواردی چون: دموکراسی مشارکتی و تاکید بر آرای عمومی در همه پرسی، خود یاری کشورهای آمریکای لاتین در مقابل سلطه و نفوذ آمریکا، تعقیب راهبرد نظام ضد سلطه و مبارزه با مداخله گرایی و هژمونی ایالات متحده آمریکا، خود کفایی اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت، برابری و از بین بردن فساد و مبارزه با آن بود.

نسخه و الگوی بولیواری چاوز اگر چه به شدت از آرمان های بولیوار منتج می شد، اما چاوز خود را وامدار نوشته های مورخ مارکسیست یعنی (فدریکو بریتو فیگوروا)^۱ و همچنین متأثر از فلسفه سیاسی (آزکوئیل زامورا)^۲ و (سیمون رودریگز)^۳ نیز می دانست. چاوز همچنین از سنت اسپانیایی زبان آمریکایی نیز متأثر بود. او خود را همانند (خورخه گایتان)^۴ پرچمدار جنبش زنان در کلمبیا، (فیدل کاسترو)^۵ رهبر کوبا، (چه گوارا)^۶ انقلابی مارکسیست اهل آرژانتین و یکی از شخصیت های اصلی انقلاب کوبا و (سالوادور آلنده)^۷ سیاست مدار مارکسیست و از بنیان گذاران حزب سوسیالیست شیلی می دانست. حامیان و طرفداران هوگو چاوز در ونزوئلا خود را به عنوان چاویزمو^۸ یا چاویستا^۹ می نامند.

1. Fidirico Biritou Figarou.
2. Azkoueil Zamour.
3. Simoun Rodrigerz.
4. khorkho ghayatan.
5. Fidel Kastorou.
6. Chegoara.
7. Salvatour Alendhe.
8. Chavismou.
9. Chavista.

بعد از قدرت یابی چاوز در نظام سیاسی ونزوئلا، او به نقشی که سوسیالیسم دموکراتیک (نوعی سوسیالیسم که خواستار نهادهای دموکراتیک در اقتصاد است) در بولیواریسم اعتراف می‌کند. چاوز حمایت خود از سوسیالیسم دموکراتیک را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از بولیواریسم می‌داند و اعلام کرد که بشریت باید نوع جدیدی از سوسیالیسم، به عنوان یک نوع بینش اومانیستی بپذیرد که نتواند انسان‌ها و ماشین‌ها یا دولت‌ها را بالاتر از همه انسان‌ها قرار می‌دهد و موجب امر استیلابی شود. چاوز در یک سخنرانی ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ در چهارمین اجلاس بدهی اجتماعی که در کاراکاس برگزار شد، این احساس را تکرار کرد. (عطایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲)

۲-۳) رادیکالیزه شدن چاوایسم و برپایی چتر بولیواریسم در آمریکای لاتین

با توجه به دشواری‌های جامعه همچون تهیدستی و نابرابری اجتماعی از یک سو و پایداری طبقه وابسته به سرمایه داری جهانی از سوی دیگر، این چاوایسم بر ای بر انگسختن توده‌ها به گونه‌ای رادیکالیزسیون اجتماعی نیاز داشت که با تصویب ۴۹ قانون انقلابی در دسامبر ۲۰۰۱ انجام پذیرفت. با این کار، گونه‌ای جهت‌گیری ایدئولوژیک رخ داد که تا اندازه‌ای مرز میان جنبش چاوایسم را با جریان‌های میانه رو و راست‌گرایان روشن کرد و مایه جدایی آنها از اردوگاه چاوز شد. اقدامات آمریکا در برابر چاوز از جمله راه‌اندازی دو کودتا در سال ۲۰۰۲ و پشتیبانی دولتمردان آمریکایی از حکومت‌های وابسته در آمریکای لاتین سبب شد تا در چارچوب گفتمان‌های سیاسی آمریکای لاتین که سخت با مفاهیم مارکسیستی آمیخته بود، نظریه پردازی و تفسیر احکام بولیواری با رویکرد رادیکالتر صورت گیرد و بر پایه شعارهایی همچون مبارزه با امپریالیسم و نظام سلطه یعنی مداخله جویی و هژمونی ایالات متحده آمریکا، جلوگیری از غارت منابع آمریکای لاتین، عدالت خواهی و رفع نابرابری، وجوه مشترک بیشتری با رویکرد‌های مارکسیستی پیدا کند. بر این اساس چاوز و بیشتر بر پایه وعده‌ای که پیش از انتخابات ۱۹۹۸ به

مردم داده بود به منظور دموکراتیک کردن ساختار نظام سیاسی ونزوئلا و گسترش عدالت و برابری و با برگزاری یک همه پرسی سراسری، قانون اساسی را تغییر داد و در همه پرسی دیگری در سال ۱۹۹۹ نام کشور را به جمهوری بولیواری ونزوئلا تبدیل کرد. او دست به اصلاحاتی در ساختار نهاد دولت و نهاد های اقتصادی و اجتماعی جامعه با هدف توزیع در آمد ها و پشتیبانی از تهیدستان به ویژه بومیان که در فرایند نوسازی مشارکت پویا نداشتند، زد. در این دوران، هوگو چاوز بر این اعتقاد بود که قدرت را باید به فقیران داد، یعنی مردمی که گریه می کنند، درس می خوانند و کار می کنند. چاوز برنامه های گسترده ای برای تامین بهداشت عمومی، آموزش رایگان، مسکن ارزان و بالابردن سطح زندگی به اجرا گذاشت. بدین سان ونزوئلا در زمینه اقتصادی پیشرفت چشمگیری کرد. بر پایه گزارش موسسه آمار ملی، میانگین نرخ رشد اقتصادی در دوره پس از سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۹/۵ درصد بوده و بیکاری از ۱۴/۵ درصد به ۱۱ درصد کاهش یافت. در سال ۲۰۰۴ رشد اقتصادی به رقم بی سابقه ۱۷/۵ رسید. با این همه و با وجود شعار ها و سخنانی های تند چاوز و اینکه بار دیگر او قویا مسئله امپریالیسم را مطرح می کرد، روش های او در عمل اصلاح گرایانه و گام به گام بود و بیشتر به الگوی سوسیال دموکراسی در اروپا نزدیک بود تا سوسیالیسم دولتی. چاوز در برنامه ای با رنگ و بوی بومی و همخوان با فرهنگ و ادبیات مردمان آمریکای لاتین با عنوان (گزینه بولیواری برای آمریکای لاتین) 'دموکراسی مشارکتی و عدلت اجتماعی را تعریف می کرد. او برای افزایش مشارکت بومیان که بیشتر نژاد سرخپوستی دارند و زبانشان اسپانیایی بود، و از گروه های تنگدست و کناره نشین شهر ها محسوب می شدند، در این طرح سازماندهی (انجمن های شهروندی) و راه اندازی شبکه گسترده سازمان های تعاونی در همه حوزه های اقتصادی را در دستور کار گذاشته تا در عمل گامی در راستای تحقق بخشیدن به دموکراسی مشارکتی برداشته باشد. (صبوری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۱۲) به

این ترتیب و با اقداماتی که چاوز در دستور کار قرار داد و خود را متعهد به اجرای آنها کرد، موج چاوایسم نظام سیاسی برخی از کشورها در حوزه آمریکای لاتین را در بر گرفت و شیوه‌های اصلاح‌گرایانه و رسیدن به قدرت در پرتو مشارکت دموکراتیک، راه را برای توده‌های تندگدست و بومیان باز کرد و حکومت بومیان از راه صندوق‌های رای پس از پیروزهای هوگو چاوز در ونزوئلا، نخست‌لویس ایناسیو لولا داسیلوا^۱ در برزیل (۲۰۰۶) برای اوهورالس^۲ در بولیوی (۲۰۰۶) برای دانیل اورتگا^۳ در نیکاراگوئه (۲۰۰۶) برای فلیپه کالدرون^۴ در مکزیک (۲۰۰۶) برای نستور کرشنر^۵ در آرژانتین (۲۰۰۷) و سپس برای رافائل کوره آ^۶ در اکوادور (۲۰۰۷) رقم خورد. این کشورها در کنار کوبا به رهبری فیدل کاسترو و الگوی سوسیال دموکراتیک تازه‌ای با شالوده بولیواریستی به دست دادند تا از راه دموکراسی عدالت اجتماعی پا گیرد. در همین راستا، بسیاری از احزاب چپ‌گرا در آمریکای لاتین مانند آندرس مانوئل لویز^۷، در انتخابات اول ژانویه ۲۰۱۸ در مکزیک دوباره پیروز شدند. بدین گونه بود که چتر بولیواریسم در حیات سیاسی کشورهای آمریکای لاتین برپا شد. هدف از برپایی چنین چتری، یکپارچگی، همبستگی و همکاری کشورهای آمریکای لاتین با یکدیگر در قابل مداخله جویی و جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در حوزه کشورهای آمریکای لاتین بود. (کرمی، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

۳) آثار و نتایج بولیواریسم بر سمت و سوهای سیاست خارجی کشورهای آمریکای لاتین در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲

کلید فهم آثار و نتایج بولیواریسم بر سمت و سوهای سیاست خارجی کشورهای آمریکای لاتین در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ در کنش‌ها و الگوهای رفتاری

1. Loueis Einasio Loula dasilva.
2. Ovhe Morales.
3. Daniel Ortega.
4. Pelipeh kalderoun
5. Nestour kershner
6. Rafaeil Korea.
7. Anderes Manoel Lopes.



ایالات متحده آمریکا به ویژه نفوذ تدریجی و مداخله آن در کشور های آمریکای لاتین و سپس استراتژی ترویج دموکراسی و دستیابی و سلطه بر منابع انرژی در این کشورها نهفته است.

در پروژه نفوذ تدریجی و مداخله ایالات متحده آمریکا مسئله این است که این کشور اولاً حوزه آمریکای لاتین را حیاط خلوت خود می داند، لذا تحت این شرایط چنگ اندازی بر این کشور ها را به جهت قدرت اقتصادی و نظامی و همچنین مجاورت جغرافیایی و در نتیجه نیت نظامی و تهاجمی حق خود می داند و اساساً موافقتی با ائتلاف این کشور ها در مقابل خود ندارد. آمریکا پروژه نفوذ در آمریکای لاتین را در راستای جایگزین سازی نئولیبرالیسم به جای سوسیالیسم و ملی گرایی، تقسیم بین المللی کار نابرابر و غارت منابع کشور های آمریکای لاتین به انجام می رساند. در این ارتباط، خودیاری و ائتلاف و سیاست (همراه سازی)^۱ کشور های آمریکای لاتین حول میراث بولیواریسیم و راهبرد های اعلامی و اعمالی هوگو چاوز پاسخی به نیت جاه طلبانه، نظامی و تهاجمی ایالات متحده آمریکا محسوب می شود. در واقع تعقیب سیاست های همراه سازی کشور های حوزه آمریکای لاتین از یک حلقه تهدید مشترکی چون ایالات متحده آمریکا آب می خورد که به جهت مجاورت جغرافیایی و نیت تهاجمی یک تهدید بالقوه برای حیات سیاسی این کشور هاست. سیاست ائتلاف و همراه سازی کشور های آمریکای لاتین جهت ایجاد (موازنه تهدید)^۲ به مثابه یک عامل بازدارنده علیه اقدامات و تحرکات ایدایی ایالات متحده آمریکا در قبال کشور های آمریکای لاتین و در راس همه آنها ونزوئلا است. به واقع ایجاد موازنه تهدید کشور های آمریکای لاتین موجب افزایش توان بازدارندگی و همچنین متضمن تامین منافع سرزمینی و منافع امنیتی و ملی کشور های آمریکای لاتین محسوب می شود. ثانیاً ایالات متحده آمریکا با دگر گونی ها و



تحولات رو به پیش در کشور های آمریکای لاتین به ویژه تحولاتی که کوبا و ونزوئلا عهده داری اجرای آن هستند، سخت هراس دارد. تحت این شرایط کشور های آمریکای لاتین چاره را در آن می دانند که با ائتلاف سازی و همگرایی با سایر کشور های آمریکای لاتین موجب افزایش هراس آمریکا و در نتیجه موجب جلوگیری از مداخله در فراگرد های نظام سیاسی کشور های آمریکای لاتین شوند. گزینه بولیواری برای آمریکای لاتین که با هدف تحقق دموکراسی مشارکتی و برابری اجتماعی تحت عنوان برنامه (ALBA) از سوی هوگو چاوز در سال ۲۰۰۸ تدارک یافته بود، و همچنین دعوت کشور های آمریکای لاتین به انسجام و همبستگی در مقابل نظام سلطه در طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ در همین راستا قابل تفسیر و ارزیابی است.

در پروژه ترویج دموکراسی مسئله این است که، ایالات متحده آمریکا سلسله تلاش هایی را در دستور کار قرار داده است تا نخبگانی در کشورهای آمریکای لاتین به قدرت برسند که از سیستم اقتصاد نئولیبرالی و بازار آزاد حمایت کنند. در واقع نیت تهاجمی ایالات آمریکا علیه کشور های آمریکای لاتین در مسئله ترویج دموکراسی در اقتصاد لیبرالی، آزادی اقتصادی، خصوصی سازی ریشه دارد. به همین دلیل بود که هوگو چاوز از رهگذر باز احیای گفتمان بولیواریسم چاره را در آن دید که بخواهد سوسیالیسم را جایگزین و آلترناتیو یا به مثابه پادگفتمانی در مقابل نئولیبرالیسم آمریکا قرار دهد. این راهبرد و سیاستی بود که پیوسته در دوران ریاست جمهوری هوگو چاوز در ونزوئلا پیگیری شد و پس از مرگ وی نیز ادامه یافت. در سطحی دیگر، تمام مساهمت و تلاش ایالات متحده آمریکا به واسطه مجاورت جغرافیایی آن بود که از به قدرت رسیدن افراد و احزاب ملی گرا و چپ در کشور های آمریکای لاتین جلوگیری کند. این تلاش به خاطر تداوم و استمرار پروژه نفوذ ایالات متحده آمریکا در حوزه آمریکای لاتین بود. البته این راهبرد ایالات متحده

آمریکا مسبوق به سابقه بود. ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ روابط آمریکا به ویژه در دوران جنگ سرد با کشورهای آمریکای لاتین بنا به شرایط خاص آن دوران، سیاست‌های مختلفی چون: (سیاست قایق‌های توپدار)^۱ و (دیپلماسی دلار)^۲ و (همسایه خوب)^۳ و (دکترین من)^۴ و (طرح کوندور)^۵ و همچنین، حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری نظامی اشاره کرد. در واقع در دوران جنگ سرد و حاکمیت نظام دو قطبی و خطر نفوذ کمونیست در منطقه، این کشور به مدت چهار دهه از سیاست حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری نظامی در جهت سرکوب جنبش‌های چپ در آمریکای لاتین بهره می‌برد.

در پروژه دستیابی و سلطه بر منابع انرژی مسئله این است که هوگو چاوز با قدرت یابی در حیات سیاسی ونزوئلا اصلاحاتی را بر مبنای تفکرات چپ و اقتصادی ملی در دستور کار قرار داد و نخستین ارگانی هم که هدف این اصلاحات قرار گرفت، صنعت نفت بود. چراکه ونزوئلا در میان کشورهای آمریکای لاتین بیشترین ذخایر نفتی را داراست. چاوز برای ارتقای در آمد خالص دولت از فروش نفت و تغییر در مدیریت آن، مدیران نتولیرال را که قصد دستیابی به منابع انرژی ونزوئلا را داشتند تغییر داد و نقش دولت را در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) افزایش داد تا بتواند آن‌ها را در جهت کاهش سطح تولید و در نتیجه افزایش قیمت نفت ترغیب کند. دیگر اصلاحاتی که مد نظر قرار گرفت، افزایش حق امتیاز شرکت‌های خصوصی به دو برابر و تلاش در جهت ملی کردن صنایع بزرگ و حتی دارایی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی همچون اکسون موبیل در ونزوئلا بود. این اقدامات تلاشی بود برای کاهش فقر در ونزوئلا که در صد بالایی از جامعه این کشور را تشکیل می‌دادند. همچنین چاوز این اقدام را برای جلوگیری از دستیابی ایالات

1. Gun ship.
 2. Dollar Diplomacy.
 3. Good Neighbor policy.
 4. Mann Doctrine.
 5. Plan Condor.

متحده آمریکا بر منابع انرژی و نزوئلا انجام داد. با اقداماتی که چاوز در سایه اصلاحات در حوزه انرژی انجام داد، طبق بر آورد انجام شده از ذخایر نفت و نزوئلا این کشور بالغ بر ۲۹۸ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده را داراست و از صادر کنندگان اصلی نفت در جهان به شمار می آید و این در حالی بود که بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ حدود ۴۸ درصد مردم و نزوئلا کمتر از دو دلار در روز در آمد داشتند که این آمار برای کشوری چون و نزوئلا یک ویژگی منحصر به فرد و متمایزی بود. چاوز همه این اقدامات را در حوزه انرژی برای انسجام و همگرایی کشور های آمریکایی لاتین و به منظور رهایی از مدار وابستگی این کشور ها از زیر سلطه نفوذ استعمار ایالات متحده آمریکا انجام داد. چاوز این راهبرد را بیش از همه در شرایطی اتخاذ کرده بود که در نظام سیاسی آمریکا جورج بوش در کاخ سفید بود. جورج بوش در سایه ضرورت مهار راهبرد چاوز سه موضع را در دستور کار قرار داد:

۱. گسترش روابط با کشورهای بزرگ منطقه به ویژه مکزیک فراتر از حوزه نفتا که این موضوع با توجه به رقابت دیرینه مکزیک با کشورهای اروپایی به خصوص بریتانیا در بسط روابط با آمریکا می توانست به نوعی نشانگر ارزشگذاری واشنگتن به همسایه خود تلقی شود،

۲. بسط مدل (اجماع واشنگتن)^۱ با شاخص های خاص لیبرال آن در تمامی کشور های منطقه که هدف اصلی این رویکرد علاوه بر بسط نفوذ، به تلاش واشنگتن برای حفظ یکپارچگی و انسجام کارکردی در حوزه های موضوعی مختلف به ویژه در برابر بدیل های خارج از منطقه باز می گشت،

۳. چانه زنی و دیپلماسی فعال در راستای ایفای نقش هماهنگ سایر کشور های منطقه مطابق با سیاست خارجی آمریکا در راستای تحقق هارمونی و هم افزایی.

(ارغوانی پیر سلامی، ۱۳۹۴: ۱۰۷)

با وجود ارائه این طرح از سوی دولت بوش، در دوران بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا نتوانست مطابق با رویکرد های مد نظر خود در منطقه عمل کند. از این رو، تا پایان دوره ریاست جمهوری بوش، آمریکای لاتین به یک حوزه حاشیه‌ای در سیاست‌گذاری آمریکا تبدیل شد. این بی‌توجهی چندین پیامد مهم را برای ایالات متحده آمریکا از سوی کشور های آمریکا لاتین به ویژه ونزوئلا داشت که عبارت بود از:

۱. نفوذ گروه های چپ‌گرا و گسترش تمایلات بولیواری در سیاست کشور های آمریکای لاتین که بسیاری سر آغاز این روند را روی کار آمدن جهوگو چاوز در ونزوئلا و بسط ادبیات ضد آمریکایی توسط راهبردی وی می دانند

۲. تشدید فرآیند همگرایی و همکاری های درون منطقه ای نه از طریق نهاد های رسمی که آمریکا در آن حضور داشت بلکه از طریق تجارت و سرمایه گذاری های مشترک

۳. تشدید همکاری های فراملی میان کشور های آمریکای لاتین

۴. شکل گیری شبکه های تجاری و حرفه ای و همکاری های عمل گرایانه

۵. گسترش و تقویت همکاری های با اتحادیه اروپا، اعضای اجلاس همکاری اقتصادی آسیا- پاسیفیک (APEC) به ویژه چین، هند، ایران و روسیه

۶. تشدید رویکرد جهانی به آمریکای لاتین به مثابه بدیلی برای حمایت آمریکا

۷. تضعیف نهاد های قاره ای و نیم کره غربی همانند سازمان کشور های

آمریکایی (OAS) و بانک توسعه درون آمریکا.^۱ (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۱۰۸)

مجموعه این موارد علاوه بر آن که به عنوان پیامد های بی توجهی ایالات متحده به آمریکای لاتین در نظر گرفته می شد، در واقع چالش های فرا روی دولت اوباما نیز در تنظیم روابط با حیط خلوت ایالات متحده آمریکا به شمار می رفت. این موضوع زمانی ابعاد جدید و حساس تری به خود گرفت که علاوه بر گسترده شدن

دامنه روی کار آمدن دولت های چپ گرا با ماهیت ضد آمریکایی و نیز خیزش قدرت های اقتصادی همچون برزیل، مکزیک، آرژانتین روز به روز بر نفوذ کشور های رقیب آمریکا در منطقه افزوده می شد. از این رو، دولت اوپاما در آغاز تصدی اختیارات با انجام سفر های اولیه چندین ابتکار مهم از جمله تلاش برای جلب اعتماد کشور های آمریکایی به طور خاص و جامعه بین المللی به طور عام مبنی بر نشان دادن پایان موج بحران اقتصادی، تلاش برای جلوگیری از واگرایی نهاد های منطقه ای و تعقیب همکاری با منطقه در جهت حل مسائل مهم نظیر احیای نهاد های مالی، جریان اعتبارات و سرمایه گذاری، مقابله با مشکلات حوزه انرژی و امنیت شهروندان به جای سر دادن شعار (همکاری از آلاسکا تا تبرا دل فوگو)^۱ به منظور اعاده جایگاه آمریکا در آمریکای لاتین را در پیش گرفت.



نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها و پیشنهادات

در این مقاله به روش تحلیل کیفی داده‌ها و همچنین روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از الگوی نظری (موازنه تهدید) منشعب از رهیافت واقع‌گرای ساختاری، آثار و نتایج ولیواریسم بر سمت و سوهای سیاست خارجی کشور های آمریکای لاتین در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار گرفت. انتخاب الگوی نظری موازنه تهدید به عنوان پشتوانه تئوریک و برای تحلیل داده‌ها و یافته‌های مقاله در راستای متغیرهای مستقل و وابسته انتخاب گردید و تمامی داده‌ها در قالب فرضیه به واسطه این الگوی نظری تحلیل و در واقع به پرسش مقاله پاسخ داده شد. در این مقاله بر این نکته تاکید گردید که بولیواریسم، آرمان و ایدئولوژی غالب کشورهای آمریکای لاتین است که منتج از آموزه‌های سیمون بولیوار است که توانست آمریکای لاتین را از استعمار اسپانیا برهاند و زمینه را برای استقلال آمریکای لاتین فراهم کند. همچنین در این مقاله بر این نکته تاکید گردید که هوگو چاوز رئیس جمهوری سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ مظهر سیاسی بولیواریسم در دوران جدید بوده است که مساهمت و تلاش او در حوزه کشورهای آمریکای لاتین موجب رواج اندیشه‌های میهن پرستانه و ناسیونالیسم شوونیسمی گردیده و توانست با ترویج آموزه‌هایی چون: ستم ناپذیری، عدالت خواهی، رفع ظلم و تبعیض، تحقق آزادی، عدالت و استقلال علیه سلطه و نفوذ ایالات متحده آمریکا و جنبه ضد استعماری و ضد امپریالیستی آن قد علم کند. به واقع مساهمت و تلاش هوگو چاوز موجب برپایی و اهتزاز چتر و پرچم بولیواریسم در آمریکای لاتین گردید، به گونه‌ای بسیاری از کشورهای این حوزه یعنی کوبا، برزیل، آرژانتین، بولیوی، شیلی و اکوادور در زمره میراث‌داران سیمون بولیوار و نحله بولیواریسم محسوب می‌شوند. به عنوان نتیجه‌گیری نهایی باید خاطر نشان کرد که بولیواریسم موجب ائتلاف کشورهای در مقابل تهدیدات ایالات متحده گردیده است. تهدیدات ایالات متحده



آمریکا علیه کشورهای آمریکای لاتین به واسطه قدرت نظامی، نیت تهاجمی و مجاورت جغرافیایی در پروژه هایی چون: نفوذ تدریجی و مداخله آن در کشورهای آمریکای لاتین، تعقیب راهبرد و راهکنشی ترویج دموکراسی و دستیابی بر منابع انرژی در این کشورها دنبال شد. در این ارتباط، خودیاری و ائتلاف و سیاست (همراه سازی) کشورهای آمریکای لاتین حول میراث بولیواریسیم و راهبرد های اعلامی و اعمالی هوگو چاوز توانست از شدت سیاست های ایدایی ایالات متحده آمریکا بکاهد و در سایه این ائتلاف تهدیدات و رفتار های تزاخمی آن را به چالش بگیرد.

نظر به آنکه ایالات متحده آمریکا کشورهای آمریکای لاتین را یکی از حوزه های مورد مداخله خود می داند و همواره به بهانه هایی چون نفوذ تدریجی و مداخله سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین، ترویج دموکراسی و دستیابی بر منابع انرژی سیاست های تزاخمی خود را در این کشور های دنبال می کند، پیشنهاداتی در جهت بی اثری و خنثی سازی تحرکات ایدایی ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می گردد و آنکه:

۱. قطعاً فقدان حضور هوگو چاوز، پایان بولیواریسیم نیست. بنابراین نیکلاس مادورو که در ونزوئلا جانشین چاوز شده است، می تواند عهده دار میراث بولیواریسیم و ادامه دهنده سنت چاوز باشد. هر گونه امید به نقش آفرینی مادورو تابعی از رویکرد های همدلانه کشورهای آمریکای لاتین و تمایل به ائتلاف کشورهای این حوزه، علیه سلطه و هژمونی ایالات متحده آمریکاست.

۲. تعقیب ایدئولوژی سوسیالیسم و ملی گرایی مهمترین و اثر بخش ترین راهبرد در قبال نئولیبرالیسم ایالات متحده آمریکاست. لذا لازم است که اغلب رهبران کشورهای آمریکال لاتین سوسیالیسم فضیلت محور و مسئولیت گرا را به مثابه ابزاری برای به چالش گرفتن سلطه و هژمونی ایالات متحده آمریکا به کار گیرند.

۳. نظر به آنکه در شرایط حاضر شاهد قدرت گیری برخی از احزاب چپ گرا در کشور های آمریکای لاتین هستیم، بهتر آن است که کشور های آمریکای لاتین قدرت یابی چپگراها را بیشتر به مثابه فرصت تلقی نمایند تا تهدید. زیرا فویا و ترس آمریکا از احزاب چپ گرا که تهدیدی بالقوه و حتی بالفعل در قبال نئولیبرالیسم است، تا میزانی می تواند متضمن منافع سرزمینی و منافع ملی کشور های آمریکای لاتین باشد.

۴. تعقیب تعامل سازنده و همگرایی و اتکاء به راهبرد وابستگی پیچیده متقابل و همچنین اجتناب از پوپولیسم و دماگوژی در عرصه های اقتصادی، متضمن استقلال اقتصادی، همگرایی در مناسبات تجاری و صیانت از حقوق اقتصادی کشور های آمریکای لاتین خواهد بود. در واقع تعقیب راهبرد وابستگی پیچیده متقابل از سوی کشور های آمریکای لاتین، این کشور ها را بی نیاز از ایالات متحده آمریکا می سازد.

۵. تعقیب سازنده گرایی با تاکید بر رویه های همسان، انگاره های بین الاذهانی و باز تعریف هویت جدید از رهگذر بولیواریسیم و به کار گیری آن در سیاست خارجی پویا، می تواند ضریب امنیتی، حیاتی و سیاسی کشور های آمریکای لاتین را افزایش دهد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ابراهیم بای اسلامی، غلام حیدر (۱۳۸۹) از ساختار گرایی تا بولیوارسیم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اتاوی، مارینا (۱۳۸۶) گذار به دموکراسی: شبه اقتدار گرایی، ترجمه سعید میرترابی، اقتدار گرایی در ونزوئلا و چاوز، تهران: نشر قومس.
۳. ارغوانی پیر سلامی، فریبرز (۱۳۹۴) آمریکا و چالش قدرت در آمریکای لاتین، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵.
۴. اسماعیلی، مرتضی (۱۳۹۴) آمریکا و چالش قدرت در آمریکای لاتین: مقایسه رویکرد چین و ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵.
۵. بلدی فروشان، محمود (۱۳۸۹) هوگو چاوز و چپ گرایی در آمریکای لاتین، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
۶. زمانی، محسن و نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۸) واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۷. سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (۱۳۹۷) داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره یازدهم، شماره ۴۱.
۸. سیمبر، رضا (۱۳۹۶) سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بر اساس الگوی موازنه تهدید، دوفصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال سوم، شماره اول.
۹. صبوری نژاد، احمد (۱۳۹۴) آمریکا و راهبرد مداخله گرایی در آمریکای لاتین، مطالعه موردی: ونزوئلا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره بیست و پنجم.
۱۰. عطایی، بلال (۱۳۹۰) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم در آمریکای لاتین، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.

۱۱. کاردوزو، فرناندو هنریکو و فالتو، انزو (۱۳۵۹) وابستگی و توسعه در آمریکای لاتین، ترجمه حسامیان و دیگران، تهران: انتشارات تندر.

۱۲. کرمی، طه (۱۳۹۴) آمریکا و ترویج دموکراسی در آمریکای لاتین، مطالعه موردی: ونزوئلا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره بیست و پنجم.

۱۳. متقی، ابراهیم و ثابت، علی (۱۳۹۸) مبانی و هستی شناسی تفکر امنیتی اسرائیل، فصلنامه آفاق امنیت، دوره پنجم، شماره ۱۷.

۱۴. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۵) بررسی تطبیقی نگاه اروپا و آمریکا به آمریکای لاتین و پیامدها، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۵.

ب) منابع انگلیسی

1. Jervis, Robert, (1999) Realism, Neoliberalism, and Cooperation, International Security, Vol. 24, No. 1, summer.
2. Kaufman, Stuart J, Richard little and William C. Wohlforth (2007) "The balance of Power in World History", Palgrave macmillan.
3. Rand, Dafna & Miller, Andrew. (2020) Re-engaging the Middle East: A New Vision for U.S. Policy, Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
4. The Wallstreet Journal, (2015), "World: Latin America", (observed: 15/10/2015) at: <http://www.wsj.com/news/world/latin-america>.
5. Walt M. Stephan (1986) "Alliance: Balancing and Bandwagoning", in Stephan M. Walt, (Eds). The Origins of Alliances, Cornell University Press.
6. Yan, Thrall (2019). Leadership and the Rise of Great Powers, New Jersey: Princeton University Press..





بررسی ایدئولوژیک سیاسی چاویسم

محمدحسین زارع^۱

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آمریکا، دانشگاه آزاد تهران مرکزی

احمداسدزاده^۲

دکترای مدیریت راهبردی؛ دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

چکیده

هوگو چاوز، رئیس جمهور کشور جمهوری بولیواری ونزوئلا^۳ از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳، به عنوان مروج گفتمان سیاسی چاویسم^۴ که تصویری از این نظریه در برابر جامعه ایجاد می‌کرد، در صحنه سیاسی ملی و بین‌المللی ظاهر شد. هوگو چاوز یک کار سیاسی تاریخی از خود به جای گذاشت که موجب شکل‌گیری طرفداران سرسخت و نیز مخالفان داخلی و منطقه‌ای شد. این مقاله به دنبال تحلیل روند شکل‌گیری چاویسم یا بولیواریانیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی است. برای انجام این کار، یک مرور تاریخی کوتاه از شکل‌گیری ایدئولوژیک رئیس جمهور فقید ونزوئلا هوگو چاوز، دیدگاه‌های او و تثبیت رهبری او انجام می‌شود. همچنین خاستگاه و ویژگی‌های این نظریه سیاسی بررسی خواهد شد. یکی از ویژگی‌های بارز این نظریه انقلاب و تغییر کامل در بنیان سیاسی این کشور بود لذا رفتاری که

1. E-mail: zaremh1370@gmail.com

2. E-mail: zaremh1370@gmail.com

3. República Bolivariana de Venezuela

4. Chavismo

چاوز با سیاست و نوع نگاهی که او نسبت به انیسه‌های سیاسی دیگر به ویژه سوسیالیسم و مارکسیسم داشت و نیز به نقش چاوایسم در فرآیند تحکیم احساس همذات پنداری با ونزوئلایی‌ها و به میدان آوردن طبقات کارگری و رفتارهای ضد سرمایه‌داری داشت نیز بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

ونزوئلا، چاوایسم، بررسی ایدئولوژیک.

مقدمه

حضور چاوز در تلویزیون در ۴ فوریه ۱۹۹۲ کمتر از سه دقیقه به طول انجامید، اما این آغازی بود برای شکل‌گیری یک سری هویت‌ها و بازنمایی‌های نمادین که به نسل مخالف حفظ وضع موجود، انسجام و معنا بخشید و فرهنگ مرجع چاوایسم را شکل داد. اینگونه است که روند سیاسی انجام شده توسط هوگو چاوز هنگام به قدرت رسیدن او در سال ۱۹۹۸ در چارچوب یک روند سیاسی انقلاب قرار می‌گیرد و سیاست پیمان‌هایی را که دولت‌های ونزوئلا با گروه‌های صاحب قدرت و نخبگان ملی اتخاذ کرده بودند را پشت سر گذاشت. از اواسط قرن بیستم و از دوران دیکتاتوری خوان ویسنته گومز^۱ صحنه سیاسی ونزوئلا در دست سه گروه بود، تجار-نظامیان-کلیسا و قدرت در دست این سه گروه محدود بود (Méndez & Aldana, 2001). این تمرکز قدرت که در اواسط دهه پنجاه میلادی به اوج خود رسید باعث طبقاتی شدن جامعه ونزوئلا گردید. هوگو چاوز آمد تا با شکستن این سیاست موجی از تغییرات یا مقابله با گروه‌های حاکم را برپا کند. این سیاست رویارویی بیش از ۱۴ سال توسط هوگو چاوز اعمال شد و روی توسعه یک مدل سیاسی-اقتصادی جدید با یک اصل قوی برابری اجتماعی به نام انقلاب بولیواری ایجاد کرد. در ژوئیه ۲۰۱۱، هوگو چاوز از کوبا، ۵ ماه پس از سومین و آخرین

پیروزی خود در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا، اعلام کرد که از سرطان رنج می برد، بیماری که تا زمان مرگش درگیر او بود. مرگ او یک نقطه عطف سیاسی، نه تنها در ونزوئلا، بلکه در آمریکای لاتین بود. چاوز در ابتدا قصد داشت تا قدرت را از طریق نظامی به دست آورد. در فوریه ۱۹۹۲، او کودتایی را علیه رئیس جمهور وقت کارلوس آندرس پرز رهبری کرد. در ابتدا پرز توانست از کاراکاس فرار کند تا نیروهای خود را برای مقاومت در برابر مردان چاوز، قطع راه‌های ارتباطی آن‌ها و محاصره آن‌ها هدایت نماید. بعد از قطع ارتباط چاوز با مردانش وفاداری در میان صفوف چاوز شروع به کاهش کرد. سرانجام چاوز و واحدهایش در موزه نظامی تاریخی سنگر گرفتند، جایی که او مجبور شد به کودتا پایان دهد. او اجازه داشت یک برنامه تلویزیونی پخش کند تا با ۱۰ درصد از نیروهای مسلح خود که به او وفادار مانده بودند صحبت کند تا به آنها دستور دهد که سلاح‌های خود را به زمین بگذارند تا از خونریزی بیشتر جلوگیری شود، اما او این کار را با این جمله انجام داد صرفاً "برای الان". اگرچه چاوز به محض پایان این برنامه به زندان افتاد، اما چاوز ونزوئلا را آگاه کرده بود. چاوز دو سال در زندان ماند تا اینکه توسط رئیس جمهور وقت رافائل کالدرا مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد (Gott, 2000). پس از آزادی از زندان، چاوز تصمیم گرفت رویکرد خود را برای به دست آوردن قدرت با تمرکز بر انتخابات ریاست جمهوری دموکراتیک در سال ۱۹۹۸ تغییر دهد. او جنبش جمهوری پنجم^۱ را به عنوان حزب سیاسی خود تشکیل داد. استراتژی مبارزات انتخاباتی او تحت تاثیر قرار دادن بلوک‌های رای دهنده طبقه فقیر و کارگر (اکثریت جمعیت ونزوئلا) بود. به آنها قول پایان دادن به پیمان puntofijism^۲، آغاز انقلاب

1. Movimiento Quinta República (MVR)

2. پیمان Puntofijo یک ترتیب رسمی بود که بین نمایندگان سه حزب سیاسی اصلی ونزوئلا در سال ۱۹۵۸ به تصویب رسید. این پیمان اغلب با ورود ونزوئلا به سمت دموکراسی شناخته می‌شود. اما به دلیل ایجاد یک سیستم دو حزبی غیرقابل انعطاف بین AD و COPEI و انحصار قدرت در دست عده‌ای محدود، مورد انتقاد قرار گرفت.



بولیواری، پاکسازی فساد سیاسی و ریشه کنی فقر را داد. ذکر این نکته مهم است که قبل از چاوز ونزوئلا دارای یک سیستم سیاسی بود که باثبات تلقی می‌شد، احاطه شده توسط یک سیستم دو حزبی که تلاش داشت از ایالات متحده تقلید کند. حتی بر خلاف برخی از همسایگان خود ایده‌های مرتبط با سوسیالیسم شوروی یا حتی مارکسیسم-لنینیسم در آن زمان چندان رایج نبود، بنابراین تغییر این سیستم کاری بسیار دشوار و از نظر برخی غیرممکن بود. چاوز با کاریزمای معروف و توانایی های گفتاری قدرتمند خود، وعده تغییر و عدالت اجتماعی را داد و بسیاری را به نفع خود سوق داد. سرانجام او در انتخابات ۱۹۹۸ با ۵۶.۲ درصد آرا پیروز شد (Ellner & Hellinger, 2004). هنگامی که او به عنوان رئیس جمهور سوگند یاد کرد، به سرعت همه پرسى برگزار کرد که منجر به یک قانون اساسی کاملاً جدید بر اساس "اصول بولیواری" شد. قانون اساسی جدید بولیواری شاخه های دولت ونزوئلا را تغییر داد، اختیارات ریاست جمهوری را افزایش داد. در سال ۲۰۰۷، چاوز تلاش کرد برای تغییر قانون اساسی یک همه پرسى دیگر برگزار کند، اما تصویب نشد. او بارها از ایجاد تغییرات بیشتر در قانون اساسی مورد نیاز برای تطبیق با انقلاب بولیواری خود صحبت می‌نمود (Corridan, 2009).

برای درک آنچه در ونزوئلا در حال رخ دادن است، لازم است مفهوم سوسیالیسم را درک کنیم. سوسیالیسم شیوه ای از سازماندهی اقتصادی است که مبتنی بر برنامه ریزی مرکزی و تسلط دولت بر اقتصاد است که مستلزم مالکیت دولت بر ابزار تولید و رابطه متوازن بین کار هزینه شده و پاداش است که تلاش می کند برابری و همبستگی بین مردم را به نمایش بگذارد (Gott, 2000). در آغاز دولت چاوز (۱۹۹۹)، گفتمان ناسیونالیستی به نفع فقرا و محرومان مطرح شد و کمتر به جریان های سیاسی معمول و رادیکال مانند سوسیالیسم یا مارکسیسم اشاره می‌شد (Paula et al., 2018). گفتمان اجتماعی چاوز معتدل بود، کمتر درگیری با بورژوازی داشت، از اتحادها

صحبت می‌شد، از بورژوازی ملی دفاع می‌کرد و این در قانون اساسی ۱۹۹۹ نوشته شده بود. در ونزوئلا، از سال ۱۹۹۹، نئولیبرالیسم شروع به محاصره شد، اما اساساً در مباحث سیاسی دنبال می‌شد. دفاع از مالکیت خصوصی هنوز در قانون اساسی آن سال به وضوح وجود دارد و با وجود پیشرفت اصلاحات اجتماعی، هنوز قانون اساسی سرمایه داری است. رئیس جمهور چاوز برای اولین بار در آوریل ۲۰۰۵ در مورد امکان هدایت ونزوئلا به سوی سوسیالیسم قرن ۲۱، یک پروژه اختصاصی، یک سوسیالیسم با پایه های تاریخی در بولیواریسم، اطلاع داد. البته تردیدی در تأیید این موضوع وجود ندارد که کودتای آوریل ۲۰۰۲، اعتصاب نفتی در پایان آن سال و حمایت مردمی که دولت در مواجهه با این مسائل به دست آورد، شرایطی بود که چاوز را تحت فشار قرار داد تا شرایط رادیکال تری را اتخاذ کند (Blank, 2016). با روی کار آمدن چاوز یک انفجار اجتماعی واقعی با آگاهی و آموزش سیاسی - اجتماعی آغاز شد و مواردی مانند یکپارچگی در آمریکای لاتین دیده شد اما همزمان از نظر حمایت ایدئولوژیک تضادهای زیادی به وجود آمد. می‌توان گفت چاوز یک امضاء اختصاصی بر این ایدئولوژی دارد. او به دنبال نجات تاریخ و ریشه خود بود و تفکر خود را برگرفته از سه شخصیت تاریخی، سیمون بولیوار، سیمون رودریگز و زامورا، که به درخت سه ریشه معروف است، می‌داند، به همین دلیل است که چاوایسم با هیچ ایدئولوژی سوسیالیستی مطابقت ندارد. نکته دیگر آن آمیزه سیاسی عجیبی است که او بین میل خود به مسیحیت و پروژه سوسیالیستی ایجاد می‌کند که برای او اختلافاتی با مارکسیست های ارتدوکس ایجاد کرد. چه گوارا، فیدل کاسترو، سالوادور آلنده، خوزه مارتی، پرون، عمر توریخوس، خوان ولاسکو آلوارادو و غیره، یعنی مخلوطی از ناسیونالیسم، شورش، میلیتاریسم، اقتدارگرایی، اما او روشن کرد که این سوسیالیسم مخصوص خودش است. در واقع او یک نظامی علاقمند به سوسیالیسم بود. از جمله القاب زیادی که به چاوز داده شده، القاب رهبر نظامی است. چاوز قدرت خود را بر سه پایه اساسی استوار کرد: حمایت طبقات



مردمی، در آمد رو به رشد نفت و اتحاد سیاسی بین قدرت مدنی و نیروهای مسلح. همانطور که همه می‌دانند، چاوز یک سیاستمدار سنتی نیست، او از ارتش آمد، زیست او بیش از دو دهه در آنجا بوده است، گفتار او، عملکرد او در اصل یک مرد نظامی است (Ramos Pismataro, 2018). از قیام ۱۹۹۲، متحدان او عمدتاً نظامی بودند و سپس در ابتدای دولت نیز مردانی از جهان نظامی بودند. چاوز از زمان مجلس مؤسسان سال ۱۹۹۹ و طرح دولت موسوم به بولیوار ۲۰۰۰، وحدت مدنی-نظامی را بیش از یک شعار، بلکه در عمل پیاده ساخت. در قاموس واژگانی خود از اصطلاحاتی نظامی مانند: نبرد، فرمانده، سرباز، شبه نظامی، دشمن، جنگ نسل بعدی، ایده "سرباز شهروند"^۱ و غیره استفاده می‌نمود. همچنین قانون اساسی جدید ویژگی غیرسیاسی و غیر مشورتی نیروهای مسلح را حذف کرد (Jácome, 2014). او در عمل ترکیب مدنی-نظامی را با انتصاب مقامات فعال و بازنشسته نظامی در سمت‌های تصمیم‌گیری عمومی که به طور سنتی توسط غیرنظامیان (وزارتخانه‌ها، سفارت‌ها، شرکت‌ها، بنیادها، سازمان‌های عمومی) اداره می‌شود و نیز با انتصاب یک غیرنظامی برای اولین بار، خوزه ویسنته رانگل^۲، به عنوان وزیر دفاع، نشان داد که نهاد نظامی با جامعه رابطه نزدیکی دارد. این رابطه در نتیجه کودتای ۲۰۰۲ عمیق‌تر شد (Rodríguez-Franco, 2006).

روش پژوهی

این تحقیق دارای رویکرد کیفی است که برای آن از روش همبستگی از طریق تکنیک مروری بر نوشتجات استفاده شده و از ابزار جستجوی اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد.

1. ciudadano soldado
2. José Vicente Rangel

انقلاب‌ها برنامه ریزی نشده‌اند، آن‌ها قانون تاریخی خود را دارند. انقلاب‌ها مانند آتشفشان‌ها متولد می‌شوند، زیرا شرایط تاریخ به بلوغ می‌رسد تا زمانی که انقلاب منفجر شود و این مردمان هستند که آن را درک می‌کنند یا نمی‌کنند. ما مردم هستیم که آن را تفسیر می‌کنیم یا نمی‌کنیم. ما مردم هستیم که با جریان انقلاب شنا می‌کنیم یا کسانی هستیم که ساده لوحانه سعی می‌کنیم یک انقلاب را هنگامی که از نیروی تاریخی خود آزاد می‌شود را متوقف کنیم (هوگو چاوز در سخنرانی در کاپاچو، ایالت تاجیرا، ۲۳ مه ۱۹۹۹).^۱

هوگو رافائل چاوز فریاس - رئیس اسبق جمهور ونزوئلا - به دلیل تحسین خود از تاریخ و برخی از شخصیت‌های آن شناخته شده است. بدون شک، او در سخنان خود به ما اجازه می‌دهد مشاهده کنیم که تاریخ می‌تواند ویژگی‌های گرایش را ارائه دهد، بر اساس علایق از قبل تثبیت شده کار کند و مهمتر از همه، مردم می‌توانند انتخاب کنند که چه چیزی از گذشته به یادگار مانده یا فراموش خواهد شد. این بدان معناست که منافع زمان حال در فراموشی و یادآوری تاریخ تأثیر می‌گذارد. همانطور که گفته است، این مردم هستند که آن را به مصلحت فوری خود تفسیر می‌کنند یا نمی‌کنند. این به این دلیل است که تأثیر سوپرکتیویسم که به عنوان یک دوره علمی در علوم انسانی وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. پیر رنوین، محقق تاریخ روابط بین الملل، از این نظریه دفاع کرد که تصمیمات دولتمردان در سیاست خارجی و داخلی همیشه از منطق عملگرایانه پیروی نمی‌کند. ارزش‌ها، علایق و ایدئولوژی‌های دولتمردان و سیاست‌گذاران در جهت‌گیری دولت-ملت‌ها اساسی است. این بدان معناست که باید احساسات ذهنی را نیز در نظر گرفت و نه تنها عملگرایی منافع اقتصادی و سیاسی، در واقع اراده‌ها، امیال و

1. DISCURSO DEL PRESIDENTE DE LA REPÚBLICA BOLIVARIANA DE VENEZUELA, HUGO CHÁVEZ FRÍAS, CON MOTIVO DEL ACTO CONMEMORATIVO DE LOS 100 AÑOS DE LA REVOLUCIÓN RESTAURADORA. Capacho, estado Táchira. 23 de mayo de 1999.

ایدئولوژی‌های شخصی در طول تاریخ تأثیری داشته است. در مورد چاوز و ونزوئلا، حضور مداوم سیمون بولیوار به عنوان شخصیت اصلی ایدئولوژیک حکومتش، بر تلاش برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات او و تغییرات ساختاری و نهادی اعمال شده در طول سیزده سال ریاست جمهوری او می‌افزاید. بحث‌هایی که در دهه‌های گذشته به عنوان یک تحلیل تاخیری، دیدگاهی نابهنگام و جایگزین تلقی می‌شد. از سوی دیگر، او دریافت که ایدئولوژیک می‌تواند برای گروهی از روشنفکران و سیاست‌گذاران آمریکایی «مرده» باشد. با این حال، برای اکثریت ونزوئلایی‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که به فقیرترین اقشار تعلق دارند و نظامیان شرکت‌کننده در جنبش‌های بولیواری ایدئولوژیک «نمرده بود».

مارکس (۱۹۷۷) در یکی از مطالعات خود عنوان کرد که برخی از مردان بزرگ تاریخ خود را می‌سازند، اما آن را دقیقاً آنطور که می‌خواهند نمی‌سازند. شرایط خاص لحظه‌ای وجود دارد که برخی رویدادها و ماندگاری برخی موقعیت‌ها یا گروه‌های سیاسی را وادار می‌کند تا هژمونیک عمل کنند. در مورد ونزوئلا، می‌تواند با شدت بیشتری در دوره‌های خاص منعکس شود، به‌ویژه زمانی که پیش از آن تغییرات ساختاری اجتناب‌ناپذیر است. دلیل آن این است که ونزوئلا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ زمینه سیاسی داخلی تقابل سیاسی بین بخش‌های اجتماعی با منافع آشکارا متفاوت را پذیرا بود. این سناریو با انتخاب هوگو چاوز و سیاست رویارویی - چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی - با اقشار اجتماعی ناراضی دو چندان شد. در چارچوب ونزوئلا، تز پایان تاریخ و مرگ ایدئولوژی‌ها که فوکویاما (۱۹۸۸) عنوان نمود این کشور را به عنوان ضدی می‌توان در نظر گرفت و ایدئولوژیک چاوایسم به راحتی این تز را رد کند. از نظر فوکویاما (۱۹۸۸)، پایان ایدئولوژی‌های تاریخ با پیکربندی کشورهای توسعه‌یافته، غربی و دموکراتیک یعنی ایالات متحده آمریکا، نمایش داده می‌شود. سرنگونی سریع اتحاد جماهیر شوروی

جهان را به مسیر پایان ایدئولوژی‌ها سوق خواهد داد و تأیید می‌کند که مفاهیمی با این ویژگی‌ها محکوم به شکست هستند و به طور فزاینده‌ای کمتر توسط جامعه مدنی پذیرفته می‌شوند. با این حال، مثال ونزوئلا و مسیر تاریخی اخیر خود دقیقاً خلاف آن را ثابت می‌کند. در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، هوگو رافائل چاوز فریاس به عنوان ریاست جمهوری برگزیده شد. بعد از آن ونزوئلایی که تا قبل از هوگو چاوز به عنوان یک کشور دموکراتیک از سوی کشورهای غربی معرفی می‌شد، تصویری دیگر از خود به نمایش گذاشت، عینک آفتابی، نور خورشید و ایراد سخنرانی‌های قاطع، این تصویر بعد از چاوز از ونزوئلا در اذهان غربی‌ها می‌باشد (Medeiros Arce, 2012).

چیستی چاوایسم

چاوایسم یک جریان ایدئولوژیک سوسیالیستی است که الهام گرفته از دولت و ایدئولوژی رهبر ونزوئلا هوگو چاوز فریاس است. عناصری از بولیوارایسم، کمونیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم را ترکیب می‌کند. چاوایسم، به خودی خود، ایدئولوژی تلقی می‌شود، اگرچه عناصر دیگر ایدئولوژی‌های کلاسیک را ترکیب می‌کند. همچنین به عنوان سوسیالیسم قرن بیست و یکم شناخته شده است. بازتاب و تأثیر چاوایسم و انقلاب بولیواری در ونزوئلا به قدری زیاد است که به عنوان الهام‌بخش دولت‌های سوسیالیستی بعدی در کشورهای دیگر مانند دولت اوو مورالس در بولیوی، رافائل کورئا در اکوادور یا پیه موخیکا در اروگوئه بود. همچنین مخالفان زیادی نیز دارد. او خود را دشمن ایالات متحده و همچنین هر کشوری که بخواهد در ونزوئلا چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم مداخله کند، می‌داند.

لازم به ذکر است که چاوایسم فقط به دولت چاوز محدود نمی‌شود، بلکه تداومی که نیکلاس مادورو رئیس‌جمهور فعلی ونزوئلا در این کشور انجام داده است نیز از دکتورین رئیس‌جمهور سابق الهام گرفته شده است. اگرچه برخی از حامیان چاوز به دلیل فاجعه‌ی اقتصادی که ونزوئلا در سال‌های اخیر تجربه کرده



است، سعی می‌کنند که میان چاوز و مادورو تفاوت قائل شوند. چاویسم عمدتاً پراکسیس است، هرچند بسیاری از نخبگان ظرفدار چاوز سعی دارند به سمت تئوریک و نظریه‌سازی بروند. در علوم سیاسی به این معنی است که بر اساس یک تجربه ملموس، از طریق تجزیه و تحلیل، می‌توان معادله عینی را استنتاج کرد که می‌تواند آن عمل را جهانی کند. از این نظر، چاویسم روایتی است که به ونزوئلایی‌ها توضیح می‌دهد که چه کسانی هستند، چه چیزی می‌توانند آرزو داشته باشند و چه حقوقی دارند. این توضیح جدیدی است که به سوالات قدیمی پاسخ می‌دهد: جامعه ونزوئلا چیست؟ مشکلات شما چیست؟ قربانیان چه کسانی هستند؟ مقصران چه کسانی هستند چه راهکارهایی وجود دارد؟ هوگو چاوز پس از سخنرانی‌های بسیار، با اثربخشی بالا با ارتباطی عظیم، تبدیل به یک مرجع روشنفکر و کاریزماتیک شد (Ramonet, 2018).

خاستگاه چاویسم

چاویسم از زمانی که او در انتخابات ۱۹۹۸ رئیس‌جمهور ونزوئلا شد، از دست فرمانده هوگو چاوز برخاست. این کشور آمریکای لاتین در وضعیت بحران سیاسی قرار داشت. رهبران آن به دلیل سطح بالای فساد که در کشور اعمال می‌شد، مشروعیت زدایی شدند. قبلاً در سال ۱۹۹۲، برخی از سربازان، از جمله هوگو چاوز، کودتای نافرجامی را انجام دادند که با زندانی شدن او به پایان رسید. بعدها، در سال ۱۹۹۸، چاوز با سخنرانی پوپولیستی و سوسیالیستی وارد انتخابات ریاست جمهوری شد که به کشور وعده پایان دادن به فساد و ارتقای کیفیت زندگی محروم‌ترین افراد را داد. از آن زمان به بعد، تمام اتفاقاتی که روی داد و سیاست چاوز را مشخص کرد، ایدئولوژی چاویستا را شکل داد.

ویژگی‌های چاویسم

چاویسم ابعاد مختلفی دارد: تاریخی، فلسفی و سیاسی. از دیدگاه ایدئولوژیک،

چاویسم، همانطور که قبلاً گفته شد، کنش سیاسی هوگو چاوز و همچنین افکار سیاسی او، یعنی دکترینی را که از سخنرانی‌ها و نوشته‌های او استنباط می‌شود، گردآوری و ترکیب می‌کند. چاویستا بودن یعنی چی؟ چاویستا بودن، بولیواری بودن است، به عنوان یک انتخاب زندگی، زیرا به معنای ضد امپریالیست، ضد استعمار و جمهوری خواه بودن است. همچنین به معنای زامورانو بودن و رایبسنونی بودن است. به عبارت دیگر به اندیشه سیاسی بنیانگذاران جمهوری نزدیکتر می‌شود. چرا که "درخت سه ریشه" یک مفهوم سرمایه‌ای از چاویسم است. که چاوز به این صورت تعریف کرد: «اول ریشه بولیواری به دلیل رویکرد سیمون بولیوار به برابری و آزادی و به دلیل دیدگاه ژئوپلیتیک او از ادغام آمریکای لاتین است. سپس ریشه زاموران، توسط اسکیل زامورا، ژنرال مستقل که وی اتحاد مدنی-نظامی را مطرح نمود. سرانجام ریشه رایبسنونی، توسط سیمون رودریگز، معلم بولیوار، «رایبسنون»، مردی خردمند که آزادی و برابری را مطرح کرد. اگرچه چاوز به این سه ریشه، ریشه‌های دیگری نیز اضافه می‌کند: مثلاً میراندا و سوکره. و بعدها دیگرانی مانند خوزه مارتی، چه گوارا و فیدل کاسترو (Ramonet, 2018). چاویسم از ایدئولوژی‌های دیگری الهام گرفته است، به ویژه آنهایی که ماهیت چپ دارند. مرتبط‌ترین ویژگی‌هایی را که چاویسم را تعریف می‌کنند عبارتند از نظام اقتصادی سوسیالیستی، ملی شدن ابزار تولید، سلب مالکیت، بخشودگی بدهی‌ها، کارت‌های سهمیه و غیره. اینها برخی از اقداماتی است که چاوز در دوران مسئولیت خود اتخاذ کرد.

ناسیونالیسم: چاوز احساسات عمیق ناسیونالیستی و میهن پرستی داشت و منافع ونزوئلا را بالاتر از هر چیز دیگری قرار می‌داد.

رد سازمان‌های اقتصادی: هر سازمان اقتصادی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی را رد کرد. او آنها را به گسترش سرمایه‌داری در سراسر ونزوئلا و عدم توجه به منافع شهروندان متهم می‌نمود.

ضد امپریالیسم: او با سیاست ایالات متحده برای گسترش لیبرال دموکراسی در



سراسر جهان و مداخله در سایر کشورها که این امر مستلزم آن است مخالف بود. **شخصیت‌سازی قوی:** یکی دیگر از ویژگی‌های مرتبط، شخصیت‌سازی چاوز بود. بسیاری از مردم به او ارادت واقعی داشتند. شخصیت او پس از مرگش در سال ۲۰۱۳ اسطوره‌تر شد.

رابطه قوی با جمعیت: اتحاد بین دولت و جامعه مدنی بسیار قوی است. چاوز خود را فقط یک ونزوئلایی می‌دانست و مشارکت مردم در دولت را ترویج می‌کرد. مشروعیت آن را افزایش داد.

مسیحیت: او به شدت اعتقاد به مسیحیت داشت. این منبع الهام بود و او حتی اظهار داشت که سوسیالیسم پادشاهی خدا بر روی زمین است (García, 2021).

حاکمیت و استقلال ملی: رد سلطه هر ابرقدرت امپریالیستی، به ویژه ایالات متحده. چاوز در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به این موضوع گفت: "کسی که نداند دشمن اصلی او امپریالیسم آمریکای شمالی است، نمی‌تواند کشور را درک کند یا از آن دفاع کند."

نهادهای دولتی مستحکم، مانند نهادهای جمهوری که توسط قانون اساسی ۱۹۹۹ تأسیس شده است.

قوه مجریه قوی و شخصی سازی خاص سیاست برای مقابله با ناتوانی رژیم حزبی.

قدرت اجرایی قوی و باثبات که به رئیس جمهور نقش اصلی را می‌دهد. رابطه مستقیم بین رهبر-رئیس جمهور و مردم که فراتر از نهادهای واسطه است، به لطف یک مفهوم "مشارکتی" از دموکراسی، با توسل مکرر به همه پرسى و انتخابات، و گفتگوی تعاملی رهبر-مردم از طریق استفاده منحصر به فرد از توده‌ها.

استقلال و عظمت ملی ونزوئلا

وحدت ملی همه ونزوئلا - فراتر از اختلافات سنتی سیاسی یا منطقه ای که زمانی

عامل تفرقه و انحطاط بود، در رابطه مستقیم بین رهبر و مردم، متحد شده توسط سیاست های اجتماعی شامل و عدالت اجتماعی.

احترام به اقتدار دولت.

تمایل عمیق به عدالت اجتماعی.

مداخله دولت در اقتصاد.

ادغام و اتحاد آمریکای لاتین به عنوان یک افق ثابت و الزام ایدئولوژیک که توسط سیمون بولیوار دیکته شده است و ایجاد نهادهای خاص برای ادغام (ALBA، Unasur، Celac، Petrocaribe، TeleSUR).

تصور جهان چند قطبی بدون هژمونی.

دیپلماسی جنوب - جنوب با افزایش روابط با کشورهای جنوبی از طریق جنبش عدم تعهد و اتحادهای افقی: آمریکای جنوبی / آفریقا (ASA) و کشورهای عربی آمریکای جنوبی (ASPA). چاوز همچنین از گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) حمایت کرد و پیشنهاد اتحاد بین ونزوئلا و آن گروه را برای تحکیم جهان چند قطبی داد.

همبستگی ملی بین شهروندان و سرزمین ها و همبستگی آمریکای لاتین.

احترام به ملت ها.

رد دکرین نئولیبرالیسم اقتصادی، و ترجیح یک اقتصاد مبتنی بر دولت با نگاه به توسعه داوطلبانه و ساختاری با پروژه های عمومی، ملی کردن بخش های استراتژیک، حاکمیت غذایی و غیره.

حرکت به سمت گوشه گیری سرمایه داری (استثمار یک طبقه توسط طبقه دیگر) و تعریف سوسیالیسم بولیواری و اومانیستی، در دموکراسی و آزادی، که علاوه بر اعطای حمایت اجتماعی پیشرفته به کارگران، آنها را با دسترسی به هر دو طبقه قدرت می بخشد.

یکی از اهداف اصلی چاویسم آشتی دادن ونزوئلاها با وطن، گرد هم آوردن آنها



و ساختن کشوری با حاکمیت بیشتر، کارایی اداری بیشتر، عدالت بیشتر و برابری بیشتر است. یک طبقه سیاسی زمانی که در قدرت است، دست به هر کاری می‌زند تا از دست دادن قدرت خودداری کند و هر فضایی را برای مشارکت دیگر گروه‌ها می‌بندد. تلاش‌های ناموفق برای اصلاح دولت، عدم پیشبرد تمرکززدایی و...، همگی نشان از نمایشی از عدم تحمل سیاسی گروه‌های سنتی سیاسی می‌باشد. به همین ترتیب، در مواجهه با گسترش نئولیبرالی، دستگاه سیاسی تمایل به ایدئولوژی زدایی و تبدیل شدن به نهادهای عملگرا دارد که تنها به کارکرد مناسب مکانیسم‌های بازار و چگونگی تضمین نظم اجتماعی توجه دارند. این امر در سال‌های (۱۹۵۸-۱۹۹۸) با تشکیل گروهی از تکنوکرات‌ها که پست‌های کلیدی در سازمان‌های دولتی را اشغال کردند مشاهده شد (Luzardo, 1996). در چارچوب فرآیند انقلابی به رهبری چاوز از سال ۱۹۹۹، سیاست چرخش به نفع محرومان، نه صرف اعطا قدرت سیاسی و اقتصادی بلکه به رسمیت شناختن نقش آن‌ها و به نوعی ورود آن‌ها به عرصه قدرت بود. از سخنرانی ریاست جمهوری، از طریق برنامه‌های مطالعاتی دانشگاه‌های جدید، هیئت فرهنگی و سایر هیئت‌های آموزشی، مرکز تاریخ ملی، رسانه‌های جدید، تلاش شده است تا نقش دانش عامه به رسمیت بشناسند. اکثریت جمعیتی که نه تنها از نظر اقتصادی و سیاسی، بلکه از نظر تاریخ به حاشیه رانده شدند (Pieretti, 2014). در واقع ونزوئلایی‌ها از وضعیت خود در ساختار طبقات اجتماعی، نقش بورژوازی، طبقه متوسط و کارگران، رهبری دموکراسی و قدرت مردمی آگاه شدند. پیشرفت بزرگی در عزت ونزوئلا، در آگاهی اجتماعی و سیاسی به وجود آمد. در این مسیر کاریزمای چاوز، سخنان پرشور و صریح او، عنصری به نفع ساخت فرآیندهای همذات‌پنداری ونزوئلا می‌باشد. چاوز به خودی خود وسیله ارتباطی بود که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، صدای خوب، گفتار خوب و جذب مخاطب از ویژگی‌هایی مهم و از عوامل موفقیت او بود (Cañizález, 2018). اما چاوز و چاویسم

فقط گفتار نیست، عمل و یک برنامه سیاسی برای ساخت سوسیالیسم است. هنگامی که هوگو چاوز در سال ۱۹۹۸ رئیس جمهور شد، دلایل اصلی که ناظران به آن اشاره کردند این بود که موفقیت انتخاباتی او دقیقاً در سخنرانی قاطع و انتقادی او نسبت به واقعیت اقتصادی ونزوئلا بود. بولیوارسیم او که در ارتش شکل گرفت، شخصیت بولیوار را به کانون بحث‌های سیاسی آورد. این واقعیت نشان دهنده تغییر در دیدگاه سیاستمداران سنتی ونزوئلا و نخبگانی بود که در سال ۱۹۹۸ از او شکست خوردند. برای سال‌ها، بولیوار در برخی از بخش‌های نخبگان کنار گذاشته شد یا حتی فراموش شده بود. دیدگاه ونزوئلا قبل از چاوز به پونتو فیخو همانند نگاه چاوز به بولیوار در زمان خود است. لیبرتادور یا آزادی‌بخش که یکی از القاب سیمون بولیوار می‌باشد، یک شخصیت دموکراتیک به حساب نمی‌آمد، بلکه یک رهبر اقتدارگرا بود که در قرن نوزدهم زندگی می‌کرد، به همین دلیل لیبرال‌های قبل از چاوز، ترجیح دادند که او را در گذشته نگه دارند. با این حال، چاوز دقیقاً خلاف این را اعلام کرد و در طول سال‌ها در ونزوئلا به موفقیت انتخاباتی دست یافت و بولیوار را به عنوان نماد "قهرمان انتخاباتی" بزرگ خود داشت. با این حال، موفقیت چاوز پس از استفاده از بولیوار تنها به معنای انتخاباتی نبود. توسعه اجتماعی که پس از انجام ماموریت‌های اجتماعی با پول نفت و حمایت کوبا با اعزام متخصصان بهداشت به دست آمد، باعث شد تا مردم برنامه‌های اجتماعی برنامه ریزی شده در دولت چاوز را با شخصیت نمادین بولیوار مرتبط کنند. در نتیجه، دستاوردهای انتخاباتی برای چاوز و حزب سیاسی او ایجاد کرد. تفکرات چاوز همچنین شامل چه گوارا، آگوستو ساندینو، برناردو اوهیگینز، ازکیل زامورا و دیگران است. همچنین تصور می‌شود که چاوز افکار بولیوار را مانند دولتش ضد امپریالیستی و علیه نفوذ ایالات متحده در آمریکای لاتین می‌دانست (Medeiros Arce, 2012). چاوز در



یکی از سخنرانی‌های خود^۱ سیمون بولیوار را چنین معرفی می‌نماید:

"سیمون بولیوار، اگر نگوییم اولین، یکی از اولین ضد امپریالیست‌های این سرزمین بود، سیمون بولیوار آمد تا تهدید امپریالیستی از آمریکای شمالی را پیش بینی کند."

نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر در آمریکای لاتین اگر کسی سیاستمدار بود، چاوز بود، او همه چیز را به بحث سیاسی آورد. کمتر کسی در تاریخ این منطقه وجود دارد که به اندازه چاوز در تشکیل و سازماندهی سیاسی مردم مشارکت داشته باشد. چاوز خود را مارکسیست تعریف نکرد و برعکس در سال ۲۰۰۷ از هوادارانش خواست تا از این جریان دور شوند. با این حال، علیرغم این فاصله گرفتن آشکار از مارکسیسم که به نظر بیشتر به دلیل ترس از واکنش ونزوئلایی‌ها به نظر می‌رسید، به ویژه از سال ۲۰۰۳، شاهد یک سیاست اجتماعی آشکارا طبقاتی هستیم که مبارزات طبقاتی را اثبات می‌کند، نقش طبقه کارگر، ضد امپریالیسم و ضد سرمایه داری. وقتی هوگو چاوز به قدرت رسید - در سال ۱۹۹۹ - او حزب بزرگی نداشت. او در رأس یک جنبش مردمی بسیار متنوع قرار می‌گیرد که شامل سربازان، چریک‌های سابق و جناح چپ بسیار متنوع است. و او موفق می‌شود با یک سخنرانی بازنیاد، حمایت مردمی را به دست آورد: بنیادگذاری مجدد ونزوئلا، که اساس چاوایسم است. زیرا در هسته سخت فلسفه چاوایستا بازیابی مفهوم ملت و احیای و دفاع از غرور ملی را می‌یابیم. چاوز چیزی را برای ونزوئلا و آمریکای لاتین ابداع کرد که می‌توان آن را «سیاست رهایی» نامید، همانند «الهیات رهایی بخش». به گونه‌ای که چاوایسم یک مسیر سیاسی نوآورانه آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهد که خود را آزاد می‌کند و

¹ DISCURSO DEL PRESIDENTE DE LA REPÚBLICA BOLIVARIANA DE VENEZUELA, HUGO CHÁVEZ FRÍAS, CON MOTIVO DEL FORO SOCIAL MUNDIAL "EL SUR, NORTE DE NUESTROS PUEBLOS

خود را از قیومیت مفهومی ابدی اروپایی رها می کند. از این نظر نیز چاویسم یک گزینه انقلابی است. این خلاقانه ترین و جسورانه ترین پروژه ای است که ونزوئلا از زمان سیمون بولیوار داشته است. می توان گفت چاویسم پروژه صلح، توسعه، عدالت و رفاه برای مردم ونزوئلا از سال ۱۸۱۰ است.

فهرست منابع

1. Blank, C. A. (2016). La política social formulada durante las gestiones presidenciales de Hugo Chávez: 1999-2012. Espacios públicos(45), 4 .
2. Cañizález, A. (2018). Periodismo y poder en la Revolución Bolivariana (1999-2001). Quórum Académico, 15(2), 93-107 .
3. Corridan, K. E. (2009). Hugo Chavez: Socialism and Dictatorship .
4. Ellner, S., & Hellinger, D. (2004). Venezuelan politics in the Chávez era: class, polarization, and conflict. Lynne Rienner Publishers .
5. García, A. M. (2021). Chavismo. <https://economipedia.com/>. <https://economipedia.com/definiciones/chavismo.html>
6. Gott, R. (2000). In the shadow of the liberator: Hugo Chávez and the transformation of Venezuela. Verso .
7. Jácome, F. (2014). El papel de la Fuerza Armada Nacional Bolivariana en el nuevo contexto político venezolano: implicaciones para la seguridad regional (2013). Friedrich-Ebert-Stiftung .
8. Luzardo, G. P. (1996). Política neoliberal en Venezuela. Liberación de las tasas de interés. Cuadernos Latinoamericanos .(۱۴)
9. Medeiros Arce, A. (2012). Historia e ideología bajo Hugo Chávez. Diálogos Revista Electrónica de Historia, 13(2), 141-159 .
10. Méndez, A. I., & Aldana, E. M. (2001). La democracia venezolana desde el discurso de los líderes tradicionales. Utopía y praxis latinoamericana: revista internacional de filosofía iberoamericana y teoría social(14), 9-39 .
11. Paula, V. M., Manuel, A. R., & Carlos, C. M. J. (2018). Hugo Chávez y los principios del Socialismo del Siglo XXI: una indagación discursiva (2005-2013). Izquierdas(42), 224-250 .
12. Pieretti, M .R. (2014). Venezuela a partir de Chávez: identidad



- cultural y política. Historia y comunicación social, 19, 55-65 .
13. Ramonet, I. (2018). ¿Qué es el chavismo ?
14. Ramos Pismataro, F. (2018). Los militares y el deterioro democrático en Venezuela. Estudios Políticos(53), 260-282 .
15. Rodríguez-Franco, X. (2006). Democracy in Uniform: The Military Power in Venezuela. Polis, 2(1), 245-272 .



مطالعه تطبیقی مراسم تولد خورشید در ایران و بولیوی

مهدی هنرجو^۱

دانشجوی دکترا تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

چکیده

مطالعه ویژگی های مهم ادیان گوناگون در سراسر جهان به شیوه کاملاً علمی و عینی جدای هیچ پیش داوری، بدون شک نتیجه های زیبایی به همراه خواهد داشت. کنجکاوی درباره عقاید و آداب و رسوم فرهنگی و تمدنی گوناگون در جهان، طی قرون متمادی، همواره وجود داشته و هر روز که از عمر تاریخ پژوهی می گذرد، نتایج شگرف و شگفتی را ایجاد می کند. ممکن است دو منطقه فرهنگی از لحاظ جغرافیا و تاریخ و دیگر شاخصه ها با هم مغایر و متفاوت باشند و فاصله زیادی از هم داشته باشند، ولی در یک مورد خاص مطابق با هم باشند. تولد خورشید از جمله آن آداب و رسومی است که می تواند دو فرهنگ و تمدن را به هم پیوند دهد و موجب نزدیک شدن روابط فرهنگی دو کشور شود. مراسم تولد خورشید در منطقه آمریکای لاتین و در کشور بولیوی و توسط ایمره ها برگزار می شود و همچنین مراسم چله یا تولد خورشید در ایران و بر طبق آیین مهرپرستی و میتراپیسم انجام می شود. حال در مقاله حاضر، مطالعه ای به روش تطبیقی و مقایسه ای بین مراسم تولد خورشید در ایران و بولیوی صورت می گیرد تا بتوان از آن مشترکات فرهنگی

این دو مراسم را بدست آورد. با توجه به مطالعات کتابخانه ای بدست می آید که اهمیت کشاورزی در پیشینه فرهنگی هر دو منطقه و وجود فصل سرما و کاهش بهره مند شدن از نور خورشید، موجب شده تا مدت زمانی را برای تجلیل و تقدیر از خورشید داشته باشند که در ساختار تولد خورشید بروز کرده است.

واژگان کلیدی

تولد خورشید، ایران، بولیوی، دروازه خورشید، شب چله، اینکا.

مقدمه

همسان سازی ها میان فرهنگ و اقوام و ملیت های مختلف می توان به صورت ها و شیوه های متنوعی صورت پذیرد. این همسان سازی ها حد و مرز و یکسانی محدوده جغرافیایی را لازم ندارد، بلکه ممکن است به دلیل یک گزاره ای خاص، وجود مشترک و اختلاف میان دو فرهنگ ایجاد شود. مطالعه ویژگی های مهم ادیان گوناگون در سراسر جهان به شیوه کاملاً علمی و عینی و جدای هیچ پیش داوری، بدون شک نتیجه های زیبایی به همراه خواهد داشت. کنجکاوی درباره عقاید و آداب و رسوم فرهنگی و تمدنی گوناگون در جهان، طی قرون متمادی، همواره وجود داشته و هر روز که از عمر تاریخ پژوهی می گذرد، نتایج شگرف و شگفتی را ایجاد می کند. ممکن است دو منطقه فرهنگی از لحاظ جغرافیا و تاریخ و دیگر شاخصه ها با هم مغایر و متفاوت باشند و فاصله زیادی از هم داشته باشند، ولی در یک مورد خاص مطابق با هم باشند. تولد خورشید از جمله آن آداب و رسومی است که می تواند دو فرهنگ و تمدن را به هم پیوند دهد و موجب نزدیک شدن روابط فرهنگی دو کشور شود. مراسم تولد خورشید در منطقه آمریکای لاتین و در کشور بولیوی و توسط ایمره ها برگزار می شود و همچنین مراسم چله یا تولد خورشید در ایران و بر طبق آیین مهرپرستی و میتراپیسم انجام می شود. لذا بررسی فرهنگ اعتدال

زمستانی میان این دو فرهنگ می‌تواند داده‌های مناسبی را از جهت شباهت و تفاوت به دست آورد.

ضرورت ایجاد این مقاله را می‌توان در ایجاد علقه میان دو فرهنگی دانست که کیلومترها با هم فاصله دارند ولی در یک جنبه با هم سنجیت دارند و بررسی جنبه‌های مختلف فرهنگی آنها می‌تواند موجب نزدیک شدن این دو کشور شود. در عنوان حاضر پیشینه خاص وجود ندارد و تا جایی که بررسی صورت گرفت، مقاله‌ای در این زمینه ایجاد نشده، هرچند به صورت جداگانه، هم تولد خورشید و شب چله در ایران و همچنین تولد خورشید و دروازه خورشید در منطقه اینکا کارهایی ایجاد شده است.

اهمیت کشاورزی در دوران باستان

نیاز انسان از آغاز تا کنون عامل مهمی در پیشرفت و ایجاد تمدن بشری بوده است. گرچه کشف آتش پدیده شگرف در پیشرفت بشر بوده است ولی بنیاد مدنیت را باید از زمان یک جانشینی و پرداختن به کشاورزی دانست، روزگاری که در کوچ نشینی و شکار به یک جانشینی و تشکیل اجتماعات کوچک کشاورزی روی آورد، پله‌های ترقی را پیمود.

رالف لیتون در کتاب سیر تمدن در این باره می‌گوید: «پیدایش روش بار آوردن آذوقه دومین عصر بزرگ بشری را آغاز کرد و موجب آن شد که «انسان متفکر، از حالت یکی از کم نفوس ترین انواع پستانداران روی زمین درآید. همچنین اختراع کشاورزی زمینه را برای ترقیات پرشتاب و شگفت‌انگیز تمدن آماده ساخت و این بی‌شک نتایج مهمی به بار آورد که عبارتند از: فزونی منابع اقتصادی، حاصل شدن فرصت بیشتر برای تفکر و چاره‌اندیشی و خلاصه، ازدیاد نفوس.

همه چیز حاکی از آن است که پیشرفت و توسعه تمدن قبل از هر چیز وابسته به مغزهای بزرگ و بالاتر از سطح متوسط است و چنین مغزهایی نیز نسبت به عده افراد جامعه کم است و جز معدودی از آن برخوردار نیستند. نخستین محققان و متجسسان



تاریخ تمدن بشر تصور کردند که اهلی ساختن جانوران پیش از پیدایش کشاورزی معمول بوده است و چنین گفته اند پس از آن که مرد کارش شکار حیوانات بوده توانست طعمه را اسیر دام خود سازد، زن که خانه داری و گرد آوردن گیاهان را به عهده داشت به تدریج به ملایمت و آرامی به شیوه های دلپسند مرد را از این سو و آن سو رفتن برای پیدا کردن شکار منصرف ساخت و او را به استقرار در یک مکان و شخم زدن و کشت کار راضی کرد.^۱

البته فلات ایران بسیار حاصلخیز تر و برای کشاورزی بسیار مساعدتر از امروز بوده و پوشش گیاهی متنوعی داشته است. گرچه مردم این سرزمین در بیشتر نقاط با کمبود آب روبرو بوده اند اما همین کمبود موجب گردید تا آنان موفق به ایجاد قنات گردند. به هر حال فلات ایران آن قدر جذابیت داشته که کوچ نشین های آریایی پس از ترک سرزمین اولیه خود به داخل نجد ایران کوچ کنند. در این زمینه بهرام فره وشی در ایرانویج می گوید: میتوان تصور کرد ناحیه ای که جیحون آن را آبیاری می کرده است و بسیار آبادان و حاصلخیز بوده است جایگاه اولیه ایرانیان خاستگاه آن هاست. در اثر سرد شدن ناگهانی هوا و یا به خاطر اقوام زرد پوستی که از سوی شمال به ایرانی ها فشار می آوردند اینان جایگاه اصلی خود را ترک میکنند و یا به مهاجرت می پردازند و به سوی فلات ایران می آیند و این مهاجرت چندین بار و به صورت چندین موج صورت می گیرد.^۲

و همچنین در جای دیگر درباره موقعیت ایران می گوید: «آب و هوای فلات ایران در دوران های پیشین به کلی با امروز فرق داشته است و با بررسی متون تاریخی می توان پنداشت که در دوران هخامنشیان وضع از نظر آب و سرسبزی به گونه ای دیگر بوده است. بسیاری از جاهایی که امروز خشک و بیابان است، چمنزار و چنگل

۱. لیتون، والف، سهر تمدن ترجمه پرویز مرزبان، تهران ۱۳۷۷، ص ۸۵، ص ۸۹

۲. فره وشی، بهرام، ایرانویج، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۸

و بیشه بوده است و جنگلهای انبوه که بقایای آن هنوز دیده میشود و سیاحان و در سفر نامه های خود از آن یاد کرده اند، نواحی اطراف کویر را فرا گرفته بوده است، وجود این جنگل ها که بیشتر به دست ذغالگران نابود شدند، آب و هوای مناطق کویری را ملایم تر و مرطوب تر کرده است و در اطراف کویر آن جا که امروز هیچ روستا و آبادانی نیست، روزگار گذشته روستاهای سرسبز بوده است و مردمان بسیار در آنها زندگی می کرده اند که نمونه هایی از آن ها توسط باستان شناسان در شهداد در حاشیه کویر یافت شده است.^۱

اما این سرسبزی و حاصل خیزی که عنوان شد متعلق به قسمتی از ایران می باشد قسمتهای از ایران در آن زمان هنوز با کمبود آب و سبزی و خرمی مواجه بوده است و در این بخش ها مردم در واحدهای کوچک و دور از هم زندگی می کردند. در آن زمان آب به علت کمبودش برای مردم جنبه تقدس پیدا کرده بود و مردم به عبادت ایزدان آب می پرداختند و طلب آب و باران میکردند زیرا بیشتر مردم ایران کشاورز و دامدار بودند و آب برای آنان جنبه حیاتی داشت بهرام فره وشی در این باره می گوید: کسی که در دشتهای خشک و پهناور ایران سفر کرده است تقدس درخت و آب و گیاه را به خوبی می تواند احساس کنند. پس از فرسنگها راهپیمایی از فراز پشته ای و گردنه ای محیط کوچک سبزی پدیدار می شود که هم چون نگین بر پهنه دشت های خشک و سوخته نشسته است. این احساس از دیر باز در میان مردم ایران وجود دارد و در آن حالتی تقدس آمیز نسبت به گیاه و سبزه و درخت پدید آورده است.

قوم روستایی گله پرور ایرانی از هنگامی که پای بر این سرزمین گذاشت و جا به جا در این دشت گسترده در کنار واحدهای کوچک و بزرگ به زندگی پرداخت، به آب و درخت ارجی گران نهاد، زیرا آب و درخت در این سرزمین به آسانی و فراوانی به دست نمی آید و درختی که شاخی بر می آورد و سایه ای می افکند گاه



حاصل دسترنج چندین نسل گذشته است که فرسنگ ها در دل زمین قنات ایجاد کرده اند پیدا است که محصول چنین رنجی تقدس آمیز است. و در نتیجه اهمیت کشاورزی و تقدس آب و گیاه که در ایران وجود داشت، دهقانان هم از مقام شامخی برخوردار بودند. ذبیح الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران این مسئله را چنین مطرح می کند: «دهقانان یکی از طبقات قدیم نجای ایران بوده اند، چنان که از بعضی اشارات کتب اسلامی بر می آید این طبقه صاحب ضیاع و مکتب و دارای نوعی از اشرافیت اراضی بوده‌اند و ظاهراً در ایام پیش از اسلام از طبقات ممتاز ایران شمرده شده اند این پادشاهان بدست اینان بوده از مطالعه در احوال این گروه چنین بر می آید که روایات ریادگارهای تاریخی ایران را با دقت و مراقبت فراوان حفظ می کرده اند و به همین مناسبت در مقدمه شاهنامه ابو منصور چینی می خوانیم که این نامه را هر چه گزارش کنیم از گفتار دهقانان یاد آورد که این پادشاهی به دست ایشان بود و از کار و رفتار و از نیک و بدو از کم و بیش ایشان دانند پس ما را به گفتار ایشان باید پذیرفت. وجود دهقانان ایرانی نژاد و اصیل با ویژگیهای نژادی خویش موجب شد که ایرانیان پیش از مغول به جای ایرانی واقعی گاه کلمه دهقان را به کار برند.^۱ البته این دهقانان که در این جا عنوان شده مالکان اصلی زمین بوده اند و کشاورزان که بر روی زمین کار می کرده اند در اصل زیر دستان اینان بودند اما چون کشاورزی شغلی مقدس بود، در نتیجه این کشاورزان هم مورد احترام بوده اند دهقانان مالک، چون اصیل و نژاد بوده اند و با اقوام دیگر ترکیب نشده اند به عنوان ایرانیان اصلی ملقب شده اند و لغت دهقان با ایرانی نژاد هم معنی شده است. ذبیح الله صفا در این باره می گوید:

در این بیت فردوسی:

یکی پهلوان بود دهقان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد

دهقان به معنی طبقه دهقان تصور نمی شود، بلکه باید لاشک آن را «ایرانی» دانست و در این صورت معنی «دهقان نژاد، ایرانی نژاد است. دهقانان مردمی صاحب مکت و توانگر بودند. در تاریخ بخارا چند بار نام آنان آورده می شود که در هر جا با صفاتی که مبین همین معانی است ذکر شده و حتی دهقانان و ملک زادگان با هم آمده‌اند.^۱»

در خاتمه اضافه می نماید که یکی از دشواریهای این سرزمین همواره کمبود آب بوده است، چنانکه داریوش کبیر در کتیبه بیستون از اهور مزدا دو درخواست مهم طلب کرده است یکی کشور ایران را از خشکسالی ننگه دارد و همچنین مردمان این کشور را از دروغ گفتن دور کند.^۲

بحث کشاورزی در بین قوم اینکا نیز دارای اهمیت زیادی است. کشاورزی نقش تعیین کننده و مهمی را در اقتصاد و جامعه امپراتوری اینکاها دارا بود. اینکاها در محیط های مختلف محصولات مختلفی مانند ذرت، سیب زمینی، کدو، گوجه فرنگی، بادام زمینی، کوکا، کاساوا و پنبه کشت می کردند.^۳ آنها همچنین حیواناتی مانند خوکچه هندی، اردک، لاما، آلیا کا و سگ را پرورش دادند.^۴ کشاورزی مورد تغذیه جمعیت زیادی است، همچنین در تأمین ارتش و حمایت از مراسم مذهبی در امپراتوری اینکاها نقش دارد.^۵

اینکاها کشاورزان جاه طلبی بودند و برای به حداکثر رساندن تولید کشاورزی، چشم انداز را با تراس ها، کانال ها و شبکه های آبیاری تغییر دادند، در حالی که تالاب ها اغلب تخلیه می شدند تا برای کشاورزی مناسب شوند.^۶ اینکاها دستگاہ کشاورزی عظیمی را ایجاد کردند که در آن محصولات و گله ها از مردمان تسخیر

۱. همان، ص ۹۷

۲. متن کامل کتیبه بیستون، خبرگزاری میراث فرهنگی، ۲۷ آوریل ۲۰۱۱، بازبینی شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۴

3. https://en.wikipedia.org/wiki/Inca_Empire

4. <https://www.worldhistory.org/article/792/inca-food--agriculture/>

۵. همان

6. Inca Food & Agriculture - World History Encyclopedia

شده فرمان می گرفتند و خود مردم به طور دوره ای ملزم به کار در مزارع دولتی بودند. یک مزیت مثبت تر برای مردم محلی حکومت اینکاها، شبکه وسیعی از تأسیسات ذخیره سازی بود که آنها برای بیمه کردن در برابر زمان خشکسالی و بلایا ایجاد کردند. علاوه بر این، مواد غذایی اغلب توسط مقامات اینکا به عنوان هدایایی توزیع می شد که حاکمان امیدوار بودند محبوبیت آنها را افزایش دهد.^۱

اینکاها دانش و احترام زیادی نسبت به محیط خود داشتند و ارتباطات معنوی عمیقی با پاچاماما (زمین مادر) ایجاد کردند.^۲ اقتصاد اینکاها عمدتاً کشاورزی بود. این منجر به توسعه فناوریها و روشهای کشاورزی شد که به آنها اجازه داد تا با نامالیامات آب و هوا و زمین آند سازگار شوند.^۳

پس چنین بدست آمد که هم در دوران باستان در ایران و بولیوی بحث کشاورزی و بدست آوردن غذا از زمین مورد اهمیت بوده و حتی در دعای پادشاه ایران باستان نیز اشاره به دور کردن خشکسالی شده است. در بولیوی و سرزمین اینکا نیز مراسمات عبادی نیز وابسته به محصولات کشاورزی و زمین بوده است.

تاریخچه و نحوه برگزاری مراسم چله - یلدا

در خلال دوره تحول و ترقی اجتماعی انسان در مراحل مختلف زندگی، از دوره شکار به زندگی چوپانی و از دوره چوپانی به دوره کشاورزی و از آن به دوره صنعتی شاهد تحولات افکار و عقاید و رسوم جوامع انسانی هستیم؛ مانند فصول و مواقع کاشت و برداشت محصول که مورد علاقه کشاورزان بوده به همین سبب اعیاد و جشن های کشاورزان با این واقعه ها مرتبط بوده است. آنها در طول سالیان با فصول و تضادهای طبیعی خو می گرفتند و فعالیتشان را براساس تغییر فصل، بلندی و کوتاهی روز و شب، جهت حرکت ستارگان، ماه و خورشید تنظیم می کردند. در

1. <https://academic.oup.com/edited-volume/34666/chapter/295365681>

2. <https://andeanlodges.com/en/the-importance-of-nature-and-agriculture-in-the-inca-civilization/>

3. <https://andeanlodges.com/en/the-importance-of-nature-and-agriculture-in-the-inca-civilization>

نظرشان روشنی روزه تابش خورشید و اعتدال هوا مظاهر نیک و موافق ایزدی و تاریکی شب و سرما از اعمال اهریمنی بود که این تفکر ذهنی در سراسر جهان اساساً یکسان است. ت. همچون مصریان که به خدای آفتاب اهمیت می دادند و چنین می پند پنداشتند که خدای آفتاب یا روشنایی همواره با خدای تاریکی در پیکار است و پیدایش شب و روز نتیجه این نبرد دائمی است و عقیده داشتند که خورشید پدر روشنایی و نور بوده و همسر خود را که الهه زمین است با اشعه نافذ و گرم خود باردار نموده.^۱ و ایرانیان نیز خورشید را مظهر نور و مهر میدانستند همان گونه که در ضرب المثلشان نیز بیان می کنند: «پایان شب سیه سپید است بنابراین میتوان گفت از گذشته های دور تا به حال نبرد بین نور و تاریکی در تفکر آدمی اثری مستقیم داشته است. کنه طبق نظریه اشتروس می توان گفت: «انسانها نیاز دارند نظمی بر جهان تحمیل کنند. تصوراتی که در پشت چنین نظمی نهفته است، از نسلی به نسل دیگر فرد به ارث میرسد. فرد به عنوان اعضای وابسته به یک فرهنگ قواعدی را در مورد آنچه که عموماً پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی است فرا می گیرد. در این روش، طبقه بندی پدیده های جهان پیرامون از بعد اخلاقی برخوردار است.»^۲

ایرانیان شب چله را به ایزد مهر «میترا» پیوند زدند. در تحولات تاریخی و آیینی گاه مهر با خورشید مشابه و یکسان تلقی شده و گاه سیما و هیبت انسان گونه پیدا کرده است. همان گونه که در طاق بستان نزدیک به کرمانشاه در طرف چپ اردشیر دوم ساسانی ایستاده و دستاری بر سر بسته و بر گرد چهره او هاله ای از نور به چشم می خورد. برای ملتی که از آغاز تاریخ علاقه مند به نور و از تاریکی متنفر بودند، مشاهده کردن این که هر روز از روز قبل اندکی کوتاه تر شده و در عوض بر طول شب افزوده می شود، در ذهن آنها ترس و دلهره ای به وجود آورد. این کوتاه شدن تدریجی روزها و طولانی شدن شبها به پنهان شدن یا نابودی مظهر روشنایی و تسلط

۱. بازارگاد، تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، ص ۴۲

۲. کولمن، واتسون، درآمدی به انسان شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۳۳

شب به عنوان مظهر تاریکی و اهریمن مبدل نشود^۱ از این رو بود که این شب را به برگزاری مراسم و آدابی پرداختند.

نامگذاری شب چله

یلدا کلمه ای است سریانی به معنای میلاد ابوریحان آن را شب زادن ترجمه کرده است. چنانکه میدانیم یلدا با تونل اروپایی که در بیست و پنجم دسامبر برگزار می شود نزدیک است. بنابراین نوئل (moel) اروپایی همان شب یلدا یا شب چله ایرانی است. جشن تولد و تعمید مسیح روز ششم ژانویه برگزار میشود البته در برخی از فرقه های یلدا شب آغاز انقلاب شنوی که فردایش آفتاب از برج قوس به برج جدی ن گردد، نزد ایرانیان نحس بود، زیرا علاوه بر سرمای سخت زمستانی، در این اهریمن تاریکی ادامه می یافت و برای رفع نحوست آن، ایرانیان تا برآمدن خورشید به دور آتش شادی می کردند^۲ در فرهنگ مردم یلدا با نام های گوناگونی آمده است از جمله که در کاشمر اول دیماه را شوچله (SVCih) بزرگ میگویند.^۳

در خراسان نام شب چله به «چله زری معروف است زیرا در این شب بین اهالی مرسوم است که از بین دختران باکره ده یکی را انتخاب کرده و اسم او را چله زری می گذارند و در بالای بام منزل تختی گذاشته و فرشی روی آن پهن کرده تن دختر لباس عروس می پوشانند و اهالی دور او حلقه زده و اشعاری را می خوانند:

چله زری چله زری امسال و سال دیگری
عروسی کیه، عروسی کیه چله زری می باشد

سپس اهالی هر خانه ای یک شمع روشن را آورده و دور چله زری می چرخاند و تمام زن و مردهای آبادی دستشان را روی شمع ها می گیرند و بعد به صورتشان می مالند و می گویند: چله زری زردی ما از تو سرخی تو از ما، اللهم صل علی محمد

۱. رضی، جشن های آتش، مهرگان، ص ۷

۲. پناهی سمنانی، ترانه و ترانه سرایی در ایران سیری در ترانه های ملی ایران، ص ۲۴۷

۳. دیدگاه کریمی فروتقه، فرهنگیار

و آل محمد و بعد از سوختن شمع ها نقل را روی چله زری می ریزند و تا پاسی از شب به رقص و شادی می گذرانند.^۱

در نهبوند به چله بزرگ امل Amel، به چله کوچک محل Mamel، به مادرشان Da می گویند و به هفته آخر چله بزرگ اهمن و به هفته اول چله کوچک بهمن با چارچار گویند که بر طبق این نامگذاری بیشتر افسانه هایشان نیز بر همین نام است.^۲ می توان بیان کرد که یکی از دلایل روشن کردن آتش آن است که آتش در بین زرتشتیان مورد ستایش بوده است طبعاً جشنهای آتش نیز در ایران با شکوه برگزار می شده است. ژرفای این شکوه و بزرگداشت آن تا به حدی بوده که تا زمان حال هم، حتی در میان مسلمانان بقایای آثار آن را مشاهده میکنیم چنانکه دود کردن اسپند و بخورات در ایام متبر که و یاد کردن نام خدا و درود فرستادن به پیغامبر در هنگام افروختن چراغ از مظاهر تقدس و حرمت دادن به آتش است که در ذهن بشر تداوم یافته است.^۳

ارتباط شب چله به بحث کشاورزی و تولد خورشید

زمانی که نیروهای اهریمنی در راس نیرو ظاهر شدند... زمانی که روز طولانی تر می شود و شب کوتاهتر نشانه پیروزی خورشید بر تاریکی بود... در تمام طول شب آتش در حال سوختن بود برای اطمینان از شکست نیروهای طبیعت.... برای پیروزی مطلق خورشید که برای حمایت گیاهان زمستانی بسیار ضروری بود نماز به جای می آوردند.^۴

اولین روز دی آغاز طولانی شدن روز و کوتاه شدن شب است. در اسطوره های ایرانی، این روز، روز پیروزی نیروهای ایزدی بر نیروهای اهریمنی بود. « روز روشن که هنگام کشت و کار و تفریح بوده آفریده مزدا به شمار می رفت و شب پر اسرار و

۱. دیدگاه فروغ الزمان ضرغامی، فرهنگیار

۲. انجوی شیرازی، جشن ها و آداب و معتقدات زمستان، ج ۲، ص ۲۱۲

۳. پناهی سمنانی، ترانه و ترانه سرایی در ایران سیری در ترانه های ملی ایران، ص ۲۳۹

4. price, festival of yalda.HTM,2001.



مرموز و ساکت که در پناه آن کشتارها و دزدیها و شبی خونها انجام می شود آفریده اهریمن بود.^۱

این شب را همچنین شب تولد میترا (مهر) میدانستند که حمایت کننده ی کشاورزان بوده و در این روز کشاورزان به نیایش میترا می پردازند. این جشن جزء معدود جشنهایی است که تاکنون بر جای مانده است. انگیزه پایدار ماندن این جشن را میتوان چنین گفت: «۱ زایش خورشید (مهر) است از باورهای کهن ۲ برداشت محصول صیفی و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است. همه قشرها و گروه هایی که از فرآوردههای کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره مندند، در جشن نخستین روز دی ماه برداشت محصول در شکوه شادی کشاورزان شرکت می کنند.»^۲

«به این اعتبار میتوان جشن شب یلدا را جشنی دهقانی نامید که با ریشه های همیشگی و کهنسال خود میتواند تاریخی هزاران ساله داشته باشد و شاید تاریخی قدیمی تر از میترا و مهرپرستی در حقیقت جشن شب یلدا جشن خانوادگی بهره برداری از برو بار کشتمان های خانوادگی و کشتمان های اربابی است.»^۳

در نتیجه چون شب چله یا یلدا مربوط به کشاورزی است و خورشید و حضور آن به عنوان عنصر هستی بخش بخصوص برای کشاورزان است، لذا کوتاه شدن روزها و غروب کردن زود خورشید و عدم استقرار دائمی آن در طی روز، چنین گمانی را ایجاد می کرد که اهریمن و تاریخی به دنبال از بین بردن خورشید است و لذا در ایام طولانی شدن شب، کشاورزان برنامه ای را برای مبارزه با تاریکی انجام می دادند و زمانی که در ابتدای صبح خورشید طلوع می کرد، زایش و میلاد خورشید در نظر گرفته می شد.

۱. فره وشی جهان، فروری، ص ۱۱۴.

۲. رضی، پژوهشی در گاهشماری و جشن های ایران باستان، ص ۵۵۳

۳. روح الامینی، آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز. ص ۹۲

تاریخچه و نحوه برگزاری مراسم جشن خورشید - ایتنی رایمی

جشن خورشید و تولدی که برای خورشید در منطقه قوم اینکا که به صورت خاص بولیوی است، انجام می شود، دارای ویژگی ها و خصوصیات است که می سزد مطالبی در این موارد بیان شود.

محل برگزاری مراسم - تیاخواناکو

تیاخواناکو یک مکان باستان‌شناسی است که در آن می‌توانید باقیمانده‌های یک شهر باستانی را مشاهده کنید. این مکان در ارتفاعات بولیوی و در نزدیکی دریاچه معروف تیتیکاکا واقع شده است. فرض بر این است که در گذشته، این مکان باستان‌شناسی یک مرکز مهم برای تمدن تیاخواناکو بود؛ که به کشاورزی مشغول بودند و در بخش‌هایی از پرو، بولیوی، شیلی و آرژانتین کنار طبیعت زندگی می‌کردند. فرهنگ باستانی تیاخواناکو به خاطر معماری پیشرفته و پایدارش شناخته می‌شود و چنین تصور می‌شود که این معماری بر اقوام بومی بعدی تأثیر گذار بوده است. در این زمان، ابهام دوران ایجاد و تأسیس این فرهنگ باستانی مشخص شد. عده از محققان چنین باور دارند که این فرهنگ در سال ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ قبل از میلاد شکل گرفت و تمدن‌های بومی بعدی مانند مایا از اینها پدیدار شد. در حالی که عده ای دیگر مدعی هستند تمدن این منطقه در سال‌های ۸۰۰ یا ۱۰۰۰ قبل از میلاد شکل گرفته و آن را به یک امپراتوری بزرگ در منطقه تبدیل می‌کند، که نمی‌توان آن را به عنوان مادر سایر تمدن‌های آمریکایی در نظر گرفت. بدون در نظر گرفتن منشأ یا رونق تمدن، ثابت شده است که این مکان باستانی پایتخت یک امپراتوری مهم بود؛ که توانست بخش قابل توجهی از آمریکای جنوبی را تحت حاکمیت خود در آورد. فرض می‌شود که این تمدن حدود ۲۵۰ سال ادامه داشته است و در دوران حکومت خود، کشف و روش ساخت ابزار و تولید اشیاء بوسیله آن ابزار را آغاز کردند؛ و این کشفیات نقش زیادی در توسعه فناوری نظامی برای آنها داشت. خاک سفال و تولید خشت یک ابزار جذاب برای فرهنگ آنها بود که برای ساخت ظروف و



اجسام خانگی از آن استفاده کردند.^۱

تنها چیزی که از تمدن باستانی باقی مانده است، درب مشهور دروازه خورشید از تیاهوآناکو است که به عنوان یک آثار ویران شده شناخته می‌شود و نشان دهنده درجه بالای دانشی است که از فرهنگ‌های آمریکایی باستان در زمینه معماری باقی مانده است. یکی از ویژگی‌های برجسته و بارز این بنا، یک تکه بودن سنگ تشکیل این بناست. در این زمان، این درب ورودی تنها مجسمه آن محدوده است، اما بعضی از تحقیقات در گذشته نشان می‌دهد که این مجسمه، ورودی ساختمانی باستانی در گذشته بوده است. این معبد مهمی است، زیرا مصالح ساخت دروازه در دیگر بناهای باستانی بولیوی نیز استفاده شده است. با توجه به تک بودن این سازه، محققان به دنبال بدست آوردن اطلاعاتی هستند که این سازه ساختمانی را به دیگر آثار آن منطقه مربوط کنند و منشا آنرا مشخص نمایند. قابل توجه ترین اثر، مربوط به یک مجسمه انسان نماست که نماد یک خدای باستانی است. این مجسمه نشان می‌دهد که پرتوهایی از مجسمه بیرون می‌آیند و نشان‌دهنده قدرت بزرگ آن است. براساس داستان های بومیان ایمره، اجداد آنها راز مهمی را درب خانه نگه می‌داشتند که نجات دهنده بشریت است. منشا و کاربرد این سازه رازی است که هنوز فاش نشده است.

دروازه خورشید در بولیوی به دلیل نقش برجسته های زیبای خود، به عنوان بنایی فرهنگی و تقریباً کامل در تیاهوآناکو در نظر گرفته می‌شود و همچنین گنجینه ای نمادین است که قدمت آن بیان گر سنتی در بولیوی مرتبط است.

دروازه خورشید

طبق مطالعات باستان شناسی، دروازه خورشید در بولیوی، بخشی از معبدی است که فرض می‌شود که جزئی از هرم یک فرهنگ آکاپانا یا هر معبد دیگری که در آن

1. <https://www.boliviandando.com/es/atracciones/sitio-arqueologico-de-tiwanaku/>

اطراف وجود داشته است. ممکن است به تمثیل معبد کالاساسایا نزدیک‌تر باشد. با توجه به ویژگی‌های آن، دروازه خورشید بولیوی بخشی از مجموعه باستان‌شناسی تیواناکو محسوب می‌شود. این یک ساختار بسته است، یک اثر هنری با معنای باطنی و اجدادی و گذشته از یک فرهنگ که در ساخت آن به حفره‌ها پرداخته است. این اثر به خاطر حاشیه‌اش مشهور است، که در آن تصویر بسیار برجسته خدای خورشید را همراه با پرندگان مشاهده می‌شود. جالب است که چوب شاهی که نقش نور خورشید را با پرتوهای خورشید روی تصاویر مختلفی که از تصویر اصلی منتشر می‌شوند، ایفا می‌کند.^۱



با توجه به گفته متخصصان باستان‌شناسی، قصد این افراد چنین بود که نشان داده شود خورشید زندگی است و درخشش‌هایش انسان و جانوران را حفظ و حمایت می‌کند. در این مفهوم، می‌توان تصاویر کوچکی از پرندگان، پوما و ... را دید که انسان را با خورشید نشان می‌دهند، که نشان‌دهنده ارتباط انسان-خدا است. تقریباً ۳۲ تصویر وجود دارد که در اطراف این اثر وجود دارد و انسان-عقاب، نمایانگر آزادی است.

این یک دروازه بزرگ است که حدود ۱۰ تن وزن دارد و بخشی از یک ساختمان بزرگ است و تنها این دروازه نمایانگر یک ساختار سنگی است. همچنین،

دارای سوراخ‌های بسیار محکمی است که در آن حفره‌هایی با چوب تعبیه شده و با استوانه‌هایی برای حمایت از ستون‌های سنگ آندزیت تقویت شده است. این دروازه بسیار وسیع و پهن است، ۴ متر عرض و ارتفاع آن ۳ متر است. دروازه خورشید با بررسی باستان‌شناسان نشان می‌دهد که نوعی تقویم بسیار خوب برای هدایتگری کشاورزان در زمان کاشت است. این اثر در صحنه آندس Antiplano قرار گرفته است، در پلنفرم کالاسایا که یک معبد مراسمی بسیار مهم برای مکان باستان‌شناسی تواناکو است. این ۲۰ کیلومتری جنوب غربی لاپاز در بولیوی است.^۱

مراسم تولد خورشید

فرهنگ اندین، چه در امارا و چه در کویچوا، بر احترام به چرخه‌های کشاورزی پاچا به عنوان پایه فلسفی تکیه دارد. در این دیدگاه، مختلف جشن‌ها بر اساس فصول کشاورزی وجود دارند و مهمترین آن‌ها که به عنوان سال نو اندین شناخته می‌شود، دارای نام‌های مختلفی است مانند: مارا تاقا (شکست سال)، ماچاق مارا (سال نو)، ویلکا کوتی (بازگشت خورشید) یا ایتی رایمی (جشن خورشید). هر یک از این نام‌ها معنای خاص خود را دارند، اما همگی یک معنی یکتا را بیان می‌کنند:

مارا تاقا، اصطلاح ایمارا که به اسپانیایی ترجمه شده است، به معنای مارا (سال) و تاقا (شکستن) است. ترجمه حرفی زیادی در مورد سال نو نمی‌گوید، اما یک تفسیر معنایی می‌گوید که با شکستن یک چرخه، یک چرخه دیگر آغاز می‌شود که دقیقاً در تاریخ ۲۱ ژوئن آغاز می‌شود.

ویلکا کوتی، این اصطلاح ایمارا به معنای بازگشت یا بازگشت خورشید ویلکا، خورشید و کوتی، بازگشت است. درباره این نام‌گذاری، بین ایدئولوگ‌های ایمارا بسیار بحث و جدل وجود دارد، برخی ادعا می‌کنند که اصطلاح ویلکا به خورشید اشاره نمی‌کند، بلکه به یک کشیش اندین اشاره دارد. از سوی دیگر، اگرچه

خورشید به طور آشکار بازمی‌گردد، اما عبارت ویلکا کوتی ماهیت فلسفی بازگشت پاچا را نشان نمی‌دهد.

ماچاق مارا، این عبارت ایمارا از اسپانیایی می‌آید، یعنی عبارت "سال نو" به طور حرفه‌ای به زبان ایمارا ترجمه شده است، ماچاق به معنای جدید و مارا به معنای سال است. این منجر به تفسیر نادرست و ناقص می‌شود زیرا فقط یک ترجمه بسیار خاص است که به ماهیت فلسفی این جشن نمی‌رسد.

اینٹی رایمی، عبارت کچوایی است که از Inti (خورشید) و Raymi (جشن) می‌آید. این جشن در گزارش‌های اولیه جزویت‌ها که به این سرزمین‌ها رسیدند توصیف شده است، به عنوان مثال در "کرونیکای جدید و دولت خوب" فلیپ گوامان پوما د آیالا (۱۶۱۵) آمده است: "ژوئن. کوزکی کوئیا: در این ماه، جشن معتدل اینٹی رایمی را برگزار می‌کردند. بسیار هزینه می‌کردند و به خورشید قربانی می‌گذاشتند [گوسفندها] و قربانی به نام کاپاکوچا را دفن می‌کردند..."^۱

آماوتاس، دانشمندان آندو، در مراسم‌های آیینی می‌توانند به گذشته هزاران ساله بازگردند و با واکاها، مکان‌های مقدس، صحبت کنند، اما در عین حال می‌توانند به آینده مراجعه کرده و رویدادهای نزدیک آینده را ببینند. به این دلیل است که آماوتا در هماهنگی کامل با پاچا زندگی می‌کند.

در این معنا، پاچا وسیله‌ای است که می‌تواند ملموس و انتزاعی را یکپارچه کند. برای بهتر درک کردن این ادعا، به عمق مفهوم پاچا بپردازیم. از دیدگاه آندو، نمی‌توانیم از زمان بدون جدا کردن آن از فضا صحبت کنیم. داخل پاچا دو نیرو وجود دارد، به همین دلیل پاچا به معنای "دو" و "نیرو" است، یعنی دو نیرو. این دو نیرو با هم تنیده، زمان و فضا هستند. این منطبق در نماد چاکانا، J'achaqhana Pusi Wara Wara، نمایان است که از دیدگاه کاتولیک به عنوان صلیب آندین تفسیر شد.



در همان زمان، داخل پاچا که به عنوان زمان و فضا درک می‌شود، دو مفهوم وجود دارد که در خودشان یک فلسفه عمیقی را که زمان و فضا را یکپارچه می‌کند، حاوی می‌باشند. این مفاهیم شامل Qhepha و Nayra (در زبان آیمارا) یا Nawpa (در زبان کچوا) هستند.

نایرا/ناوپا به گذشته اشاره می‌کند زمانی که درباره زمان صحبت می‌کنیم، با این حال، در فضای ملموس به معنای آینده است، زیرا به معنای آنچه در گذشته رخ داده و در آینده ملموس می‌شود. و قفا (آینده در زمان) که آینده‌ای است که در گذشته‌ای قبلاً تجربه کرده‌ایم، را در فضا به عقب قرار می‌دهیم.

خلاصه‌اش، زمان حاضر شامل هم گذشته و هم آینده است، بنابراین، جایی برای زمان خطی و غیرقابل برگشت غرب وجود ندارد، این حالت به واسطه پاچاکوتی به طور مداوم در زمان تجدید می‌شود.^۱

بر خلاف دیدگاه خطی و پیشرفت محور غرب نسبت به زمان، دیدگاه آندین زمان را به عنوان بازگشت چرخه‌ها و دوره‌های زمانی می‌فهمد، به این معنا، پاچاکوتی به عنوان بازگشت زمان (پاچا/زمان و کوتی/بازگشت) درک می‌شود که از این اصطلاح هم در زبان کچوا و هم در زبان آیمارا استفاده می‌شود.

حالا، این چرخه‌های کیهانی، مانند سال، ماه و روزها، مقیاسی در سطح بزرگ و کوچک دارند. بزرگ به سال‌ها، دوره‌ها و دوران‌ها اشاره دارد؛ در حالی که کوچک روزها، ماه‌ها، دوران‌های کشاورزی را نماینده می‌شود، به عبارت دیگر، پاچاکوتی در هر لحظه حاضر است.

ترتیب پاچاکوتی‌ها بر اساس ریتم‌های طبیعت و کیهان مشخص می‌شود، به عنوان

مثال:

- اورو (روز).

۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینیول کیتا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

- پاکسی (ماه).

- مارا (سال).

- پاچا به مدت ۵۰۰ سال.

- خاچا پاچا به مدت ۱,۰۰۰ سال.

- جشن سال نو آندین - آمازونی

در گذشته، این جشن سه روز قبل از ۲۱ ژوئن آغاز می‌شد و تا سه روز بعد ادامه داشت، تاریخ دقیق توسط Amawt'as (حکمای آندو) تعیین می‌شد. گاهی اوقات جشن ممکن بود به تاخیر بیفتد یا جلوتر برود، اما هرگز بیش از سه روز و همیشه در اطراف ۲۱ ژوئن بود.^۱

در این تاریخ، در مراسم مذهبی به سوی Tata Inti (پدر خورشید)، اینکا یک لیوان چیچا را به افتخار او می‌نوشید، که بخش مهمی از فرهنگ اینکا بود.

اینکا لباس‌هایی که با طلا پوشانده شده بود را پوشیده بود، به این شکل و از طریق آن نور خورشید را نمایان می‌کرد. علاوه بر این، در امپراتوری اینکایی یک معبد مخصوص خورشید به نام Coricancha وجود داشت که دیوارهای آن با ورقه‌های طلا پوشیده بود و در وسط آن یک دیسک خورشیدی وجود داشت که به عنوان یک تقویم عمل می‌کرد.

این جشن از شب قبل از روز ۲۱ شروع می‌شد. در این موقعیت، اشیاء و لباس‌های قدیمی به آتش می‌کشیدند تا به این شکل همه چیز قدیمی همراه با سال گذشته دور شود. امروزه این مراسم به جشن سن خوان تصاحب شده است، بنابراین، این واقعه یک منطق فلسفی آندین دارد.

مراسم اینتی رایی در امپراتوری اینکایی در دوران استعمار توسط کشیش‌ها که در حال حاضر به عنوان پاکسازان از بت پرستی شناخته می‌شوند، منسوخ شد و یک



تاریخ جدید برای سال نو بر اساس تقویم میلادی تعیین شد که ۱ ژانویه بود و هست. با این حال، در دهه ۸۰ این جشن در Tiawanaku بازسازی شد.^۱

برپایی مجدد سال جدید آند آمازون

مراسم Inti Raymi که در دوران استعمار سرکوب شد، در دهه ۸۰ به لطف اولین ایندیانیستها و کاتاریستها بازسازی شد و تمام ارزش های فرهنگ آند اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نمادین و معنوی را نجات داد. توسط مورخ "اینکا" ژرمن چوکوهوانکا (۲۰۰۲)، در مقاله خود برای مجله "La Voz del Cóndor".

از دهه ۸۰، با گذشت زمان، جشن رشد کرد و شرکت کنندگان در معنویت آند افزایش یافت. امروزه، برپایی مجدد و بزرگداشت تعطیلات ۲۱ ژوئن جشنی است که در بسیاری از جوامع و همچنین در مراکز شهری گسترش یافته است و این روز را به عنوان یک تعطیلات ملی غیر منقول در زمان دولت اوو مورالس اعلام کرده است.

۲

شرح مراسم سال نو آند

در حال حاضر تاریخ مشخصی برای برگزاری این جشنواره در نظر گرفته شده است که ۲۱ جولای برابر با ۳۱ خرداد ماه است. این روز کوتاه ترین و سردترین سال است. درخشندگی خورشید نیز ضعیف است و به همین دلیل است که وقتی به آن نگاه می کنید، اشعه های آن بر بینایی شما تأثیر نمی گذارد.

دین و معنویت تفاوت های آشکاری دارند. دین مبتنی بر آموزه ای است که جزمی نیز هست، یعنی نمی توان آن را رد کرد. از سوی دیگر، معنویت نه دکترینی دارد که باید از آن پیروی کرد و نه دگم هایی وجود دارد. از این نظر، قابل قبول ترین رویکرد برای اعمال آیینی آیمارا در معنویت محدود می شود. از این

۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

۲. مقاله سال نو آندین، نوشته کینول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

نظر، مناسک روش ثابتی برای پیروی ندارد، هر آموطه روش خاصی برای انجام هر مناسکی دارد.

با این حال، ما یک شکل تقریباً متعارف را ارائه می دهیم که در آیین سال نو آند دنبال می شود:

این مراسم در سحرگاه ۲۱ ژوئن آغاز می شود و عمدتاً بر روی استقبال از گرگ و میش خورشید متمرکز است. مراسم تشریفاتی توسط یک آموطه متخصص شروع می شود و شروع به تهیه لقطه می کند - نذری با عناصر مختلف به شکل یک سفره تشریفاتی که از ویژگی های آن پیچیده تر و تشریفاتی تر از بقیه است - همانطور که در ۲۱ ژوئن است. یک تاریخ مهم سزاوار یک میز بزرگتر برای برگزاری است.

این آیین که برای تاتا اینتی در نظر گرفته شده است باید سفید باشد، در حالی که رنگ سفید مربوط به آلاکسپاچا یا کیهان است، یعنی عناصر سفره مانند پشم لاما، اسرار، 'tikas (شیرینی های مربعی شکل)، چینوس. (شیرینی های گره ای) و غیره باید سفید باشند. زیرا رنگ سفید نیز رنگ uywiris (خدایان محافظ) قسمت نر آلاکسپاچا است که خورشید در آن قرار دارد.

همچنین در زمان های اخیر جریان زیست محیطی بیشتری در میان اموطع ها وجود دارد، این جریان به احترام بیشتری به زندگی نگاه می کند، به همین دلیل در تهیه لقطه از مواد حیوانی پرهیز کرده و گونه های گیاهی را جایگزین آنها کرده اند. اصل و نسب .

عناصر تشکیل دهنده لقطه عبارتند از:

- برای تشکیل خطوط میز از پشم سفید استفاده می شود.
- ویراقووا، گیاهی بسیار معطر است که در ارتفاعات می روید، از ساقه و برگ آن برای چاشنی سفره استفاده می شود.

- Lamp'u، چربی شعله، برای انرژی بخشیدن به میز استفاده می شود؛ برای این



منظور، فیگورهای زئومورفیک عموماً با دستکاری چربی شکل می گیرند.

- کوکا، اینالماما یا کوکای مادر، جزئی است که در هیچ آیین آند نمی توان از آن غافل شد؛ آن را به عنوان راهی برای تجسم خواسته های شرکت کنندگان در لوقتا قرار می دهد.

- شیرینی، اشیایی هستند که با شکر درست می شوند، شکل و نام های مختلفی دارند. کورمی، رنگین کمان، چینو، شیرینی به شکل گره؛ تیکاها (به شکل مربع هستند و پایه چیدمان سفره تشریفات هستند).

- اسرار نمایشی از بتن در قالب شمایل هستند، در فرهنگ آند آنها کارکرد ایلا را انجام می دهند (نماینده گی خواسته هایی که انتظار می رود به دست آید).

- تیتی، موی گربه کوهستانی وحشی، برای ثروت در لوقتا قرار می گیرد.

- چیوچی، جزایر کوچکی هستند که با توجه به شکلی که ارائه می دهند، معانی مختلفی دارند.

- سولو، جنین لاما است، این غذایی است که آچاچایلا و پاچاماما ترجیح بیشتری برای آن دارند.

- Urqu chua (الکل) kachu chuwa (شراب)، ضروری است، برای چالا لوقتا، الکل نماد بخش مردانه است و شراب بخش زنانه را تشکیل می دهد، هر دو نشان دهنده منطق دوگانه جهان بینی آند هستند.

در فرآیند این آیین رعایت نشانه هایی که ارائه می دهد و اماوطه برای مردم و جامعه تفسیر می کند مهم است، در حالی که از این تعبیر نشانه هایی برای بهره وری مزارع به دست می آید. سال خوبی است یا نه، اما سرنوشت جامعه نیز تفسیر می شود.

گفته می شود که در انقلاب سال ۱۴۹۲، تاریخ تهاجم اسپانیا، تاتا ایتنی ها آنجا را ترک نکردند، این نشان دهنده یک فال بد برای اینکاها بود، زیرا در آن سال تخریب فرهنگ آنها آغاز شد.

ابرهایی که جلوی دید خورشید را می گیرند نشانه دیگری است که سال سختی را نشان می دهد. در کنار این شکل از پیش آگاهی‌ها، آماو طع ها از عناصر دیگری مانند کوکا برای تفسیر چرخه‌ای که آغاز می شود، استفاده می کنند.

پس از انجام مراسم، با شروع سحر، مردم با دستان دراز به سمت بالا و رو به گرگ و میش منتظر اولین پرتوهای خورشید هستند تا انرژی خورشید از طریق دستان آنها به بدن انسان برسد. این مهمترین لحظه است، یعنی لحظه دقیق طعقا که در آن زمان می شکند، در آن لحظه چرخه قبلی از چرخه جدید جدا می شود. نام Mara T'aqa از اینجاست. در طول روز، مردم جوامع خود را وقف مشاهده نشانه‌ها و نشانه‌های پاچاماما (زمین مادر) می کنند، زیرا طبق تصور آنها، این رفتار پاچا را در طول سال تعیین می کند.^۱



موسیقی این جشن

موسیقی در این جشن مهم است. در مفهوم آند، هر ساز موسیقی زمان مشخصی برای اجرا دارد. ۲۱ ژوئن در فصل Juypi Pacha (فصل سردی که در آن برداشت آغاز می‌شود) است.

در این مدت سیکوها، سیکوهای جاچا، کنا کنا، لاکیتاس و غیره اجرا می‌شوند. Sikus تداعی کننده Wayra (باد) هستند، زیرا این هوا خشک است و کاملاً با فصل مطابقت دارد. کنا کنا سازی است که با قواس (چرم اوتورونکو یا ببر) اجرا می‌شود و پرتوهای خورشید را فرا می‌خواند، رقص کنا نیز اجرا می‌شود که در قدیم شخصیتی جنگجو داشته است، به همین دلیل یک رقص کنا است. نمایش آتش، که با آیین تکمیل می‌شود زمانی که آتش پیشکشی را که برای تاتا اینتی در نظر گرفته شده است می‌سوزاند. این کار در پایان روز، هنگام غروب خورشید، زمانی که جشن در حال پایان است، انجام می‌شود، زیرا تا غروب خورشید ادامه دارد. به گفته برخی از وقایع نگاران اسپانیایی، این جشنواره می‌تواند تا یک هفته کامل ادامه یابد. با در نظر گرفتن تمام این خصوصیات، آنچه واقعاً در مورد این واقعیت فرهنگی مهم است این است که در ۲۱ ژوئن پاچا باز می‌گردد، اما به شکلی تازه، یعنی یک ماچاق پاچاکوتی (بازگشت یک پاچای جدید).^۱

۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینیول کیرا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

نتیجه گیری

با بررسی شب چله و مراسم تولد خورشید در قوم اینکا بدست می آید که این دو مراسم شباهت ها و افتراق هایی را دارد که در ابتدا شباهت های این دو مراسم بیان می شود:

شباهتها

اولین مورد آن است که هر دو مراسم مصادف با انقلاب زمستانی است. لذا در ایران در ۳۰ آذر ماه مراسم شب چله و یلدا برگزار می شود و مراسم تولد خورشید در بین اینکاها نیز در ۲۱ مارس هر سال برگزار می شود که در فصل زمستان در نیمکره جنوبی است.

مورد دوم اینکه هر دو مراسم مرتبط با کشاورزی است. خورشید نقش مهمی را در بین کشاورزان دارد و لذا مدت زمان حضور و عدم حضور خورشید نقش تاثیر گذاری در روند فعالیت کشاورزان خواهد داشت.

سومین گزینه این است که تولد خورشید محور این دو جشن است، بدین صورت که در بین کشاورزان ایرانی قدیم، با طلوع خورشید هدف بیداری و مراسم جشن شب گذشته صورت می پذیرد و همچنین در بین اینکاها، اصل برنامه در زمان طلوع خورشید و به معنای تولد خورشید است.

گزینه چهارم این است که اگر شب چله، یلدا نامیده شود، مرتبط با تولد خورشید است و وجه مناسبتی برای یکی دانستند جشن تولد خورشید در ایران و بین اینکاها پیدا می کند.

افتراق ها

بعد از مشخص شدن موارد شباهت شب چله و تولد خورشید در اینکا، مواردی را نیز برای بخش افتراق در نظر گرفته می شود که در ادامه آورده می شود:

اولین مورد آن است که در قوم اینکا این روز را اول سال و ورود به سال جدید خود می دانند. یعنی ۲۱ مارس هر سال آغاز سال اینکاهاست. اما در مورد شب چله،



آغاز فصل زمستان است و سال جدید در پیشینه تاریخی این مراسم دیده نمی شود. مورد دوم که بسیار قابل توجه است، استفاده از عناوین ریز و جزئی در مراسم اینکاها است. هر بخش یا لوازم مورد استفاده در این مراسم، دارای نام خاصی است و هنوز هم تقید به استفاده از آن وجود دارد.

سومین مورد عهده داری بزرگان دینی در مراسم اینکا است. در حالی که مراسم چله مختص کشاورزان بوده و بزرگان دینی در نحوه برگزاری و انجام آن دخل و تصرفی نداشتند.

فهرست منابع

- ۱- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، جشن ها و آداب و معتقدات زمستان، نشر امیرکبیر، تهران، ج ۲، ۱۳۷۹
- ۲- بازارگاد، بهاء الدین، تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، نشر اشراقی، تهران، ۱۳۴۶
- ۳- پناهی سمنانی، محمد، ترانه و ترانه سرایی در ایران سیری در ترانه های ملی ایران، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۶
- ۴- رضی، هاشم، جشن های آتش، مهرگان، نشر بهجت، تهران، ۱۳۸۳
- ۵- _____، پژوهشی در گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، نشر بهجت، تهران، ۱۳۹۲
- ۶- روح الامینی، محمود، آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۶
- ۷- صفا ذبیح الله، حماسه‌سرایی در ایران: از قدیمترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران ۱۳۵۲، چاپ سوم
- ۸- فره وشی، بهرام، ایرانویچ، نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹، چاپ پنجم
- ۹- کولمن، سایمون؛ واتسون، هلن، درآمدی به انسان شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر سیمرخ، تهران، ۱۳۷۲

۱۰- لیتون، والف، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، نشر دانش، تهران ۱۳۳۷
 ۱۱- متن کامل کتیبه بیستون، خبرگزاری میراث فرهنگی، ۲۷ آوریل ۲۰۱۱، بازبینی شده در
 ۲۹ ژانویه ۲۰۱۴

۱۲- مقاله سال نو آندین به زبان اسپانیایی، نوشته کینیول کیتا تیتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

سایت های مورد استفاده:

1. https://en.wikipedia.org/wiki/Inca_Empire
2. <https://www.worldhistory.org/article/792/inca-food--agriculture/>
3. <https://academic.oup.com/edited-volume/34666/chapter/295365681>
4. <https://andeanlodges.com/en/the-importance-of-nature-and-agriculture-in-the-inca-civilization/>
5. <https://www.boliviandando.com/es/atracciones/sitio-arqueologico-de-tiwanaku/>
6. <https://estaeslahistoria.com/c-bolivia/puerta-del-sol-bolivia/>



ارزشهای فرهنگی مشترک ایران و آمریکای لاتین

محمد حسن زارع^۱

مدرس و طلبه سطح چهار حوزه علمیه

سوخی اینوخوسا کلین

لیسانس مدیریت اجرایی از مکزیک، استاد زبان اسپانیایی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

چکیده

ایران و کشورهای آمریکای لاتین، با وجود تفاوت‌های زیادی در زمینه‌های مختلف مانند زبان، تاریخ، و موقعیت جغرافیایی، برخی ارزش‌های فرهنگی مشترک با هم دارند. این ارزش‌ها می‌توانند در زمینه‌هایی مانند هنر، موسیقی، ادبیات، مذهب، و ارزش‌های اجتماعی مشاهده شوند. هر دو فرهنگ بر احترام به خانواده تأکید زیادی دارند. در ایران و کشورهای آمریکای لاتین، خانواده یکی از بزرگترین ارزش‌های اجتماعی است و نقش مهمی در زندگی افراد دارد. مردم ایران و آمریکای لاتین به مهمان‌نوازی شهرت دارند. این ارزش فرهنگی در هر دو فرهنگ به شدت مورد تأکید قرار گرفته است و میزبانی از دیگران به عنوان یک فرضیه اجتماعی مهم در نظر گرفته می‌شود. هر دو فرهنگ علاقه زیادی به موسیقی و رقص دارند. در ایران، موسیقی سنتی و رقص‌های محلی بخش مهمی از فرهنگ را تشکیل می‌دهند. در آمریکای لاتین نیز، موسیقی و رقص‌هایی مانند سالسا، تانگو، و رومبا بخش بزرگی از فرهنگ را تشکیل می‌دهند. هر دو فرهنگ ادبیات غنی و پربراری دارند که بر ارزش‌های انسانی تأکید می‌کند. شعر و داستان‌نویسی در هر دو فرهنگ مورد توجه

و احترام قرار گرفته است. اگرچه اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و مردم آمریکای لاتین بیشتر کاتولیک هستند، اما هر دو فرهنگ بر اهمیت مذهب در زندگی روزمره تأکید دارند. این تأکید بر مذهب می‌تواند در تقویت ارتباطات اجتماعی و ایجاد احساس همبستگی در جامعه نقش داشته باشد. هر دو فرهنگ ارزش زیادی برای تاریخ و باستان‌شناسی قائل هستند. ایران با تمدن‌های باستانی مانند مادها، ساسانی، هخامنشی و تمدن اسلامی صفویه و آمریکای لاتین با تمدن‌هایی مانند مایا، آزتک، اینکا و اولمک هر دو به تاریخ و باستان‌شناسی اهمیت می‌دهند.

با این حال، باید توجه داشت که هر فرهنگ دارای تفاوت‌ها و تنوع‌های خاص خود هستند و این ارزش‌های مشترک نباید به معنای تطابق کامل بین دو فرهنگ درک شوند.

ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران و آمریکای لاتین می‌تواند زمینه‌ای برای همکاری و تعامل بیشتر بین دو فرهنگ باشد. این ارزش‌های مشترک می‌تواند به افزایش تفاهم و همدلی بین مردم دو فرهنگ کمک کند.

واژگان کلیدی

فرهنگ، ارزش فرهنگی.

مقدمه

فرهنگ یک مفهوم گسترده است که شامل باورها، ارزش‌ها، و رفتارهایی است که مطابق ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری مطرح شده‌اند.^۱ فرهنگ را می‌توان به عنوان باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، رفتارها و مصنوعات مشترک تعریف کرد که مشخصه یک گروه یا جامعه خاص است، جنبه‌های مختلف زندگی انسان، از جمله زبان، دین، هنر، موسیقی، غذا، لباس و هنجارهای اجتماعی را شامل می‌شود، فرهنگ پویا است و به دلیل عواملی مانند جهانی شدن،

مهاجرت و پیشرفت های تکنولوژیکی می تواند در طول زمان تغییر کند، درک و احترام به فرهنگ های مختلف برای ارتقای تنوع، فراگیر بودن و ارتباطات بین فرهنگی ضروری است، تفاوت های فرهنگی می تواند منجر به سوء تفاهم ها و درگیری ها شود، اما همچنین فرصت هایی برای یادگیری و رشد را فراهم می کند، منابع برای درک فرهنگ شامل مقالات پژوهشی دانشگاهی، کتاب ها، مطالعات قوم نگاری و برنامه های تبادل فرهنگی است، انسان شناسی و جامعه شناسی رشته هایی هستند که فرهنگ را مطالعه می کنند و بینش های ارزشمندی را در ابعاد مختلف آن ارائه می دهند، پلتفرم های آنلاین، موزه ها و رویدادهای فرهنگی نیز به عنوان منابعی برای کاوش و تجربه فرهنگ های مختلف عمل می کنند.

شوارتز^۱ ارزش های فرهنگی را از نوع انگیزشی تعریف می کند که در آن هر ارزش منعکس کننده اهدافی است که باید به آن دست یافت. از نظر شوارتز، ارزش های فرهنگی به جهت گیری فردگرایانه (ارزش هایی که به عنوان قدرت، دستاورد، لذت گرایی، تحریک و خود هدایتی گفته می شود)، جمع گرایانه (خیرخواهی، سنت و مطابقت) یا ترکیبی (امنیت و جهان شمولی) مربوط می شوند.^۲ ارزش ها و ابعاد فرهنگی^۳ طیف وسیعی از پدیده ها و اشیاء با ماهیت معنوی و مادی را دربرمی گیرد و در زمینه های گوناگون مانند فلسفه، فرهنگ، اخلاق و قانون مورد استفاده قرار می گیرند.^۴

ارزش های فرهنگی آمریکای لاتین

۱. دیوید جوزف شوارتز، جونیور (به انگلیسی: David J. Schwartz) (۲۳ مارس ۱۹۲۷-۶ دسامبر ۱۹۸۷) نویسنده و مربی انگیزشی آمریکایی بود، که بیشتر به خاطر نوشتن کتاب جادوی فکر بزرگ در سال ۱۹۵۹ شناخته شد، وی استاد بازاریابی، رئیس گروه و رئیس امور مالی مصرف کننده در دانشگاه ایالتی جورجیا بود.

2. Thao, N., Le. (2011). Life Satisfaction, Openness Value, Self-Transcendence, and Wisdom. *Journal of Happiness Studies*, 12(2), 171-182. doi:10.1007/S10902-010-9182-1

3. Geert, Hofstede. (2001). *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions and Organizations Across Nations*.

4. 01 Jan 2022-Visnik Mariupol's'kogo derzavnogo universitetu (Visnik Mariupol's'kogo derzavnogo universitetu)-Vol. 12, Iss: 23-24, pp 191-200

برخی از ارزش‌های فرهنگی مهم احصاء شده آمریکای لاتین عبارتند از:

Familismo, Personalismo, Respect, Religiosity, Fatalismo, Dignidad.¹

◀ خانواده گرایی (Familismo)

خانواده گرایی یک ایدئولوژی است که خانواده را در اولویت قرار می‌دهد. اصطلاح خانواده گرایی به طور خاص برای حمایت از یک سیستم رفاهی استفاده شده است که در آن فرض بر این است که خانواده‌ها مسئولیت مراقبت از اعضای خود را به جای سپردن این مسئولیت به دولت بر عهده دارند. واژه خانواده گرایی بیشتر به ارزش‌های خانوادگی مربوط می‌شود.^۲ این می‌تواند به صورت اولویت دادن به نیازهای خانواده بالاتر از نیازهای افراد آشکار شود.

خانواده در آمریکای لاتین معمولاً گسترده و متحد است. اعضای خانواده به یکدیگر کمک می‌کنند و در مواقع بحران حمایت می‌کنند. افراد معمولاً با والدین، برادران و خواهران، عموها و خاله‌ها و گاهی اوقات با بزرگترهای خانواده زندگی می‌کنند.^۳

افراد در آمریکای لاتین دوست دارند با دیگران ارتباط برقرار کنند و از زندگی لذت ببرند. آن‌ها مهمان‌نوازی را یک فرهنگ و احسان می‌دانند و به مهمان‌های خود با محبت و صمیمیت رفتار می‌کنند. آن‌ها همچنین از مشارکت در جشن‌ها، مراسم‌ها، موسیقی و رقص لذت می‌برند.^۴

◀ شخصی سازی (Personalismo)

1. 2022. (The Impact of Latin American Cultural Values, Attitudes, and Preferences on Palliative Cancer Care. doi: 10.1093/med/9780197551349.003.0033
2. Emiko Ochiai; Leo Aoi Hosoya (2014). Transformation of the Intimate and the Public in Asian Modernity. The Intimate and the Public in Asian and Global Perspectives. BRILL. pp. 20-21. ISBN 9789004264359.

3. آمریکای لاتین - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

4. آمریکای لاتین - انسان‌شناسی و فرهنگ.

کیش شخصیتی است که حول محور رهبران سیاسی آمریکای لاتین و آفریقا ساخته شده است. این اغلب مستلزم تسلیم کردن منافع احزاب سیاسی، ایدئولوژی ها و حکومت قانون اساسی در برابر وفاداری به یک رهبر است.^۱ در پرسونالیسم، مرسوم است که کاریزمای شخصی دیکتاتور مهمتر از دستاوردهای سیاسی در نظر گرفته شود.^۲

بسیاری از احزاب سیاسی در منطقه از حامیان شخصی یک رهبر خاص تشکیل شده اند، همانطور که از اسامی محاوره ای اعضای آنها پیداست. به عنوان مثال، در آرژانتین، طبق گفته خوان پرون^۳، طرفداران Partido Justicialista معمولاً تنها به عنوان "Peronists" شناخته می شوند و در کوبا، حامیان فیدل کاسترو "Fidelistas" هستند. اگرچه شخص گرایی در طول تاریخ آمریکای لاتین بسیار رایج است، اما بخش خاصی از نظام های سیاسی جمهوری دومینیکن و اکوادور بوده است.^۴

Personalismo ارتباط تنگاتنگی با پدیده caudilismo آمریکای لاتین دارد، جایی که دولت ها تحت سلطه رهبران (caudillos) هستند که قدرتشان بر خشونت و از سوی دیگر، کاریزمای شخصی است.^۵ Caudillos به ویژه در ایالات تازه استقلال یافته آمریکای لاتین در اوایل قرن ۱۹ رایج بود. با این حال، caudilismo تا قرن ۲۰

1. personalismo. (2009). In Encyclopædia Britannica. Retrieved July 02, 2009, from Encyclopædia Britannica Online: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/452992/personalismo>

2. Harding, Robert C. (2006). The History of Panama. Greenwood Press. ISBN 978-0-313-03898-3.

۳. خوان دومینگو پرون یک ژنرال و سیاستمدار آرژانتینی بود که پس از خدمت در مشاغل مختلف دولتی، از جمله وزیر کار و معاون رئیس جمهور، سه بار به عنوان رئیس جمهور آرژانتین انتخاب شد. او طی یک کودتای نظامی در سال ۱۹۵۵ از کار برکنار شد. ویکی پدیا

4. personalismo. (2009). In Encyclopædia Britannica. Retrieved July 02, 2009, from Encyclopædia Britannica Online: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/452992/personalismo>

5. نوعی رهبر شخصی است که دارای قدرت نظامی و سیاسی است. هیچ ترجمه دقیق انگلیسی از caudillo وجود ندارد، اگرچه اغلب به جای «جنگسالار» و «مرد قوی» استفاده می شود. این اصطلاح از نظر تاریخی با اسپانیا و آمریکای اسپانیایی تبار پس از اینکه تقریباً تمام منطقه در اوایل قرن نوزدهم استقلال یافتند مرتبط است.



میلاادی یک پدیده رایج باقی ماند، چه به عنوان جنبش‌های پوپولیستی مشابه پرونیسم یا به عنوان دیکتاتوری مستقیم نظامی.^۱

◀ **احترام (Respect)**، یک احساس مثبت یا اقدام احترام آمیز است که نسبت به کسی یا چیزی که مهم تلقی می‌شود یا مورد احترام یا احترام بالایی قرار می‌گیرد نشان داده می‌شود. حس تحسین از ویژگی‌های خوب یا ارزشمند را منتقل می‌کند. همچنین فرآیند تکریم شخصی با نشان دادن مراقبت، نگرانی یا توجه به نیازها یا احساسات اوست.^۲

افراد در آمریکای لاتین به کشور و منطقه خود افتخار می‌کنند و به آن‌ها وفادار هستند. آن‌ها به تاریخ، فرهنگ، زبان و پرچم خود احترام می‌گذارند و به دفاع از حقوق و منافع خود می‌پردازند. آن‌ها همچنین از تنوع و ثروت طبیعی منطقه خود آگاه هستند و برای حفظ آن تلاش می‌کنند.

◀ **دینداری (Religiosity)** محققان مختلف این مفهوم را به طور کلی در مورد جهت‌گیری‌های مذهبی و درجات دخالت یا تعهد می‌دانند.^۳

بیشتر مردم در آمریکای لاتین مسیحی و اکثراً کاتولیک هستند. مذهب برای آن‌ها یک منبع امید، هدایت و تسلی است. آن‌ها به کلیسا می‌روند، به دعا می‌پردازند و به مقدسات و معجزات اعتقاد دارند. برخی از آن‌ها همچنین به عناصر مذهبی سنتی و بومی مثل نذر احترام می‌گذارند.

نذورات در آمریکای لاتین به وفور دیده می‌شوند. این نذورات معمولاً مرتبط با اعتقادات مذهبی و فرهنگی مردم این مناطق هستند. نذورات می‌توانند به شکل‌های مختلفی باشند، مانند روشن کردن شمع، پوشیدن لباس خاص، رفتن به مکان مقدس،

1 .personalismo. (2009). In Encyclopædia Britannica. Retrieved July 02, 2009, from Encyclopædia Britannica Online:

<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/452992/personalismo>

2. "respect". Merriam Webster. Retrieved December 13, 2017.

"respect". Cambridge Dictionary. Retrieved December 14, 2017.

3. Holdcroft, Barbara (September 2006). "What is Religiosity?". *Catholic Education: A Journal of Inquiry and Practice*. 10 (1): 89–103.

صدقه دادن، روزه گرفتن، یا حتی قربانی کردن حیوان. این کارها را معمولاً به عنوان نشانه‌ای از شکرگزاری، تقدیم، توبه، یا درخواست از خدا انجام می‌دهند^۱، در زیر، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. سنتواریو (Santuário): یک مکان مقدس که در آن افراد نذورات خود را ارائه می‌دهند. مثلاً در برزیل، سنتواریو بوم خسوس (Santuário do Bom Jesus) یکی از مشهورترین مقاصد زیارتی است که هر سال میلیون‌ها زائر را جذب می‌کند.^۲

۲. رتابلو (Retablo): یک تابلو یا جعبه کوچک که تصویر یا مجسمه‌ای از یک مقدس یا یک صحنه معجزه را نشان می‌دهد. این تابلوها را معمولاً به عنوان نذری به کلیساها یا مکان‌های مقدس می‌برند. مثلاً در مکزیک، رتابلوهایی که از جنس چوب، فلز، یا کاغذ ساخته می‌شوند، بسیار رایج هستند.^۳

۳. اکس ووتو (Ex-voto): یک نوع نذری که به شکل یک تابلو، یک تصویر، یک شکل، یا یک نوشته است که شرح می‌دهد که چگونه خدا یا مقدسی یک فرد را از یک بیماری، تصادف، یا خطر نجات داده است. این نذرها را معمولاً در کنار تصویر یا مجسمه‌ای از مقدس مربوطه قرار می‌دهند. مثلاً در آرژانتین، اکس ووتوهایی که از جنس شمع، پارچه، یا فلز هستند، بسیار محبوب هستند.^۴

۴. نذر ماریا (Promesa a la Virgen María) در جوامع کاتولیک آمریکای لاتین، افراد برای نجات از مشکلات، شفای بیماری‌ها، یا به مناسبت‌های خاصی نذر می‌دهند. این نذورات به مریم مقدس اختصاص دارند و معمولاً با مراسم دینی همراه هستند.

1. https://daneshyari.com/isi/articles/latin_america

2. Santuário do Bom Jesus - Wikipedia

3. Retablo - Wikipedia

4. Ex-voto - Wikipedia

۵. نذر به مقدسات بومی (Promesas a las Deidades Indígenas)

در برخی جوامع بومی آمریکای لاتین، افراد به خدایان بومی و ارواح محلی نذر می‌دهند. این نذورات ممکن است به تقالید قدیمی و ارتباط با طبیعت و محیط زیست مرتبط باشند.

۶. نذر خدمت به فقرا (Promesa de Servicio a los Pobres)

بسیاری از مردم در آمریکای لاتین نذور به خدمت به فقرا و نیازمندان را می‌دهند. این نذورات به عنوان یک وظیفه مذهبی و انسانی تلقی می‌شوند.

۷. نذورات به مقدسات محلی (Promesas a Santos Locales)

در آمریکای لاتین، نذورات به سنت‌ها و مقدسات محلی نیز رایج هستند. این نذورات ممکن است به مناسبت‌های مذهبی خاص یا محدوده جغرافیایی خاص مربوط شوند.

◀ **جبرگرایی (Fatalismo).** اصطلاح فتالیسم (برگرفته از ریشه لاتین fatum که به معنی «سرنوشت» است) و مشتق آن «fatalistic» اعتقاد به ضرورتی است که با انکار آزادی، به طور غیرقابل جبرانی بر انسان تحمیل می‌شود. در معنای معمولی، جبرگرایی به اعتقاد به جبر وقایع است که توسط علل مستقل از اراده انسان هدایت می‌شود، این جبر از نیروهای ماوراء طبیعی مانند خدایان، قوانین طبیعی، محیط و یا تجربیات اکتسابی در گذشته ناشی می‌شود.

این مفهوم تقدیرگرایی، چه در زبان عادی و چه در زبان فلسفی، بار معنایی منفی دارد. در عوض، موضع جبرگرایی که الحاق رویدادها را بر اساس اصل منطقی علیت فرض می‌کند، غالب شده است.^۱

1. <https://es.wikipedia.org/wiki/Fatalismo>

« کرامت یا کیفیت شایستگی» (Dignidad) (از لاتین dignitas که به «عالی،

عظمت» ترجمه می‌شود)^۱ به ارزش ذاتی هر انسان خاص برای این واقعیت ساده یکی بودن (منحصر به فرد بودن)، به عنوان موجودی دارای آزادی اشاره دارد.^۲ این یک ویژگی نیست که کسی داده باشد، بلکه ذاتی انسان است.^۳ به هیچ نوع شرطی شدن یا تفاوت قومی، جنسیتی، اجتماعی یا هر نوع تفاوت دیگری بستگی ندارد.^۴ این کرامت هستی‌شناختی است با کرامت اکتسابی متفاوت است و مفهوم اخیر شبیه شرافت است.^۵

جوامع آمریکای لاتین به همان اندازه جوامع کنفوسیوس شرق آسیا بر ارزش‌های جمع‌گرایانه تأکید دارند و بر اکثر اشکال خودتفسیر مستقل به اندازه جوامع غربی تأکید دارند. این فرض را به چالش می‌کشد که ارزش‌های جمع‌گرا با خودتعبیر وابسته به یکدیگر مرتبط هستند.^۶ کارآفرینان آمریکای لاتین منافع شخصی و عاطفی را بر کسب و کار اولویت می‌دهند، از ریسک‌گریزان هستند.^۷

احترام، خانواده و مذهب مهم‌ترین ارزش‌هایی هستند که مادران به دنبال انتقال آن به فرزندان خود هستند. احترام در حوزه‌های مختلفی از جمله اطاعت از بزرگتر، احترام، آراستگی و رفتار عمومی آشکار می‌شود. اینها پیام‌های اجتماعی‌سازی هستند که مادران لاتین از آنها برای آموزش به کودکان خود استفاده می‌کنند و چارچوبی فرهنگی از نحوه ارتباط این پیام‌ها با رشد کودک را ارائه می‌دهند.^۸

1. Real Academia Española. «dignidad». Diccionario de la lengua española (23.^a edición). Consultado el 21 de diciembre de 2014.

2. Castilla de Cortázar, 2015, p. 76.

3. Castilla de Cortázar, 2015, p. 75.

4. Castilla de Cortázar, 2015, p. 76.

5. Castilla de Cortázar, 2015, p. 78.

6. Joscimar, Souza, Silva. (2018). Valores e crise da representação na américa latina: podemos antever um personalismo político?.

7. Seymour, Martin, Lipset. (2017). Values and Entrepreneurship in the Americas. Social Science Research Network, doi: 10.4324/9781315128627-3

8. Esther, J., Calzada., Yenny, Fernandez., Dharma, E., Cortés. (2010). Incorporating the cultural value of respeto into a framework of Latino parenting.. Cultural Diversity & Ethnic Minority Psychology, 16(1), 77-86. doi: 10.1037/A0016071

منطقه آمریکای لاتین تحت تأثیر تاریخ، جغرافیا، زبان، دین، هنر، موسیقی و اقوام مختلف قرار گرفته است.

تمدن‌های مهم در آمریکای لاتین

آمریکای لاتین تاریخ غنی و متنوعی از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده است. تمدن‌های مهم در آمریکای لاتین شامل تمدن‌های بومی، تمدن‌های قدیمی، و تمدن‌های تأثیرگذار تاریخی و فرهنگی می‌شوند. در زیر به برخی از تمدن‌های مهم در این منطقه اشاره شده است.

۱. تمدن آزتک (Aztec Civilization)

تمدن آزتک یکی از تمدن‌های بومی مهم قبل از حضور اروپاییان در مکزیک بود. آزتک‌ها سازندگان شهرهای بزرگی بودند و در زراعت، هنر، و معماری پیشرفت‌های قابل توجهی داشتند.^۱

تمدن آزتک که در آمریکای پیش از کلمب وجود داشت، جامعه‌ای بسیار توسعه یافته بود که به دلیل پیشرفت‌های معماری چشمگیر و ایجاد پایتخت مکزیکو-تنوچتیتلان شناخته می‌شد. آب نقش مهمی در فرهنگ آنها داشت و خدای آب تلالوک به اندازه خدای اصلی آنها [Huitzilopochtli] مهم بود.^۲ آزتک‌ها ارتباط قوی بین دین و جنگ داشتند و جنگ را به عنوان یک عمل مقدس انجام شده در خدمت خدایان می‌دانستند. هویت جنگجوی آنها عمیقاً در سیستم اعتقاد و فعالیت‌های روزمره آنها تعبیه شده بود.^۳ سقوط تمدن آزتک تحت تأثیر عواملی چون استعمار اسپانیا و تجاوز فرهنگی خشونت‌آمیزی که رخ داد بر ساختار

1. Aztecs: An Interpretation" نوشته Michael E. Smith - "The Aztecs" نوشته Inga Clendinnen
 2. Jose, A., Raynal-Villasenor. (2020). Hydrologic and Hydraulic Works of the Aztec Civilization. 237-254. doi: 10.1007/978-3-030-40686-8_13
 3. Caroline, Dodds, Pennock. (۲۰۲۲). A warlike culture? Religion and war in the Aztec world. History and Anthropology, ۳۴(۱), ۱۲۲-۹۹. doi: ۰۲۷۵۷۲۰۶.۲۰۲۲.۲۰۶۰۲۱۵/۱۰.۱۰۸

اجتماعی آنان تأثیر گذاشت.^۱ آزتک ها دارای کدهای فرهنگی حاکم بر فعالیت های روزانه بودند، از جمله قوانین علیه خواب بیش از حد.^۲ امروزه تأثیرات فتوحات اروپایی ها بر فرهنگ و جامعه آزتک مورد بحث قرار گرفته است، همراه با نگرانی های معاصر مانند محیط زیست و کشاورزی.^۳

۲. تمدن اینکا (Inca Civilization)

تمدن اینکا یکی دیگر از تمدن های بزرگ بومی آمریکا بوده است. اینکاها در قسمت های مختلف آمریکای جنوبی فعالیت می کردند و سامانه پیچیده ای از مزارع، شهرها و جاده ها را ایجاد کردند.^۴

تمدن اینکا امپراتوری قدرتمندی بود که در دوران پیش از کلمب در منطقه آند ظهور کرد. آنها بر اساس دستاوردهای فرهنگ های قبلی ساخته شده بودند و بر کشاورزی کارآمد در آند مرکزی تمرکز کردند. امپراتوری آنها با تکنیک های پیشرفته کشاورزی مانند سیستم های آبیاری و اسکان مجدد جمعیت ها مشخص می شدند. امپراتوری اینکا از نظر تنوع محصول و بهره وری به اوج خود رسید، اما پس از تهاجم اسپانیایی ها کاهش یافت. اینکا هیچ سیستم نوشتاری باقی نگذاشت، بنابراین دانش ما از آنها از سوابق باستان شناسی و نوشته های اسپانیایی ها حاصل می

1. Rodrigo, Ramos-Zúñiga., Jorge, Alberto, González-Rios., Isabel, Martín-Monzón. (۲۰۲۱). Traumatic brain injury and the fall of the Aztec empire: ۵۰۰ years of head injury diagnosis.. *Surgical Neurology International*, ۱۲, ۵۳۶-۵۳۶. doi: ۱۰.۲۵۲۵۹/SNI_۹۰۶_۲۰۲۱

2. Rodrigo, Ramos-Zúñiga., Jorge, Alberto, González-Rios., Isabel, Martín-Monzón. (۲۰۲۱). Traumatic brain injury and the fall of the Aztec empire: ۵۰۰ years of head injury diagnosis.. *Surgical Neurology International*, ۱۲, ۵۳۶-۵۳۶. doi: ۱۰.۲۵۲۵۹/SNI_۹۰۶_۲۰۲۱

3. Edgar, S., Osuna. (۲۰۱۵). *The Aztec, Maya, and Inca Civilizations*. ۵۹-۵۵. doi: ۱-۲۰۸۹-۴۹۳۹-۱-۹۷۸/۱۰.۱۰۰۷_۹

4. The Incas " نوشته Craig Morris و Adriana von Hagen. - *The Complete Illustrated History of the Inca Empire* " نوشته David M. Jones.

شود. چندین کتاب و منبع موجود است که اطلاعات جامعی در مورد تمدن اینکا، از جمله سکونتگاه‌ها، فرهنگ، جامعه و دستاوردهای آنها را به ما نشان می‌دهد.^{۳۱}

۳. تمدن مایا (Maya Civilization)

تمدن مایا در مناطق مرکزی آمریکا شکوفا گرفت و به ساختارهای شهری پیچیده، سیستم نگارشی و تقویم معروف خود شهرت داشت.^۴

تمدن مایا یک جامعه منحصر به فرد و پیشرفته در مزو-آمریکا^۵ بود که به دلیل اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، توسعه تجارت، نوشتن، هنر، علم، دین و دولت شناخته شده بود. آنها شهرهای بزرگی با بناهای تاریخی، کاخ‌ها، معابد و اهرام ساختند و به منزلت فکری بی نظیری در نیمکره غربی رسیدند. با این حال، زوال و سقوط تمدن مایا را می‌توان به مجموعه پیچیده‌ای از شرایط نسبت داد. اینها شامل سوء استفاده زیست محیطی، استثمار از جمعیت شاغل، سوء مدیریت، نظامی گری، آب و هوای بد، قحطی و همه‌گیری^۶ است. مردم مایا روش متفاوتی برای درک زمان داشتند، با اعتقاد به تکرار چرخه و نابودی و نوسازی کیهان؛^۷ روابط بین جامعه مایا، طبیعت و مردان توسط عقلانیت برگرفته از رویکرد زیست محیطی و فرهنگی هدایت می‌

1. Christopher, Heaney. (۲۰۲۳). The Inca: Lost Civilizations. Hahr-hispanic American Historical Review, ۱۰۳(۲), ۳۲۲-۳۲۱. doi: ۱۰.۳۶۸۹۵۹-۰۰۱۸۲۱۶۸/۱۰.۱۲۱۵

2. R., Alan, Covey. (۲۰۲۳): The Inca: Lost Civilizations. Journal of Anthropological Research, ۷۹(۱), ۱۴۱-۱۴۰. doi: ۷۲۳۰۸۳/۱۰.۱۰۸۶

3. Doris, Kurella. (۲۰۲۲). Die Inka: Ein Verwobenes Imperium. ۴۹۶-۴۵۱. doi: -۹۷۸/۱۰.۱۰۰۷ ۲-۳۴۰۰۳-۶۵۸-۳-۱۹

4. The Complete Gods and Goddesses of Ancient Maya نوشته Richard A. Carrasco. - The Maya نوشته Michael D. Coe.

۵ یک منطقه و دوره فرهنگی در (Mesoamérica)، اسپانیایی: (Mesoamerica). آمریکای میانه انگلیسی: ۱۴ قاره آمریکا است، این مکان تقریباً مکزیک مرکزی، بلیز، گواتمالا، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه و کاستاریکا را در بر می‌گیرد، در این مکان تعداد زیادی از فرهنگ‌های پیشاکلمبی پیش از اینکه اسپانیایی‌ها به این مکان برسند وجود داشتند.

6. Manuel, Alberto, Morales, Damián. (۲۰۱۲). Maya's civilization ideas about the cyclic renewal of the universe..

7. Robert, J., Sharer. (۱۹۹۶). Daily life in Maya civilization.

شد،^۱ رویکرد منطقه فرهنگی، که نشان می دهد نوآوری فرهنگی اجتماعی به عنوان یک پاسخ موضعی به شرایط محلی رخ می دهد، به طور کامل توسط شواهد باستان شناسی از سایت هایی مانند^۲ [Cerros] پستیانی نمی شود.

۴. تمدن های آند (Andean Civilizations)

تمدن های آند شامل انبوهی از تمدن های بومی آمریکا می شود که در منطقه کوهستانی آند شامل شیلی، اکوادور، و پرو واقع شده اند. این تمدن ها شامل تمدن های نازکا، موچیکا، چافین، و تیاواناکو بوده اند.^۴

تمدن های آند، مانند چاوین و اینکا، موضوع مطالعه در انسان شناسی بوده اند. فرهنگ چاوین که از ۲۵۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ پیش از میلاد وجود داشت، به خاطر تسلط بر سنگ و جلوه های هنری چشمگیر، به ویژه در سرامیک شناخته می شود.^۵ از سوی دیگر تمدن اینکا به دلیل عدم وجود سیستم نوشتاری، که به طور معمول به عنوان مشخصه تعیین کننده تمدن ها دیده می شود، یک استثناء در میان تمدن های بکر محسوب می شود.^۶ با این حال، تحقیقات اخیر نشان می دهد که اینکا دارای

1. Miguel, Ángel, Hernández, García. (۲۰۰۴). La civilización maya de las tierras bajas: los límites de una forma social de explotación. ۱۱(۳۲), ۴۲-۹

۲. سروس یک سایت باستانی ماباهای دشت شرقی در شمال بلیز است که از دوره پیش کلاسیک پسین تا دوره پساکلاسیک فعالیت می کرد. این سایت در دوران پرکلاسیک پسین مزوامریکایی به اوج خود رسید و در اوج خود، جمعیتی حدود ۱۰۸۹ نفر را در خود جای داده بود. این سایت از نظر استراتژیک در شبه جزیره ای در دهانه رودخانه نیو، جایی که به خلیج Chetumal در ساحل دریای کارائیب می ریزد، واقع شده است. به این ترتیب، این سایت به مسیر تجاری ساحلی که شبه جزیره یوکاتان و جوامع داخلی را دور می زد، دسترسی داشت و به عنوان یک رابط میانی عمل می کرد. ساکنان سروس یک سیستم کانالی گسترده ساختند و از کشاورزی در مزرعه های مرتفع استفاده کردند.

3. David, A., Freidel. (۱۹۷۹). Culture Areas and Interaction Spheres: Contrasting Approaches to the Emergence of Civilization in the Maya Lowlands. *American Antiquity*, ۴۴(۱), ۵۴-۳۶. doi: ۲۷۹۱۸۸/۱۰.۲۳۰۷

4. The Art of the Andes" نوشته Rebecca R. Stone. - Ancient Civilizations of the Andes Michael A. Malpass.

5. Lázaro, Rodríguez., Keyla, Baslit. (۲۰۱۹). La cultura Chavín.

6. Henry, Tantaleán. (۲۰۱۹). Reciprocity and Redistribution in Andean Civilizations: The ۱۹۶۹ Lewis Henry Morgan Lectures. JOHN MURRA, prepared by FREDA YANCI WOLF and

سیستم های پردازش اطلاعات پیشرفته ای بودند، مانند استفاده از ثبت رشته های گره دار به نام khipu، اداره اعشاری، و زیرساخت های پیچیده لجستیکی و اداری.^۱ این اشکال منحصر به فرد پردازش اطلاعات، اینکا را قادر به دستیابی به گسترش انفجاری امپریالیستی^۲ کرد. به طور کلی، مطالعه تمدن های آند هم مشترکات و هم ویژگی های منحصر به فردی را نشان داده است که به درک ما از ظهور تمدن در جوامع اولیه بشری کمک می کند.^۳

۵. تمدن اولمک (olmeca Civilizations)

فرهنگ اولمک تمدنی بود که در طول دوره پیش کلاسیک مزوآمریکا در بخشی از قلمروهای فعلی مکزیک توسعه یافت. اگرچه بقایای حضور آنها در مناطق وسیعی از آمریکای شمالی یافت شده است، منطقه فرهنگی اولمک - منطقه شهری - بخش جنوب شرقی ایالت وراکروز مکزیک و غرب تاباسکو را در بر می گیرد.

تمدن اولمک اولین تمدن شناخته شده در مزوآمریکا بود و «فرهنگ مادر» منطقه محسوب می شود. آنها یک سبک هنری منحصر به فرد ایجاد کردند و سرهای پرتره سنگی یادبود حاکمان خود را ایجاد کردند.^۴ اولمک ها از انتخاب استراتژیک سنگ ها برای خلاقیت های هنری خود استفاده کردند که نشان دهنده علاقه واضح به انتشار یک پیام ایدئولوژیک^۵ است. آنها همچنین روابط تجاری گسترده ای داشتند و

HEATHER LECHTMAN. ۲۰۱۷. Hau Books, Chicago. ۹۴pp. ۴۰.۰۰\$(paper), ISBN ۹۷۸۰۹۹۷۳۶۷۵۵۳. Latin American Antiquity, ۳۰(۲), ۴۵۸-۴۵۷. doi: ۱۰.۱۰۱۷/LAQ.۲۰۱۹.۳۳

1. Lázaro, Rodríguez., Keyla, Baslit. (۲۰۱۹). La cultura Chavín.

2. Tom, D., Dillehay., Jack, Rossen., Patricia, J., Netherly. (۲۰۱۶). The Nanchoc Tradition: The Beginnings of Andean Civilization Seven thousand years ago, in northern Peru, the processing of lime, most likely for use with coca, launched a community toward social complexity.

3. Carter, Meland. (۲۰۲۲). Explosive Expansion, Sociotechnical Diversity, and Fragile Sovereignty in the Domain of the Inka. ۳(۱), ۷۴-۵۷. doi: ۱۰.۲۳۹۱۹/jsc.۲۰۲۱.۰۰۱۶

4. Octavio, Quesada, García. (۲۰۱۹). Unidad cultural de Mesoamérica: el problema iconográfico jaguares o serpientes en la cultura olmeca fundacional. Cadernos Prolam/USP, ۱۸(۳۵), ۳۲-۱۳. doi: ۱۰.۱۱۶۰۶/ISSN.۶۲۸۸-۱۶۷۶.PROLAM.۲۰۱۹.۱۶۳۷۷۰

5. Rubén, B., Morante, López. (۲۰۲۲). Materias primas del arte olmeca: De los recursos naturales a los símbolos. Escena. Revista de las artes, ۲۱۸-۱۸۷. doi: ۱۰.۱۵۵۱۷/es.v۸۲i۱.۵۲۰۰۲

مواد عجیب و غریب از مناطق دور مانند سنگ آهن، مواد معدنی و سنگ را برای مجسمه ها و مصنوعات خود وارد می کردند.^۱ با وجود فقدان سوابق کتبی، فرهنگ اولمک به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است، شواهد اخیر نشان می دهد که اولمک ارتباط قوی با جگوار^۲ داشتند، اما ما نیز نقش محوری در شیوه های مذهبی آنها ایفا می کرد.^۳ به طور کلی، تمدن اولمک فرهنگی قابل توجه و تأثیرگذار در مزوآمریکا بود و سبک هنری و شبکه های تجاری آنها تأثیری پایدار بر تمدنهای بعدی گذاشت.

ارزش های فرهنگی ایرانیان

مؤلفه های هویتی مفاهیمی عام، انتزاعی و کلی هستند چراکه اساساً تغییر و تحول هویتی حرکتی تدریجی و البته آرام در نظر گرفته می شود. با لحاظ نمودن این مبنا در سیاست هویتی، مؤلفه های اصلی هویت و ارزش های فرهنگی ایرانیان را ۵ حوزه ذیل تحلیل می شود:

دیانت، زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه فرهنگی و نظام اجتماعی.

حوزه های پنجگانه هویت فرهنگی ایرانیان در ۱۵ مؤلفه زیر تقسیم بندی

می شوند:

۱. ارزش های بنیادین انسانی: این ارزش ها شامل مفاهیمی مانند احترام به حقوق

بشر، عدالت، صداقت، و مهربانی است.

1. Kathleen, Berrin., Virginia, M., Fields. (۲۰۱۰). Olmec: colossal masterworks of ancient Mexico.

۲. جگوار یا پلنگ آمریکایی یک گونه از رده پلنگماندها و بزرگترین جانور از تیره گربه سانان در قاره آمریکا به شمار می آید. جگوار پس از ببر و شیر سومین گربه بزرگ جهان محسوب می شود. جگوار، شکارچی رأس هرم غذایی است و از ۸۷ گونه مختلف تغذیه می نماید.

3. David, Cheetham. (۲۰۰۹). Book Review Essay. The Olmecs: America's First Civilization by Richard A. Diehl. Thames & Hudson, London, ۲۰۰۴. ۲۰۸pp., ۱۵۲figures, bibliography, index. ۳۹.۹۵\$(cloth) ۲۲.۵۰\$(paper) Olmec Archaeology and Early Mesoamerica by Christopher A. Pool. Cambridge University Press, Cambridge. ۲۰۰۷. ۳۵۴pp., ۷۰figures, ۵tables, bibliography, index. ۷۵.۰۰\$(cloth) ۲۹.۹۹\$(paper). Latin American Antiquity, ۲۰(۰۱), -۲۶۰ ۲۶۳. doi: ۱۰.۱۰۱۷/S۱۰۴۵۶۶۳۵۰۰۰۰۲۶۰۱

۲. اهمیت دادن به خانواده، مهمان‌نوازی، و احترام به بزرگتر.³²¹
۳. زبان فارسی: زبان مشترک و بیانگر فرهنگ و ادبیات ایرانی.^۴ زبان فارسی (زبان دری) و گویش‌ها و لهجه‌های آن یکی از عناصر مهم فرهنگ ایرانی است.^۵
۴. جشن‌های ملی و مراسم آئینی: نوروز، شب یلدا،^۶ عزاداری‌های مذهبی^۷
۵. موسیقی سنتی ایران: موسیقی سنتی ایران نیز یکی از بخش‌های مهم فرهنگ ایرانی است.^۸
۶. هویت ملی: احساس تعلق و افتخار به کشور و ملت خود.^۹
۷. پیشینه تمدنی: ارتباط با ریشه‌های تاریخی و فرهنگی ایران.^{۱۰}
۸. علم: احترام و ترویج دانش و علم در جامعه.^{۱۱}
۹. مفاخر ملی: شناخت و قدردانی از شخصیت‌ها و اندیشمندان برجسته ایرانی.^{۱۲}
۱۰. میراث فرهنگی: حفظ و ارزش‌گذاری بر روی آثار و آیین‌های فرهنگی ایرانی،^{۱۳} از جمله معماری ایرانی و خوراک ایرانی.^{۱۴}

1. <https://ensani.ir/fa/article/412991/>

2. https://journals.iau.ir/article_512227.html

3. https://journals.ui.ac.ir/article_18400.html

۴. مولفه‌های قدرت نرم ایران در سند مولفه‌های هویت <http://ensani.ir/fa/article/367494>

۵. فرهنگ ایرانی - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۶. همان

۷. مقاله هویت فرهنگی ایرانیان و مولفه‌های آن. <https://bing.com>

۸. فرهنگ ایرانی - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۹. مولفه‌های قدرت نرم ایران در سند مولفه‌های هویت. https://www.spba.ir/article_45006.html

۱۰. همان

۱۱. همان

۱۲. همان

۱۳. مولفه‌های قدرت نرم ایران در سند مولفه‌های هویت. https://www.spba.ir/article_45006.html

۱۴. فرهنگ ایرانی - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۱۱. سنت های حسنه: رعایت و انجام اعمال و رسوم خوب و مورد پسند اسلامی،^۱ مثل تعارف کردن که یک سنت فرهنگی ایرانی است و در بین تمام اقشار جامعه هم چنان پابرجاست.^۲

۱۲. مساجد: مکان های عبادت و مرکز فعالیت های دینی و اجتماعی.^۳

۱۳. اخلاق گرایی: رعایت اصول و معیارهای اخلاقی در رفتار و روابط انسانی.^۴

۱۴. ایدئولوژی: باور به خداوند یکتا و مبانی اعتقادی اسلام. و پیروی از آموزه ها و ارزش های اسلامی.^۵

۱۵. ندورات

ندورات ایرانیان به کارهای خیر یا مذهبی اطلاق می شود که به منظور تقرب به خدا انجام می دهند. ندورات می تواند شامل اهدای پول، غذا، لباس، حیوانات، گل، شمع و غیره باشد. ندورات معمولاً در روزهای خاصی مانند جشن ها، مراسم ها، سالگردها، روزهای مقدس و یا در زمان های بحرانی مانند بیماری، خطر، آرزو و یا شکرگزاری انجام می شود. برخی از نمونه های ندورات ایرانیان عبارتند از:

- اهدای ندورات به موسسات خیریه .

- اهدای ندورات به موزه ها، بنیادها، مدارس و حوزه های علمیه

- اهدای ندورات به اماکن مقدس مانند حرم ها، مساجد، مقبره ها، آرامگاه ها.

- اهدای ندورات به امامزاده ها، شهدا، علما، شاعران و شخصیت های تاریخی و

فرهنگی ایرانی که به عنوان الگوها و معلم های مردم شناخته می شوند.

- اهدای ندورات به مردم نیازمند، فقیر، بیمار، یتیم، بی خانمان و یا مظلومان که

به عنوان برادران و خواهران ایمانی تلقی می شوند.

۱. مقاله هویت فرهنگی ایرانیان و مولفه های آن. <https://bing.com>

۲. ۱۰ سنت فرهنگی مختص ایرانی ها - الی گشت. <https://www.eligasht.com/Blog/travelguide/>

۳. مقاله هویت فرهنگی ایرانیان و مولفه های آن. <https://bing.com>

۴. همان

۵. همان



تمدن های مهم در ایران

ایران در طول تاریخ، خانه چندین تمدن مهم بوده است که مهمترین آنها عبارتند از: **تمدن ایلام**: یکی از قدیمی ترین تمدن های ایرانی که در شمال خوزستان واقع شده بود و یکی از اولین تمدن های ایرانی محسوب می شود؛ این تمدن از حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد تا ۵۳۹ پیش از میلاد به وجود ماند و با هخامنشیان همسایگی داشت. آثار مهم این تمدن شامل سنگ نگاره ها، تندیس ها، کتیبه ها و معماری است.^۱

تمدن هخامنشی: بزرگ ترین امپراتوری ایرانی که از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۳۳۰ پیش از میلاد حکومت کرد. این تمدن شامل بیش از ۲۰ ملت و فرهنگ مختلف بود و به دلیل عدالت و برابری شهرت داشت. آثار مهم این تمدن شامل کاخ ها، تخت ها، ستون ها، سکه ها، کتیبه ها و هنرهای مختلف است.^۲

تمدن ساسانی: آخرین امپراتوری ایرانی قبل از اسلام که از ۲۲۴ میلادی تا ۶۵۱ میلادی حکومت کرد. به دلیل مرکز فکری خود در جندی شاپور و مشارکتش در زمینه هایی مانند فلسفه، نجوم، داروسازی و پزشکی شناخته شد.^۳ این تمدن با روم و بعدا با بیزانس رقابت داشت و به دلیل پیشرفت های علمی، فرهنگی و هنری شهرت داشت. آثار مهم این تمدن شامل تاج ها، زیورآلات، ظروف، سنگ نگاره ها، معماری و کتاب های پهلوی است.^۴ نفوذ فرهنگی ایران از مدیترانه تا اقیانوس هند و در امتداد جاده های ابریشم گسترش یافت.

تمدن صفوی: که از قرن شانزدهم تا هجدهم بر ایران حکومت می کرد، تأثیر قابل توجهی بر تاریخ ایران از نظر سیاست، جامعه، دین و فرهنگ داشت.^۵ مولفه

1. Seyede, Zahra, Ojagh., Zarrin, Zardar. (۲۰۲۰). Iran: From the ancient world of Elam to modern science communication. doi: ۱۰.۲۲۴۵۹/CS.۲۰۲۰.۱۷
2. https://fa.wikipedia.org/wiki/تاریخ_ایران - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد
3. <https://bing.com> آن مقاله هویت فرهنگی ایرانیان و مولفه های آن
4. Seyede, Zahra, Ojagh., Zarrin, Zardar. (۲۰۲۰). Iran: From the ancient world of Elam to modern science communication. doi: ۱۰.۲۲۴۵۹/CS.۲۰۲۰.۱۷
5. https://fa.wikipedia.org/wiki/تاریخ_ایران - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد
6. Pouye, Khoshkhoosani. (۲۰۲۱). Written Representation of Temporal Power in Safavid Material Culture. Iranian Studies, doi: ۰۰۲۱۰۸۶۲.۲۰۱۹.۱۶۴۷۰۹۶/۱۰.۱۰۸۰

های فرهنگی صفوی مانند سکه ها، کتیبه ها و معماری بینش هایی را در مورد نقش شیعه و پادشاهی در ایدئولوژی صفوی ارائه می دهد.^۱ سلسله صفوی از تکنیک های پیشرفته تشکیل فلز برای ایجاد شمشیرهای منحنی با ریزساختارهای خاص استفاده کردند.^۲ قدرت سیاسی حاکمان صفوی بر هنر و معماری دوره تأثیر گذاشت و مکتب فکری اصفهان نقش محوری در شکل دهی به طراحی شهرها و باغها داشت.^۳ جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد، نشان دهنده ادامه میراث فرهنگی غنی ایران است.^۴

مقایسه تطبیقی ارزش های فرهنگی ایران و آمریکای لاتین

ارزشهای فرهنگی ایرانیان عبارت بودند از:

دیانت، زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه فرهنگی و نظام اجتماعی.
ارزشهای فرهنگی آمریکای لاتین عبارت بودند از:

Familismo (خانواده گرایی)

Personalismo (شخصی سازی، کیش شخصیت)

Respect (احترام)

Religiosity (دینداری)

Fatalismo (جبر گرایی)

Dignidad (کرامت انسانی)

◀ دیانت و Religiosity دو ارزش مشترک بین دو فرهنگ هستند. مردم هر دو فرهنگ عمدتاً دیندار هستند و به آموزه های دینی احترام می گذارند.

◀ خانواده گرایی زیر مجموعه ارزش فرهنگی «نظام اجتماعی» قرار می گیرد و

1. Ladan, Rahbari. (۲۰۱۸). "Their Beastly Manner": Discourses of Non-Binary Gender and Sexuality in Shi'ite Safavid Persia. doi: ۱۰.۱۵۱۵/CULTURE-۰۰۶۸-۲۰۱۸

2. Ghasem, Dini. (۲۰۱۸). An Archaeometallurgical Investigation of a Steel Sword from the Safavid Dynasty. JOM, doi: ۱۰.۱۰۰۷/S9-۲۶۹۶-۰۱۷-۱۱۸۳۷

3. Shaham, Asadi. (۲۰۲۳). Power discourse: reflecting Shah Abbas I's political thoughts on Safavid architecture and urban development (Isfahan's Baghshahr Utopia). Arts & humanities open access journal, doi: ۱۰.۱۵۴۰۶/ahoaj.۲۰۲۳.۰۵.۰۰۱۸۴

4. Richard, Foltz. (۲۰۱۰). Iran in World History. OUP Catalogue,

با ارزش فرهنگی Familismo اشتراک دارد و اشاره دارد که در هر دو فرهنگ، خانواده از احترام و جایگاه خاصی برخوردار است.

◀ در فرهنگ ایرانیان زیر مجموعه «جغرافیای فرهنگی»، «احترام» نهفته است و نمونه آن در ورزش باستانی ایران جلوه گر شده است که هرچه فرد مسن تر و پیرتر می شود از ارزش و جایگاه بیشتری برخوردار می شود و همچنین پدر، مادر، اساتید، دانشمندان و افراد مسن جایگاه ویژه ای دارند؛ در منابع دینی هم سفارش به احترام به همه اینها شده است^۱، بنابراین با ارزش فرهنگی Respect تشابه و شراکت وجود دارد.

◀ در مورد ارزش فرهنگی {Personalismo} شخصی سازی و کیش شخصیت بخاطر اینکه مردم آمریکای لاتین از تعالیم وحی دور افتادند این صفت و ویژگی عالی انسانی به انحراف رفته است، در حالیکه همه انسانها در مقابل انسانی بزرگ که دارای شایستگی های زیادی است سرتعظیم فرود می آوردند و برایش احترام قائلند، همچنانکه ایرانیان برای ائمه علیم السلام احترامی ویژه قائلند بخاطر اینکه آنها ویژگیها و صفاتی فوق بشر را دارا هستند.^۲ بنابراین در این ارزش فرهنگی که نمودش

۱. امام رضا%: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ؛ به بزرگترهاتان احترام بگذارید و با کوچکترها مهربان باشید و صله رحم نمایید. (عیون اخبار الرضا ۲/۲۶۵).

شخصی نزد رسول اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ من بسیار مشتاق جهاد و جنگ هستم. پیامبر ﷺ فرمود: در راه خدا جهاد کن که اگر کشته شوی زنده خواهی بود و نزد خدا روزی می خوری و اگر بمیری اجر تو بر خدا خواهد بود و اگر از جبهه سالم بازگردی، گناهایت آمرزیده می شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشی. آن شخص گفت: ای پیامبر خدا ﷺ پدر و مادر پیری دارم که با من انس گرفته اند و اگر آنها را ترک کنم ناراحت می شوند! حضرت فرمود: پس نزد آنان برگرد به خدا سوگند، انس آنها به تو در یک شبانه روز از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۶۷.

۲. لَا تَتَجَاوَزُوا بِنَا الْعُبُودِيَّةَ، ثُمَّ قُولُوا مَا شِئْتُمْ وَ لَنْ تَبْلُغُوا.

به ما اهل بیت) خدا نگوئید و ما را از مرحله عبودیت خارج نکنید، آنگاه هرچه در مورد مقامات و فضائل ما می خواهید، بگوئید. بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۷۴

در «جغرافیای فرهنگی» ایرانیان تبلور یافته است اشتراک وجود دارد.^۱

◀ در مورد ارزش فرهنگی جبرگرایی (Fatalismo) در هر دو فرهنگ اشتراک نظر وجود دارد، با این تفاوت که در فرهنگ ایرانیان این موضوع از طریق قرآن و راهنمایی صحیح اهل بیت به مجرای صحیح و درست کشانده شده و وارد موضوعات قضاء و قدر و ارتباط آن با اعمال درست یا ناشایست انسان دانسته شده^۲ و مسیر تکاملی و پیشرفت را برای انسان هموار نموده؛ اما در جوامع دیگر از جمله آمریکای لاتین بخاطر تهی بودن جامعه از منابع غنی وحی و تعالیم گرانبهای ائمه، معنای غلط و ناصحیح جبر تاریخ ریشه دوانیده و بجای اینکه عاملی برای پیشرفت و تعالی جامعه شود عاملی برای خمودی و سرخوردگی جوامع شده؛ این ارزش فرهنگی مشابهت و اشتراک دارد با تاریخ و حافظه فرهنگی ایرانیان.

◀ در مورد ارزش فرهنگی کرامت یا «کیفیت شایستگی» (Dignidad) به کرامت ذاتی انسان اشاره دارد و این مفهوم بسیار شبیه مفهومی است که در قرآن به آن اشاره شده که «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» این ارزش فرهنگی در فرهنگ ایرانیان زیر مجموعه دیانت تعریف می شود اما در آمریکای لاتین این ارزش فرهنگی در مجموعه ارزشهای دینی تعریف نمی شود بلکه این ارزش ذاتا یک ارزش فرهنگی محسوب می شود.

۱. از این ارزش فرهنگی متعالی که به انحراف رفته؛ می توان در تبلیغ دین در آمریکای لاتین به بهترین نحو استفاده کرد.

۲. <https://makarem.ir/maaref/fa/article/index>

نتیجه گیری

فرهنگ یک مفهوم گسترده است که شامل باورها، ارزش‌ها، و رفتارهایی است که مطابق ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری مطرح شده‌اند، برخی از ارزش‌های فرهنگی مهم احصاء شده آمریکای لاتین عبارتند از:

Familismo (خانواده گرایی)

Personalismo (شخصی سازی، کیش شخصیت)

Respect (احترام) Religiosity (دینداری)

Fatalismo (جبر گرایی)

Dignidad (کرامت انسانی)

بیشتر مردم در آمریکای لاتین مسیحی و اکثراً کاتولیک هستند، مذهب برای آن‌ها یک منبع امید، هدایت و تسلی است. آن‌ها به کلیسا می‌روند، به دعا می‌پردازند و به مقدسات و معجزات اعتقاد دارند. برخی از آن‌ها همچنین به عناصر مذهبی سنتی و بومی مثل نذر احترام می‌گذارند. آمریکای لاتین تاریخ غنی و متنوعی از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده است. تمدن‌های مهم در آمریکای لاتین شامل تمدن‌های بومی، تمدن‌های قدیمی، و تمدن‌های تأثیرگذار تاریخی و فرهنگی می‌شود. برخی از تمدن‌های مهم این منطقه عبارتند از: تمدن آزتک، تمدن اینکا، تمدن مایا، تمدن‌های آند و تمدن اولمک؛ مؤلفه‌های اصلی هویت و ارزش‌های فرهنگی ایرانیان در ۵ حوزه تحلیل می‌شود: دیانت، زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه فرهنگی و نظام اجتماعی.

حوزه‌های پنجگانه هویت فرهنگی ایرانیان در ۱۵ مؤلفه تقسیم بندی می‌شوند. نذورات در بین ایرانیان به عنوان یک عنصر قوی فرهنگی شناخته می‌شود. ایران در طول تاریخ، خانه چندین تمدن مهم بوده است که مهمترین آنها عبارتند از: تمدن ایلام، هخامنشی، ساسانی و صفوی. جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد، نشان دهنده ادامه میراث فرهنگی غنی ایران است. در مقایسه تطبیقی

ارزش های فرهنگی ایران و آمریکای لاتین به این نتیجه می رسیم که هر دو جامعه مورد مطالعه، علی رغم فاصله سرزمینی بسیار زیاد و تفاوت های فرهنگی، درای اشتراکات فرهنگی عمیقی هستند که برخی از این اشتراکات ریشه در دیانت و مذهب دارد و برخی ریشه در تاریخ، حافظه فرهنگی و زیست بوم آنها دارد که با تکیه بر این اشتراکات و مطالعه بیشتر، می توان نقشه راه بلند مدتی را برای نزدیکی بیشتر هر دو ملت طراحی کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا% ۲. ج. تهران - ایران: جهان.
 ۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۳۶۸-۱۴۰۳. بحار الأنوار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
 3. ABC: Michael A. Malpass نوشته "Ancient Civilizations of the Andes" (ژانویه ۲۰۰۶ ۳۰) -CLIO
 4. Caroline, Dodds, Pennock. (۲۰۲۲). A warlike culture? Religion and war in the Aztec world. *History and Anthropology*, ۳۴(۱), ۹۹-۱۲۲. doi: ۰۲۷۵۷۲۰۶.۲۰۲۲.۲۰۶۰۲۱۵/۱۰.۱۰۸۰
 5. Carter, Meland. (۲۰۲۲). Explosive Expansion, Sociotechnical Diversity, and Fragile Sovereignty in the Domain of the Inka. ۳(۱), ۵۷-۷۴. doi: ۱۰.۲۳۹۱۹/jsc.۲۰۲۱.۰۰۱۶
 6. Castilla de Cortázar, 2015
 7. Christopher, Heaney. (۲۰۲۳). The Inca: Lost Civilizations. *Hahr-hispanic American Historical Review*, ۱۰۳(۲), ۳۲۱-۳۲۲. doi: ۰۰۱۸۲۱۶۸-/۱۰.۱۲۱۵ ۱۰۳۶۸۹۵۹
 8. David, A., Freidel. (۱۹۷۹). Culture Areas and Interaction Spheres: Contrasting Approaches to the Emergence of Civilization in the Maya Lowlands. *American Antiquity*, ۴۴(۱), ۳۶-۵۴. doi: ۲۷۹۱۸۸/۱۰.۲۳۰۷
 9. David, Cheetham. (۲۰۰۹). Book Review Essay. *The Olmecs: America's First Civilization* by Richard A. Diehl. Thames & Hudson, London, ۲۰۰۴. ۲۰۰pp., ۱۵۲figures, bibliography, index. \$۳۹.۹۵(cloth) \$۲۲.۵۰(paper)
- Olmec Archaeology and Early Mesoamerica by Christopher A. Pool.



- Cambridge University Press, Cambridge. ۲۰۰۷. ۳۵۴pp., ۷ figures, ۵ tables, bibliography, index. \$۷۵.۰۰ (cloth) \$۲۹.۹۹ (paper). Latin American Antiquity, ۲۰(۰۱), ۲۶۰-۲۶۳. doi: ۱۰.۱۰۱۷/S۱۰۴۵۶۶۳۵۰۰۰۲۶۰۱
10. .Doris, Kurella. (۲۰۲۲). Die Inka: Ein Verwobenes Imperium. ۴۵۱-۴۹۶. doi: ۹۷۸-۳-۶۵۸-۳۴۰۰۳-۲/۱۰.۱۰۰۷_۱۹
11. .Edgar, S., Osuna. (۲۰۱۵). The Aztec, Maya, and Inca Civilizations. ۵۵-۵۹. doi: ۹۷۸-۱-۴۹۳۹-۲۰۸۹-۱/۱۰.۱۰۰۷_۹
12. .Emiko Ochiai; Leo Aoi Hosoya (2014). Transformation of the Intimate and the Public in Asian Modernity. The Intimate and the Public in Asian and Global Perspectives. BRILL. pp. 20-21. ISBN 9789004264359.
13. .Esther, J., Calzada., Yenny, Fernandez., Dharma, E., Cortés. (2010). Incorporating the cultural value of respeto into a framework of Latino parenting.. Cultural Diversity & Ethnic Minority Psychology, 16(1), 77-86. doi: 10.1037/A0016071
14. .Ex-voto - Wikipedia
15. .Harding, Robert C. (2006). The History of Panama. Greenwood Press. ISBN 978-0-313-03898-3.
16. .Henry, Tantaleán. (۲۰۱۹). Reciprocity and Redistribution in Andean Civilizations: The ۱۹۶۹ Lewis Henry Morgan Lectures. JOHN MURRA, prepared by FRED A YANCI WOLF and HEATHER LECHTMAN. ۲۰۱۷. Hau Books, Chicago. ۹۴pp. \$۴۰.۰۰ (paper), ISBN ۹۷۸۰۹۹۷۳۶۷۵۵۳. Latin American Antiquity, ۳۰(۲), ۴۵۷-۴۵۸. doi: ۱۰.۱۰۱۷/LAQ.۲۰۱۹.۳۳
17. .Holdcroft, Barbara (September 2006). "What is Religiosity?". Catholic Education: A Journal of Inquiry and Practice. 10 (1): 89-103.
18. . https://daneshyari.com/isi/articles/latin_america
19. <https://ensani.ir/fa/article/412991/>
20. <https://es.wikipedia.org/wiki/Fatalismo>
21. https://journals.iau.ir/article_512227.html
22. https://journals.ui.ac.ir/article_18400.html
23. .Joscimar, Souza, Silva. (2018). Valores e crise da representação na américa latina: podemos antever um personalismo político?.
24. .Jose, A., Raynal-Villasenor. (2020). Hydrologic and Hydraulic Works of the Aztec Civilization. 237-254. doi: 10.1007/978-3-030-40686-8_13
25. .Kathleen, Berrin., Virginia, M., Fields. (۲۰۱۰). Olmec: colossal masterworks of ancient Mexico.
26. .Ladan, Rahbari. (۲۰۱۸). "Their Bestly Manner": Discourses of Non-Binary Gender and Sexuality in Shi'ite Safavid Persia. doi: ۱۰.۱۵۱۵/CULTURE-۲۰۱۸-۰۰۶۸
27. .Lázaro, Rodríguez., Keyla, Baslit. (۲۰۱۹). La cultura Chavín.



28. Manuel, Alberto, Morales, Damián. (۲۰۱۲). Maya's civilization ideas about the cyclic renewal of the universe..
29. Miguel, Ángel, Hernández, García. (۲۰۰۴). La civilización maya de las tierras bajas: los límites de una forma social de explotación. ۱۱(۳۲), ۹-۴۲
30. Octavio, Quesada, García. (۲۰۱۹). Unidad cultural de Mesoamérica: el problema iconográfico jaguares o serpientes en la cultura olmeca fundacional. *Cadernos Prolam/USP*, ۱۸(۳۵), ۱۳-۳۲. doi: ۱۰.۱۱۶۰۶/ISSN.۱۶۷۶-۶۲۸۸.PROLAM.۲۰۱۹.۱۶۳۷۷۰
31. .personalismo. (2009). In *Encyclopædia Britannica*. Retrieved July 02, 2009, from *Encyclopædia Britannica Online*: <http://www.britannica.com>
32. Pouye, Khoshkhoosani. (۲۰۲۱). Written Representation of Temporal Power in Safavid Material Culture. *Iranian Studies*, doi: ۰۰۲۱۰۸۶۲.۲۰۱۹.۱۶۴۷۰۹۶/۱۰.۱۰۸۰
33. R., Alan, Covey. (۲۰۲۳): The Inca: Lost Civilizations. *Journal of Anthropological Research*, ۷۹(1), ۱۴۰-۱۴۱. doi: ۷۲۳۰۸۳/۱۰.۱۰۸۶
34. Real Academia Española. «dignidad». *Diccionario de la lengua española* (23.^a edición). Consultado el 21 de diciembre de 2014.
35. Retablo - Wikipedia
36. Richard, Foltz. (۲۰۱۵). *Iran in World History*. OUP Catalogue,
37. Robert, J., Sharer. (۱۹۹۶). *Daily life in Maya civilization*. Publisher : Greenwood; First Edition (September 9, 1996) Language : English
38. Rodrigo, Ramos-Zúñiga., Jorge, Alberto, González-Rios., Isabel, Martín-Monzón. (۲۰۲۱). Traumatic brain injury and the fall of the Aztec empire: ۵۰۰ years of head injury diagnosis.. *Surgical Neurology International*, ۱۲, ۵۳۶-۵۳۶. doi: ۱۰.۲۵۲۵۹/SNI_۹۰۶_۲۰۲۱
39. Rodrigo, Ramos-Zúñiga., Jorge, Alberto, González-Rios., Isabel, Martín-Monzón. (۲۰۲۱). Traumatic brain injury and the fall of the Aztec empire: ۵۰۰ years of head injury diagnosis.. *Surgical Neurology International*, ۱۲, ۵۳۶-۵۳۶. doi: ۱۰.۲۵۲۵۹/SNI_۹۰۶_۲۰۲۱
40. Rubén, B., Morante, López. (۲۰۲۲). Materias primas del arte olmeca: De los recursos naturales a los símbolos. *Escena. Revista de las artes*, ۱۸۷-۲۱۸. doi: ۱۰.۱۵۵۱۷/es.v۸۲i۱.۵۲۰۰۲
41. Santuário do Bom Jesus - Wikipedia
42. Seyede, Zahra, Ojagh., Zarrin, Zardar. (۲۰۲۰). Iran: From the ancient world of Elam to modern science communication. doi: ۱۰.۲۲۴۵۹/CS.۲۰۲۰.۱۷
43. Seymour, Martin, Lipset. (2017). Values and Entrepreneurship in the Americas. *Social Science Research Network*, doi:10.4324/9781315128627-3
44. Shaham, Asadi. (۲۰۲۳). Power discourse: reflecting Shah Abbas I's political thoughts on Safavid architecture and urban development (Isfahan's



- Baghshahr Utopia). Arts & humanities open access journal, doi: ۱۰.۱۵۴۰۶/ahoaj.۲۰۲۳.۰۵.۰۰۱۸۴
45. .Thao, N., Le. (2011). Life Satisfaction, Openness Value, Self-Transcendence, and Wisdom. *Journal of Happiness Studies*, 12(2), 171-182. doi: 10.1007/S10902-010-9182-1
46. .The Art of the Andes" نوشته Rebecca R. Stone. انتشارات: Thames and Hudson موضوع: History Of Art انتشار سال: 2002
47. .The Complete Gods and Goddesses of Ancient Maya" نوشته Richard A. Carrasco.
48. .Tom, D., Dillehay., Jack, Rossen., Patricia, J., Netherly. (۲۰۱۶). The Nanchoc Tradition: The Beginnings of Andean Civilization Seven thousand years ago, in northern Peru, the processing of lime, most likely for use with coca, launched a community toward social complexity.
49. .Ghasem, Dini. (۲۰۱۸). An Archaeometallurgical Investigation of a Steel Sword from the Safavid Dynasty. *JOM*, doi: ۱۰.۱۰۰۷/S۱۱۸۳۷-۰۱۷-۲۶۹۶-۹
50. Aztecs: An Interpretation" نوشته Inga Clendinnen. Publisher : Cambridge University Press; Reissue edition (May ۱۵, ۲۰۱۴)
51. Cambridge Dictionary. Retrieved December 14, 2017.
52. Geert, Hofstede. (2001). *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions and Organizations Across Nations*.
53. <http://www.mortezamotahari.com>
54. <https://fa.wikipedia.org/wiki>
55. <https://makarem.ir>
56. <https://www.eligasht.com/Blog/travelguide>
57. Merriam Webster. Retrieved December 13, 2017.
58. The Aztecs" نوشته Michael E. Smith. Publisher : Wiley-Blackwell; ۳rd edition (December ۲۷, ۲۰۱۱)
59. The Complete Illustrated History of the Inca Empire" نوشته David M. Jones. Publisher : Lorenz Books (July ۱۶, ۲۰۱۲) Language : English
60. The Impact of Latin American Cultural Values, Attitudes, and Preferences on Palliative Cancer Care. doi: 10.1093/med/9780197551349.003.0033
61. The Incas" نوشته Craig Morris و Adriana von Hagen , Publisher : Thames & Hudson (February 6, 2012) Language : English
62. The Maya" نوشته Michael D. Coe. Publisher : Thames & Hudson; Tenth edition (November ۲۹, ۲۰۲۲) Language : English
63. Visnik Mariupol's'kogo deržavnogo univèrsitetu (Visnik Mariupol's'kogo deržavnogo univèrsitetu)-Vol. 12, Iss: 23-24, pp 191-200

۶۵. آمریکای لاتین - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.
۶۶. تاریخ ایران - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۶۷. فرهنگ ایرانی - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۶۸. مقاله هویت فرهنگی ایرانیان و مولفه های آن. <https://bing.com>
۶۹. مولفه های قدرت نرم ایران در سند مولفه های هویت
<http://ensani.ir/fa/article/367494>
۷۰. مولفه های قدرت نرم ایران در سند مولفه های هویت
https://www.spba.ir/article_45006.html



تحليل ثقافة المقاومة من وجهة نظر الإسلام

عبدالقادر امينى^۱

استاد همكار و مدير گروه زبان و فرهنگ شناسى عربى، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبيات و فرهنگ شناسى

سعید العبيرى^۲

استاديار و مدير گروه مطالعات اسلامى به زبان عربى، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبيات و فرهنگ شناسى

تاريخ دريافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ | تاريخ پذيرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

الملخص

منذ بداية التاريخ، كان هناك صراع بين الحق والباطل. أحياناً يبدو أن الحق ينتصر، وأحياناً أخرى يظهر الباطل ويتباهى بسلطته؛ ولكن القرآن الكريم يؤكد أن النصر النهائي للحق على الباطل هو قانون ثابت ومصير لا مفر منه في تاريخ البشرية، بحيث لا يبقى أثر للباطل. على الرغم من الوعود الحاسمة للرب في انتصار الحق على الباطل، عندما تواجه جبهة الحق قلة العدد والعدة، فإن القلق والارتباك ينشأ في قلوب بعض أتباع الحق حول ما إذا كان المقاومة والصمود في وجه تيار الباطل رغم تفوقه الظاهري يمكن أن يكون مثمراً، أم يجب عليهم إخضاع رؤوسهم للعدو والخضوع لرغباته. هذا السؤال الذي غالباً ما يُطرح من قبل المنافقين والضعفاء في الإيمان، ثم ينتشر على نطاق واسع في المجتمع، كان موضع اهتمام القادة الثوريين في كل عصر، وحفزهم على اتخاذ نهج عقلاني ومنطقي. القرآن الكريم يعتبر العزة الحقيقية لله ورسوله والمؤمنين، ويبين سبل الوصول إلى عزة الدنيا والآخرة في الصمود والثبات في وجه العدو، وينهى بشدة عن المساومة مع الباطل. في كل عصر، كان هذا السؤال الذي غالباً ما يطرحه المنافقون والضعفاء في الإيمان ويُنتشر على نطاق واسع في المجتمع، محل اهتمام القادة الثوريين، مما دفعهم إلى اتخاذ نهج عقلاني ومنطقي. ويؤكد القرآن الكريم أن العزة الحقيقية هي لله ورسوله

1. E-mail: qaderamini1@gmail.com

2. E-mail: ghasedak_1010@yahoo.com

والمؤمنين، وأن سبيل الوصول إلى عزة الدنيا والآخرة هو المقاومة والصمود في وجه العدو، ويحذّر بشدة عن المساومة مع الباطل. لقد كان موضوع المقاومة والاستسلام محل اهتمام المفكرين الإسلاميين طيلة الأعصار؛ ولكن ما يزيد على أهمية هذا النزاع اليوم؛ هو اصطفاة أعداء الإسلام ضد الحق من جهة وتشكيل محور المقاومة ضد الاستكبار العالمي من جهة أخرى. وبناء على ذلك فإن هذا البحث يبيّن نتيجة المقاومة والتسليم من منظور القرآن الكريم، بعد البحث عن المفاهيم ونظرة مختصرة على المقاومة والتسليم وحيل العدو في هذا المجال وأثار كل منها من منظور القرآن الكريم؛ لأن معرفة هذه الأمور في المجتمع الإيماني دوراً كبيراً في اختيار أحد طريقي المقاومة أو المساومة.

كلمات المفتاحية

ثقافة، مقاومة، وجهة نظر الإسلام.

مقدمة

إن الصراع بين الحق والباطل مستمر منذ بداية التاريخ حتى اليوم. فأحياناً يغلب الحق على الباطل، وأحياناً يغلب الباطل ويأخذ السلطة؛ ولكن القرآن الكريم يؤكد أن النصر النهائي للحق على الباطل هو قانون ثابت ومصير لا مفر منه في تاريخ البشرية، بحيث لا يبقى أثر للباطل. على الرغم من الوعود القطعية لله في انتصار الحق على الباطل، عندما تواجه جبهة الحق قلة العدد والعدة، فإن القلق والارتباك ينشأ في قلوب بعض أتباع الحق حول ما إذا كان المقاومة والوقوف في وجه الباطل هل يمكن أن يكون مثمراً، أم يجب عليهم إخضاع رؤوسهم للعدو والتسليم لرغباته. هذا السؤال الذي غالباً ما يطرح من قبل المنافقين والضعفاء في الإيمان، ثم ينتشر على نطاق واسع في المجتمع، كان موضع اهتمام القادة الثوريين في كل عصر، وحفزهم على اتخاذ نهج عقلائي ومنطقي. يعتبر القرآن الكريم العزة الحقيقية لله ورسوله والمؤمنين، ويبين سبل الوصول إلى عزة الدنيا والآخرة في الصمود والثبات في وجه الباطل، وينهى بشدة عن المساومة مع الباطل. في كل عصر، كان هذا السؤال الذي غالباً ما يطرحه المنافقون والضعفاء في الإيمان وينتشر على نطاق واسع في المجتمع، محل اهتمام القادة الثوريين، مما دفعهم إلى اتخاذ نهج عقلائي ومنطقي. ويؤكد القرآن الكريم أن العزة الحقيقية هي لله ورسوله والمؤمنين، وأن سبيل الوصول إلى عزة الدنيا والآخرة هو المقاومة والصمود في وجه العدو، ويحذّر بشدة عن المساومة مع الباطل.

لقد كان موضوع المقاومة والتسليم محل اهتمام المفكرين الإسلاميين طيلة الأعصار؛ ولكن ما يزيد على أهمية هذا النزاع اليوم؛ هو اصطفاة أعداء الإسلام ضد الحق من جهة وتشكيل محور المقاومة ضد الاستكبار العالمي من جهة أخرى. وبناء على ذلك فإن هذا البحث يبين نتيجة المقاومة والتسليم من منظور القرآن الكريم، بعد البحث عن المفاهيم ونظرة مختصرة على المقاومة والتسليم وحيل العدو في هذا المجال وأثار كل منها من منظور القرآن الكريم؛ لأن معرفة هذه الأمور في المجتمع الإيمانى دوراً كبيراً في اختيار أحد طريقي المقاومة أو المساومة.

مفهوم المقاومة

المقاومة هي اسم مصدر بمعنى الصمود المساواة والصمود والاستقرار.¹ لم يُستخدم هذا المصطلح في القرآن الكريم، ولكن تم استخدام مشتقات كلمة "ق و م" في هذا المفهوم مثل "الاستقامة".² بناءً على أن المقاومة مصدر باب المفاعلة و هو بمعنى مشاركة الطرفين في الفعل بحيث يكون كلاهما فاعلاً ومفعولاً ونظراً إلى أن معنى الأساس في هذه المادة القيام بالعمل فتكون المقاومة بمعنى الصمود في كل من جوانب الفاعلية والمفعولية.

يقول المرشد الأعلى في تبين معنى المقاومة: "المقاومة تعني أن يختار الإنسان طريقاً يعتبره طريق الحق، ويعتبره الطريق الصحيح، ويبدأ في السير في هذا الطريق ولا تستطيع العوائق أن تثنيه عن السير في هذا الطريق وتوقفه".²

معاني لغوية لكلمة الاستقامة تأتي من جذر "ق-و-م"، حيث تُفسر بمعانٍ متعددة مثل الاعتدال، والثبات، والاستمرار، والدوام، والثبات، والوقوف، والصواب، ووضع القيمة. ويظهر أن معنى الاعتدال هو الأكثر شهرة. بعض الناس يقولون: إن الاستقامة هي نفس الإقامة، ولكن إضافة الحرفين "س" و"ت" تؤكد المعنى. بشكل عام، يمكن القول بأن الجوهر الأساسي في هذا المفهوم هو مفهوم مقابل للعود، والمعنى الأساسي هو القيام بالأفعال. ونظراً إلى معنى الطلب في باب الاستفعال، فالاستقامة، بمعنى طلب القيام والاستمرار والثبات والدوام وما شابه ذلك من جوانب المعنى الأساسي.

الاستقامة في القرآن

لقد قدم المفسرون آراء مختلفة حول معنى الاستقامة في القرآن؛ حيث ذكر الشيخ الطوسي والطبرسي أن الاستقامة هي الاستمرار في اتجاه واحد، دون

أن ينحرف إلى اليمين أو اليسار.^١ بينما يفسّر الألوسي الاستقامة بكونها الالتزام بالطريق المستقيم بعيداً عن التطرف والتفريط في العلم والعمل والأخلاق.^٢ وأما علامة طباطبائي فيعتقد أنّ "القيام" و "الإقامة" و "الاستقامة" يأتي من مادة "قام" واتخذ من حالة قيام الإنسان؛ حيث يجعل الإنسان أكثر سيطرة على كل أفعاله.

وُستعار "الإقامة" في القرآن للتعبير عن أكثر حالة توازن لكل شيء. والإقامة بمعنى تأدية كلّ شيء بحيث يترتب عليه جميع آثاره ولا يبقى أي آثار أو خصائص مخفية، مثل إقامة العدل. والاستقامة بمعنى طلب القيام من كلّ شيء والاستدعاء لظهور جميع آثاره وفوائده.^٣

وعرّف "استقامة الطريق" في الآية ١٦ من سورة الجنّ بأن يكون الطريق متصفاً بالوصف الذي هو الغرض من الطريق نفسه، وهو أن يكون الطريق أقصر وأوضح بحيث لا يثير الشكوك لدينا. كما أن استقامة الإنسان في عمل ما، هي أن يطلب من نفسه أن تصلح تصرفاتها في أموره بحيث لا يصل إليها الفساد والنقص، بل يصل إلى درجة الكمال.^٤

بناء على ما ذكره المفسرون، يمكن القول بأنّ الاستقامة بمعنى طلب الثبات والاستمرار في الصراط المستقيم دون أيّ تطرف أو تفريط، مما يؤدي إلى ظهور جميع النتائج والفوائد المرتبطة به.

لقد بحث القرآن الكريم موارد عديدة حول الاستقامة، مثل:

١- الاستمرار في الوفاء بالعهد من قبل المسلمين مقابل جماعة معينة من المشركين

٢- الثبات في نشر التوحيد مقابل المشركين وعدم اتباع طريقتهم

٢- الثبات في الاستمرار على أداء المهام الإلهية وفقاً للمأمور به

٣- الاستقامة في إقناع المشركين بإيمانهم بوحداية الله تعالى

٤- الثبات للاستمرار في الإيمان بالربوبية

٥- ثبات القدم والاستقامة الخاصة للنبي في الاستمرار على المهمة الإلهية

٦- الثبات في الاستمرار على سلوك طريق الإسلام

٨- الثبات في الاستمرار على طلب الصراط المستقيم^٥

مع أنّ الاستقامة في القرآن والمصادر الإسلامية بمعنى عام تشمل أداء

١. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، ج ٦، ص ٧٨ و طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان، ج ٥: ص ٣٠٣.

٢. الوسي، ٤١٥ق، ج ٦: ص ٣٤

٣. طباطبائي، ١٣٩٠ق، ج ١١: ص ٤٧.

٤. همان

٥. امامي، ١٣٨٩، ج ١: ص ١٦٢-١٥٩

الواجبات وتحمل المسؤوليات، "فاستقم كما أمرت" ^١ إلا أن أحد أبرز أمثلة الاستقامة كواجب هو الجهاد، ونظراً إلى أن الجهاد من الواجبات الهامة والمؤكد في الشريعة، فإن الاستقامة فيه أيضاً أكثر تأكيداً وتفضيلاً ^٢.

آثار ونتائج الاستقامة

استقامة المؤمنين في سبيل الحق، يحمل آثاراً بعضها يرجع إلى الأمور الدنيوية وبعضها الآخر له تأثير في الأمور الأخروية، وقد حاولنا هنا توضيحها من وجهة نظر القرآن:

١. توسعة الرزق

لقد وعد الله تعالى في سورة الجن أنه إذا ثبت الجن والإنس على طريقة الإسلام، فرزقهم رزقاً كثيراً: "وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَاهُمْ مَاءً غَدَقًا"^٣، حيث أن "ماءً غَدَقًا" بمعنى الماء الكثير، ولا يبعد أن يراد بجملة "لَأَسْقِينَاهُمْ مَاءً غَدَقًا" مثلاً للتوسع في الرزق. ^٤

وربما كان المقصود بـ "الماء" معنى شامل؛ إذ يعتبر الماء الجسماني مصدر الحياة للجسم والطبيعة المادية، وماء الرحمة الذي يتدفق من ينبوع النعمة الإلهية هو مصدر حياة لقلب الإنسان الميت، ومكان لظهور القلب الذي يتمتع بالصلاة والاستقامة والثبات في طريق التوحيد والإيمان والتقوى. فمن يسعى لشرب ماء الرحمة والمعرفة وحب الله، يجب أن يكون إيمانه مصحوباً بالصلاة والاستقامة والثبات. ويفسر "لَأَسْقِينَاهُمْ مَاءً غَدَقًا" في حديث عن الإمام علي عليه السلام بملء القلوب بالإيمان: "لَأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِيمَانَ"، وفي حديث الإمام الصادق عليه السلام بالعلم الواسع الذي يتعلم من الأئمة: "مَعْنَاهُ لَأَقْدِنَاهُمْ عِلْمًا كَثِيرًا يَتَعَلَّمُونَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ".

٢. النصر من الله

نظرية المقاومة، نشأت من نصوص الإسلام الأصيل. وطيلة الأعصار، تجلّت المقاومة من خلال قيادة الزعماء الدينيين وعلى رأسهم النبي محمد والأئمة الأطهار عليهم السلام. وبناءً على ذلك، عندما قام أتباع الحق بالاستقامة في مواجهة الباطل والاستكبار العالمي، ونصروا الحق، فإن الله يظهر نصره لهم: "وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ" ^٥.

كلمة "نصرة" تشير إلى جلب الخير من مادة (ن، ص، ر)، وعندما يقال إن الله نصر المسلمين؛ فهذا بمعنى أنهم حققوا النصر على أعدائهم. ^٦



١ . (هود: ١١٣)

٢ . عميد زنجاني، ١٣٨٩، ج: ١، ص ١٦١-١٦٠

٣ . جن: ١٦

٤ . طباطبائي، محمدحسين، ج ٢٠: ص ٧١

٥ . سورة الحج: ٤٠

٦ . ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج: ٥، ص ٤٣٥

من وعود الله الثابتة، هي نصررة الأنبياء وجنوده الإلهية، كما جاء في آيات ١٧١-١٧٣ من سورة صافات: "وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ". والمراد من "كلمة الله تعالى للعباد"، الحكم الذي تم إصداره بشأنهم. والمراد من "سبقنا كلمتنا" إما أن تكون العهد مقدماً أو أن تكون النفوذ والتغلب متقدماً، وحرف "لام" في الجملة "لهم" يدل على المنفعة، (طباطبائي، ١٣٧٤، ج ١٧: ص ٢٦٩). وكلمة "جند" تعني مجتمعاً كثيفاً ومترامياً، والمقصود من "جندنا" هو جماعة تكون حاكمة بأمر الله وتجاهد في سبيل الله .

وفي موضع آخر، اختصت النصررة القطعية في الدنيا والآخرة لرسوله والمؤمنين: "إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ" ^١ والمراد من النصررة لرسول الله والمؤمنين في الدنيا أنهم منصورون بالحجج والأدلة وأيضاً ينتصرون على أعدائهم، أو أن الله يدعمهم ليهزموا أعداءهم، أو أنه ينتقم منهم (همان). ونصرة الله في يوم القيامة تعني أيضاً أنه لن يخزي رسوله والمؤمنين: "يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا" (سورة التحريم: ٨). وبالتالي، الأنبياء والمؤمنون الحقيقيون لن يكونوا مذلين في الحياة الدنيا والآخرة.

٣. النيل إلى المحبة من الله

المحبة هي إحدى الغرائز الفطرية للإنسان، وقد جعلها الله في الإنسان منذ خلقه. نشأ أصل المحبة من الكمال وحبّ الجمال، ونظراً إلى أنّ المؤمنين يجدون جميع صفات الكمال والجمال في الله تبارك و تعالى، فإنهم أشدّ حباً لله. وفي بعض الآيات، ترتبط المحبة لله بطاعة الرسول والمحبة الإلهية، حيث يقول: "قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ". وتشير آية أخرى إلى العلاقة بين المحبة والصبر والإيمان، حيث يصبح الصبر والاستقامة سبباً في أن يكون الإنسان محبوباً عند الله. ودائماً ما كانوا يتضرعون ويطلبون الغفران والثبات والنصر والمساعدة ضد الكافرين من الله تعالى.

يعتقد بعض المفسرين إنّ الصراع مع النفس ليس محور هذه الآية، بل المحور هي النية وداعى الصراع وكيفية المواجهة للعدو. ^٢ وآخرون يرون حب الله الذي ينبع من رحمته للعباد مرتبطاً بنية خالصة في سبيل الله وإقامة الحق وإزالة الباطل وتعزيز كلمة الله ورفض كلام الشيطان وسيادة الدين في العالم بأسره، وإذا تداخلت دوافع غير إلهية مثل التعصبات القومية والعشائرية أو المصالح الشخصية في ذلك، فإن حب الله لن يكون موجوداً. وعندما يُعطى

١. سورة غافر: ٥١.

٢. مكارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، ج ٢٤: ص ٦٣.

الحب للعبد، فهذا بمعنى السعي للقرب من الله، وحب الله للعباد يعني إعطاء النعمة لهم: "إن حب الله للعبد إنعامه عليه، وحب العبد له طلب الزلفى لديه." ويصف القرآن الكريم الذين يكونون متواضعين للمؤمنين و أشداء على الكافرين ويجاهدون دائماً في سبيل الله ولا يخافون من لومة لائم في كل الأوقات بأنهم الذين يحبهم الله ويحبونه: "سيأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه." وتأتي نتيجة حب الله في مغفرة الذنوب ودخول ضوء ولاية الله: "إن الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات إلى النور."

٤. العزة

العزة والكرامة التي يصفها القرآن والسنة النبوية هي قابلة للتحقيق في ظل ثقافة المقاومة.

تكون العزة في اللغة بمعنى القوة والغلبة من مادة عزز. وهو مأخوذ من "عزاز" وتُطلق على الأرض الصلبة والمنيعية "أرض عزاز". وفي المصطلح، العزة هي الحالة التي تمنع الإنسان من الهزيمة وتحافظ على عدم غلبة أعدائه عليه. يُشير القرآن إلى نوعين من العزة؛ العزة المحمودة التي تخص الله ورسوله والمؤمنين: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ٨) والعزة المذمومة التي تعني عدم الثبات في طريق الحق ورفض الحقائق؛ وقد وُصفت هذه العزة في الواقع بالذل. يقول القرآن الكريم: "بل الذين كفروا في عزة وشقاق" .. (ص: ٢)

بناءً على آيات القرآن، تكون العزة في الأصل من عند الله تعالى، وإذا كان النبي والمؤمنون يتمتعون بالعزة، فإن العزة لهم تبعاً وإعطاءً من الله، ومن يطلب العزة يجب أن يطلبها من الله تعالى، حيث إن كل العزة لله: "مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا"؛ لأن كل شخص غير الله عز وجل، فإنه فقير في جوهره، وذليل في ذاته، ولا يملك شيئاً ما لم يرحمه الله ويمنحه العزة. وبناءً على هذا الأساس، يذم الأشخاص الذين يطلبون العزة بسبب التحالف مع الكفار وقبول ولايتهم، حيث يقول: "الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا". وفي الرد على الذين كانوا يهددون النبي وأتباعه بأنهم "أذل"، يؤكد على أن العزة هي لله والمؤمنين فقط، وأنه لا يعترف بشيء سوى الذل لغيرهم، ويعتقد بأن هذا الإدعاء الزائف من جهلهم: "وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ".

في الروايات الشيعية، يُعتبر الجهاد كوسيلة لعزة الإسلام والمسلمين. لقد قال أمير المؤمنين عليه السلام في حكمة تشريع الجهاد: "قَرَضَ اللَّهُ ... وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ" ^١، حيث جعل الجهاد سبباً لرفعة الإسلام. وفي خطبة له عليه السلام، عندما كان يُجند جيشاً للقتال ضد أهل الشام، وجّه الكوفيين

بالقول: "... هل رضيتم بالحياة الدنيا من الآخرة بدلاً، وبالذل والهوان من العزة والكرامة خلفاً، ..." ^١

لذلك، يصل المؤمنون إلى العزة الحقيقية في الدنيا وهي إحدى عطايا الله، بسبب الثبات على طريق الحق وعدم التسليم لأعداء الله. إن هؤلاء الذين يبيعون أنفسهم وأموالهم من أجل تحقيق أهدافهم الإلهية والمقدسة (التوبة: ١١١) لقد يصلون إلى النجاح والسعادة والعزة الحقيقية في الآخرة، وهذا هو الفلاح والنجاح والعزة الحقيقية. (الصف: ١٢-١٠)

٥. غلبة الإسلام على جميع الأديان

تشكيل الحضارة الإسلامية العالمية في الفكر المهدوي الذي يستند إلى إزالة كل ظلم وانتشار العدل في العالم، لن يكون ممكناً بدون المقاومة. من منظور المنتظرين الحقيقي، لا مجال للمساومة والتسليم قبالة الاستكبار العالمي والطواغيت، ويُعتبر هذا، إعانة الظلم والجور، وتكون المقاومة المستمرة هي التي ستمهد الطريق لتحقيق وعد الإلهي باستقرار حكومة صالحة، خالية من الظلم وعدم الأمن، وستوفر بيئة مناسبة للعبادة.

لقد بحث القرآن الكريم المؤمنين في آيات عديدة على محاربة أعداء الله للحفاظ على دين الله وإزالة الفتن؛ "وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ" ^٢، إذ قد أراد الله أن ينتشر دين الإسلام كدين منتخب في عالم البشرية في حكومة المهدوي، وهذا يتطلب الجهاد والمسعاع لإزالة العوامل التي تحاول إطفاء نور الله؛ "يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ..." ^٣، ليتم القضاء عليها ويكمل الله نوره: "وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ"، وسيتم الله إكمال نوره. من جهة أخرى، قد أراد الله أن يغلب الإسلام على سائر الأديان؛ لذا يجب على المسلمين تفسير أي فتنة تحدث في جهة نصرته الإسلام، ولا يجوز لهم أن يظهروا الضعف أو القلق ويتراجعوا في مسألة القتال، بل ينبغي عليهم أن يعلموا أنه إذا كانوا مؤمنين، يرفعهم الله: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ" فعليه الشرط الوحيد لتحقيق وعد الله وغلبة دينه هو المقاومة والثبات في جميع مجالات الحياة.

تشكيل خطاب المقاومة في إيران

حققت الثورة الإسلامية الإيرانية في عام ١٣٥٧ تشكيل هوية جديدة للبلاد في الساحتين الداخلية والدولية، هوية اعتمدت بنيتها الأساسية على المعايير المستمدة من الثقافة الإيرانية-الإسلامية. وبناءً على الهوية "الثورية-الإسلامية" التي شكّلت لجمهورية إيران الإسلامية، تم تحديد معايير مختلفة لـ "الذات" و

١. شريف رضى، نهج البلاغة، خطبة: ٣٤

٢. البقرة: ١٩٣

٣. الصف: ٨

"الأخريين" في مجال الهوية الوطنية والدولية، حيث تم رسم حدود جديدة بناءً على هذه المعايير بين الأصدقاء والأعداء، وتم تفسير الأحداث الخارجية (مثل قضية العرب وفلسطين) وفقاً لهذه المعايير.¹

من ناحية أخرى، بعد الثورة، أصبح تداخل وتقارب إسرائيل مع الولايات المتحدة، اللذان كانا في عهد البهلوية عاملين في تقارب البلدين، أحد أهم عوامل التصادم بين إيران وإسرائيل كتمثل للعامل المدعوم بشكل خاص من الغرب، خاصة الولايات المتحدة. وبالتالي، تم التعرف على نظام إسرائيل في فكر الثورة الإسلامية بقيادة الإمام الخميني (ره)، وتم التركيز على إزالة وتدمير إسرائيل كهدف رئيسي للثورة الإسلامية. وبهذه الطريقة، تحولت العلاقات بين طهران وتل أبيب، التي كانت تتوسع بشكل متزايد بين عامي ١٩٧٩ و١٩٥٣، إلى توتر متزايد.²

تأتي مواجهة إيران مع إسرائيل في ظروف تتسم بوزن كبير لإيران في معادلات القدرة في المنطقة نتيجة للموقع الجغرافي والسياسي وحتى الاقتصادي لإيران، مما يسهل تشكيل نظام أمني جديد في الشرق الأوسط. وخاصة مع تسليط الضوء على الأهداف والمعايير والقيم التي شكلت هوية الثورة الإسلامية بناءً على أفكار عاشورائية، التي لم تشمل فقط الشيعة والعالم الإسلامي وأمة المسلمين بل جميع المظلومين والمستضعفين في العالم. وقد تحول هذا الفكر بين الشعوب المظلومة في المنطقة مثل سوريا ولبنان وفلسطين والعراق إلى خطاب سائد بعنوان خطاب المقاومة، مما جعل جمهورية إيران الإسلامية تظهر بقوة وطنية في بيئة أمنية لمنطقة الشرق الأوسط ومعادلات الأمن تغيرت ضرراً بأمن إسرائيل، مما جعل وجودها عرضة للشك والتهديد.

وفقاً لذلك، تم تشكيل حركات المقاومة مثل حزب الله في حدود إسرائيل وتعزيز وتشكيل تيارات المقاومة داخل الأراضي المحتلة مثل الجهاد الإسلامي وحماس التي نشأت من أفكار الثورة الإسلامية والدعم المادي والمعنوي من جمهورية إيران الإسلامية، حيث جعلتها تواجه أمنها وبقاؤها بمواجهة خطر جدي.

من ناحية أخرى، كان الاتحاد مع سوريا دائماً ضمن أولويات السياسة الخارجية لجمهورية إيران الإسلامية لتعزيز محور المقاومة وضعف أمن إسرائيل. فقد كانت سوريا، كواحدة من الدول الرئيسية في جبهة المواجهة مع إسرائيل، تحظى دائماً بأهمية كبيرة في منطقة الشرق الأوسط وصراع العرب وإسرائيل. ولذلك، بجانب دور سوريا في منع تشكيل جبهة عربية ضد إيران

1. Moshirzadeh , Domestic Ideational of Iran 's Foreign Policy, p156.

2. Takeyh, R (2006). Iran, Israel and the Politics of Terrorism. Survival: Global Politics and Strategy. p: 83-84.

خلال الحرب التحميلية، كانت تعزيز هذه الدولة (كواحدة من جوانب محور المقاومة) أمام النظام الصهيوني، أحد أهداف التحالف الاستراتيجي بين إيران وسوريا.

في الحقيقة، أدى تشكيل تيارات المقاومة التي كانت متخذة من شعارات الثورة الإسلامية وتعني الصمود والمقاومة ضد القوى الطماعه لتحقيق حقوقها، إلى توفير فرص تجربة عملية للمقاومات الأخرى في المنطقة، خاصة ضد الكيان الصهيوني. على سبيل المثال، قدم مقاومة حزب الله أمام احتلال إسرائيل في عام ٢٠٠٠ وأثناء الحرب البالغة ٣٣ يومًا (٢٠٠٦) نموذجًا للشعب الفلسطيني، حيث أظهرت نتائجها في الحرب البالغة ٢٢ يومًا (٢٠٠٧) - ٢٠٠٨). مواجهة وانتصار مقاومة حزب الله وحماس ضد إسرائيل وصلتهما القوية بالثورة الإسلامية، جعلت ظاهرة المقاومة تكون كلاعب مهم في المشهد المنطقة والدولي.

من ناحية أخرى، مع مضي الزمان، تجاوز التحالف بين أعضاء محور المقاومة (إيران، سوريا، حزب الله وغيرهم) حدود التحالف التكتيكي ليصبح استراتيجيًا أيضًا. في السنوات الأخيرة، ومع سياسات إيران في المنطقة، خاصة بعد دعمها للشعب الفلسطيني في حروب استمرت ٢٢ يومًا ضد غزة و٣٣ يومًا ضد حزب الله وعدم تحقيق نظام الاحتلال الصهيوني نتائج إيجابية في هذه الهجمات، ازدادت شعبية إيران بين الرأي العام في سوريا ولبنان. هذا بلا شك ساهم في تعزيز محور المقاومة بقيادة الجمهورية الإسلامية الإيرانية وزيادة تأثيرها بين شعوب المنطقة. وقد كانت دعم القضية الفلسطينية في المنطقة والحفاظ على كرامة وعزة شعوب المسلمين والمحرومين في المنطقة؛ دائمًا ما محور اهتمام هذا التحالف.^١

كلمات آية الله خامنئي حول مسألة المقاومة

يحتل موضوع المقاومة ضد العدو مكانة خاصة في فكر آية الله الخامنئي. هنا، نشير إلى مقتطفات من كلمات الزعيم الثورة حول أهمية وفوائد وأمثلة المقاومة:

"كلما قاومنا، حصلنا على النتيجة"

"المقاومة، رد فعل طبيعي لأي أمة حرة وشريفة ضد التسلط والقسوة."^٢

١. پارسای، رضا و مطهرنیا، مهدی، «اثرگذاری محور ایران، سوریه و حزب اله بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، ص ١٢٣.

٢. خامنه ای، سیدعلی. (١٤/ ٠٣/ ١٣٩٨). بیانات در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/a94697>

"الخوف من العدو هو أولى بؤسا".

"أسوأ حالة لدولة هي أن يخاف مسؤولوها من غضب وتهديد وشر العدو؛ إذا خافوا، فإنهم في الواقع يفتحون الباب لدخوله واقتحامه واعتدائه." يجب أن يتم العمل بعقل ومنطق وحكمة، ليس هناك شك في ذلك، ولكن يجب القيام بذلك بشجاعة؛ إنَّ الخوف، والقلق، وتحت تأثير شرور وسوء أخلاق وغضب وتهديدات حكام القوى العظمى في العالم وأن تكون تحت تأثير هذه الأمور، هذا هو بداية البؤس. فالشخص الذي يريد أن يخاف، فليخاف، ولكن لا يخاف من الشعب؛ لا يخاف من جانب الشعب. الأمة قائمة. ٣٠/١/١٣٩٦.

المقاومة تعني اختيار الإنسان لطريق يعتبره صحيحاً وصائباً، والبدء في السير في هذا الطريق دون أن تستطيع العقبات أن تثنيه عن المضي فيه وتوقفه؛ هذا هو معنى المقاومة.

المقاومة الثقافية أمر مهم! عندما يُذكر المقاومة، يتبادر إلى الذهن فوراً مقاومة عسكرية وأمنية وما شابه ذلك. نعم، هذا بالتأكيد مقاومة، ولكن فوق ذلك، المقاومة الثقافية. فإذا كانت الحواجز الثقافية، والتحصين الثقافي في البلاد ضعيفة، ستفقد كل شيء... جذور هذا العمل هي بالضبط ما جعل إيماننا الديني، جذور هذا هي. القرآن يبشر جبهة المقاومة بالنصر النهائي. يعد الله تعالى في آيات متكررة من القرآن بأن أهل الحق، أتباع الحق، سينتصرون في النهاية... «أم يُريدون كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ» الآية الأخرى: "ونريد أن نمنَّ على الذين استضعفوا في الأرض" حتى نهاية الآية. والآية الأخرى «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُنَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» القرآن يبشر بالنصر لمن ينصره. الآيات العديدة في القرآن تبشر بهذه النتيجة لأولئك الذين يقفون في طريق المقاومة. المقاومة تزيل الخوف والحزن. الخوف والحزن هما أفتان كبيرتان على أمة، على جماعة، على إنسان... إذا مارست المقاومة... سيتم التخلص من هاتين الأفتين: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»؛ المقاومة هكذا. إذا أردتم أن لا تشعروا بالخوف، لا تشعروا بالحزن، ضعوا المقاومة والاستقامة كدليل لأعمالكم؛ في ذلك الوقت لن تشعروا بالخوف، ولن تشعروا بالحزن؛ هذه هي العبارات القرآنية.

صعوبة التسليم، تفوق على المقاومة

المقاومة يأتي مع صعوبات، ليس الأمر سهلاً؛ ولكن التسليم يحمل صعوبات أكبر؛ الفرق هو أنك على طريق الصمود والمقاومة، كلما تحملت صعوبة، سيمنحك الله أجراً: لِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطِئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ. كل صعوبة تتحملها تعتبر عملاً صالحاً؛ بينما إذا استسلمت للعدو، فصعوباتك لن تجلب لك أجراً أمام الله، بل قد تؤدي إلى عقوبة للظلم.

يأمر القرآن بعدم الظلم وعدم التساهل تحت الظلم!^١
 عرف الإمام الخميني الشعب الإيراني بمفهوم المقاومة. من أهم مساهمات الإمام هو تعريف الشعب بمفهوم المقاومة. في العديد من الحالات، يكون الناس يسعون لهدف معين ولكن لا يمتلكون قوة المقاومة؛ عندما يتعرضون للضغوط، ينسحبون. الإمام جعل الشعب الإيراني يتمتع بهذه القوة، وزاد من قوتهم: زرع في هذا الشعب روح المقاومة والصمود؛ لذا أصبح الشعب الإيراني اليوم شعباً مقاوماً تماماً وقويّاً تماماً.

تروّجوا نظرية المقاومة ضد العدو القوي. أود أن أوجه بعض التوجيهات إلى الشباب الأعضاء... قوموا بترويج نظرية المقاومة ضد العدو القوي، وتعزيزها. لا تعتقدوا أنه يجب علينا التراجع لأن العدو يمتلك قنابل وصواريخ وأجهزة إعلامية وما إلى ذلك؛ بل، نظرية المقاومة هي نظرية أصلية وصحيحة؛ سواء من الناحية النظرية أو العملية؛ يجب تعزيزها من كلا الجانبين. المعنى النظري هو أن توضحوا هذا النظرية... من الناحية العملية، نحن نعتبر حركة المقاومة حقاً للشباب؛ شباب العراق، شباب سوريا، شباب لبنان، شباب في شمال أفريقيا، شباب في مناطق الشرق الأوسط والمناطق المجاورة، هؤلاء الشباب الذين يقاومون أمريكا، يقفون صامدين؛ هذا حقهم، نحن نعتبرهم حقاً لهم، تعزيز هذه الحركات يعني تعزيز نظرية المقاومة^٢.

مسجد هو نواة المقاومة. إن المسجد هو قاعدة كبرى للتنظيم الثقافي والحركة الثقافية... إن هذه الجلسات التلاوة الحسينية، وجلسات الوعظ والخطبة، وجلسات متنوعة تعد أموراً هامة جداً؛ يجب عدم التقليل من أهميتها، فهي أكثر تأثيراً من الشبكات الاجتماعية، وأكثر تأثيراً من وسائل الإعلام، ولكن نطاقها محدود؛ إذا عملت هذه السلسلة الضخمة، وهذه التنظيمات الضخمة بشكل جيد وفي كل مكان، ستكون تأثيراتها فوق كل هذه الأمور ويمكنك أن تمنح هذا الشاب، هذا المستمع، الحماية الحقيقية ويمكنك حمايته من هذه الجرائم والفيروسات التي تتسلل بشكل دائم نحو هذا البلد وهذا النظام وتطعيمه. لذلك [المسجد] هو نواة المقاومة، ولكن المقاومة بكل أشكالها؛ مقاومة ثقافية، مقاومة سياسية، وأيضاً مقاومة أمنية وعسكرية في مكانها؛ كما كان الحال في المساجد [هكذا كانت].^٣

1. خامنه ای، سيدعلی. (٢٤ / ٠٨ / ١٣٩٨). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/k09423>

2. خامنه ای، سيدعلی. ١٣٩٧/٨/١٢. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای.

٣. خامنه ای، سيدعلی. ١٣٩٥/٥/٣١. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای.

كأما قاومنا، حصلنا على النتيجة. تظهر تجربتنا في الجمهورية الإسلامية أن المقاومة ضد العدو تعطي نتائج؛ حيثما مارست المقاومة، حصلنا على النتيجة: في الدفاع المقدس، وفي المجالات المختلفة، وفي التحركات الأمنية التي كانت تستهدفنا، وفي المسائل الاقتصادية. في يوم من الأيام كانت إيراداتنا السطوية من النفط خلال السنة - حيث كان النفط هو الوسيلة الوحيدة للحصول على إيرادات- حوالي ستة مليارات؛ هل كان هناك شيء أصعب من ذلك؟ بالطبع، في ذلك الوقت كان عدد سكان البلاد أقل بكثير من الوقت الحالي، ومع ذلك، لم تكن ستة مليارات وخمسة مليارات إيرادات كافية للبلاد؛ تمكنا من الصمود، مارسنا المقاومة، وقام الناس بالوقوف. لم يكن الأمر صعباً جداً، الصمود لم يكن بالقدر الذي يبدو صعباً؛ المقاومة. المقاومة في المجال العسكري شيء، وفي المجال الاقتصادي شيء آخر. في المجال الاقتصادي، المقاومة تعني... تعني تعزيز الاقتصاد المحلي، تعزيز القواعد، التعامل مع المسائل الجدية، متابعة المسائل. ١٣٩٨/٢/٢٤

ختاماً واستنتاجاً، يظهر استعراض آيات القرآن الكريم ما يلي

- ١- الأساس الأول في علاقة المسلمين مع الكفار والمشركين في مختلف المجالات هو السلام والعلاقات الودية على أساس احترام متبادل والتزام بالعهد والميثاق.
- ٢- إذا وضع الكفار والمشركون أساساً على الخيانة وانتهاك الميثاق وجعلوا عداءهم واضحاً؛ فإن التسليم والمصالحة معهم ممنوعة والصمود والمقاومة ضدهم ضروري.
- ٣- حيلة المستكبرين في إجبار الناس على الطاعة وتتضمن الاستغلال والاستخفاف والسخرية والتهديد بالقتل والتعذيب والطرده من الأرض وحصار اقتصادي.
- ٤- تكلفة ونتائج المصالحة والتسليم أمام الأعداء أعلى بكثير من الصمود والمقاومة ضدهم، وفقاً لآيات القرآن الكريم، فنتيجة المصالحة والتسليم هي الردة والضلال والذلة وسيطرة الكفار على المسلمين.
- ٥- من وجهة نظر القرآن، فإن نتيجة الصمود والمقاومة تتضمن توسيع رزق الله، ونزول الملائكة، وكون الشخص محبوباً لله، والنصرة من الله، والعزة وغلبة الإسلام على جميع الأديان.
- ٦- إن المقاومة في جميع المجالات الاجتماعية والثقافية والسياسية والاقتصادية من أجل تحقيق حضارة إسلامية جديدة تحت قيادة إلهية؛ ضروري جداً.

المصادر

١. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، مصحح: هارون عبد السلام

- محمد، ۶ جلد، چاپ: اول، قم، ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، ۳۰ جلد، چاپ: اول، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، چاپ: اول، ۱۵ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۴. امامی، عبدالنبی، *فرهنگ قرآن، /خلاق حمیده*، ۳ جلد، چاپ: اول، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۹
۵. امین، نصرت‌بیگم، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، ۱۵ جلد، [بی نا]، چاپ: ۱، [بی جا]، [بی بی ج]
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ۱۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۵ق.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ۵ جلد، چاپ: ۱، قم، مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصاحح، مصحح: عطار، احمد عبد الغفور*، چاپ: اول، بیروت، ۱۳۷۶ق.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، ۵ جلد، چاپ: ۴، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی. (۲۴ / ۰۶ / ۱۳۷۶). دیدار مسئولان مرکز جهانی علوم اسلامی با رهبر انقلاب، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/r02905>
۱۱. خامنه ای، سیدعلی. (۱۲ / ۰۵ / ۱۳۸۴). بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/x53202>
۱۲. خامنه ای، سیدعلی. (۰۸ / ۰۶ / ۱۳۸۴). بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/d47718>
۱۳. خامنه ای، سیدعلی. (۲۷ / ۰۵ / ۱۳۸۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/t45065>
۱۴. خامنه ای، سیدعلی. (۱۴ / ۰۳ / ۱۳۹۱). بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/h23423>
۱۵. خامنه ای، سیدعلی. (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/s90845>
۱۶. خامنه ای، سیدعلی. (۲۳ / ۰۸ / ۱۳۹۱). بیانات در چهارمین نشست اندیشه

های اسلامی، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله

خامنه ای <https://b2n.ir/x29082>

۱۷. خامنه ای، سیدعلی. (۲۷/ ۱۱/ ۱۳۹۳). بیانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجو»، و «کنگره شهدای هنرمند» برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه

ای، <https://b2n.ir/h19878>

۱۸. خامنه ای، سیدعلی. (14/03/1394). بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار

آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/m99230>

۱۹. خامنه ای، سیدعلی. (۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۸). بیانات در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار

آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/a94697>

۲۰. خامنه ای، سیدعلی. (۲۴/ ۰۸/ ۱۳۹۸). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و

نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/k09423>

۲۱. خامنه ای، سیدعلی. (۱۸/ ۱۰/ ۱۳۹۸). بیانات در جمع مردم قم: برگرفته از:

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/p27610>

۲۲. خامنه ای، سیدعلی. (27/10/1398). خطبه های نماز جمعه تهران: برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای <https://b2n.ir/r78087>

۲۳. خامنه ای، سیدعلی. (۲۱/ ۰۱/ ۱۳۹۹). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان(عج). برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار

آیت الله خامنه ای <https://b2n.ir/r28003>

۲۴. خامنه ای، سیدعلی. (۲۶/ ۰۹/ ۱۳۹۹). بیانات در دیدار دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی، برگرفته از:

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، <https://b2n.ir/b13443>

۲۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳

۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ: اول، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۲۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، چاپ: اول، قم، ۱۴۱۴ق.

۲۸. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط في اللغة، مصحح: آل یاسین، محمد حسن، چاپ: اول، بیروت، ناشر عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.

۲۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان في تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، چاپ: دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

۳۰. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، چاپ: ۵، قم، دفتر



- انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، چاپ: ۳، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، چاپ: ۱. بیروت، دار إحياء التراث العربی،
۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی، تدوین و تنظیم: موسی زاده، ابراهیم، *دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر واژگان فقهی و حقوق عمومی)* ۲ جلدی، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹
۳۴. فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، ۲۵ جلد، چاپ: ۱، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۳۵. فولادوند، محمدمهدی، *ترجمه قرآن (فولادوند)*، ۱ جلد، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ: ۳، ایران - تهران، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، ۳۰ جلد، چاپ: ۱، بیروت، دار الفکر، بی تا
۳۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ: سوم، بیروت-قاهره-لندن، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، چاپ: ۱۰، تهران، ۱۳۷۱
39. Moshirzadeh , H (2010). Domestic Ideational of Iran 's Foreign Policy. *Iranian Review of Foreign Affairs*. Vol. 1- No. 1-
40. Takeyh, R (2006). *Iran, Israel and the Politics of Terrorism*. *Survival: Global Politics and Strategy*. Vol. 48- No. 4



چکیده مقالات به انگلیسی

**English translation of
articles' abstracts**



Scientific Biannual Journal of
Language and Culture of Nations

**Special Issue on Cultural and Scientific Capacities of Iran and Latin America
(Persian and Arabic articles)**

Volume 7, Issue 14, December 2024

Published by: Al-Mustafa International University (AIU)

- **Biannual Journal of “Language and Culture of Nations”** is published based on certificate No. 82328 issued on 7/2/2018 by the journalistic and information deputy of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- The journal is approved by Al-Mustafa International University based on certificate No. D/507/11158 issued on 6/30/2016.
- The journal is the outcome of scientific activity by the “Higher Education Complex for Language Literature and Culture Studies” in AIU.

Director-in-Chief: D.r Seyed Hossein Sajed

Editor-in-Chief: D.r Mohammad Fouladi

Scientific Secretary and Executive Director: D.r Mohammad Ghorbanpour Delavar

Technical Editor: Dr. Seyed Mehdi Ghafelehbashi

English Editor: D. Muhammad Nasser Vaezi

Production manager: Mohammad Mehdi Pirooz Mofrad

Editorial Board

Mohammad Fouladi	Associate Professor, University of Qom, Iran
Hamid Reza Yousefi	Full Professor, University of Potsdam, Saarland University, Germany
Harald Seubert	Full professor, Basel University, Switzerland
Peter Gerdson	Full professor, Hamburg University, Germany
Nematullah Safari Foroushani	(Full) Professor. Al-Mustafa International University
Hussein Abdul Mohammadi Bonchenari	Associate Professor. Al-Mustafa International University
Mohammad-Ali Mir-Ali Bidakhvidi	Associate Professor. Al-Mustafa International University
Mohammad Reza Yousefi	Associate Professor, University of Qom, Iran
Hassan Kheiri	Associate professor and head of Qom Islamic Azad University

Scientific Advisors of this Issue:

Seyed Hossein Sajed, Mohammad Ghorbanpour Delavar, Sa'id Abiri, Seyed Mohammad Javad Mirjafari, Hassan Mir Eman, Mostafa Motahhari, Mohsen Ghanbari, Morteza Aghamohammadi, Mohammad Rouhani.

Electronic Portal for registration and article submission: lcn.journals.miu.ac.ir

Email: p.ilcs@miu.ac.ir

Printed ISSN: 2645-7210

Online ISSN: 2676-5799

Printing and Binding: Al-Mustafa International University

Number of Editions: 100

Price: 1,500,000 Rial

Address: Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology,
Shahidan Shahroudi blvd., Qom, Iran.

Tel.: 025-37048105

Manuscript Preparation Guidelines and Acceptance Conditions

- Biannual Journal of “Language and Culture of Nations” invites all scholars and researchers in seminaries and universities to submit their research papers through electronic portal of the journal at: **icn.journals.miu.ac.ir** with special attention to the following points.
- Every research article in which scientific and academic requirement are observed and falls within the subject of the journal in the realm of nations’ language and culture is reviewed, refereed, and likely published in this journal.
- Submitted articles by the author(s) should contain innovative views and not have already been published in another journal or conference. Dear author(s) should submit their translated manuscript along with their main manuscript.
- The editorial board is free to accept or reject, and also revise manuscripts.
- The date priority for manuscripts’ publication is reviewed and confirmed by the editorial board.
- Author(s) are fully responsible for the accuracy of their manuscript’s content.
- Biannual Journal of “Language and Culture of Nations” reserves exclusive right for the publication of the articles after giving acceptance to the author(s), and author(s) are not allowed to publish their manuscripts elsewhere.
- Full body of the manuscript should include abstract, keywords, introduction, literature review, discussion, analysis, and conclusion.

- Orthography and punctuation of the manuscripts should be with adherence to the latest style of Academy of Persian Language and Literature.
- Manuscripts should be typed in Word, Font B zar/13 and uploaded via the online submission system of the journal.
- Dear authors note that the submitted manuscript should not contain the author(s)' name. Full name of the author(s) in order, academic ranking, affiliation, telephone No., postal address, and email address should be typed in a separate Word file and uploaded via the online submission system of the journal.
- Abstract (including 200-250 words) should be written in both Persian and English along with 5-7 keywords. It should contain main elements of the study including statement of the problem, objectives of the study, research method, and a short statement of the results.
- Journal refuses to accept manuscripts which exceed 20 (A4 size) pages in length (8000 words).
- English equivalent for foreign terms and names as well as archaic words should be mentioned next to them.
- Referential footnotes are placed in the manuscript's index after conclusion.
- For in-text citation, rather than bringing the references in footnote they should be mentioned after every direct or indirect quotation as follows: (Motahhari, 1368, Vol. 1:25)/ (Surname, Year of publication, Vol.: Page No.)
- References at the end of the article are sorted alphabetically based on the initial letter of the authors' surnames as follows:

Book: Surname, First name. (Year of publication). Title of book in Italics, Translator/Editor. Ordinal edition Number for Publication. Place of Publication: Publisher.

Example: Zarrinkoob, Abd ol-Hossein. (1353 SH). *The Value of Sufism Heritage (Arzesh-e Miras-e Sufieh)*. 2nd ed. Tehran: Amir Kabir.

Journals: Surname, First name. (Year of Publication). "Title of the Article". Journal name in Italic. Vol. Issue. pp.

Example: Payandeh, Hossein. (1386 SH). "What is Postmodern Novel?". *Annual Journal of Literary Research*. Vol. 1 Issue 2. pp. 11-47.

The Editor's Word

Given the significance of culture and its undeniable place in Islam and other religions, it can be said that there is an integral and permanent correlation between the category of religion and culture. In other words, as religion assumes the responsibility in human civilizational and cultural domains, culture contributes in having an appropriate and accurate conduct and manner in material and spiritual environments, and perhaps leads influentially to human development and progress. On the other hand, lingual aspects of an ethnicity and nation locates among the most central and fundamental elements of the culture. Anyone at any level who wants to connect with other nations and religions, first and foremost is in need of understanding their language and culture precisely. This issue has been recognized and emphasized in Islam. It has been mentioned that Islamic realities and rulings should be clarified to each nation by its own language. The Holy Quran says, "We haven't dispatched any messenger but by his nation's tongue; in order him to unveil the realities for them."

Due to such compulsion, the Language, Literature and Cultural Studies Higher Education Complex (affiliated by Al-Mustafa International University) considering the importance of focusing on cultural research through international approach along with studying customs, traditions, language, literature and culture of nations, and also recognizing impressive cultural currents in different countries, has initiated a multilingual scholarly journal called, "Language and Culture of Nations" and seeks to publish research papers written by this discipline's scientists and experts. It makes its endeavor to depict cultural, lingual and interactional status of nations and cultures in a clear picture.

Finally, executives in charge of this journal invite all domestic and international prominent scholars from different cultural and academic centers and backgrounds to submit their scholarly papers to this journal via <http://lcn.journals.miu.ac.ir> in order to publicize their academic research and scholarly opinions and theories to the elites who are addressed by this magazine.

Suggestions and critics by honorable scholars are highly welcomed.

Table of Contents

A Comparative Study of the Fight Against Colonialism in Iran and Cuba	11
Alireza Baba'ei \ Seyed Hossein Sajed	
Visions for Scientific and Research Cooperation Between Iran and Latin America	12
Mohammad Hossein Tavakkolian	
The Communication Model of the Islamic Republic of Iran in the Republic of Argentina.....	13
Masumeh Moradjani \ Jalal Ghaffari \ Peyman Jebelli \ Akbar Nasrollahi	
The Flow of Mysticism in Latin America.....	14
Hasan Ardeshiri Lajimi	
Liberation Philosophy or Latin American Philosophy	15
Hadi Zarghami	
A Comparative Evaluation of Combating Oppression Model from the Roman Catholic Church and Latin American Liberation Theology's Perspective	16
Seyed Mohammad Reza Mir Yousefi	
The Common Horizons, Goals and Approaches of the Islamic Revolution and Latin American Revolutions	17
Khosrow Aram	
Bolivarianism and Its Impact on the Foreign Policy of Latin American Countries Between 2005 and 2012	18
Salaheddin Harsani	
An Ideological and Political Study of Chavism	19
Mohammad Hossein Zare' \ Ahmad Assadzadeh	
A Comparative Study of the Birth Ceremony of the Sun in Iran and Bolivia.....	20
Mahdi Honarjoo	
Common Cultural Values of Iran and Latin America.....	21
Mohammad Hassan Zare' \ Sujey Hinojosa Colín	
Analysis of the Culture of Resistance from an Islamic Perspective.....	22
Abd-al-Qader Amini \ Saeid Abiri	



A Comparative Study of the Fight Against Colonialism in Iran and Cuba

Alireza Baba'ei ¹

Visiting Lecturer at Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology

Seyed Hossein Sajed ²

PhD in Management, Jurisprudence and Principles; Head of the Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology

Received: 2024/03/03 | Accepted: 2024/04/06

Abstract

The twentieth century has been the stage for the formation of various political and social transformations in various countries, and the emergence of numerous revolutions can be considered as prominent examples of this transformation. Some of these revolutions were not only effective in domestic and national measurements, but also profoundly changed global politics and the geographical order of the world. The Cuban Revolution in 1957, led by Fidel Castro, and the Islamic Revolution in Iran in 1978, led by Imam Khomeini, are two important revolutions in this century. Since these two revolutions emerged from popular uprisings and led to the overthrow of the ruling regime and a change in the status quo, they have similarities and, of course, differences with each other; hence, examining the causes and nature of these two political and social revolutions in the twentieth century has been one of the topics worth considering that has attracted the attention of researchers and enthusiasts. The present article explores the similarities and differences between these two revolutions using a descriptive-analytical method and reliable library resources and computer software. The aim of this research is to create a correct understanding and analysis of the issues of the two revolutions for scientists, politicians and decision-makers and to prevent strategic errors when comparing the two revolutions. The anti-colonial movement, the anti-dictatorship ideal, the confrontation of the United States of America are among the similarities between the two revolutions and the causes of their occurrence, ideology, leadership personality, independence and reliance on popular power or external factors, the level of public presence, recklessness or fear of confronting the colonial policies of the United States of America and the extent of the revolution's effects in the world are among its important differences.

Keywords: Colonialism, Revolution, Iran, Cuba, America, Fidel Castro, Imam Khomeini.



1. **E-mail:** a.babaei.pr@miu.ac.ir

2. **E-mail:** samir201333@yahoo.com

Visions for Scientific and Research Cooperation Between Iran and Latin America

Mohammad Hossein Tavakkolian ¹

PhD of Islamic Civilization, Faculty member of Farhangian University, Alborz

Received: 2024/03/04 | Accepted: 2024/04/06

Abstract

The history of economic relations between Iran and Latin America dates back to the distant past, however, scientific cooperation between Iran and Latin America does not have much history and this cooperation has been signed in the form of joint memorandums of understanding by the parties. The level of scientific cooperation in some fields such as medicine, engineering, chemistry and materials science is higher, and in some other sciences such as various branches of humanities, geology, cosmology, etc., it needs to be strengthened. Today, organizations are in a volatile, uncertain, complex and ambiguous environment, which is referred to as the VUCA environment. This word is an abbreviation of the four words volatile, uncertain, complex and ambiguous. The word volatile reflects the speed and volatility of environmental changes. Due to the increasing complexity of activities and the rapidly changing and turbulent environment of today's world, managers have realized that traditional planning will no longer solve their problems. On the other hand, their slightest negligence will have irreparable consequences. Therefore, having strategic management is considered a necessity in organizations, and managers seek to find the right direction to guide their organizations in today's turbulent environment by using it. Strategic planning is carried out in line with the vision. The vision describes an ideal framework for the future of the organization. The present study is organized with a descriptive-analytical approach and aims to examine the visions, strategies, and goals of these collaborations. The conclusion of this study is that Iran can outline its vision at two levels: short-term and long-term goals with strategic insight.

Keywords: Iran, Latin America, vision, strategy, goal.



1. E-mail: m.tavakolian@cfu.ac.ir

The Communication Model of the Islamic Republic of Iran in the Republic of Argentina

Masumeh Moradjani¹

PhD student in Communication Sciences, Central University of Tehran

Jalal Ghaffari²

Associate Professor of Culture and Communications, Faculty of Social and Cultural Sciences, Imam Hussein University

Peyman Jebelli³

Assistant Professor of Culture and Communication, Department of Communication, IRIB University

Akbar Nasrollahi⁴

Assistant Professor of Media Management, Faculty of Social Sciences, Culture and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch and Dean of the Faculties of Arts and Media, Islamic Azad University

Received: 2024/03/02 | Accepted: 2024/03/12

Abstract

In the past, relations between countries were often focused on official diplomacy, but with the expansion of international relations, a profound institutional transformation was created and other dimensions of social influence and relations between states-nations emerged and manifested. The level and quality of the 120-year-old official relations between Iran and Argentina should be examined in two parts before and after the explosion of the Argentine Jewish Association known as AMIA in Buenos Aires in 1994. The issue of the present research is to achieve an appropriate communication model for the effective growth and development of relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Argentina. The conceptual literature of this research is development relations and emerging powers; and the research method is documentary study and grounded theory. By referring to books, articles and authoritative reports of regional and international organizations, as well as conducting in-depth semi-structured interviews with 12 elites, 514 themes, 128 level one categories, 42 level two categories and 10 categories were counted. Based on the results, Argentina's behavioral model in the international system is economically oriented but unstable and highly influenced by global conditions, domestic pressure groups, and the political approach of the ruling party; therefore, it is necessary for the Islamic Republic of Iran to employ a stable and supranational strategy with variable tactics commensurate with changes in the target society in dealing with traditional and new media, society, civil society institutions, and the Argentine government. Also, given the dominant anti-Iranian discourse in the country's media and support for international Zionism, the Islamic Republic of Iran should activate the capacities that drive public diplomacy by focusing on media diplomacy, cultural diplomacy, and exchange diplomacy.

Key words: communication model, emerging power, Islamic Republic of Iran, Republic of Argentina, Argentine Jewish Association (AMIA).

1. **E-mail:** Sienta112@gmail.com

2. **E-mail:** Jalalghafari@gmail.com

3. **E-mail:** Jebelli@irib.ir

4. **E-mail:** Akbar.nasrollahi@gmail.com



The Flow of Mysticism in Latin America

Hasan Ardeshiri Lajimi ¹

PhD in Islamic mysticism and Sufism, lecturer, researcher, and writer in the fields of history, astronomy, mysticism, and Islamic topics

Received: 2024/04/12 | Accepted: 2024/04/15

Abstract

The present era has been called the era of spirituality, which modern humanity has taken refuge in to escape the boredom and extreme fatigue of the modern world. Humans are naturally seeking spirituality; therefore, spiritual movements have emerged in different ways in the world. However, in mystical research, spiritual movements are divided in different ways. They have been studied from the perspective of history, geography, secularism, functionalism, psychology, religions and sociology, contentism, teleology, source studies and truthfulness. However, due to political tendencies and the desire for power in spiritual movements, they have been formed in the form of sects. And the further they have moved away from belief in God, the more they have sunk into sectarian behavior. Therefore, by studying their flow, we can understand the effects of those sects and the realities and positive and creative causes and their expansion. When we look at the spiritual world in the geographical valley, there are sects operating under the spiritual thoughts of Native Americans, secularism, literature, etc., which have become famous as Latin American mystics. But with all the pretentious faces they have, and they have used strong media languages such as fiction, psychology, film, etc. to spread themselves, and with the emergence of famous figures such as Paulo Coelho and Castaneda, they have been able to go beyond their homeland and have manifested many abnormalities such as witchcraft, anti-religion, promotion of secularism, etc .

Keywords: Indian mysticism, Don Juan, Castaneda, Paulo Coelho, Latin America.



Liberation Philosophy or Latin American Philosophy

Hadi Zarghami ¹

Master of Arts in Moral Philosophy, University of Qom

Received: 2024/04/11 | Accepted: 2024/04/16

Abstract

Liberation philosophy is crucial in both theoretical and practical aspects in the Latin American region, therefore, as an independent school of thought, it is of great importance for further study. The aim of this research is to understand liberatory philosophy, which is introduced as a lesser-known philosophy in our scientific communities. The main basis of this philosophy is proxy and the issue of justice, and the specific approach of this Latin American philosophical thought is in support of the deprived, workers, victims of racism, women, and in general all the oppressed and oppressed. On the other hand, in contrast to classical philosophy, the issue of globalization, capitalism, imperialism, and neocolonialism is placed. In liberatory philosophy, a type of discourse is raised that is concerned with the (other) as a damaged and deprived individual. The concern of liberatory philosophers is to get out of philosophical debates and theoretical and ideological discourses. In fact, liberation philosophy can be described as a transcendent, pragmatic discursive thought with a transformative and revolutionary approach to social life. This philosophical thought, aligned with the liberation church, which represents liberation theology, are two important branches of liberation thought, the fruit of which is the emergence of liberation revolutions. This article, by describing liberation philosophy and introducing its ethical, political, and economic branches, proves the importance of the study and will in some way pave the way for subsequent comparative studies in this field and can share many common points with Islamic justice-oriented thought and the struggle against oppression.

Keywords: liberation philosophy, globalization, Latin American philosophy, proxy, neocolonialism.



1. E-mail: 21lavidadivina@gmail.com

A Comparative Evaluation of Combating Oppression Model from the Roman Catholic Church and Latin American Liberation Theology's Perspective

Seyed Mohammad Reza Mir Yousefi ¹

Imam Khomeini Educational and Research Institute

Received: 2024/04/14 | Accepted: 2024/04/15

Abstract

In Latin American countries during the 1960s and 1970s, a theological movement emerged in the Catholic Church, which was called liberation theology due to its orientation. This theological movement offered a religious model for fighting oppression and supporting the poor. However, the liberation struggle model was not approved by the Roman Catholic Church. The aim of this article is to explain the relationship between liberation theology and the Roman Catholic Church in order to understand the commonalities and differences between these two Christian readings of struggle. In this article, we have examined the model of fighting oppression from the perspective of the Roman Catholic Church and Latin American liberation theology with an analytical and comparative approach, using the method of content analysis and with the help of library resources. The result is that liberation theology has many things in common with the Roman Catholic Church in the areas of the foundations of "belief in: legislative and creational guidance, the divinity of man, human dignity, punishment and reward in the afterlife, rational goodness and ugliness, combating oppression as a value", and the goals of "creating security, laying the groundwork for the realization of the kingdom of God, bringing the world to perfection, the right to equality and freedom, justice, love, the common good, solidarity". However, the fundamental differences of liberation theology in the areas of the foundations of "exclusive emphasis on combating oppression, the view of God's absolute favoritism towards the poor, supporting the poor as a duty" and the method of "using the Marxist method as a tool, theology as a basis, and a hard struggle to achieve the goal" have caused its fundamental distinction from the Catholic Church and, as a result, the Roman Catholic Church has not accepted the liberation discourse.

Keywords: comparative study, model of struggle, Roman Catholic Church, liberation theology, Latin America.



1. E-mail: abasehosyen@yahoo.com

The Common Horizons, Goals and Approaches of the Islamic Revolution and Latin American Revolutions

Khosrow Aram ¹

PhD in Political Science; Researcher and lecturer at Hamedan University, Secretary of the Academic Elite Assembly of Markazi Province

Received: 2024/11/24 | Accepted: 2024/01/31

Abstract

The Islamic Revolution of Iran, as the starting point of the Islamic awakening, heralded the beginning of a new era of the emergence of Islam with a political approach for the Islamic world, and the victory of the most prominent Islamic movement in this period spurred other Islamic movements in the Islamic world to action. The driving force behind the Iranian Revolution was Islamic ideology, whose goal was to free itself from dependence, independence, and challenge the system of domination. In parallel with the Islamic Revolution, movements such as the Bolivarian Revolution were formed, especially in Venezuela, whose driving force was socialism and nationalism. The goal and approach of revolutionary movements in Latin America was to free themselves from dependence, achieve independence, and ultimately challenge the system of domination, and above all, to challenge and bring down the power of the United States of America. With regard to the subject, the goal and concern of the present study is to explain the common horizons, goals, and approaches of the Islamic Revolution and the Latin American revolutions. Research findings have shown that: The Islamic Revolution and the Latin American revolutions have commonalities in horizons, goals, and approaches, which can be examined in categories such as: revolutionary identity, seeking justice, freedom from dependence, independence, and consequently challenging the system of domination and hegemony. It should be noted that the type of research is applied based on the purpose. From the perspective of data analysis: qualitative and in terms of the nature of the research, descriptive-analytical. The method of collecting data and information in this research is documents that have been carried out by referring to the library and article archives, as well as searching electronic and Internet networks. From a theoretical perspective, the present research has used the theoretical model of constructivism.

Keywords: Islamic Revolution, Latin American Revolutions, Ideology, Dominance System, Independence.



1. E-mail: Khosroaram.40@gmail.com

Bolivarianism and Its Impact on the Foreign Policy of Latin American Countries Between 2005 and 2012

Salaheddin Harsani ¹

Lecturer at College for Law and Political Sciences, Mazandaran University and Farhangian University, Noshahr

Received: 2024/11/26 | Accepted: 2024/01/30

Abstract

Bolivarianism is a movement that was formed by Simón Bolívar in Venezuela. The driving force of the Bolivarianism movement was socialism and nationalism, which led to the struggle and liberation revolutions and finally the independence of Latin America from Spanish colonialism. The countries of Venezuela, Cuba, Bolivia, Colombia, Ecuador, Brazil and Argentina are considered the heirs of Bolivarianism in South American countries. Among the leaders of Latin American countries, Hugo Chavez should be considered the leader of the left movement of the Bolivarian revolution and the most important political manifestation of Bolivarianism. From the beginning of his presidency, he called himself a Bolivarian patriot and applied his interpretation of several Bolivarian ideals in the mechanisms of the Venezuelan political system. The main function of the Bolivarian movement is to challenge the system of domination, independence and liberation from the capitalist system. In view of the subject, the concern and purpose of the present study is to describe the legacy of Bolivarianism and its directions, and to evaluate the effects and results of this school of thought on the directions and directions of foreign policy of Latin American countries between 2005 and 2012. The analysis of the research data has shown that: Bolivarianism in South America between 2005 and 2012, through self-help and pursuing the strategy of integration, led to the independence of these countries, non-dependence, radical leftism, and confrontation in order to challenge the hegemony of the United States. It should be noted that the type of research is based on the purpose: applied. From the perspective of data analysis: qualitative and in terms of the nature of the research, descriptive-analytical. as well as searching electronic and Internet networks. From a theoretical perspective, the present study has used the theoretical model of the balance of threat.

Keywords: Bolivarianism, Latin America, socialism, nationalism, independence.



An Ideological and Political Study of Chavism

Mohammad Hossein Zare¹

Master in Regional studies, American studies, Tehran Central Azad University

Ahmad Assadzadeh²

PhD in Strategic Management; Islamic Azad University, Central Tehran

Received: 2024/03/02 | Accepted: 2024/04/06

Abstract

Hugo Chavez, President of the Bolivarian Republic of Venezuela from 1999 to 2013, emerged on the national and international political scene as a promoter of the political discourse of Chavism, which created an image of this theory in front of society. Hugo Chavez left behind a historical political career that led to the formation of staunch supporters as well as domestic and regional opponents. This article seeks to analyze the process of formation of Chavism or Bolivarianism as a political ideology. To do this, a brief historical review of the ideological formation of the late Venezuelan President Hugo Chavez, his views and the consolidation of his leadership will be carried out. The origins and characteristics of this political theory will also be examined. One of the prominent features of this theory was the revolution and complete change in the political foundation of this country. Therefore, Chavez's behavior with politics and the kind of view he had towards other political movements, especially socialism and Marxism, as well as the role of Chavism in the process of strengthening the sense of identification with Venezuelans and bringing the working classes and anti-capitalist behaviors to the fore will also be examined.

Keywords: Bolivarianism, Chavism/Chavezism, ideological review, Venezuela, anti-capitalist.



1. **E-mail:** zaremh1370@gmail.com

2. **E-mail:** zaremh1370@gmail.com m

A Comparative Study of the Birth Ceremony of the Sun in Iran and Bolivia

Mahdi Honarjoo ¹

PhD student in Islamic History, Culture and Civilization, University of Islamic Sciences

Received: 2024/03/04 | Accepted: 2024/03/12

Abstract

Studying the important features of various religions around the world in a completely scientific and objective manner, free from any prejudice, will undoubtedly bring beautiful results. Curiosity about the beliefs, customs and traditions of various cultures and civilizations in the world has always existed for centuries, and every day that passes in the life of historical research, it produces amazing and surprising results. Two cultural regions may be different and contradictory in terms of geography, history and other characteristics and be far apart, but in a specific case they are in harmony with each other. The birth of the sun is one of those customs and traditions that can connect two cultures and civilizations and bring the cultural relations of the two countries closer. The birth of the sun ceremony is held in the Latin American region and in the country of Bolivia by the Imres, and the Cheleh or birth of the sun ceremony is also performed in Iran and is performed according to the Mehr worship and Mithraism rituals. Now, in the present article, a comparative study is conducted between the Sun's Birthday ceremonies in Iran and Bolivia in order to find out the cultural commonalities of these two ceremonies. According to library studies, it is found that the importance of agriculture in the cultural background of both regions and the existence of the cold season and the reduction in the use of sunlight have caused them to have a period of time to celebrate and appreciate the sun, which is reflected in the structure of the Sun's Birthday.

Keywords: Birth of the Sun, Iran, Bolivia, Gate of the Sun, Night of Chele, Inca.



Common Cultural Values of Iran and Latin America

21

Mohammad Hassan Zare¹
Seminary school, level 4

Sujej Hinojosa Colín
Bachelor of Executive Management from Mexico, Professor of Spanish at
the University of Tehran

Received: 2023/12/09 | Accepted: 2024/01/31

Abstract

Iran and Latin American countries, despite many differences in various linguistic, historical and geographical areas, have common social and cultural values in areas such as art, music, literature and religion. Both cultures place great emphasis on respecting the family. In Iran and Latin American countries, family is one of the greatest social values and plays an important role in people's lives. The people of Iran and Latin America are known for their hospitality. This cultural value is strongly emphasized in both cultures and hosting others is considered as an important social hypothesis. Both cultures are very fond of music and dance. In Iran, traditional music and local dances form an important part of the culture. In Latin America as well, music and dances also form a large part of the culture. Both cultures have rich literature that emphasizes human values. Poetry and story writing have been given attention and respect in both of them. Most of the people of Iran are Muslim and majority of Latin American people are Catholic; Both cultures emphasize the importance of religion in everyday life. This emphasis on religion can play a role in strengthening social connections and creating a sense of solidarity in society. Both cultures value history and archeology. Iran with ancient civilizations such as the Achaemenids, Sassanids and Safavids Islamic civilizations and Latin America with civilizations such as the Maya, Aztec, Inca and Olmec, give importance to history and archeology. However, it should be noted that each culture has its own differences and variations, and these shared values should not be understood as a complete match between the two cultures. Therefore, the common cultural values of Iran and Latin America can be a basis for cooperation and mutual cultural interaction and help to increase understanding and empathy between people of two cultures.

Keywords: Iran, Latin America, culture, cultural values.



1. E-mail: joserezareza@gmail.com

Analysis of the Culture of Resistance from an Islamic Perspective

Abd-al-Qader Amini ¹

Director of the Arabic Language and Philology Department, Higher Education Complex
for Language, Literature and Culturology

Saeid Abiri ²

Assistant Prof. and director of department of Islamic Studies in Arabic. Higher
Education Complex for Language, Literature and Culturology

Received: 2024/02/01 | Accepted: 2024/02/04

Abstract

One of the most prominent and important issues in Islamic jurisprudence is the issue of resistance and steadfastness. This meaning came under the title of (defense) in contrast to (jihad), and these are two well-known chapters in Islamic jurisprudence among all Islamic sects and schools of thought. The consequences of the ominous marriage between the systems of political tyranny in the Islamic world and the systems of global arrogance in the West, political, economic and military dependency, scientific and academic inability in many regions of the Islamic world, the cancellation of people's will in their political destiny, the crowding of prisons with young people, the physical liquidations that included many of the sons of this nation, orphanhood and bereavement, ignorance, illiteracy, poverty, economic inability, cultural and scientific backwardness, and... all of these unfortunate cases require resistance, (resistance awareness), (preparation and readiness for resistance), and the dissemination of (resistance culture), positive resistance, negative resistance, popular resistance and armed resistance. It is (resistance) the appropriate tool that is not used other than it in confronting political tyranny from within, and military occupation and political influence from abroad. Accordingly, this article presents a cultural analysis of resistance from the Islamic point of view in order to shed more light on this subject than before, and to be a beacon for the resistance and to weaken the plans of the arrogant.

Keyword: culture, resistance, Islam, revolution, arrogance.



1. E-mail: qaderamini1@gmail.com

2. E-mail: ghasedak_1010@yahoo.com